میکرو فیلم تهیه شد

باز بین شد
۱۳۵۳ خ

مجدداً ۱۱ آذر (۱)

کتابخانه آستان قدس ۱۲۰۲

اسم کتاب تحفة الرضا ع — فارسی

مؤلف محمد حسین بن مرتضی قلی پیشنماز

خطی نسخ و نستعلیق ۱۷ سطری

سال تحریر ۱۳۰۳ عدد اوراق ۱۲۷

جزء کتب ادعیه شماره ۳۰۳

شماره عمومی ۳۱۲۱ شماره قبض

واقف نجف قلیخان تاریخ وقف ۱۳۰۳ ق

طول ۳۰/۱ عرض ۱۹ سانتیمتر قفسه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

شناسنامه آسیب شناسی

نسخه شناسی	عنوان	تحفة الرضا (ع)		
	درجه نفاست	عادی		خطی ☑ چاپ سنگی ○
	تعداد اوراق	۱۲۷	اندازه	۳۰/۱×۱۹
	قطع	رحلی	شماره اموالی	۳۱۲۱
آسیب شناسی و اقدامات مرمتی	درصد تخریب اوراق	۱۰ ○ ۲۰ ○ ۵۰ ○ ۸۰ ○	از هم پاشیدگی عطف	دارد ○ ندارد ☑
	نیاز به جعبه	دارد ○ ندارد ☑	نوع آفت	شیمیایی ○ زیستی ○ فیزیکی ○
	نیاز به جلد سازی	دارد ○ ندارد ☑	نیاز به مرمت جلد	دارد ○ ندارد ☑
	نیاز به مرمت اوراق	دارد ○ ندارد ☑	نیاز به دوخت عطف	دارد ○ ندارد ☑
	نیاز به لکه گیری	دارد ○ ندارد ☑	نیاز به گردگیری	دارد ○ ندارد ☑
	نیاز به آفت زدایی	دارد ○ ندارد ☑	نیاز به اسیدزدایی	دارد ○ ندارد ☑

بررسی کنندگان: ۱. قاسمیان ۲. ابراهیمی ۳.

تاریخ بررسی: ۸۹/۷/۲۵

اقدامات انجام شده:

تاریخ اقدام:

نمبر ۳۰

محمد الرضا علیه السلام

۱۳۴

۱۵۰۹/۳۷

[illegible]

در سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازدید شد

از طرف ... آستان قدس ...
بتاریخ ۳ شهر جمادی الثانی ۱۳۴۲
نمره ثبت کتاب ۳۹۷

باز بین شد
۱۳۵۳ ع

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنای از حد فزون و سپاس و ستایش از عد افزون حضرت مالک الملک
و عظم سلطانه سزاست که در بهار فیض آثار دین داری و در چمن حسن اعتقاد نیکوکرداری
بیش از بیش خویش گلهای گوناگون طاعات و خیرات در گلشن احوال مؤمنین
میرویاند و تازه نهالان دعوات شکسته بالان را به دل نالان از آب اخلاص مندی در
حصول مرادات دو جهانی بارور میگرداند و زمرهٔ مؤمنین را بتعاقب للاری عقل و دین
خود بمدینهٔ باسکینهٔ ارغان نبوت رسانیده و بادراک این دو سعادت عظمی مشرف
ضمیر منیر با و میر زبان صدق بیان پیغمبر خود ندای زنگ از دل زدای الا مَن
مولاه فهذا علی مولاه در داده و آوازهٔ حقیقت مضمون این کلام
عالم انداخته و بنور هدایت محمد مصطفی چراغ ایمان در قنادیل قلوب عارفان برافروخته
و بشمشیر مرتضی خاشاک وجود اعدا را در معارک مجاهدات درهم سوخت کام روا مطلبی که از
او خواسته شود و بار که نوا امید عایی که بر دامن فضل و کرم او گذاشته گردد یا دستیاب
از سروری او عطا کرده و درویشی بدنش تا کلاه خود سروری او بر سر نهاد و جمعی

دعوی چند بر بهر بلا تلخکام ساخت تا در بزم قرب حضرت صمدی باده کرامت ابدی بر ایشان پیمایند و
بر رسم تعزیت و زیارت اولاد پیغمبر خود را در عالم نهاد تا بان بهانه عالم عالم گناه عاصیان روسیاه را
بکرم خود عفو فرماید شمع آهی که در مصایب عظام ایشان از جگر برآید خرمن جرم و خطا را در هم سوزاند
و شعلهٔ ناله که در وقایع جانگداز ایشان از دلهای غمگین مؤمنان زبانه کشد چراغ رستگاری کونین را
برافروزاند با شعهٔ سلامی در روضات مطهرهٔ ایشان طریق رضای ایشان میتوان جست و بقطرهٔ اشکی در
حریم محترم ایشان جای جهان آلایش معصیت از خود میتوان شست و بشکستگی و خضوع در برزخ منور
ایشان تا عرش برخود میتوان بالید و بشرف پابوس عتبهٔ مقدسهٔ ایشان سر افتخار بکیوان میتوان
سائید کدام غمدیده دست امید بر دامن غمگساری ایشان زد که با آستین رحمت غبار ملال از چهرهٔ احوالش
پاک نکردند و کدام ستم رسیده از خار جفای ستمگری شکوه بدرگاه عدالت ایشان برد که به تیشهٔ دادرسی
بیخ حیات ستمگر را از زمین هستی برنیاوردند له الحمد و له الشکر و له المن و له
الملک و هو علی کل شیء قدیر و درود نامعدود و سلام و صلوات
غیر محدود بر سرور عالم و عالمیان و اشرف و افضل آدمیان سید کونین و رسول ثقلین و شمس
مشرقین و بدر خافقین جد حسن و حسین برگزیدهٔ حضرت اله شفیع امت روسیاه حضرت ابو القاسم
محمد رسول الله و بر آل با کمال بیمثالش و دودمان خصال پسندیده فعالش که برگزیدگان خدا و دلیلان راه هدایت اند
خصوصا امیر کل امیر منصوب در غدیر خم صف شکن بدر و حنین و والد حسن و حسین حیدر صفدر فاتح باب خیبر
اسد الله الغالب و سهم الله الصائب مفرق الکتائب و المظهر العجائب امام المشارق و المغارب
امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب و بر سیدهٔ معصومهٔ جلیلهٔ نبیله نونهال روضهٔ احمدی غنچهٔ دل پسند گلشن محمدی

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

مخدومهٔ عالم و عالمیان، مجاور گوشهٔ بیت الاحزان، سیدة النساء، ام الائمة النجباء، فاطمة الزهرا
و بر دو نور دیدهٔ او، دو فرزند برگزیدهٔ او، دو کوکب دری فلک امامت، دو حامی روز قیامت، دو برگزیدهٔ خدا
دو نور چشم حضرت محمد مصطفی، دو شاهباز اوج همت، دو جگر خستهٔ جفای امت، دو امام، دو مقتدا، دو
پیشوا، دو رهنما، دو معصوم، دو مظلوم، دو غریب، دو شهید، دو غمدیده، دو ستم رسیده، اعنی نور دیدهٔ حضرت
پیغمبر، سرور سینهٔ امیر المؤمنین حیدر، جگر گوشهٔ زهرا، از زهر مقتول السم بقیع، مدفون جا بقیع آن دلشکستهٔ شکنج
آن جگر خستهٔ الماس جفا، صاحب محنت و عنا، حضرت امام حسن مجتبی، و شهباز فراز ملکوت، و آن متمکن خلوتسرای
لاهوت، آن شهسوار میدان شهادت، آن شهنشاه کشور سعادت، آن مقتول بی گناه، آن مظلوم داخل بلا
آن پروردهٔ کنار محمد مصطفی، آن آغشتهٔ خاک پر بلای کربلا، آن نور چشم حضرت خیر البشر، آن خونین کفن عرصهٔ محشر
آن محروم چشمهٔ حیات، آن تشنه لب آب فرات، آن آوارهٔ صحرای جفا، آن غریب دشت کربلا، آن بدر منیر
مشرقین، حضرت ابا عبد الله الحسین، صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین الی یوم الدین. اما بعد
بعرض می‌رساند کمترین داعیان و غلامان، اخلص غلامان، این حاجی پر تقصیر قابیل بیشمار حاجی محمد حسین
غفر الله ذنوبهما و ستر عیوبهما بحق محمد و آله الاطهار الابرار که این داعی در ابتدای سن جوانی بتوفیق الهی مرتبه
تربیت عتبه بوسی امام عالم عادل، ممیز حق و باطل، آبروی گوهر مروت، آزاده سرو گلشن فتوت، خازن گنجینه
اسرار ایزد، پسندیدهٔ حضرت پروردگار، کوکب دری فلک امامت، حامی روز قیامت، مالک گنج عرفان، پادشاه
قلعهٔ ایمان، امیدگاه شیعیان، پشت و پناه عاصیان، گره گشای مشکلها، صیقل گر آیینهٔ دلها، نادر راه خدا
محرم حرم کبریا، فخر اهل حرم و خطا، صاحب جود و عطا، نور دیدهٔ اهل عالم، شرف سلسلهٔ بنی آدم، فرزند حضرت
خیر البشر، نور چشم امیر المؤمنین حیدر، جگر گوشهٔ زهرا، از زهر یادگار روز محشر، ثامن ائمهٔ اثنا عشر، شهریار عالمیان

روضهٔ رضویه

سرور زبدهٔ اصفیا، پیشوای اتقیا، پناه غربا، شهید زهر جفا، عاشر شهدا، الامام بن الامام بن الامام
الهمام بن الهمام بن الهمام، سلطان سریر عز و احتشام، الکریم بن الکریم، ذی الفضل العمیم، صاحب تسلیم و رضا
حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه التحیة و الثنا رسیده، و مدتی در خدمت آنحضرت توقف
نموده بتحصیل علوم دینی و کسب معارف یقینی به برکت آنحضرت فایز گشته، مباحثهٔ تفسیر کلام ربانی و
مقابلهٔ احادیث حضرت رسالت پناهی در خدمت مشایخ عظام و علمای کرام سکنهٔ این آستان ملایک
پاسبان رحمهم الله که از جملهٔ ایشان شیخ محمد حر عاملی سکنه الله فی الجنان العالی بود بعمل آورده و بشرف
اجازات از مشایخ عظام و علمای کرام علیهم رحمة الله الملک العلام سرافراز گشته و از قبسات فیض این
آستان بشمع علم و عرفان در فانوس جنان افروخته، بعد ها قریب به بیست سال شد که از خدمت آنحضرت
مفارقت نموده بزیارت بیت الله الحرام مشرف و سلام آنحضرت را در مدینهٔ طیبه بخدمت جد حضرت
رسول الله صلعم و جدتین و والدهٔ ایشان خدیجهٔ کبری و فاطمه بنت اسد و فاطمهٔ زهرا ع و آبای کرام ایشان ائمهٔ اربعهٔ
بقیع علیهم الصلوة و السلام الی یوم الدین برده و مدت یکسال و کسری نیز در حرم خدا و حرم رسول خدا صلعم
مجاور گشته و بعد ها مکرر بشرف عتبه بوسی حضرت امیر المؤمنین و حضرت ابا عبد الله الحسین و کاظمین
و سرمن رای علیهم الصلوة و السلام مشرف و سرافراز شده، در این مدت دائما آرزوی معاودت و شرف
زیارت و عتبه بوسی امام ثامن ضامن علیه السلام در دل حزین غمگین بود و همیشه از درگاه رب العزة
ادراک این سعادت عظمی را مجددا مسئلت مینمود تا اینکه رایات جاه و جلال اعلی حضرت ابراهیم منزلت
اسمعیل فطنت، داود صولت، سلیمان حشمت، یوسف شوکت، رافع اولیاء الله، خافض اعداء الله، حافظ
بلاد الله، حامی عباد الله، افتخار العترة الطاهرة، سلالة الائمة الباهرة، محیی مراسم الائمة المعصومین، ناصب الویه

شریعت سید المرسلین عون الله بین العالمین قاهر الظلمة والمتمردین رافع آثار البدعة وماحی نقوشها
جاعل مبانی الظلم خاویة علی عروشها المتخلق باخلاق الاحمدیة والحیدریة المتصف بصفات الحسنیة والحسینیة
ظل المهیمن که عقل خرد بزبان حال بر گوش ساکنان آستان رفیع البنیانش شب و روز میگوید امیدوار
باش که للطفیب بیشمار نکبت کف سؤال که فیضیت دیگران وهم بر ضمیر منیر حاجب میدان درگه منیع
المرتبه اش هردم جلوه میدهد که محالست که سر بر این درگهی که بار آیدت دست حاجت تهی ملایک سپاهی
که هر متجبر گردنکش و متکبر سرافراز که سر از گریبان عصیان وطغیان او بر آورد از صدمه صولت جباری
وسطوت هیبت قهاری گردن تجبرش شکسته گردد تیر برفرق تکبرش نشیند و هر که بقصد نافرمانی او
زین بر توسن جفا نهد عنان اقبالش از دست رفته چون رکاب پی مال ادبار شود بانی عدل و احسان رایل
کننده ظلم و عدوان دادرس فریادرسان شکننده گردنکشان ناصر اهل اسلام حامی علمای اعلام پناه
پادشاهان عرب وعجم امیدگاه خلق عالم صاحب کرم وجود معطی ممالک و نقود حافظ بیضه اسلام مالک
رقاب انام بخشنده ملک و مال سایه رحمت ذوالجلال رافع لوای یقین پادشاه زمان و زمین بید رحمت رب العالمین
ظاهر کننده دین مبین زایر فرزند دلبند حضرت سید المرسلین خلاصه اولاد حضرت امیر المؤمنین المختص
من لدن حکیم علیم بلطف عمیم وفضل جسیم اعنی مروج مذهب حق اثنی عشر فرزند برگزیده حضرت خیر البشر
السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان ابو المظفر ابو المنصور شاه سلطان حسین الصفوی
الموسوی الحسینی بهادرخان که اسم اشرفش از بینات ظل الله الکافی بر نیته ظاهر و هویداست این حجر
شاهیست بر سریر بهی خلد الله ظله ابدا ملک اسلام در حمایت او شرع در سایه رعایت او ایزدش
داده مسند شاهی صیت عزش زماه تا ماهی اللهم اقرن ایام دولته بظهور صاحب

۱۸۰۱۰

هذه الامة وطول اعوام عمره الی قیام الساعة واعن اعوانه
بالنصر والغلبة واشدد ارکانه بملك لا زوال له وهب للمتحیز
الی جنابه مکانا علیا ولا تجعل للمعرضین عن بابه ولیا ولا
نصیرا وهذا دعاء لا یرد فانه صلاح لاصناف البریة شامل لا ذوال
ایام دولته عالیة وقیمة العلم من آثار ربوبیته غالیة من قال آمین
ابقی الله مهجته فان هذا دعاء یشمل البشر متوجه بلاد خراسان وعازم زیارت امام
الانس والجان بتاریخ مضمون ندای منادیان ماه تا بماهی زیارات شاهی قبول الهی شده جمیع امرای نامدار
وخواقین وسلاطین ذوی الاقتدار وعلمای اعلام وفضلای کرام و داعیان وغلامان با خلاص توامان و
سایر سپاه وطوایف انام فزون از حد و حساب در رکاب ظفر انتسابش بشرف عتبه بوسی آن پیشوای
اتقیا وزبده اصفیا و پناه غربا شهید زهر جفا امام هشتم قبله هفتم مفتخر و باین سعادت عظمی ونعمت بی منتهاء
بابین سلاطین العرب والعجم وملوک طوایف الامم ممتاز و سرافراز شدند این غلام داعی از آرزوی
قدیم این سعادت عظیم بی طاقت گشته با وجود احوال کثیر الاختلال از شداید زمان و مصایب جهان
ز سر کرده قدم وز دیده نعلین افتان و خیزان بتوفیق الهی در خدمت سابق شاهنشاهی خود را بشرف صح
سراسر سعادت عتبه بوسی آن مولای مؤمنان و پشت وپناه شیعیان و امیدگاه متقیان در بیست عید
ماه شهر ربیع الاول و پابوس نواب کامیاب سپهر رکاب که هزار جان این غلامان داعی فدای نام
مبارکش باد در روز عید مولود نبوی صلی الله علیه و آله سابع عشر شهر مذکور سنه مذبوره مشرف نموده بود از اداء
این سعادتها بخاطر ناقص رسید که چون این بنده داعی که از جمله غلامزادگان قدیم این دودمان خلافت

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی

نشانت و اجداد فقیر بیمن برکت سلاطین صفویه انار الله برهانهم از کفر و ضلالت نجات یافته
بتوفیق هدایت سرافراز و همیشه بنوازشات پادشاهانه و الطاف خسروانه ممتاز بوده اند قبل ازین
کتاب شافی کافی بزبان فارسی موسوم بهدایة السالکین بنام نامی آن ظل الله فی العالمین در بیان مسائل حج
بیت الله الحرام و ادعیه و آداب مشعر و مقام و قواعد زیارت حضرت خیر الانام و فاطمه زهرا علیها السلام
و ائمه اربعه بقیع علیهم التحیة والسلام الی یوم القیام بنهایت اهتمام در جمیع ما یحتاج الیه الانام فی هذا المقام
تالیف و بنظر کیمیا اثر آن مروج مذهب حق اثنی عشر رسانیده بتوجهات و نوازشات بلانهایات
شاهنشاهی بین الاقران و الامثال مفتخر و سرافراز گردیده در اینوقت نیز مختصری تالیف نماید که مشتمل باشد
بر حسب و نسب و کیفیت شهادت و فضایل و مناقب و ثواب زیارت و آداب و ادعیه و طریقه زیارت
حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا بنحوی که تا حال مثل آن تالیف درین باب نشده
و باین ترتیب احدی بیان ننموده باشد و با وجود اختصار مشتمل باشد بر اکثر ما یحتاج الیه و محتوی باشد
ع ما یرید علیه تا موجب زیادتی بصیرت و عرفان شیعیان و زایران آن امام انس و جان شود و از
سایر کتب مستغنی بوده در زیارات انبیا و اوصیا و ائمه هدی و غیرهم نیز بآن اکتفا توان نمود با وجود
اختلال احوال و ضیق مجال و تفرقه حواس و عدم اسباب و انزوای کنج غربت بعون و قوه الهی و برکت حضرت
رسالت پناهی و باستمداد ائمه اطهار سیما آن امام ابرار تالیف این مختصر که موسوم شد بتحفة الرضا
بنام نامی آن پادشاه جمجاه دین پناه ظل الله جانم فدا که نامه و نامش مبارک گشت بخوشترین وضعی میسر
و مرزوق گشت امیدوار از جانب رب رحیم آنکه در نظر کیمیا اثر آن پادشاه جمجاه عدل گستر مستحسن و مقبول افتد
بحق محمد و آله الامجاد و ان وقع فی حیز القبول فهو نهایت المأمول بتوفیق خداوندی که از جود رساند بنده خود را بمقصود

ان کتاب

این کتاب مرتب است بمقدمه و هشت باب و خاتمه مقدمه در اسم شریف و کنیت و لقب و نسب و کیفیت ولادت
و تاریخ ولادت با سعادت حضرت امام همام ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا باب اول در
بیان بعضی از فضایل و معجزات حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا بر سبیل اختصار باب دویم در بیان سبب و کیفیت
تشریف آوردن حضرت امام رضا ع بخراسان و کیفیت شهادت و غسل و کفن و دفن و تاریخ شهادت
و عمر شریف و مدفن و عدد اولاد آنحضرت باب سیوم در ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا
بر سبیل اقتصار و تحقیق معنی قبله هفتم در ضمن حدیث هشتم و حدیث دعبل خزاعی و حکایت قصیده او در
حضرات رفیع الدرجات و اخبار بعضی از وقایع غریبه که در روضه منوره و حرم محترم آنحضرت واقع شده
باب چهارم در آداب و قواعد و شرایط و مقدمات زیارات حضرات باب پنجم در زیارات مخصوص حضرت
امام رضا ع که روایت و نقل شده باب ششم در زیارات جامعه که هریک از حضرات ائمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین را بآن زیارت میتوان نمود باب هفتم در ادعیه که خواندنش بعد از زیارت هریک از حضرات
ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین در جانب سر مبارک ایشان مناسب است باب هشتم در زیارات جامعه که
هریک از اولاد ائمه ع را بآن زیارت میتوان نمود و زیارات جامعه که هریک از انبیاء سلف علیهم السلام را
بآن زیارت میتوان کرد و ثواب زیارت حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر ع در قم و زیارت امامزاده
عبد العظیم ع در ری و زیارت قبور مومنین خاتمه در زیارت ائمه ع بنیابت برادران هر باب آن گلزار شد
پر از شقایق و حقایق و هر مبحث آن خزینه مملو از جواهر دقایق پس غافل از آن گلزار و از هر مبحث آن
حصه بردار ز هر حرفش روان گذر چه خامه بهر حرفش فرو رو چون سیاهی دود دور از فواید آن نه
محروم باید نمود و بانصافانه در عیب جویی آن نباید بود و در بهره بردن خویش از این مختصر باید نمود

تا نشود پاک دل عیب‌ناک * بهره نیابد ز سخنهای پاک * الهی که ثواب آن تا یوم المحشر * بروزگار فرخنده آثار
آن پادشاه دین‌پرور * و فرزند برگزیده حضرت خیر البشر * و بروح کثیر الفتوح نواب طوبی مکان * قدس شأنه
نور الله مضجعه واصل و عاید گردد * آمین یا رب العالمین مقدمه در اسم شریف و کنیت و لقب و نسب و کیفیت ولادت
و تاریخ ولادت آنحضرت است اسم مبارک آنحضرت علی ع و کنیت آنحضرت ابو الحسن است و القاب آنحضرت را
صابر و فاضل و رضی و وفی * و قرة اعین المؤمنین * و غیظ الملحدین * نقل کرده‌اند و مشهورترین القاب آنحضرت
رضا علیه التحیة و الثنا است شیخ ابن بابویه بسند معتبر از بزنطی روایت کرده است که بخدمت حضرت امام محمد
تقی ع عرض کردم که جمعی از مخالفان شما میگویند که والد بزرگوار شما را مأمون ملعون ملقب برضا نمود در وقتیکه
آنحضرت را ولی عهد خود نمود و راضی بولایت عهد او شد آنحضرت فرمودند که بخدا قسم که دروغ میگویند
بلکه حق سبحانه و تعالی او را برضا مسمّی گردانید برای آنکه او پسندیده خدا بود در آسمان و حضرت رسول الله
ص و ائمه هدی علیهم السلام در زمین از او راضی و خوشنود بودند و او را برای امامت پسندیدند عرض کردم
که آیا همه پدران بزرگوار تو پسندیده حق تعالی و حضرت رسول الله ص و ائمه هدی علیهم السلام نبوده‌اند فرمودند
که بلی بوده‌اند عرض کردم که پس بچه سبب و جهت آنحضرت در میان ایشان ملقب باین لقب گرامی گشت
فرمودند از جهت آنکه مخالفان و دشمنان نیز آنحضرت را پسندیده و راضی بوده‌اند باو چنانچه موافقان
و دوستان از او خوشنود و راضی بوده‌اند اتفاق دوست و دشمن بر خوشنودی و رضا مخصوص آنحضرت بود
باین سبب باین لقب گرامی ملقب شد و ایضا بسند معتبر روایت کرده که حضرت امام موسی کاظم ع
همیشه فرزند گرامی خود را رضا مینامید و میفرمود که بخوانید این فرزند ارجمند مرا رضا و چون با آنحضرت
خطاب میکرد آنحضرت را ابو الحسن میگفت و نسب عالی آنحضرت علی پسر حضرت امام موسی کاظم پسر

حضرت امام جعفر صادق پسر حضرت امام محمد باقر پسر حضرت امام زین العابدین پسر حضرت امام
حسین علیهم السلام است و حضرت امام حسین ع از آن پسر فاطمه زهرا بنت حضرت رسول الله محمد
ابن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف است و از آن پسر حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف است نور نبوت و ولایت از صلب عبد المطلب دو شعبه گشته
نور نبوت منتقل بعبد الله شد که از او حضرت رسول الله ص بهم رسید و نور ولایت منتقل با بیطالب شد
که از او حضرت امیر المؤمنین ع حاصل شد چنانچه روایت شده از ابن عباس که او گفت که روزی در خدمت
حضرت رسول الله ص بودیم حضرت امیر المؤمنین ع پیدا شد و چون نظر مبارک حضرت رسول ص بر حضرت
امیر المؤمنین افتاد تبسم نمود و فرمود که مرحبا بکسیکه حق تعالی او را پیش از آدم خلق کرده است
بچهل هزار سال گفتیم یا رسول الله آیا میتواند بود که فرزند پیش از پدر مخلوق شود فرمودند که بلی حق تعالی
خلق کرد نور مرا و علی را پیش از خلقت آدم بچهل هزار سال پس آن نور را دو نیم کرد و از نصف او
مرا خلق کرد و از نصف دیگر علی را آفرید پیش از آنکه اشیاء دیگر را بیافریند و انهار را از نور من
و نور علی منور گردانید پس ما را در جانب راست عرش خود جا داد و بعد از ما ملائکه را آفرید و
چون ما تسبیح و تهلیل و تکبیر و تحمید حق تعالی مینمودیم ملائکه از ما آموختند تسبیح و تکبیر و تهلیل
و تحمید حق تعالی را پس حق تعالی چنین مقرر فرمود که دوست من و علی داخل جهنم نشود و دشمن
من و علی داخل بهشت نشود و بدرستیکه حق تعالی ملکی چند آفریده است که در دست ایشان است
ابریقهای از نقره بهشت و پر کرده‌اند ابریقها را از آب حیات که چشمه‌ایست از جنة الفردوس
پس چون اراده نماید پدری از شیعیان علی که با مادر او مقاربت نماید در وقتی که حق تعالی میخواهد که نطفه

آن شیعه منعقد شود یکی از آن ملائکه فرو آید و از آن آب بهشت که در ابریقهای نقره بهشت در دست دارد
قدری میریزد و داخل میکند در آبی که در آن وقت پدر شیعه می‌آشامد و آن آب با نطفه او مخلوط میشود
پس بدین سبب میروید در دل او محبت من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین ع
پس حضرت فرمود که شکر میکنم خداوندی را که محبت علی ع و ایمان باو را سبب دخول بهشت و نجات
از جهنم گردانیده است شیخ طوسی علیه الرحمه بطریق مخالفان روایت کرده از انس بن مالک که روزی
حضرت رسالت پناه صلعم بر استر خود سوار شد و بنزدیک کوهی رفت و از استر بزیر آمد و فرمود که ای
انس این استر را بگیر و برو بفلان موضع در آنجا علی ع را خواهی یافت که بسنگ ریزه تسبیح حق تعالی میکند
چون او را به بینی سلام مرا باو برسان و او را بر این استر سوار کن و به نزد من بیار انس گفت که چون بخدمت
آنحضرت رسیدم سلام حضرت را باو رسانیدم و او را بر استر سوار کردم و در رکاب او روانه شدم
چون دیده او بحضرت رسول صلعم افتاد گفت السلام علیک یا رسول الله حضرت رسالت پناه فرمودند علیک
السلام یا اباالحسن بیا به نزد من بنشین که این موضعیست که هفتاد پیغمبر مرسل در این موضع نشسته اند
و من از همه ایشان بهترم و بجای هر پیغمبری برادری از و نشسته است که تو از همه اینها بهتری ناگاه دیدم که ابری
بر سر ایشان پیدا شد و نزدیک بر سر ایشان شد پس حضرت رسول الله صلعم دست دراز کرد و خوشه
انگوری از میان ابر گرفت و در میان خود و علی ع گذاشت و گفت بخور ای برادر من که این هدیه ایست از
جانب حق تعالی بسوی من و بسوی تو انس گفت گفتم یا رسول الله علی ع برادر تو است حضرت رسالت پناه
فرمودند که بلی عرض کردم که یا رسول الله بیان فرمایید که او چگونه برادر شماست حضرت فرمود که حق تعالی
آبی آفرید در زیر عرش قبل از آنکه آدم را بیافریند بسه هزار سال و آن آب را در مروارید سبزی جا داد

تا آنکه

تا آنکه آدم ع را آفرید پس آن آب را در صلب آدم جاری گردید چون آدم را برحمت خود برد آن آب را
بصلب شیث منتقل گردانید و همچنین پیوسته آن آب را از پشتی بپشتی از اصلاب طاهره انبیا
و اوصیا منتقل میساخت تا آنکه بصلب عبدالمطلب رسید پس در آنجا آنرا بدو نیم کرد و نصف آنرا بصلب عبدالله
و نصف دیگر را بصلب ابوطالب نقل فرمود پس من از یک نصف آن بهم رسیدم و علی ع از نصف دیگر
و باین سبب علی ع برادر من است در دنیا و آخرت پس حضرت این آیه مبارکه را تلاوت فرمودند

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا

یعنی و اوست خداوندی که آفرید از آب بشر را پس او را صاحب و داماد گردانید و پروردگار تو قادر است
بر آنچه خواهد و اراده نماید و در حدیث دیگر فرمود که باین سبب علی ع از من است و من از علی ع ام گوشت او
گوشت من است و خون او از خون من است و هر که مرا دوست دارد بدوستی من البته علی ع را دوست میدارد
و هر که مرا دشمن دارد بدشمنی من علی را دشمن میدارد بعرض میرساند این غلام داعی که احادیث از طرق
موالف و مخالف در اتحاد نور حضرت رسول الله و حضرت امیرالمؤمنین و انتقال آن از اصلاب طاهره
بارحام مطهره تا بعبدالمطلب و دو نصف شدن نور از و بعبدالله و ابوطالب متواتر و مکثر است ایراد
جمیع غیر ممکن و بعضی کثیر باعث طول بود لهذا اقتصار بمذکور شد حدیث اول خلقت نور و دو نصف بودن
نصف بصورت حضرت رسول الله و نصف دیگر بصورت حضرت ولی الله و جا دادن در جانب راست عرش
در تسبیح و تهلیل و تکبیر و تحمید حق تعالی و هدایت و تعلیم ملائکه مقربین چهل هزار سال قبل از خلقت آدم بود
و حدیث ثانی آنست که باز هر دو نور یکی و بصورت آب بجهت اجری در اصلاب طاهره قبل از خلقت آدم ع
بسه هزار سال شد احدی تصور مخالفت و تنافی بین الحدیثین ننماید و بعد از جدا شدن در عبدالمطلب

وصف ام [illegible]

بمنطوق مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ از حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیهما بیکدیگر
متصل شده ائمهٔ اطهار ابرار ع از هر دو نور مخلوق شدند چنانچه حق تعالی فرموده يَخْرُجُ مِنْهُمَا
اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ بلکه شهادت در رف ره خون آلود
حضرت امام حسین ع نیز در نزد اهل خرد و فهم از لفظ والمرجان مفهوم میشود و معهذا که حدیث صریح در
تفسیر اللؤلؤ و المرجان بحضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلم وارد شده و باین سبب حضرات
ائمهٔ معصومین علیهم السلم فرزندان رسول خدایند و ایشانرا ابن رسول الله میگفته اند مأمون ملعون
با وجود فضل و کمال و شعور تمام ازین معنی غافل گشته یا تعمد نموده نسب شریف حضرت امام ثامن امام رضا
علیه التحیة والثنا را بحضرت رسول الله صلعم مساوی نسب خود دانسته روزی بحضرت امام رضا ع گفت که من از
اولاد عباس عم حضرت رسول الله ام و تو نیز از اولاد ابوطالب عم حضرت رسالت پناهی قرابت تو
بحضرت پیغمبر ص با من در یک مرتبه است بچه جهت ترا فرزند حضرت رسول الله میگویند و مرا نمیگویند آن
نور حدقهٔ محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمهٔ زهرا فرمودند که مراد از جواب این معاند از مأمون ملعون ابرام نمود
چون فیمابین عرب نسب باب معمول و شایع بود و محتمل که مقصود آن ملعون نیز این بوده باشد که آنحضرت
نسب فاطمی گرامی خود را بیان فرمایند بعد از آن آن ملعون با انواع عیب و سرزنش نمایند که افتخار
بمادر مینمایید و نسب پدری را ترک نموده نسبت مادری را ثابت میفرمایید لهذا آن منبع علم و کمال دست از
اسم و نام والدهٔ بزرگوار و والدهٔ عالیمقدار خود با نهایت وضوح بر داشته جواب گلوگیر و دندان شکن
هر منافق و غماض که دیگر مأمون ملعون و اصحاب او نفس نتوانند کشید فرمودند آنحضرت که مأمون
ملعون گفت ای مأمون هر گاه امروز حضرت رسول خدا صلعم در حیوة باشند و دختری داشته باشند

بدو تزویج

و بتو تزویج نمایند آیا دختر پیغمبر را خواستگاری میکنی یا نه مأمون گفت که بلی و منت نیز میدارم و باعث
افتخار خود میدانم حضرت فرمودند که آیا من دختر پیغمبر را تزویج میتوانم کرد گفتند نه پس آنحضرت ع
فرمودند که پس معلوم شد که من فرزند رسول خدا ایم و تو نیستی بجهت آنکه نسب هرگاه مساوی میبود
بایست که هر دو تزویج نتوانند نمود یا هر دو تزویج توانند نمود فی الحقیقه جواب کافی شافی چنینی در مقابله
آن ملعون و ملایان دیگر در مقام خدعه و غیر بوده اند معجزه ایست از آن حضرت ع و والدهٔ آنحضرت علیه السلم
ام ولدی بود که او را تکتم و نجمه و اروی و سمان و سکن میگفتند و خیزران و صقر او شقرا نیز گفته اند
و مکنی بام البنین بود شیخ کلینی و شیخ ابن بابویه قدس سره و مشایخ دیگر علیهم الرحمه از هشام بن احمر روایت کرده اند
که گفت روزی حضرت امام موسی کاظم ع از من پرسید که آیا خبر داری که کسی از برده فروشان مغرب زمین آمده باشد
عرض کردم که خبر ندارم آنحضرت فرمودند بلی بتحقیق که مردی آمده است بیا تا برویم بنزد او پس آنحضرت سوار شد
و من نیز در خدمت آنحضرت سوار شدم چون بمحل معهود رسیدیم دیدیم که مردی از تجار مغرب آمده و بروایت
شیخ کلینی از اهل مدینه آمده و غلامان و کنیزان بسیار آورده حضرت فرمود که کنیزان خود را بما بنما او نه
کنیز و بروایت شیخ کلینی تا هفت کنیز بما نمود و هر یک را حضرت میفرمود که این را نمی خواهم دیگری را بیاور و چون
بنه یا بهفت رسید آن مرد گفت که دیگر کنیزی ندارم حضرت امام موسی کاظم ع فرمودند که داری و باید که
بیاوری اما او گفت که بخدا قسم که ندارم مگر یک کنیز بیمار حضرت فرمود که او را بیار آن مرد مضایقه و ابا از
نمودن آن کنیز بیمار نمود چون آن مرد مضایقه و ابا نمود حضرت مراجعت فرمود روز دیگر مرا نزد آن مرد فرستاد
و فرمود که نزد آن مرد برو و بگو آنچه در نظر داری در قیمت کنیز بیمار بگو و بهر قیمت که بگوید بگو که باین قیمت خریدم
او را خریده بنزد من بیار چون بنزد آن مرد رفتم و آن کنیز را طلب کردم و بنحویکه حضرت فرموده بود با او

تکلم کردم قیمت بسیار گفت گفتم من باین قیمت خریدم او گفت من نیز فروختم ولیکن مرا خبر ده که آن مرد بزرگ
قدر که دیروز همراه تو بود که بود گفتم مردیست از بنی هاشم گفت از کدام سلسله بنی هاشم گفتم نیست در نزد
من بیش ازین گفت من خبر دهم ترا ازین کنیز من این را از اقصی بلاد مغرب خریدم روزی زنی از اهل کتاب
این کنیز را با من دید گفت این چه کنیز است با تو و این را از کجا آورده گفتم این کنیزیست که از برای خود
خریده ام گفت سزاوار نیست که این کنیز در نزد تو و مثل تو مردی باشد می باید که این کنیز در نزد بهترین
اهل زمان باشد و چون بتصرف او در آید بعد از اندک زمانی پسری ازو بوجود آید که در مشرق و مغرب
مثل او متولد نشده و اهل مشرق و غرب زمان اطاعت او نمایند چون آن کنیز را گرفته بنزد آنحضرت
آوردم بعد از اندک زمانی حضرت امام رضا علیه السلام ازو متولد شد شیخ ابن بابویه و غیره بسند معتبر
روایت کرده اند که حمیده خاتون مادر امام موسی کاظم ع که از جمله اشراف و بزرگواران عجم بود کنیزی خرید
و او را تکتم نام نهاد و آن جاریه سعادتمند بهترین زنان بود در عقل و دین داری و حیا و خاتون خود
حمیده را بسیار تعظیم مینمود و از روزی که او را خریده هرگز در نزد او ننشسته برای تعظیم و اجلال او
و بنا بر روایت معتبر دیگر چون حمیده خاتون نجمه را خرید شبی حضرت رسول الله ص را در خواب دید و
آنحضرت باو گفت که ای حمیده نجمه بفرزند خود موسی تملیک کن که ازو فرزندی بهم خواهد رسید که
بهترین اهل زمان باشد باین سبب حمیده خاتون نجمه را بحضرت بخشید و او باکره بود و بنا بر روایت اول
حمیده خاتون بحضرت امام موسی ع گفت که ای فرزند گرامی تکتم جاریه ایست که من بهتر ازو ندیده ام در زیرکی
و محاسن آداب و اخلاق نظیر ندارد و میدانم که نسلی که ازو بوجود آید پاکیزه و مطهر خواهد بود و او را بتو
می بخشم و از تو التماس میکنم که رعایت حرمت او کنی چون حضرت امام رضا ع ازو بوجود آمد او را طاهره

نامیدند و حضرت امام رضا علیه السلام شیر بسیار می آشامید روزی طاهره گفت که نوبت که
مرضعه دیگر بهم رساند که مرا یاری کند گفتند که مگر شیر تو کم شده و کمی میکند گفت دروغ نمیتوانم
گفت بخدا قسم که شیر من کم نیست ولیکن نوافل و اورادی که داشتم و با آنها عادت کرده بودم
بسبب اشتغال بشیر دادن کم شده است باین سبب معاون میخواهم که اوراد و نوافل خود را ترک ننمایم
بسند معتبر از نجمه مادر آنحضرت روایت شده که گفت که چون حامله بآنحضرت شدم هیچ
نوع ثقل حمل از خود احساس نمیکردم و چون بخواب میرفتم صدای تسبیح و تحمید و تهلیل حق تعالی از شکم
خود می شنیدم و خایف و ترسان می شدم و چون از خواب جسته بیدار میشدم صدایی نمی شنیدم
و چون آن پسر از من متولد شد دستهای خود را بر زمین گذاشت و سر مطهر خود را بسوی
آسمان بلند کرد و لبهای مبارکش حرکت میکرد و سخن میگفت که من نمی فهمیدم در آن ساعت حضرت امام
موسی علیه السلام بنزد من آمد و فرمود که گوارا باد ترا ای نجمه کرامت پروردگار تو پس آن فرزند سعادتمند را
در جامه سفیدی پیچیدم و بآنحضرت دادم حضرت در گوش راستش اذان نماز گفت و در گوش چپش اقامه
گفت و آب فرات طلبید و کامش را بآن آب برداشت پس بدست من داد و فرمود که بگیر این را که
این بقیه خداست در زمین و حجت حق تعالی است بعد از من و ابن بابویه علیه الرحمه بسند معتبر از حضرت
امام موسی کاظم ع روایت کرده که روزی حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا متولد شد آنحضرت فرمود
که این فرزند من ختنه کرده و پاک و پاکیزه متولد شد و جمیع ائمه علیهم السلام چنین متولد میشوند ولیکن
ما تیغ در موضع ختنه ایشان میگردانیم از برای متابعت سنت پیغمبر ص و تاریخ ولادت آنحضرت را
بعضی پنجشنبه و بعضی جمعه گفته اند شیخ ابن بابویه ره بسند معتبر روایت کرده که آنحضرت در مدینه

مشرفه در روز پنجشنبه یازدهم شهر ربیع الاول سال صد و پنجاه و سیم هجرت متولد شد بعد از وفات
جد عالیمقدارش امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع به پنج سال شیخ کلینی و شیخ مفید و
شیخ طوسی ره تولد آنحضرت را در سال صد و چهل و هشت از هجرت ذکر کرده اند شیخ طوسی روز جمعه
یازدهم ماه ذی القعده گفته و بعضی دیگر یازدهم ماه ذی الحجه صد و پنجاه و سه گفته اند نقش خاتم آنحضرت
ما شاء الله لا قوة الا بالله و بروایت دیگر حسبی الله و بروایت کفعمی انا لله
ولی بود باب اول در باب بعضی از فضایل و معجزات آن حضرت فضایل و معجزات آنحضرت زیاده
از حد و حساب است این کتاب بلکه هیچ کتاب گنجایش عشر عشیر آن را ندارد تیمنا بذکر ده و از ده فضیلت و
معجزه آنحضرت بعدد ائمه اثنی عشر علیهم السلام الی یوم المحشر اقتصار شد فضیلت اول مرویست بطرق
متعدده که حضرت امام موسی کاظم ع پسران خود را جمع کرد و گفت که برادر شما علی عالم آل محمد است
پس از وی بپرسید آنچه بر شما مشکل بوده باشد و هر چه گوید و فرماید آنرا نگاه دارید و اطاعت او نمایید
پدر بزرگوارم حضرت امام جعفر صادق ع مکرر میفرمودند که عالم آل محمد در صلب تست کاشکی ادراک زمان
او می نمودم و او را میدیدم که او هم نام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و از آنحضرت علوم لدنی باو
منتقل شده فضیلت دویم شیخ مفید علیه الرحمه بسند صحیح روایت نموده از یزید بن سلیط که او روایت
در حدیث طویلی از امام موسی کاظم ع که پدر رستیکه آنحضرت فرمودند در سالی که بجوار رحمت ایزدی انتقال
می نمودند که پدر رستیکه من درین سال از دار فانی بدار باقی خواهم رفت و امامت و ولایت مفوض و
مرجوع است به پسرم علی هم نام علی و علی اما علی اول علی بن ابیطالب ع و علی دویم حضرت امام زین العابدین علی
بن الحسین علیه السلام است و عطا کرده است حق تعالی باین پسر من علی فهم و عقل و حکم و حلم و نصرت و یاری

دوستی

دوستی و اراده دین داری علی اول را که حضرت امیر المؤمنین ع باشد و محنت و غم و الم و صبر بر
ناخوشیهای علی ثانی را که حضرت زین العابدین ع باشد فضیلت سیوم جید بن ناجی روایت کرده که شبی
حضرت رسالت پناه محمدی ص را در خواب دیدم که به بناح آمده بمسجدی تشریف آورده که حاجیان در آنجا
فرود می آمدند من بخدمت آنحضرت رفتم و سلام کردم در نزد آنحضرت طبقی دیدم از برگ خرما بافته
پر از خرمای ترصیحانی آنحضرت کفی از آن گرفت و بمن داد شمردم هیجده دانه خرما بود با خود گفتم بعدد هر دانه
خرما یک سال زنده خواهم بود بعد از بیست روز خبر بمن رسید که حضرت امام رضا علیه السلام بدین موضع
تشریف آورده اند و در همان مسجد فرود آمده اند جوق جوق مردمان بخدمتش میرفتند من نیز
رفتم چون داخل مسجد شدم دیدم که حضرت امام رضا ع در همان مکانیکه حضرت پیغمبر ص را در خواب
دیده بودم نشسته و در همان جا ساکن گشته و در نزد آنحضرت همان خرمای ترصیحانی در طبق چنانی
پیش آنحضرت نهاده بر آنحضرت سلام کردم جواب باز داده و مرا نزدیک خود طلبید و کفی از آن خرما
بمن عطا فرمود قدری بعقب رفته شمردم هیجده خرما بود عرض کردم یا ابن رسول الله قدری دیگر از این خرما
به بنده عطا فرما و مراد درین طلب غرضی بود و آن حضرت فرمودند که اگر حضرت رسول الله بتو بیشتر
میداد من نیز میدادم فضیلت چهارم شیخ کلینی و شیخ مفید و غیر ایشان روایت کرده اند بطریق معتبر از غفاری
که او گفت مردی از آل ابی رافع آزادکرده رسول خدا ص که اسم او طیس بود از من حقی طلب داشت
پس تقاضا بمن نمود و ایستاد و الحاح می نمود و بنا بر روایتی در مسجد ایستاده فریاد میکرد که غفاری
مال مرا خورده است و پس نمیدهد و مردمان بر من جمع شدند و یاری او مینمودند پس چون چنین دیدم
نماز صبح را در مسجد حضرت رسول الله ص گذاردم و متوجه خانه مبارکه حضرت امام رضا ع شده رو بآن قبله

هفتم مؤمنان و شیعیان نمودم و آنحضرت در نیوقت در عریض تشریف داشتند چون نزدیک خانهٔ
آنحضرت رسیدم دیدم که آنحضرت ع از خانه بیرون آمد بر الاغی سوار شده و ردای لهنی پوشیده و ردائی
بر دوش مبارک افکنده و چون نظرم بر آنحضرت افتاد حیا مانع شد ایستادم پس چون آنحضرت بمن رسید
ایستاد و نظر مرحمت بسوی من افکند پس من بر آنحضرت سلام کردم و بگریه درآمدم ماه مبارک
رمضان بود پس عرض کردم که حق تعالی مرا فدای تو گرداند بدرستیکه بنده و آزادکردهٔ شما طلبی از
من حقی طلب دارد و بخدا قسم که او مرا بدنام و مشهور نموده بخوردن مال کسان و مراد از نیوقت اداء آن
مقدور نیست و در خواطرم آن بود که آنحضرت او را امر فرمایند که چند روزی دست از من بردا شته
مهلتی دهد و بخدا قسم که من بخدمت آنحضرت عرض نکردم که طلب او چه قدر و چند درهم و دینار است نام
هیچ چیز در خدمت آنحضرت نبردم پس آنحضرت صلوات الله علیه بمن فرمودند که در اینجا باش تا من برگردم
در روی تمامیم پس من در در خانهٔ منوّره آنحضرت نشستم تا اینکه وقت نماز شام شد چون نماز شام گذاردم
و حال اینکه روزه دار و صایم بودم پس دلتنگ شدم خواستم که برخیزم و بمنزل خود برگردم که ناگاه آن
آفتاب فلک امامت طالع شده در رسید دیدم آنحضرت را که می آید و دور او را مردم گرفته و سائلان
در سر راه نشسته و او برایشان تصدّقات میفرماید تا اینکه آمده داخل خانهٔ منوّرهٔ خود شد و در همان
لحظه نیز بیرون آمد و مرا طلب فرمود پس من برخواستم و بسوی آنحضرت رفتم و با آنحضرت داخل خانهٔ
مبارکهٔ او شدم پس آنحضرت نشستند و من نیز نشستم و بآنحضرت احوال ابن مسیب حاکم مدینه را
میگفتم و بسیار آنچه گفتم با آنحضرت از ابن مسیب پس چون فارغ شدم و سخن تمام شد آنحضرت
فرمودند که گمان ندارم که تا حال افطار کرده باشی عرض کردم که خیر افطار نکرده ام پس آنحضرت طعامی از برای من

برادنوده

طلب فرموده در پیش من گذاشتند و فرمود بآن غلام که با من طعام خورد من با آن غلام بخوردن
طعام اشتغال نمودیم چون از خوردن طعام فارغ شدیم آنحضرت بمن فرمودند که آن پشتی را
بلند کن و آنچه در زیر او است بردار پس من پشتی را برداشتم دیدم که قدری اشرفی در آنجا است
پس آن اشرفیها را برداشتم و در آستین خود گذاشتم پس آنحضرت بچهار نفر از غلامان خود امر
فرمود که با من همراه باشند تا اینکه مرا بخانه ام رسانند پس عرض کردم که فدای تو شوم بدرستیکه
شب گرد آن ابن مسیب حاکم مدینه میگردند و من اکراه دارم از اینکه به بینند مرا با غلامان شما پس آن
حضرت فرمودند که راست و درست گفتی حق تعالی برساند ترا برشاد پس امر فرمود بغلامان که همراه
من باشند و هر وقت که من ایشانرا برگردانم برگردند پس من با غلامان آنحضرت آمدم و چون نزدیک خانهٔ
خود رسیدم و خواطرم جمع شد ایشانرا برگردانیدم و داخل خانهٔ خود شدم و چراغی طلب نمودم و با شرفیها
نظر کردم و شمردم چهل و هشت عدد اشرفی بود و در میان اشرفیها اشرفی دیدم که مید رخشید
در نهایت درخشندگی و حسن بود من در نیحالت بسیار متعجب شدم و آنرا برداشتم و نزدیک
چراغ گرفتم دیدم که در آن بخط واضح نقش است که حق الشخص بیست و هشت اشرفیست بیست باقی را
از برای خود بردار و بخدا قسم که من با آنحضرت عرض ننموده بودم که طلب آنمرد چند است و بنا بر یک نسخه
کلینی و روایت شیخ مفید بخدا قسم که من نمیدانستم که طلب آنمرد از من چند است بنا بر تجدید شکر و سپاس
خداوندی را سزا است که پروردگار عالمیانست و خداوند آنجنابیست که عزیز گردانید ولی خود را باین علم
و دانش و کرم و قضاء حوایج اُمم فضیل بن یحیی شیخ کلینی و شیخ مفید روایت کرده اند بسند صحیح معتبر
از ابراهیم بن موسی که او گفت که من الحاح میکردم در خدمت حضرت امام رضا ع در طلب چیزی که میخواستم

ازان حضرت و آن حضرت با من وعده میکرد پس آنحضرت روزی بیرون آمد و رو بجانب مدینه طیبه روان
شد من نیز در خدمت آنحضرت بودم تا اینکه آن حضرت رسید به نزدیک قصر فلان پس فرود آمدند
در زیر درختان من نیز با آن حضرت فرود آمدم و با ما ثالثی نبود پس من عرض کردم که فدای تو شوم
این عید نزدیک شد و من مالک یک درهم نیستم پس آنحضرت بسر تازیانه زمین را کاوید کاویدن
سختی پس دست مبارک را بران زد و شمشه طلا را ازان زمین برداشت و بمن داد و فرمود که بگیر
این را و خرج خود کن و مشغول شو و آنچه دیدی پوشیده و پنهان دار فضیلت ششم شیخ کلینی و دیگران بسند
صحیح روایت کرده اند از علی بن محمد القاسانی که او گفت که خبر داد مرا بعضی از اصحاب ما که مالی خطیر برداشته
بخدمت حضرت امام رضا ع بردم پس آنحضرت را متوجه بان مال و شاد و خوشحال ازان ندیدم پس
غمگین شدم از عدم توجه آنحضرت و در خاطر خود گذرانیدم که اینقدر مال را برداشته آورده ام و اصلا
متوجه و شاد نشد چون این در خاطر من گذشت آنحضرت فرمود که ای غلام طشت و آب بیار پس آنحضرت
بر روی کرسی نشست و دست مبارک بسوی طشت دراز کرد و بغلام فرمود که آب را بر زیر دست
من چون غلام آب را بر دست مبارکش ریخت از میان انگشتان مبارکش چشمهای
طلا بسوی طشت روان شد و من ازان متحیر و حیران شدم پس نظر التفات بسوی
من افکند و فرمود که کسیکه چنین باشد مبالات میکند با آنچه تو آورده و بنظرش می آید
و شاد میشود فضیلت هفتم شیخ کلینی و شیخ مفید و دیگران روایت کرده اند از یاسر که او
گفت که چون مأمون اراده نمود که از خراسان بسوی بغداد رود و بیرون آمد فضل بن
سهل ذو الریاستین که وزیر مأمون بود و او نیز بیرون آمد و او ملقب بذی الریاستین بجهت

ان شد

[illegible]

آن شد که وزیر اعظم و سپه سالار مأمون ملعون بود و ما نیز در خدمت حضرت امام رضا ع بیرون
آمدیم پس رسید کتابتی از حسن بن سهل برادر فضل که وزیر اعظم مأمون و ذو الریاستین بود
بفضل در بعضی از منازل و نوشته بود در آن کتابت به برادرش بدرستیکه من نظر کردم در وقت
تحویل سال پس یافتم در آنکه بدرستیکه خواهی چشید در روز چهارشنبه در ماه فلان گرمی آهن و
آتش را و رأی من آنست که در آن روز تو و مأمون و حضرت امام رضا ع بحمام روید و حجامت کنید
در حمام و خون حجامت بر بدنت ریزد تا این نحوست که دیده شده زایل شود پس فضل ذو الریاستین
این را نوشته بنزد مأمون فرستاد و از مأمون التماس کرد که از حضرت امام رضا علیه السلام
سؤال کند که فردا با ایشان بحمام تشریف آورد تا عمل بقول منجم که برادرش بود شود پس مأمون
بخدمت حضرت امام رضا ع نوشت و التماس رفتن حمام نمود آنحضرت ع در رد المنجمین الکذابین
و ان کانوا عالمین بالنجوم در جواب نوشتند که من فردا بحمام نمیروم و مصلحت نمیدانم نه از برای تو
و نه از برای فضل که فردا بحمام روید پس چون جواب مأمون و فضل رسید رقعه را برگردانیده باز
التماس رفتن حمام با آنحضرت نمودند دو مرتبه رقعه رفت و برگشت پس حضرت امام رضا ع نوشت
بسوی مأمون که من فردا بحمام نمی روم بدرستیکه رسول خدا ص را در خواب دیدم و آن حضرت فرمودند
که یا علی فردا داخل حمام مشو و نمی بینم از برای تو و نه از برای فضل اینکه فردا داخل حمام شوید یعنی
شما نیز مشوید مأمون در مرتبه دویم در جواب نوشت که راست گفتی ای سید من و آنچه حضرت رسول
الله فرموده راست است من نیز فردا بحمام نمیروم و فضل دانا و اعلم است خود میداند و یا اینکه من باو اعلام
میکنم که عمل بفرموده تو کند نه بقول منجم هر چند که برادرش باشد پس یاسر راوی حدیث میگوید

که چون شب شد و آفتاب فرو رفت حضرت امام رضا علیه السلام گفت که بگوئید پناه میبریم بخداوند عالمیان
از شر آنچه نازل میشود درین شب و ما این ورد حضرت را که فرموده بود متصل میگفتیم چون صبح شد
حضرت امام رضا علیه السلام نماز صبح کردند بمن فرمودند که بپشت بام برو و گوش بنه ازینکه صدائی میشنوی
چون بفرموده آنحضرت بپشت بام رفتم صدای بسیار فریاد و ناله و افغان عجیب شنیدم ناگاه دیدم که
مأمون از دریکه از میان خانه اش بخانه حضرت امام رضا علیه السلام بود هراسان و ترسان داخل شد و میگفت
که ای سید من خدا بتو مزد دهد در فضل بدرستیکه او رفت بحمام و داخل حمام شد پس جمعی با شمشیرهای
برهنه در حمام بر سر او ریختند و او را کشتند و از آن جمع سه نفر گرفته شده که یکی از ایشان فضل بن
ذی القلمین پسر خالوی اوست راوی روایت میکند که پس لشکر و خونخواهان و هر که هوادار و خواهان
فضل بود در درخانه مأمون جمعیت نمودند و میگفتند که این مکر و حیله ایست که مأمون نموده و فضل را کشته
مأمون را بخون فضل میخواهیم پس آتش آوردند که درخانه مأمون را آتش زنند پس مأمون در نهایت
خوف التماس بحضرت نمود و گفت ای سید من مصلحت میدانی که بیرون روی بسوی ایشان و ایشان را
متفرق کنی پس یاسر گوید که آنحضرت سوار شد و من نیز بفرموده آنحضرت با او سوار شدم پس چون
از در بیرون رفتیم حضرت نظر مبارک بسوی مردم افگند تحقیق که جمعیت و ازدحام عظیمی نموده بودند پس آن
حضرت فرمود بایشان و بدست مبارک اشاره نمود که متفرق شوید متفرق شوید یاسر میگوید که پس مردم
رو بتفرقه شدن نمودند بنحویکه بخدا قسم که بعضی بر بالای بعضی می افتادند و آنحضرت اشاره نکرد بسوی
احدی مگر آنکه میگریخت و میرفت از این حدیث معلوم شد که باید عمل بفرموده خدا و رسول و ائمه هدی
علیهم السلام نمود و بقول منجم عمل ننمود هرچند که راستگو باشد معهذا که هرگز نمیباشد مگر نادرا اتفاقا

بدولان

چون مأمون بفرموده حضرت عمل نمود و بقول منجم عمل ننمود نجات یافت و فضل بقول منجم عمل نمود
هلاک شد فضیلت ششم شیخ کلینی و شیخ مفید ره روایت کرده اند باسناد خود از حضرت امام رضا علیه السلام
که بدرستیکه آنحضرت بیرون آمدند از مدینه طیبه بسوی مکه معظمه باراده حج در سالیکه هارون الرشید
اراده حج داشتند پس رسیدند آنحضرت بکوهیکه در جانب چپ راه است در وقت رفتن بمکه و نام آن کوه را
فارع میگویند پس آنحضرت بآن کوه نگاه کرده فرمودند که بانی فارع و هادم آن بریده و قطع میشود پاره
پاره و ما معنی کلام آنحضرت را نفهمیدیم و مقصود او را ندانستیم پس چون هارون بآن موضع رسید فرود
آمد جعفر بن یحیی البرمکی که وزیر او بود بر بالای آن کوه رفت و فرمود که از برای او در آنجا قبه و مجلسی بنا
کنند چون از مکه معظمه برگشتند باز جعفر بر بالای آن کوه رفت و فرمود که آنرا خراب کنند پس چون
جعفر بعراق برگشت پاره پاره اش کردند فضیلت هفتم شیخ کلینی علیه الرحمه و غیره روایت کرده اند
از حسن بن منصور و او از برادرش که او گفت که داخل شدم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام در خانه
که در میان خانه دیگر بود پس آنحضرت دست مبارک بلند کرد از نور دست آن حضرت خانه چنان
روشن شد که گویا ده چراغ روشن منور افروخته شده مردی دیگر طلب رخصت دخول و
اذن نمود حضرت آن معجزه را زایل و بعد از آن آنمرد را اذن فرمود فضیلت هشتم شیخ ابن
بابویه علیه الرحمه بسند معتبر از هرثمة بن اعین روایت کرده است که روزی بقصد ملازمت حضرت
امام رضا علیه التحیة والثنا بدرخانه مأمون ملعون رفتم چون بدر سرای او رسیدم صبیح دیلمی
را که از جمله مقربان مأمون لعین و موالیان آنحضرت بود دیدم چون نظرش بر من افتاد
گفت ای هرثمه تو میدانی که من امین و محل اعتماد مأمون ملعونم گفتم بلی گفت دیشب آن ملعون مرا

با بی نفر از غلامان خاص خود که محرم اسرار او بودند بعد از آنکه ثلثی از شب گذشته بود طلب نمود چون نزد
او رفتیم دیدیم که از نشاء دل از کثرت شموع و مشاعل مجلس خود را مثل روز روشن ساخته و تیغهای
برهنه زهرآلود در پیش خود گذاشته پس هر یک از ما را به نزد خود طلبید و عهد و پیمان گرفت که آنچه فرماید
عمل کنیم و از گفته او تخلف ننموده سر او را پنهان داریم پس به هر یک تیغ زهرآلودی داد و گفت بروید
بحجره حضرت امام رضا ع و در هر حالت که آن امام مظلوم را بیابید خواه نشسته و خواه ایستاده
و خواه در بیداری و خواه در خواب با او سخن نگفته این شمشیرها را بر بدن مبارک آنحضرت فرود آورید
و گوشت و پوست و استخوان او را ریزه ریزه کنید و اجزای او را بیکدیگر ممزوج نمایید و این شمشیرها را
بر لبها او بمالید و از آلایش خون پاک کنید و به نزد من آیید اگر آنچه گفتم عمل نمایید و این راز را
پنهان دارید هر یک از شما را ده بدره زر بدهم تا املاک و دکاکین نیکو بجهت خود ابتیاع نمایید
و تا زنده باشم از مقربان من باشید صبیح گوید که شمشیرها را از آن ملعون گرفته متوجه حجره مقدسه
آنحضرت شدیم چون بحجره منوره آنحضرت آمدیم دیدیم که آنسرور بر پهلوی مبارک خود خوابیده و دستهای
مبارک خود را حرکت میدهد و سخنی تکلم مینماید که ما نمی فهمیدیم من بر یکطرف حجره ایستادم و شمشیر خود را
بر زمین نهادم ترسان و هراسان نظر میکردم آن غلامان بیحیا بجانب آن امام مظلوم شتافتند و
شمشیرهای خود را یکدفعه بر جسد مطهر آن امام مظلوم فرود آوردند آنحضرت را از زره و جامه نبود که
مانع تاثیر شمشیرها شود پس آن امام مظلوم غریب را بر بساطش پیچیدند و بسوی مامون ملعون برگشتند
مامون پرسید که چه کردید گفتند آنچه فرموده بودی بعمل آوردیم چون صبح طالع شد مامون ملعون
سر خود را برهنه کرد و بندهای جامه خود را گشود و بهیئت ارباب مصیبت گریان و نالان از خانه

بیرون آمد

بیرون آمد و در مجلس تعزیه نشست و بشرایط تعزیت آنحضرت قیام نمود و بعد از ساعتی برخاست نالان
و گریان پای برهنه متوجه حجره آن امام مظلوم گردید که بتکفین و تجهیز آنحضرت اشتغال نماید صبیح گفت که
چون به نزدیک حجره رسید آواز همهمه از حجره آنحضرت شنید بترسید و گفت ای صبیح بحجره داخل شو
و مرا از حقیقت این صدا خبر ده صبیح گفت که چون بحجره رفتم آنحضرت را دیدم که در محراب نشسته و بعبادت
حق تعالی مشغول است چون مامون ملعون را از این حال خبر دادم مضطرب گردیده و اعضای او بلرزه در آمد
و گفت لعنت خدا بر شما باد که مرا فریب دادید پس گفت ای صبیح چون تو آنسرور را می شناسی
نزدیک محراب برو و حقیقت حال را نیکوتر معلوم کن و مرا اعلام نما چون نزدیک عتبه علیه رسیدم
آن امام مظلوم ندا کرد که یا صبیح گفتم لبیک ای مولای من و بر زمین افتادم و رو بر خاک مالیدم و گریستم
فرمود که برخیز حق تعالی تو را رحمت کند و این آیه مبارکه را تلاوت نمود یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا
نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ یعنی میخواهند
کافران که خاموش گردانند و فرو نشانند نور خدا را بدهنهای خود و حق تعالی تمام کننده است
نور خود را هر چند نخواهند کافران صبیح گفت که چون بنزد مامون ملعون آمدم از بسیاری غضب صورت
نحسش سیاه گردیده مانند شب تار سیاه شده بود گفتم والله که در حجره منوره خود مشغول عبادت است
و اثر زخمی بر بدن مبارکش ظاهر نیست مامون گفت که پس بروید و با امرا و اعیان و اشراف که بجهت
تعزیه حضرت امام رضا ع حاضر شده اند بگویید که آنحضرت را غشی عارض شده بود بحمدالله زایل
شد و بصحت مبدل گردید هرثمه گفت که چون این حدیث را از صبیح شنیدم شکر حق تعالی را ادا کردم
و بخدمت حضرت امام رضا ع رفتم آنحضرت فرمودند والله که از کید و مکر این گروه هیچ ضرر بما نمیرسد تا اجل

دیدن جمعی

موعود مقدر رسید فضیلت یازدهم مروی است از حضرت امام حسن عسکری ع و او از پدر بزرگوارش و جد
عالیمقدارش روایت میکند که چون مأمون ملعون حضرت امام رضا ع را ولی عهد خود نمود چند روزی
باران نیامد و زراعات پژمرده شد بعضی که با آنحضرت عداوت داشتند با یکدیگر جمع شده گفتند که
نظر کنید که چه پیش آمد مأمون علی بن موسی الرضا را ولی عهد خود کرد بدین سبب حق تعالی باران رحمت
از ما باز داشت این خبر بمأمون رسید بآنحضرت گفت که باران از زراعات باز مانده است اگر دعا فرمائید
نیکو باشد حضرت امام رضا ع در جواب فرمود که من دیشب حضرت رسول الله صلعم را در خواب دیدم و حضرت
امیر المؤمنین ع با او همراه بود فرمود که ای فرزند من روز دوشنبه بصحرا برو و از حق تعالی طلب باران کن
و جماعت را خبر ده از آنچه حق تعالی بتو نماید و ایشان ندانند تا اعتقاد ایشان زیاده شود در حق تو
چون روز دوشنبه شد آنحضرت بصحرا رفت و خلق بسیار بنظاره بیرون آمدند آنحضرت بعد از نماز
مانند آفتاب انور بر سر منبر بر آمد و حضرت حق تعالی را بالعظمت هرچه تمامتر یاد نمود و درود نامعدود
و سلام عنبر معدود بر حضرت پیغمبر و امیر المؤمنین حیدر و هر یک از ائمه اطهر تا امام موسی کاظم ع فرستاد
آنگاه گفت پروردگارا تو عظیم گردانیدی حق ما را که اهل بیت رسول تو ایم و وسیله بما جستند چنانچه
تو فرمودی و فضل و رحمت تورا دیدند و نعمت تورا چشیدند بحرمت ایشان که باران بفرست
در حال ابری ظاهر شد و رعد و برق پدید آمد مردمان بحرکت و جنبش آمدند تا باران آمدن بجایها
پناه برند حضرت ندا فرمود که ای گروه حاضران ساکن شوید که این ابر از برای دیار شاهیست بلکه
از برای فارس است و صلهٔ ابر دیگر پیدا شد فرمود که این ابر از برای عراق عرب است ابری دیگر
پیدا شد فرمود که این ابر از برای فلان موضع است و همچنان هر وصله ابر که پیدا میشد مردم

بجنبش در می آمدند آنحضرت میفرمود که ساکن شوید که این ابر از برای فلان بلاد است تا مقدار ده
وصله آمد و رفت چون وصلهٔ یازدهم پیدا شد آنحضرت فرمود که این ابریست که حق تعالی
جهت شما فرستاده است مردمان بر پای خواستند حضرت فرمودند که ایمن باشید تا شما بمنزلهای
خود بروید ابر شروع بباریدن میکند پس حمد و ثنای حق تعالی بجای آورید پس آنحضرت از منبر بزیر آمد
و ابر ایستاده بود تا آن حضرت و تمامی مردم بمنزلهای خود رسیدند بعد از آن شروع بباریدن نمود پس چند
روز باران عظیم بارید مردمان میگفتند که گوارنده باد ترا ای فرزند رسول خدا بدین کرامات که نمودی
پس کار آنحضرت بالا گرفت و اعتقاد مردم بآنحضرت زیاده شد پس بعضی از جاهلان و حاسدان
سنگین دل با یکدیگر متفق گشته نزد مأمون ملعون رفتند و گفتند که طرفه کاری کردی
امام رضا ع را ولی عهد خود کردی و این شرف عمیم و فخر عظیم را از خاندان عباس بخاندان علی بن ابیطالب
نقل نمودی آیا تو نمیدانستی که او ساحر زاده است شرف و عزت او ظاهر نمود و تو ظاهر کردی و صنیع را
شریف گردانیدی هیچکس با ملک و دولت و پادشاهی این کار نمیکند که تو کردی مأمون ملعون در جواب
گفت که او پنهان از ما دعوت میکرد ما این کار کردیم تا دعوت او با ما باشد حاسدان گفتند که ای
مأمون تو این کار و این سخنان را بازیچه میدانی تدبیری درین امر باید نمود مأمون ملعون گفت چه مصلحت
میدانید گفتند که مصلحت در آنست که نوعی شود که قدر او را پاره کمتر کنی و او را خفیف و بصورت
بد بمردمان نمائی تا بدانند که او مستحق این کار نیست پس از میان آن حاسدان ملعون که نام
او حمید بن مهران بود گفت که مرا با او بمجادله انداز تا من بگفتار کلمات سبک در میان مردم قدر
و منزلت او را کم سازم و مردم را با او بشورانم مأمون ملعون گفت که هیچ چیز مرا دوستتر از این نیست

هرگاه توانی پس آن حمید نام ملعون بزرگان رعیت را در مجلس جمع کرده با ایشان در باب آنحضرت
سخنان گفت و مردم را بر آنحضرت برآشفت روز دیگر مجلس عظیم شد و مردم در آن حاضر گشته
و آنحضرت نیز در میان انجمن بود و آن ملعون گفتگوی بسیار و تند زبانیهای بی‌شمار با آن امام مظلوم
غریب نمود و بعد از آن گفت ای علی بن موسی مردم حکایتهای بسیار در وصف تو میکردند و غلو داشتند
چون دیدند که تو باران باراند که عادت شده و همیشه باریده به دعای خود دانسته و معجزه خود نموده
و صاحب من مأمون ملعون ترا بدین محل و شرف رسانیده و میداند که حق بسیار بر تو دارد و تو این
نقص را که قول دروغ بیمزه زنان است که از برای تو دروغ گویند و بهتند بشنوی و با آن رضا باشی و منع
از گفتن آن ننمایی آنحضرت در جواب فرمود که من بندگان حق تعالی را منع نمی‌کنم از یاد حق تعالی از برای
نعمتی که برایشان عطا و ارزانی داشته است اما آنچه گفتی که صاحب من ترا بمنزلی رسانیده است
بدرستیکه او مرا فرود نیاورده است الا در محلی که ملک مصر یوسف صدیق را فرود آورد و حال ایشان
آنبود که شنیده ای ملعون بیحیا در خشم شد و گفت ای پسر موسی بسیار از حد خود تجاوز نموده ای بجز
باران که عادت آن باریدن است تو مثل ابراهیم خلیل و موسی کلیم نیستی که معجزه نمایی اگر راست میگویی
معجزه داری این دو صورت شیر را که در مسند منقش است زنده ساز و بر من و دیگران مسلط
گردان تا آیه و معجزه تو باشد آنحضرت نیز از سخنان سبک آن ملعون بیحیا در غضب شده بانگ
بر آن دو صورت بچان مسند زد که بگیرید این فاجر را و این حاسد را طعمه خود سازید و اثری بر
روی زمین از او مگذارید در زمان بامر ملک قدیر آن دو شیر از جای خود جسته و در آن ملعون در
پیوستند و او را پاره پاره کردند و خوردند و خون او را از زمین پاک لیسیدند و تمامی اهل مجلس متحیر

و متفکر

وقف روضه رضویه

و متفکر ترسان و هراسان شدند پس آن دو شیر بعد از اتمام مهم آن بزرگ منافقان رو بحضرت
امام الجن والانس ع آورده عرض کردند که یا ولی خدا اگر رخصت فرمایی مأمون ملعون را نیز مانند
این رئیس حاسدان هلاک کنیم مأمون ملعون در آن وقت از خوف و ترس بیهوش افتاده بود حضرت فرمود
که گلاب بر روی او زدند و او را بخود آوردند آن شیران دیگر باره حمله بر مأمون ملعون نمودند حضرت فرمود
که بجای خود روید چون نزد مسند رسیدند همان نقش شدند که بودند و در مسند فرو رفتند مأمون
ملعون گفت حمد خداوندی را سزاست که شر آن حمید بن مهران و یاران او را کفایت کرد پس مأمون
ملعون گفت که یا ابن رسول الله این جای جای حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله است اگر خواهی تسلیم
کنم آنحضرت فرمودند که حق تعالی بمن داده است از امتثال اطاعت این دو شیر آنچه باید لیکن بعضی
از مردمان جاهل شدند و نمیدانند و بنی آدم اعمی اند نمی‌بینند پس اهل مجلس متفرق شد و مأمون ملعون
آن کینه را در دل گرفت تا آخر کرد آنچه کرد و آن ملعون بدفعال هرچه کرد بر خود کرد

فضیلت دوازدهم

باسناد معتبر از ابو الصلت هروی روایت شده که او گفت روزی در خدمت امام رضا ع
ایستاده بودم آنحضرت فرمود که داخل قبه هرون الرشید شو و از چهار جانب قبر آن ملعون از
هر جانبی یک کف خاک بیار چون آوردم خاکی که از پس پشت آن ملعون برداشته بودم بوئید
و بینداخت و فرمود که مأمون ملعون خواهد خواست که قبر پدر خود را قبله من کند و مرا درین مکان
مدفون سازد سنگی ظاهر شود که اگر جمیع کلنگ داران خراسان جمع شوند و خواهند که از جا حرکت
دهند یا ذره از آن جدا کنند نتوانند آنگاه خاک بالای سر و پایین پا را استشمام نمود
و چنین فرمود و چون خاک طرف قبله را بوئید فرمود که زود باشد که قبر مطهر من درین موضع

حفر شود پس امر کن ایشان را که هفت درجه بزمین فرو برند و لحد انداز(د) و زرع و شبری بسازند که حق تعالی
چندانکه خواهد گشاده سازد و باغی از باغهای بهشت گرداند انگاه از جانب سر قبر من رطوبتی پیدا شود
پس دعائی که ترا تعلیم میکنم تکلم کن تا بقدرت الله تعالی آن آب جاری شود و قبر از آن پر شود و ماهی
چند ریزه در آن آب ظاهر شوند این نان را که بتو میسپارم در آن آب ریزه کن تا ماهیان بخورند
انگاه ماهی بزرگی ظاهر شود و آن ماهیان ریزه را برچیند و فرو برد در آنوقت دست بر آب گذار
و دعائی که بتو تعلیم میکنم بخوان تا آن آب بزمین فرو رود و قبر خشک شود و این اعمال را مکن مگر در حضور
مأمون ملعون و فرمود که من فردا بمجلس این کافر فاجر میروم اگر از خانهٔ آن شقی سر برهنه بیرون
آیم با من تکلم نما و اگر چیزی بر سر بسته باشم با من سخن مگو ابو الصلت گفت که چون در روز دیگر
حضرت امام رضا علیه السلام نماز بامداد ادا نمود جامهای خویش را پوشید و در محراب نشست و منتظر
بود تا غلامان مأمون ملعون بطلب او آمدند انگاه کفش خود را پوشید و ردای مبارک بدوش افکند و بمجلس
آن لعین درآمد و من در خدمت آنحضرت بودم و در آنوقت یاران چند میوهای الوان نزد مأمون ملعون
بود و آن ملعون خوشهٔ انگور زهرآلود که زهر را در بعضی از دانهای آن دوانیده بودند در دست داشت
و بعضی از دانهای که بزهر نیالوده بودند از برای دفع تهمت زهر مار میکرد و چون نظرش بآنحضرت افتاد مشتاقانه
از جای جست و دست در گردن مبارکش درآورد و میان دو دیدهٔ آن قرة العین حضرت محمد مصطفی
ص را بوسید و آنچه از لوازم اکرام و احترام ظاهری بود دقیقهٔ فرو نگذاشت و آنحضرت را بر مسند خود
نشانید و آن خوشهٔ انگور را بآنحضرت داد و گفت یا بن رسول الله از این نیکوتر انگور ندیده ام
آنحضرت فرمود که مرا از خوردن این انگور معاف دار و آن ملعون مبالغه بسیار کرد و گفت البته باید تناول نمود

مرا این

مگر من بدگمانی و مرا متهم میداری و با این همه اخلاص که از من مشاهده میکنی این چه گمانهاست که بمن میبری
و آن خوشهٔ انگور را گرفته دانهٔ چند که زهر را از آن خورده بود بدست آنحضرت داد و تکلیف خوردن کرد
آن امام مظلوم غریب چون سه دانه از آن انگور زهرآلود تناول نمود حالش دیگرگون شد و باقی
خوشه را بر زمین افکند و متغیر الاحوال از مجلس آن ملعون برخاست مأمون ملعون گفت یا ابن العم بکجا میروی
حضرت فرمود که بآنجا که فرستادی میروم پس آنحضرت حزین و غمگین و نالان سر مبارک پوشیده
از خانهٔ مأمون ملعون بیرون آمد ابو الصلت گوید که بمقتضای فرمودهٔ آنحضرت با او سخن نگفتم تا بخانهٔ مبارکهٔ
خود داخل شد و فرمود که در خانه را ببندند و آنحضرت رنجور و نالان بر فراش خویش تکیه کرد و چون
آنحضرت بر بستر قرار گرفت من در را بسته در میان خانه محزون و غمگین ایستاده بودم ناگاه
جوان خوبروی خوشبوی مشکین موی را در میان سرا دیدم که سیمای ولایت و امامت از جبین
فایض الانوارش ظاهر بود و شبیه ترین مردمان بود بحضرت امام رضا ع پس بسوی او متوجه شتافتم و سؤال
کردم که از کدام راه داخل شدی که من تفحص نموده حضرت درها را محکم بسته ام فرمود که آن قادری که مرا از
مدینهٔ طیبهٔ حضرت رسول الله بیک لحظه بشهر طوس آورد از درهای بسته مرا داخل ساخت پرسیدم که تو
کیستی فرمود که منم حجت خدا بر تو ای ابو الصلت منم محمد بن علی بن موسی الرضا علیهما التحیة و الثنا آمده ام
پدر بزرگوار غریب مظلوم و والد عالیقدر معصوم مسموم خود را ببینم انگاه بحجرهٔ منورهٔ حضرت امام رضا ع داخل
شد چون چشم آن امام غریب مسموم بر فرزند دلبند معصوم خود افتاد از جای جست و یعقوب وار
یوسف گمگشتهٔ خود را در آغوش کشید و دست در گردن آن نور دیده و سر و رو در سینه درآورده و او را
بسینهٔ مبارک خود فشرده و میان دو چشم مبارک او را بوسید و آن فرزند دلبند خود را در فراش

خود داخل کرده هر دم بوسه بر روی او میداد و با او از اسرار ملکوت و خزاین حی لا یموت باری چند میفرمود
که من نفهمیدم و ابواب علوم اولین و آخرین و ودایع حضرت سید المرسلین ص را بآنحضرت تسلیم کرد آنگاه
بر لبهای مبارک حضرت امام رضا علیه السلام کفی دیدم سفیدتر از برف و حضرت امام محمد تقی علیه السلام آنرا
لیسید و دست بمیان سینه منوره پدر بزرگوار خود برد و چیزی مانند عصفور بیرون آورد و آن طایر قدس
بشاهبال ارتحال تعلقات جسد را از دامان مطهر خود افشانده بجانب ریاض قدس پرواز نمود پس حضرت
امام محمد تقی ع فرمود که ای ابوالصلت بیا بدرون خانه داخل شو و آب و تخته بیار عرض کردم که یا ابن رسول الله
در اینخانه نه آبست و نه تخته فرمود که آنچه میفرمایم بشنو و چنان کن ترا با اینها کاری نباشد چون داخل
خانه شدم آب و تخته حاضر دیدم برداشته بحضور آوردم و دامن بر کمر زده مستعد آن شدم که آنحضرت را
در غسل دادن مدد نمایم فرمودند که دیگری هست که مرا همراهی نماید ملایکه مقربین با من همراهی میکنند
بتو احتیاج نداریم و چون از غسل آنحضرت فارغ شد بمن فرمود که بخانه داخل شو کفن و حنوط بیار چون
داخل خانه شدم سبدی دیدم که کفن و حنوط بر روی آن گذاشته بودند و هرگز اینها را در آن خانه ندیده
بودم برداشتم و بخدمت آنحضرت آوردم پس آنحضرت پدر بزرگوار خود را کفن نمود و بر مساجد شریفش
حنوط مالید و با ملایکه مقربین و ارواح اوصیا و انبیا و مرسلین بر آن جگر گوشه حضرت سید المرسلین نماز کردند
آنگاه فرمود که تابوت بیار عرض کردم که یا ابن رسول الله بنزد نجار روم و تابوت بفرمایم آنحضرت فرمودند که از خانه
بیار چون بخانه رفتم تابوتی دیدم که هرگز در آنجا ندیده بودم دست قدرت حق تعالی از چوب سدرة المنتهی برای
آنجناب ترتیب داده بودند پس آنحضرت را در تابوت گذاشت و دو رکعت نماز بجا آورد و هنوز از نماز فارغ نشده
بود که تابوت بقدرت الله تعالی از زمین جدا شد و بجانب آسمان مرتفع گردید عرض کردم که یا ابن رسول الله هرگاه

مأمون ملعون

مأمون ملعون بیاید و آنحضرت را از من طلب نماید در جواب آن ملعون چگویم حضرت فرمود خاموش باش که
بزودی مراجعت خواهد نمود بدان ای ابوالصلت که اگر پیغمبری در مشرق رحلت فرماید و وصی او در مغرب
فوت شود البته حق سبحانه و تعالی اجساد مطهره و ارواح منوره ایشانرا در اعلی علیین با یکدیگر جمع مینماید
آنحضرت درین حرف بود که بار سقف شکافته شد و آن تابوت محفوف برحمت حی لا یموت فرود آمد
پس آنحضرت پدر رفیع القدر خود را از تابوت برگرفت و در فراش بنحوی خوابانید که گویا او را غسل نداده
و کفن نکرده اند پس فرمود که برو و در خانه را بگشا تا مأمون ملعون داخل شود چون در را گشودم دیدم که
مأمون ملعون با غلامان خود ایستاده اند پس آن ملعون داخل شد و آغاز نوحه و زاری و گریه و بیقراری نمود
و گریبان خود را چاک زد و دست بر سر میزد و فریاد میکرد و میگفت که ای سید و سرور بمصیبت خود دل
مرا بدرد آوردی و بحجرهٔ منوره آنحضرت داخل شد و در نزد سر آنحضرت نشست تا اینکه گفت شروع بحفر
قبر نمایند آنچه آنحضرت فرموده بود بظهور آمد چون در عقب هرون ملعون خواستند که حفر قبر نمایند
زمین انقیاد نکرد و کلنگ اثر نگرفت یکی از اهل مجلس بآن ملعون گفت که تو اقرار بامامت او داری گفت
بلی امرد گفت که امام باید که در حال حیات و ممات بر همه مقدم باشد پس امر کرد که قبر منور آنحضرت را
در جانب قبله حفر نمودند چون آب و ماهیان پیدا شدند مأمون ملعون گفت که همیشه حضرت امام رضا ع
در حال حیات عجایب معجزات بما مینمود بعد از وفات نیز غرایب کرامات و معجزات خود را بر ما ظاهر
گردانید و چون ماهی بزرگ ماهیان خورد را بر چید و فرو برد یکی از وزرای مأمون ملعون باو گفت
که میدانی که آنحضرت در ضمن این غرایب کرامات بچه چیز ترا خبر میدهد آن ملعون گفت نه آن وزیر
گفت که آنحضرت اشاره فرموده است باینکه ملک و پادشاهی شما بنی عباس مثل این ماهیان

خورد است که با این کثرت و دولتی که داری عنقریب ملک شما منقضی شود و دولت شما بسر آید و سلطنت شما
بآخر رسد و حق سبحانه و تعالی شخصی را بر شما مسلط گرداند چنانچه ماهی بزرگ ماهیان کوچک را برچید
شمار از روی زمین براندازد و انتقام اهل بیت و رسالت را از شما بکشد مأمون لعین گفت راست
میگوید بعد از دفن آنحضرت که مراجعت نمود ابوالصلت را طلبید و گفت که آن دعا را که خواندی و آب
فرو رفت بمن تعلیم کن ابوالصلت گفت که گفتم بخدا قسم که فراموش کردم آن ملعون باور نکرد با آنکه راست
گفتم امر کرد که مرا بزندان بردند و یک سال در حبس آن ملعون ماندم و چون دلتنگ شدم شبی بیدار ماندم
و بعبادت و دعا اشتغال نمودم و انوار مقدسه حضرت محمد و آل محمد را شفیع گردانیدم و بحق ایشان از
حق تعالی سؤال کردم که مرا از زندان نجات بخشد هنوز دعای من تمام نشده بود دیدم که حضرت امام محمد تقی
در زندان نزد من حاضر شد و فرمود که ای ابوالصلت سینه‌ات تنگ شده است عرض کردم که بلی
والله فرمود که برخیز پس دست مبارک خود را زد آن زنجیرها از پای من جدا شد و دست مرا
گرفت و از زندان بیرون آورد و پاسبانان و غلامان مرا میدیدند و باعجاز آنحضرت قادر بر سخن
گفتن نبودند و چون آنحضرت مرا از حبس بیرون آورد فرمود که برو و در امان حضرت حق تعالی باش
که دیگر هرگز تو مأمون ملعون را نخواهی دید و او ترا نخواهد دید چنان شد که حضرت فرموده بود **باب دویم** باب دوم

**در بیان سبب و کیفیت تشریف آوردن آنحضرت بخراسان و کیفیت شهادت و غسل و کفن و دفن
و تاریخ شهادت و عمر شریف و مدفن و عدد اولاد آنحضرت** بر سبیل اختصار از روایات معتبره چنان
ظاهر میشود که چون مأمون ملعون که از خلفای شقاوت اساس بنی عباس بود و فرمانش در اطراف عالم
نافذ گردید و ایالت ولایت عراق عرب را بحسن بن سهل تفویض نمود و خود در شهر مرو اقامت نمود

در اطراف

در اطراف ممالک حجاز و یمن غبار فتنه و آشوب مرتفع گشته بعضی از سادات عظام بطمع خلافت رایات
مخالفت برافراشتند چون اخبار وحشت آثار در شهر مرو بگوش آن ملعون نابکار رسید با فضل بن
سهل ذو الریاستین که وزیر و مشیر آن ملعون بود مشوره نمود بعد از تدبیرات بسیار و اندیشه‌های بیشمار
رأی آن ملعون بدکردار بر آن قرار گرفت که حضرت امام رضا ع را از مدینه طیبه طلب نماید و او را ولی
عهد خود گرداند تا آنکه سایر سادات بقدم اطاعت پیش آیند و دندان طمع از خلافت بکنند پس رجاء بن
ضحاک را با جمعی از مخصوصان خود بسوی مدینه طیبه بخدمت آنحضرت فرستاد و آنحضرت در اول حال امتناع
بسیار نمودند چون مبالغه از حد گذشت لابد آن سفر محنت اثر را جبراً اختیار فرمودند شیخ ابن بابویه ع
بسند حسن روایت کرده از وشا که حضرت امام رضا ع فرمودند که چون خواستند که مرا از مدینه
طیبه بیرون برند عیال پریشان احوال خود را جمع کردم و خبر شهادت خود را بایشان دادم و گفتم که از این
سفر معاودت نخواهم نمود اکنون بر ماتم تعزیه من قیام نمایید و بر من گریه و زاری کنید و آب حسرت
از دیده‌های خود بباریید پس هر یک از اهل بیت خود را وداع نمودم و دوازده هزار دینار طلا بر ایشان
قسمت نمودم **ایضا** بسند معتبر روایت کرده که چون آن امام مظلوم خواست که از مدینه طیبه
بیرون رود داخل مسجد حضرت رسول ص شد و بنزد ضریح مقدس جد بزرگوار خود آمد و آنحضرت را وداع
نمود و قطرات اشک خونین از مفارقت حضرت سید المرسلین ص از دیده‌های مبارک حق بین بر زمین
میریزانید و صدای گریه و زاری آنحضرت بلند شد و چون روانه شد از مفارقت روضه منوره جد عالی مقدار
بیتاب گشته باز معاودت فرمود و رسم وداع را تجدید نمود و در هر مرتبه گریه و زاری و ناله و بیقراری
می نمود و چون با دل پر حسرت از مرقد منور حضرت رسالت پناه ص جدا شد بخدمت آنحضرت آمدند

سلام کردم و تهنیت و مبارکباد سفر را گفتم فرمود که چه تهنیت میگویی بمن در سفری که از جد بزرگوارم دور
میشوم و در غربت شهید خواهم شد و در پهلوی بدترین خلق خدا هرون الرشید علیه اللعنة
مدفون خواهم کردید من در خدمت آنحضرت بودم تا آنچه فرموده بود واقع شد در کتاب کشف الغمه
و غیره روایت شده که در سالیکه حضرت امام رضا ع بحج رفت و متوجه خراسان شد حضرت امام
محمد تقی ع را با خود بحج برد چون حضرت امام رضا ع طواف میکرد حضرت امام محمد تقی ع بر دوش
موفق غلام آنحضرت بود و او را با آنحضرت طواف میفرمود چون آنحضرت بحجر اسمعیل ع رسید بر زبر
آمد و در حجر نشست و آثار حزن و اندوه از روی منورش ظاهر شد مشغول دعا و عبادت گشته بسیار
طول داد موفق گفت که فدای تو شوم برخیز آنحضرت فرمود که از اینجا بر نمی خیزم و مفارقت نمیکنم تا وقتیکه
حق تعالی خواهد موفق بخدمت حضرت امام رضا ع آمد و احوال سعادتمند آنحضرت را عرض کرد حضرت امام
رضا ع بنزدیک فرزند دلبند خود آمد و فرمود که برخیز ای حبیب من و نور دیده من حضرت امام محمد تقی ع
فرمود که ای پدر بزرگوار چگونه برخیزم و حال آنکه می بینم و میدانم که شما خانه کعبه معظمه را وداع میکنید
وداعیکه دیگر بسوی او بر نخواهی گشت و گریان شده اشک خونین از دیده های حق بین او فرو ریخت
پس بجهت اطاعت پدر بزرگوار خود برخواست و روانه شد و حضرت امام محمد تقی ع در آنوقت بنابر قول
مشهور قریب بهفت سال داشتند و توجه آنحضرت غریب شهید مظلوم در سال دویستم هجرت بود
و چون آنحضرت متوجه آن سفر شد در هر منزلی از منازل معجزات و کرامات بیشمار از آن مخزن
اسرار کردگار ظاهر میشد که نقل و جمع آنها در کتاب مفصلا ممکن نیست خصوصا این نسخه که مبنی
بر اقتصار و اختصار است لهذا بنقل و ذکر آنها تطویل نداد و بعضی از آثار آنها تا حال موجود است تا آنکه بشهر

مرو رسیدند

مرو رسیدند و با مأمون ملعون ملاقات واقع شد مأمون آنحضرت را در ظاهر تعظیم و تکریم بسیار نمود
و گفت یابن رسول الله من فضیلت و علم و زهد و ورع و عبادت ترا دانستم و ترا از خود بخلافت
سزاوارتر یافتم آنحضرت گفت که من به بندگی حق تعالی فخر میکنم و بزهد دنیا امید نجات دارم
و به پرهیزکاری از محرمات الهی امیدوار فوز غنایم نامتناهی حق تعالی شده ام و بتواضع در دنیا امیدوار
رفعت و منزلت نزد حق جل و علا هستم مأمون ملعون گفت که یابن رسول الله اراده آن دارم که خود را
از خلافت عزل نمایم و امامت و خلافت را بتو گذارم و با تو بیعت کنم حضرت فرمود که ای مأمون اگر خلافت را
حق تعالی بتو قرار داده و امر نموده ترا جایز نیست که بدیگری بخشی و خود را از آن معزول نمایی و اگر خلافت بامر
الهی از تو نیست ترا اختیار آن نیست که بدیگری تفویض نمایی مأمون ملعون گفت یابن رسول الله البته
لازم است که تو این را قبول کنی آنحضرت فرمود که برضای خود هرگز قبول نخواهم کرد تا دو ماه این سخن
در میان بود هر چند که آن ملعون مبالغه میکرد و چون حضرت غرض اصلی آن ملعون را میدانست قبول نمیکرد
چون آن ملعون از قبول خلافت آنحضرت مأیوس شد گفت هرگاه خلافت را قبول نمیکنی پس ولایت
عهد را قبول کن که بعد از من خلافت با تو باشد آنحضرت فرمود که پدران بزرگوارم مرا خبر داده اند از جد
عالیمقدارم حضرت رسول الله ص که من پیش از تو از دنیا خواهم رفت و مرا بزهر ستم شهید خواهند کرد و بر
من ملائکه آسمان و ملائکه زمین گریه خواهند کرد و در زمین غربت در پهلوی هرون الرشید علیه اللعنة مدفون
خواهم شد مأمون ملعون از استماع این سخن بظاهر گریان شد و گفت یابن رسول الله که میتواند ترا
بقتل رساند و که را یارای آن است که تا من زنده باشم بدی بتو اندیشد و خیال نماید حضرت فرمود
که اگر خواهم میتوانم گفت که کی مرا شهید خواهد کرد مأمون گفت که غرض تو ازین سخنان آنست که ولی عهدی

مرا قبول نکنی تا مردم بگویند که تو زاهد و تارک دنیایی حضرت فرمود که بخدا قسم که از روزیکه حق تعالی مرا خلق کرده است تا حال
دروغ نگفته ام و ترک دنیا برای دنیا نکرده ام و غرض و مطلب ترا میدانم مأمون ملعون گفت که مطلب من چیست
آنحضرت فرمود که غرض و مطلب تو آنست که مردم گویند که علی بن موسی الرضا ع ترک دنیا نکرده بود بلکه دنیا ترک او
کرده بود چون دنیا باو میسر شد برای طمع خلافت قبول ولایت عهد کرد مأمون ملعون در غضب شد و گفت
پیوسته سخنان درشت ناگوار در برابر من میگوئی و از سطوت پادشاهی من ایمن شده بخدا قسم که اگر
ولایت عهد مرا قبول نکنی گردنت خواهم زد حضرت فرمود که حق تعالی نهی فرموده است که خود را بمهلکه اندازم هرگاه مرا
جبر میکنی قبول میکنم بشرطی که کسی را من نصب نکنم و احدی را عزل ننمایم و رسمی را برهم نزنم و احداث امری نکنم
و از دور بر بساط حکومت نظر نمایم چون این شروط عین منظور آن ملعون بود قبول نمود و از آنحضرت راضی شد
پس آنحضرت دست بسوی آسمان برداشت و گفت خداوندا تو میدانی که مرا اکراه و جبر کردند و بضرورت این امر را
اختیار کردم پس مرا مؤاخذه مکن چنانچه مؤاخذه نکردی با دو بنده و پیغمبر خود یوسف و دانیال علیهما السلم
در وقتی که قبول ولایت کردند از جانب پادشاه زمان خود خداوندا عهدی نیست مگر عهد تو و ولایتی نمی باشد
مگر از جانب تو پس توفیق ده مرا که دین ترا برپای دارم و سنت پیغمبر ترا زنده دارم بدرستیکه تو نیکو مولائی
و نیکو یاوری پس محزون و گریان ولایت عهد را از مأمون ملعون قبول کرد مأمون ملعون روز دیگر مجلس
عظیم ترتیب داد و کرسی زرنگاری برای آنحضرت در پهلوی کرسی خود گذاشت و جمیع اکابر و اشراف و سادات
و علما را جمع نمود و اول پسر خود عباس را امر کرد که با آنحضرت بیعت کند بعد از آن سایر مردم را به بیعت
آنحضرت درآورد و جوایز بسیار بمردم بخشید و مواجب یکساله لشکر را بایشان رسانید و مداحان
و شعرا را امر کرد که قصاید غرا در شأن آنحضرت گویند و بایشان جوایز و صله بسیار داد و بر روی منابر

و دو جوه دراهم

و وجوه دراهم و دنانیر را بنام نامی و لقب گرامی آنحضرت مزین گردانید و مردم را امر کرد که سیاه پوشی را
که بدعت بنی عباس بود ترک کنند و جامهای سبز بپوشند و یک دختر خود ام حبیبه را عقد کرد و دختر دیگر خود را
که ام الفضل بود بامام محمد تقی علیهما السلام نامزد کرد و دختر حسن بن سهل را برای خود تزویج نمود و چون دید
که امر خلافت مستقر گشته مدعیان خلافت از سادات و غیرهم مطیع شده آتشهای فتنه هر طرف فرو
نشست و هر روز انوار علم و کمال و آثار رفعت و جلال آن برگزیده ملک متعال بر مردمان ظاهر گشته محبت
آنحضرت فزون بر فزون در دلهای خلق جا میکند نایره حسد در سینه پرکینه اش مشتعل گشته در
مقام تدبیر دفع آنحضرت برآمد چنانچه شیخ ابن بابویه علیه الرحمه از احمد بن علی روایت میکند که او گفت که از
ابو الصلت هروی پرسیدم که چگونه مأمون ملعون راضی بقتل حضرت امام رضا ع شد با آن همه اعزاز
و اکرام و محبت که نسبت با آنحضرت اظهار میکرد و او را ولی عهد خود گردانیده بود ابو الصلت گفت که مأمون ملعون
برای آن آنحضرت را گرامی داشت که فضیلت و بزرگواری او را میدانست و ولایت عهد را باو تفویض نمود
برای آنکه مردم آنحضرت را چنان بشناسند که راغب است بسوی دنیا تا محبت آنحضرت از دلهای مردم کم شود
چون دید که این باعث زیادتی محبت و اخلاص مردم شد علمای جمیع فرق را از یهود و نصاری و مجوس و
صابیان و ملحدان و دهریان و فضلای جمیع فرق مسلمانان را جمع کرد که با آنحضرت مباحثه و مناظره
نمایند شاید بر او غالب شده فسخ اعتقاد مردم از آنحضرت شود و این نیز بخلاف مقصود و منظور او نتیجه داده
همگی آنها مغلوب و منکوب آنحضرت شده اقرار بفضیلت و جلالت و بزرگواری آنحضرت نمودند و آنحضرت
نیز مکرر اظهار میفرمودند که خلافت حق است و ما از دیگران با امامت سزاوارتریم بدگویان و منافقان
این سخنان را بآن ملعون میرسانیدند خشم و حسد آن ملعون غالب میشد و ایضا آنحضرت مدارا و مواسا

وقف روضه ...

نمی نمود و مداهنه در حق ایشان نمیفرمود و اکثر اوقات سخنان درشت بر روی انملعون بد کردار میگفت حسد و کینهٔ
انملعون زیاده گشته بر قتل آن امام مظلوم غریب بسته بانهای مختلف که بعضی از آن گذشت اراده قتل و شهادت
آنحضرت نمود و بهر نحو فرصت و تدبیر که بدست و خاطر او می آمد تقصیر نمی نمود و شیخ ابن بابویه و شیخ مفید باسانید مختلفه
روایت کرده اند از علی بن الحسین کاتب که چون حضرت امام رضا علیه السلام با مأمون ملعون بجانبی که طوس باشد می
آمدند روزی آنحضرت را تبی عارض شد و اراده فصد کرد مأمون ملعون یکی از غلامان خود را امر نموده بود که
ناخنهای خود را دراز بگذارد و بروایت شیخ مفید عبد الله بن بشیر را گفته بود که چنین کند و کسی را برین مطلع نگرداند
چون شنید که حضرت اراده فصد دارد زهری مانند تمر هندی بیرون آورد و بغلام خود داد که این را
ریزه کن و دست خود را بآن آلوده کن و میان ناخنهای خود را ازین پر کن و آماده نشست تا آنحضرت را
فصد کردند و در خانه که آنحضرت می بود بستانی بود که درختهای انار در آن بستان بود همان غلام را گفت
که چند انار از باغ بچیند و با آن دست و ناخن زهرآلود دانه نموده بیاورد و چون آن غلام بفرموده عمل نمود آن ملعون
حضرت را تکلیف نمود آن امام مظلوم ابا و امتناع فرمود آن ملعون ابرام زیاد نموده گفت که بخدا قسم که
باید در حضور من ازین انار تناول نمایی و اگر نه رطوبت در معدهٔ من میبود و هر آینه با تو در خوردن موافقت
میکردم پس آنحضرت بجبر آن ملعون چند قاشوق از آن انار تناول فرمود چون مأمون ملعون بیرون رفت
در همان ساعت حضرت بتقضای حاجت بیرون شتافت و هنوز نماز عصر را نکرده بودیم که پنجاه مرتبه آنحضرت را
حرکت داد و از آن زهر قاتل احشا و امعاء آنحضرت بزیر آمد چون خبر بآن ملعون رسید پیغام داد که این
ماده ایست که از فصد بحرکت آمده است و دفعش برای شما نافع است ابو الصلت هروی گفت که چون مأمون
لعین زهر را بآنحضرت داد و رفت من بخدمت آنحضرت داخل شدم چون نظر مبارک آنحضرت بمن افتاد فرمود

ای ابو الصلت

ای ابو الصلت هروی هرچه خواستند کردند و مشغول بذکر حق تعالی و تمجید و تسبیح و تحمید حق تعالی شد و دیگر سخن نگفت
و ابن بابویه بسند حسن از یاسر خادم روایت کرده است که بحضرت امام رضا علیه السلام هفت منزل قبل از وارد شدن
بطوس آن مرض عارض شد چون داخل شهر طوس شدیم بیماری آنحضرت شدید گردید و باین سبب مأمون
ملعون چند روز در طوس توقف نمود و هر روز دو مرتبه بعیادت آنحضرت می آمد در روز آخر ضعف بر آنحضرت
مستولی شد چون نماز ظهر را ادا کرد فرمود که ای یاسر آیا مردم چیزی خورده اند گفتم ای سید و مولای من
کی مردم را رغبت بخوردن و آشامیدن میشود با این حالتی که در شما مشاهده میکنند پس آنمعدن
فتوت و مروت با نهایت ضعفی که داشت از برای رعایت یاران و دوستان و خدمتکاران فرمود
که خوان بیاورند چون خوان را گستردند جمیع اهل حشم و خدم خود را طلب فرموده بر سر خوان احسان
خود نشانید و یک یک را تفقدات و نوازشات نمود چون ایشان طعام خوردند فرمود که برای زنان طعام
ببرند چون همه از طعام خوردن فارغ شدند ضعف بر آنحضرت غالب شد و مدهوش گردید صدای
شیون از خانهٔ آنحضرت بلند شد و زنان و کنیزان مأمون ملعون سر و پای برهنه بخانهٔ آنحضرت
دویدند و خروش از جمیع مردم برآمد و ناله و زاری و بیقراری از طوس بفلک آبنوس رسید پس مأمون ملعون
نالان و گریان از خانه بیرون آمد و دست تأسف بر سر میزد و موهای ریش نحس خود را میکند
و قطرات اشک حسرت از دیدهٔ نحسش می بارید و بر جرم و روسیاهی خود زار زار مینالید چون نزدیک
آنحضرت رسید آن امام مظلوم مسموم دیدهٔ مبارک گشود مأمون لعین گفت ای سید و بزرگ من بخدا
قسم که نمیدانم که کدام مصیبت بر من عظیمتر است جدایی چون تو پیشوایی و مفارقت چون تو رهنمایی
یا این تهمت که مردم بمن گمان می برند که من ترا بقتل آورده ام حضرت متوجه سخنان آن ملعون نشد دیدهٔ

مبارک گشوده فرمود که یا ربی با فرزند پسندیده من حضرت امام محمد تقی علیه السلام نیکو سلوک و معاشرت کن که وفات من
و وفات او نزدیک بیکدیگر خواهد بود و چون نصفی از شب گذشت آنحضرت بعالم قدس ارتحال نمود و چون صبح شد
مردم جمع شدند و خروش برآوردند و گفتند این ملعون فرزند رسول خدا را بناحق کشت و شهید کرد
شوری عظیم در میان مردم پدید آمد آنملعون ترسید که اگر جنازهٔ آنحضرت را در آن روز بیرون برد برای
او فتنه برپا شود پس محمد بن جعفر عم آنحضرت را طلبید و گفت که بیرون رو و فتنهٔ مردم را فرو نشان و ایشان را
متفرق گردان و بگو که در بیرون آنحضرت را غسل دادند و دفن کردند شیخ مفید روایت کرده است که چون آن
نیّر فلک امامت بسرای باقی رحلت نمود مامون ملعون یک روز یک شب وفات آنحضرت را از ایشان پنهان
داشت محمد بن جعفر را با جمعی از آل ابیطالب که با او همراه بودند طلبید و خبر وفات آنحضرت را بایشان اظهار کرد
و بسیار گریه کرد و اظهار اندوه بسیار نمود و ایشان نزد آنحضرت آورد و بدن شریف آنحضرت را گشود
و بایشان نمود و گفت گواه باشید که اثر سمی از من باو نرسیده است محمد بن جعفر با آنحضرت خطاب
کرد که ای یادگار برادر والله که بر من گران است که ترا باین حال مشاهده کنم میخواستم که من پیش از تو بمیرم
و تو خلیفه و جانشین من باشی ولیکن بتقدیر حق تعالی چه میتوان کرد قطب راوندی از حسن بن عباد روایت
کرده است که چون مامون ملعون اراده سفر بغداد کرد من بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم چون نشستم
فرمود که ای پسر عباد ما داخل عراق نخواهیم شد و عراق را نخواهیم دید چون این سخن را شنیدم گریستم عرض
کردم که یا بن رسول الله مرا از اهل و عیال و فرزندان خود نا امید کردی حضرت فرمود که تو داخل خواهی شد و من
داخل نخواهم شد پس چون حضرت بحوالی شهر طوس رسید بیماری بآنحضرت عارض شد و وصیت نمود
که قبر او را در جانب قبله نزدیک بدیوار بکنند و میان قبر او و هارون لعین سه ذرع فاصله بگذارند و قبل ازان

برای هرون

برای هرون ملعون میخواستند که در آنموضع قبر بکنند بیل و کلنگ بسیار شکسته شده بود و نتوانسته بودند
که حفر نمایند حضرت فرمود که تا بساز کنده خواهد شد و صورت ماهی از مس در آنجا پیدا خواهد شد و بران صورت
نوشته باشد بخط و لغت عبری پس چون لحد مرا حفر نمایند بسیار عمیق کنند و آنصورت ماهی را از نزدیک پای من دفن
کنید چون شروع کردند بکندن قبر مقدس آنحضرت هر کلنگ که میزدند مانند آرد فرو میرفت و میریخت پس صورت
ماهی پیدا شد و دران صورت نوشته بود که این روضهٔ علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا است و آن گودال
هرون الرشید علیه اللعنة والعذاب الشدید است شیخ ابن بابویه بسند معتبر از هرثمة بن اعین روایت کرده است
که شبی در نزد مامون ملعون بودم تا آنکه چهار ساعت از شب گذشت و چون مرخص شدم و بخانه خود برگشتم
بعد از نصف شب صدای در خانه را شنیدم و یکی از غلامان من گفت که هرثمه را بگو که سید و مولای تو ترا میطلبد
پس بسرعت برخاستم و جامهای خود را پوشیدم و بتعجیل روانه شدم چون داخل خانه آنحضرت شدم دیدم
که مولای من در صحن خانه نشسته است فرمود ای هرثمه گفتم لبیک ای مولای من فرمود که بیا بنشین چون نشستم
فرمود که ای هرثمه آنچه میگویم بشنو و ضبط کن و بدانکه هنگام آن شده است که نزد حق تعالی رحلت کنم و بجد
بزرگوار و پدران عالیمقدار خود ملحق گردم و نامهٔ عمر من بآخر رسیده است و این ملعون عزم کرده است که
زهر بمن خوراند در انگور و انار اما انگور خواهد بود پس زهر را در رشته خواهد کشید و بسوزن در میان دانهای
آن خواهد دوانید و اما انار را فرمود که دست بعضی از غلامان خود را بزهر آلوده خواهد کرد و بدست او انار برای
دانه خواهد کرد و فردا مرا خواهد طلبید و آن انگور و انار را بجبر بمن خواهد خوراند و بعد ازان قضای حق تعالی
بر من جاری خواهد شد و چون من بدار بقا رحلت کنم آنملعون خواهد خواست که مرا بدست خود غسل دهد
چون این اراده کند پیغام من در خلوت باو برسان و بگو که آنحضرت فرمود که اگر متعرض غسل و کفن و دفن

من بشوی حق تعالی تو را مهلت نخواهد داد و عذابی که در آخرت برای تو مهیا کرده بزودی در دنیا بتو خواهد رسانید
چون این را بگوید دست از غسل دادن من خواهد برداشت و بتو خواهد گذاشت و از بام خانهٔ خود مشرف خواهد شد
که مشاهده نماید که تو چگونه مرا غسل میدهی ای هرثمه زنهار که متوجه غسل من مشو تا ببینی که در کنار خانه خیمهٔ سفیدی
برپا کنند چون خیمه را مشاهده کنی مرا بردار و باندرون خیمه ببر و خود بیرون خیمه بایست و دامان خیمه را
بردار و نظر باندرون خیمه مکن که هلاک میشوی و بدانکه در آنوقت آن ملعون از بالای بام خانهٔ خود بتو خواهد گفت
که ای هرثمه شما شیعیان میگوئید که امام را غسل نمیدهد مگر امام مثل او پس در اینوقت آنحضرت را کی غسل میدهد
و حال آنکه پسرش امام محمد تقی علیه السلام در مدینهٔ طیبه است و ما در طوسیم چون آن ملعون این را بگوید در جواب بگو که
ما شیعیان میگوئیم که امام را واجب است امام غسل دهد اگر ظالمی منع نکند پس اگر کسی منع و تعدی کند و در میان
امام و فرزندش جدائی افکند امامت امام باطل نمیشود هرگاه حضرت امام رضا علیه السلام را در مدینه میگذاشتی پسرش
امام زمانست آنحضرت را علانیةً غسل میداد و در اینوقت نیز پسرش غسل میدهد اما بنحویکه دیگران نمی بینند
و نمیدانند پس بعد از ساعتی خواهی دید که آن خیمه گشوده میشود و مرا غسل داده و کفن کرده بر روی تختم گذاشته اند
پس نعش مرا بردار و بسوی مدفن ببر و چون مرا بقبهٔ هرون ملعون برند مامون ملعون خواهد خواست که قبر هرون را
قبلهٔ قبر من گرداند هرگز نخواهد شد و هر چند کلنگ بر زمین زنند بقدر ناخنی جدا نمی توانند کرد چون این حالت را
مشاهده کنی بنزد او برو و از جانب من باو بگو که این اراده که کرده هرگز صورت نخواهد یافت قبر امام
مقدم میباشد و اگر در پیش قبر هرون یک کلنگ بر زمین زنند قبر کنده و ضریح ساخته ظاهر خواهد شد
و چون آن قبر ظاهر شود از ضریح آب سفیدی بیرون خواهد آمد و آن قبر از آن آب پر خواهد شد و ماهی
بزرگی بقدر طول قبر منور در میان آب پدید خواهد آمد پس بعد از غایب شدن ماهی و فرو رفتن آب مرا در

کنار قبر گذار

کنار قبر گذار و مگذار که کسی از خاک بر قبر من ریزد زیرا که قبر من خود بخود پر خواهد شد پس حضرت فرمود
که آنچه گفتم ضبط کن و بعمل بیار و هیچیک را زنهار مخالفت من مکن عرض کردم که ای سید من پناه میبرم بخدا از
آنکه در امری از امور مخالفت تو نمایم هرثمه گفت که از خدمت آنحضرت محزون و مغموم و نالان و گریان بیرون
آمدم و غیر از حق تعالی کسی بر ضمیر من مطلع نبود چون روز رسید مامون ملعون مرا پیش طلبید و من نزد آن لعین
ایستاده بودم گفت برو ای هرثمه و سلام مرا بحضرت امام رضا علیه السلام برسان و بگو که اگر بر شما آسان است نزد
ما بیائید و اگر رخصت میفرمائید من بخدمت شما بیایم و اگر آمدن را قبول کند مبالغه کن که زودتر بیاید چون
بخدمت آنحضرت آمدم پیش از آنکه سخن بگویم حضرت فرمود که وصایای مرا ضبط کرده گفتم بلی پس کفش
طلبید و فرمود که میدانم که ترا بچه کار فرستاده است کفش مبارک خود را پوشید و ردای مبارک بر دوش
خود انداخت و روانه شد چون داخل مجلس آن ملعون شد آن ملعون برخاست و استقبال حضرت کرد و دست
در گردنش در آورد و پیشانی منور آنحضرت را بوسید و آن مولای مؤمنان را بر تخت خود نشانید و سخن بسیار
با آن امام مختار گفت پس یکی از غلامان خود گفت که انگور و انار بیاورید هرثمه گوید که چون نام انگور و انار را شنیدم
سخنان آن سید ابرار بخاطرم آمد صبر نتوانستم کرد و لرزه بر اندام من افتاد و نخواستم که حالت من
بر مامون ملعون ظاهر شود از مجلس آن ملعون بیرون آمدم و خود را در کناری افکندم چون نزدیک زوال شمس شد
دیدم که حضرت از مجلس مامون ملعون بیرون آمد و بخانه تشریف برد بعد از ساعتی امر مامون ملعون شد
که اطبا بخانهٔ آنحضرت روند سبب این امر پرسیدم گفتند مرضی آنحضرت را عارض شده است مردم در
امر آنحضرت گمانهای بردند و من صاحب یقین بودم چون ثلثی از شب گذشت صدای شیون از خانهٔ آن
امام مظلوم بلند شد مردم بدر خانهٔ مبارکهٔ آنحضرت شتافتند من نیز بسرعت تمام رفتم دیدم که مامون ملعون

وقف روضهٔ رضویه

شقی ایستاده است و پیراهن خود را پاره کرده و بندهای خود را گشوده و بآواز بلند نوحه و زاری میکند چون
آن حالت را دیدم بیتاب شدم و گریان گردیدم چون صبح شد آن ملعون بتعزیهٔ آنحضرت نشست و بعد از ساعتی
داخل خانهٔ مبارکهٔ منورهٔ آن امام مظلوم شهید شد و گفت که اسباب غسل را حاضر کنید که میخواهم که آنحضرت را
غسل دهم من چون این سخن شنیدم حسب الفرمودهٔ آنحضرت بنزد آن ملعون رفتم و پیام آنحضرت را رسانیدم
چون آن ملعون آن تهدیدات را شنید ترسید و دست از غسل برداشت و تغسیل را بمن گذاشت چون آن ملعون
بیرون رفت بعد از ساعتی خیمه که آنحضرت فرموده بود برپا شد و من با جمعی دیگر در بیرون خیمه ایستاده بودیم
و آواز تسبیح و تهلیل و تکبیر حق تعالی می شنیدیم و صدای ریختن آب و حرکت ظرفها بگوش ما میرسید و بوی خوش از عقب
پردهٔ مبارکه استشمام میکردیم که هرگز چنین بوی بمشام ما نرسیده بود ناگاه دیدیم که مأمون ملعون از بام خانه مشرف
شد و مرا بانگ زد و گفت آنچه حضرت بمن خبر داده بود و من نیز جواب گفتم چنانچه حضرت بمن فرموده بود پس
دیدم که خیمه برخواست و مولای مرا در کفن پیچیده و طاهر و مطهر و خوشبو بر روی تخت گذاشته اند پس نعش آن امام
مظلوم غریب را بیرون آوردیم مأمون ملعون و جمیع حاضران بر آنحضرت نماز کردند و چون بقبهٔ هرون علیه اللعنه
رفتیم دیدیم که کلنگ داران در پس پشت هرون میخواهند که از برای آنحضرت قبر حفر نمایند و چندانکه کلنگ
بر زمین میزنند ذرهٔ از آن خاک جدا نشود و مأمون ملعون بمن گفت که می بینی زمین چه گونه امتناع می نماید از حفر
قبر او گفتم که آنحضرت بمن امر کرده است که یک کلنگ در پیش روی هرون بر زمین زنم قبر ساخته ظاهر شود مأمون
ملعون گفت سبحان الله این سخن چه بسیار عجیب است اما از حضرت امام رضا ع هیچ امری غریب نیست ای هرثمه
آنچه فرموده است بعمل آر هرثمه گفت که من کلنگ را گرفتم و در جانب قبلهٔ هرون ملعون بر زمین زدم بیک کلنگ زدن
قبر کنده و در میانش ضریح ساخته پیدا شد مأمون ملعون گفت ای هرثمه او را در قبر گذار گفتم مرا امر کرده است که او را

در قبر نگذارم

[illegible]

در قبر نگذارم تا امری چند ظاهر شود و مرا خبر داده که از قبر او آب سفیدی خواهد جوشید و قبر مملو از آن آب
خواهد شد و ماهی در میان آن آب ظاهر خواهد شد که طولش مساوی طول قبر باشد و فرموده است که
چون آن ماهی غایب شود و آن آب از قبر برطرف شود جسد مطهر آنحضرت را در کنار قبر بگذارم تا آنکه
حق تعالی خواسته باشد که او را در لحد گذارد و خواهد گذاشت مأمون ملعون گفت ای هرثمه آنچه آنحضرت فرموده
است بعمل آر و چنان کن چون آب و ماهی ظاهر و برطرف شد من نعش مطهر آنحضرت را در کنار قبر گذاشتم
ناگاه دیدم پردهٔ سفیدی بر روی قبر منور پیدا شد و من قبر را نمیدیدم آنحضرت را بقبر بردند آنگه من دستی
بگذارم پس مأمون ملعون بحاضران گفت که خاک بر قبر ریزند گفتم آنحضرت فرموده است که احدی خاک
بریزد گفت وای بر تو پس که قبر را پر خواهد کرد گفتم آنحضرت بمن خبر داده که قبر خود بخود پر خواهد شد پس مردم خاکها را
از دستهای خود ریختند و بوی آن قبر مطهر نظاره میکردند و از غرایبی که بنظر می آمد متعجب و بیهوش بودند
ناگاه قبر پر شد و از زمین بلند شد چون مأمون بخانه برگشت مرا بخلوت طلبید و گفت ترا بخدا
قسم میدهم که آنچه از آنحضرت شنیدهٔ از برای من بیان کن گفتم آنچه فرموده بود عرض کردم گفت ترا
بخدا قسم میدهم که غیر آنها آنچه گفته است بگو چون خبر انگور و انار را نقل کردم رنگ آن ملعون متغیر شد
و از رنگ برنگ گردید سرخ و زرد و سیاه شد پس بر زمین افتاد و بیهوش شد و در بیهوشی میگفت وای
بر مأمون ملعون از حق تعالی وای بر مأمون ملعون از حضرت رسول خدا وای بر مأمون شقی از علی مرتضی
وای بر مأمون کافر از حضرت فاطمه زهرا وای بر مأمون مردود از حسن مجتبی وای بر مأمون ظالم از
حسین شهید کربلا وای بر مأمون کذاب از امام زین العابدین وای بر مأمون مرتد از امام محمد باقر وای
بر مأمون راندهٔ درگاه از امام جعفر صادق وای بر مأمون فاجر از امام موسی کاظم وای بر مأمون بدبخت از

امام برحق علی بن موسی الرضا بخدا قسم که این زیان کاری هویدا و مکرر این سخنان را میگفت و
میگریست و فریاد میکرد و من از مشاهده احوال آن ملعون ترسیدم و در گوشه خانه خزیدم چون بحال خود باز
آمد مرا پیش طلبید و مانند مستان مدهوش بود و پس گفت که بخدا قسم که تو و جمیع اهل زمین و آسمان نزد
من از آنحضرت عزیزتر نیست اگر بشنوم که یک کلمه ازین سخنان را در جایی اظهار کرده ترا بقتل میرسانم
من گفتم اگر در جایی اظهار کنم خون من بر شما حلال باشد پس عهد و پیمانها از من گرفت و قسمهای عظیم بمن داد
که اظهار این اسرار نکنم چون برگشتم دست بر دست زد و این آیه مبارکه را خواند که یَستَخفُونَ مِنَ
النّاسِ وَلا یَستَخفُونَ مِنَ اللهِ وَهُوَ مَعَهُم اِذ یُبَیِّتُونَ ما لا یَرضی
مِنَ القَولِ وَکانَ اللهُ بِما تَعمَلُونَ مُحِیطًا یعنی پنهان میکنند از مردم و پنهان نمیکنند از حق تعالی
و حال آنکه حق تعالی با ایشان است در شبها که سخنی چند میگویند که حق تعالی از آن راضی نیست و حال آنکه حق جل و علا بجمیع کردهای
شما احاطه کرده است و علم او محیط همه است و بر همه آنها مطلع است شیخ طبرسی بسند معتبر از امیه بن علی روایت کرده
است که گفت در ایامی که حضرت امام رضا ع در خراسان بود من در مدینه طیبه همیشه بخدمت امام محمد تقی ع میرفتم
عموها و خویشان آن امام عالیشان مکرر بخدمت آنحضرت می آمدند و سلام میکردند و تعظیم و تکریم آن جناب
مینمودند و جوایز عظیمه می یافتند روزی در حضور ایشان جاریه خود را طلبید و فرمود که اهل حرم را بگو که برای ماتم
و اقامه مصیبت مهیا شوند روز دیگر که بخدمت آنحضرت رفتند پرسیدند که برای ماتم که مهیا شوند فرمود که
برای ماتم بهترین اهل زمین بعد از چند روز خبر رسید که آنحضرت در آن روز که فرزند بزرگوارش امر بماتم
فرموده بود بعالم بقا رحلت کرده اند و بسند معتبر از معمر بن خلاد روایت شده که روزی حضرت امام محمد تقی
ع در مدینه طیبه فرمود که ای معمر سوار شو معمر گوید که عرض کردم که بکجا تشریف میبرید فرمود که سوار شو و کاری مدار

چون در خدمت

چون در خدمت آنحضرت بصحرا رفتیم فرمود که اینجا بایست و آنحضرت ناپیدا شد بعد از ساعتی پیدا شد گفتم فدای
تو شوم کجا بودی فرمود که بخراسان رفتم و پدر غریب مظلومم را دفن کردم و برگشتم و وفات آنحضرت بنا بر روایت
شیخ طوسی و شیخ مفید و شیخ کلینی از ماه صفر سال دویست و سیم هجرت واقع شد عمر شریف آنحضرت پنجاه
و پنج سال بود و کلام شهید اول ره نیز مشعر براین است صاحب کفعمی روز سه شنبه هفدهم صفر نقل نموده و چهارم
و آخر ماه صفر و غره و پنجم و هفتم ماه مبارک رمضان و بیست و سیم ذی القعده نیز گفته اند ابن بابویه روایت کرده که
بیعت آنحضرت در پنجم ماه مبارک رمضان سال دویست و یکم بود و در اول سال دویست و دوم مامون ام حبیبه
دختر خود را بآنحضرت تزویج نمود و در ماه رجب سال دویست و سیم آنحضرت را بزهر شهید کرد و گفته است
که صحیح آنست که وفات آنحضرت در روز جمعه بیست و یکم ماه رمضان سال دویست و سیم واقع شد و از
عمر شریف آنحضرت چهل و نه سال و شش ماه گذشته بود و با پدر بزرگوارش بیست و نه سال و دو ماه زندگانی فرمود
و ایام امامتش بیست سال و چهار ماه شیخ کلینی نیز روایتی قریب باین از محمد بن سنان در آخر باب کتاب کافی
ذکر کرده و مشهور قول اول است ایام امامت آنحضرت بنا بر مشهور در بقیه پادشاهی هرون الرشید ملعون
و بعد از او محمد بن زبیده و بعد از او مامون ملعون بیست و سه سال و بیست روز چنانچه نقل شده والله اعلم
و آنحضرت مدفون شد در سناباد طوس در گنبد هرون ملعون چنانچه گذشت و از احادیث معلوم
میشود که قبر آنحضرت را در جانب قبله قبر هرون نزدیک بدیوار بفاصله سه ذراع از قبر هرون حسب الوصیه
آنحضرت کنده اند پس دیوار جانب قبله گنبد هرون در نزدیک پیش روی آنحضرت بوده و محتمل که نزد است
رکن ضریح منور که در جنب در مبارک ضریح است بوده باشد بجهت آنکه اهل سنت خصوصا حنفیه و سکنه
مدینه طیبه و عراق عرب که قایل بتفاوت آفاق نیستند قبله را در جنب نقطه جنوب میدانند چنانچه شافعی و اهل

بلخ و بخارا را از اوزبکیه شومیه مبین زیاد منحرف می نمایند هر چند که در عراقین و صفاهان نماز کنند از بدو و در ابنیه و مساجد
عالیه در یک شهر برای الیش ملاحظه شده که آنچه بنای جعفری ریا و شاهان روم است محراب آن از قبله واقعی
بیا تنسر زیاد و آنچه بنای شافعی و پادشاهان اوزبکیه شومیه است محراب آن از قبله حقیقی تا بمین زیاد دارد
و محقق است که امام محمد تقی علیه السلام پدر بزرگوار خود را در پیش روی هرون ملعون بقبله واقعی حقیقی مدفون فرموده
و هرون ملعون پس را در عقب سر آنحضرت بنا بر مذهب کج مذکور تیاسر امدفون بوده و هر که در مذهب
حق اثنی عشر در حال حیات مستقیم نباشد و بحضرت امیر مؤمنان و ائمه اطهار و امام زمان اعتقاد درست
نداشته باشد البته که در حین ممات روی نحس او از قبله منحرف خواهد بود و هر کس که در حین حیوة روی
دل بحضرات ائمه معصومین علیهم السلام براستی نیاورده ایشان را امام و پیشوا و مقتدا و قبله خود ندانند
در حین وفات نیز البته روی او راست بجانب امام زمان و نور حدقه شیعیان امام هشتم و قبله هفتم علیه السلام نخواهد بود
پس هرون ملعون بنا بر این تحقیق که افاضه بتغییر شده چنانچه در حین حیوة از حق واقعی منحرف است از
بود در حال ممات نیز از قبله واقعی منحرف خواهد است بنا علیه هر گاه قبر مبارک آنحضرت در پیش روی آن
ملعون بقبله واقعی باشد و آن ملعون پس را کج نهاده در عقب آنحضرت منحرف بسیار از قبله حقیقی و واقعی
بکجی تمام باشد در عقب رکن مبارک ضریح منور که پایین بالای سر و پشت مطهر آنحضرت است خواهد بود
یا در زیر دیوار عقب رکن مبارک مذبور یا در پیش آن دیوار مشرب هبل لکدکوب زایران و طایفان کعبه
اهل عرفان است و مطلب و مقصود و تخریب قبه هرون و پایه گنبد مقدس نورانه از تنگی آن موضع چنانچه مشهور است
یا اخراج هرون ملعون پس را از روضه منوره آن امام ابرار و یا لکدکوب بودن آن شقی کج نهاده بود
بنحوی که لکدکوب زایر و طایف آن قبله شیعیان و کعبه واقعی متقیان بر کله پلید آن ملعون پس را البته واقع شده اول این

ثواب

ثواب نیز محروم نباشند و با وسعت مکان احتمال حرمان بعضی از طایفان و زایران در آن مقصود نباشد
در نزد بنده داعی اقرب و بمضمون احادیث نزدیکتر و موافق کردار حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله الی یوم الحشر است چنانچه
منقول است از حضرت رسول الله صلعم که آنحضرت بت هبل را که بزرگتر و معتبرترین بتان قریش بود
در زیر عتبه طاق باب بنی شیبه دفن نمود و امر فرمودند که زایران و طایفان کعبه معظمه از آن طاق داخل مسجد الحرام شوند
تا بت هبل را لکدکوب نمایند و سنت آنحضرت بر این قرار الی یوم القیام شد بنا بر تحقیق و تدقیق مذکور
احادیث منقوله در کتب و قول مشهور در این مطابق و وجه او نیز مدلل ظاهر شد الحمد لله والله اعلم
و اولاد آنحضرت بنا بر قول شیخ مفید علیه الرحمه غیر حضرت امام محمد تقی علیه السلام در روز شهادت پدر بزرگوار
حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا هفت سال و چند ماه ذکر کرده و قول مشهور نه سال است و مولانا حسین
کاشفی واعظ پنج نفر نقل نموده حضرت امام محمد تقی و حسن و جعفر و ابراهیم و شاهزاده حسین واقعه در قزوین
و گفته که عقب و اولاد از غیر امام محمد تقی نماند و صاحب کفعمی در جدول ثلثه اولاد او نوشته احتمال که اولاد آنحضرت
پنج یا سه بوده و در زمان حیات آنحضرت فوت شده در روز فوت حضرت امام رضا علیه السلام آنحضرت را فرزند و
وارثی سوای حضرت امام محمد تقی علیه السلام نبوده باشد منافات بین الروایتین باین نحو رفع میتواند شد والله اعلم
باب سیوم در ثواب زیارت آن زبده اصفیا و امام اتقیا و پناه غربا و شهید زهر اهل جفا و شقا امام هشتم
قبله هفتم علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا است ثواب و خواص زیارت آنحضرت بیشمار و احصاء آن فزون
از طاقت انسانست و افضل اوقات و بهترین زیارات آنحضرت بنا بر روایات زیارت ماه مبارک
رجب است بذکر چهل و یک حدیث با حدیث دعبل بن علی الخزاعی شاعر و قصیده و حکایات او در فضیلت و ثواب
زیارت آنحضرت درین مختصر اقتصار شده و بروایت چهارده خبر از وقایع غریبه و استجابت دعوات

که در نزد قبر منور آنحضرت و در قبهٔ متبرکه و حوالی آن واقع شده و بصحت تمام رسیده و علما نقل نموده اند اختتام
این باب شد حدیث اول شیخ ابن بابویه بسند معتبر روایت کرده است که مردی از اهل خراسان بخدمت
آن امیدگاه شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا آمد و عرض کرد که من حضرت رسول الله صلعم
را در خواب دیدم و آنحضرت بمن گفت که چگونه خواهید بود شما اهل خراسان در وقتی که مدفون شود در زمین
شما پارهٔ تن من ستارهٔ روشن من آن امام مظلوم غریب فرمودند که منم آنکه مدفون میشوم در زمین شما و منم پارهٔ تن
پیغمبر شما و منم امام آنحضرت و نجم فلک امامت و هدایت هر که مرا زیارت کند و حق مرا شناسد و
اطاعت مرا بر خود لازم داند من و پدران من شفیعان او خواهیم بود در روز قیامت و هر که ما شفیعان او باشیم
البته نجات می یابد هر چند بر او گناه مانند گناه جن و انس بوده باشد و بدرستی که خبر داد مرا پدرم از پدرانش از
حضرت رسول الله که آنحضرت فرمودند که هر که مرا در خواب ببیند بتحقیق که مرا دیده است زیرا که شیطان
متمثل نمیتواند شد بصورت من و نه بصورت احدی از اوصیای من و نه بصورت احدی از شیعیان خالص
ایشان و بدرستی که خواب راست جزوی از هفتاد جزو پیغمبریست حدیث دویم شیخ ابن بابویه بسند معتبر
روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق اتقیا و زبدهٔ اصفیا حضرت امام رضا ع روایت کرده است
که فرمودند که بخدا قسم هیچ یک از اهل بیت نبوت و رسالت نیست مگر آنکه کشته میشود و شهید میگردد
گفتند یا ابن رسول الله کی ترا شهید میکند آنحضرت فرمودند که بدترین خلق خدا در زمان من مرا بزهر شهید
خواهد کرد و دور از یار و دیار در زمین غربت مدفون خواهد ساخت پس هر که مرا در آن غربت زیارت کند
حق تعالی مزد و ثواب صد هزار جهاد کننده و صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج کننده و عمره کننده
برای او بنویسد و در زمرهٔ ما محشور شود و در درجات عالیهٔ بهشت رفیق ما باشد حدیث سیوم ایضا شیخ ابن بابویه

بسند معتبر از حضرت امام بحق ناطق امام جعفر صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمودند که حضرت
رسول الله صلعم فرمودند که مدفون خواهد شد در زمین خراسان پارهٔ از تن من هر مؤمنی که او را زیارت کند البته
بهشت او را واجب شود و بدنش بر آتش جهنم حرام گردد حدیث چهارم ایضا ابن بابویه بسند معتبر روایت
کرده است از حضرت امام جعفر صادق ع که آنحضرت فرمودند که از پسر من موسی ع پسری بهم خواهد رسید
که نامش موافق نام حضرت امیر المؤمنین ع باشد و او را بجانب خراسان برند و در آنجا بزهر جفا شهید کنند و در
غربت او را مدفون سازند هر که او را زیارت نماید و بحق او عارف باشد حق تعالی اعطا کند باو مزد آنها را که قبل از
فتح مکه مال و جان خود را در راه حق تعالی نثار کردند حدیث پنجم ایضا شیخ ابن بابویه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
روایت کرده است که آنحضرت فرمودند که مردی از فرزندان من در زمین خراسان بزهر ستم و عدوان شهید
خواهد شد که نام او موافق نام من باشد و نام پدرش موافق نام موسی بن عمران باشد هر که او را در آن غربت
زیارت کند حق تعالی گناهان گذشته و آیندهٔ او را بیامرزد اگر چه بعدد ستارهای آسمان و قطرهای باران
و برگ درختان باشد حدیث ششم بطرق معتبره از ابو الصلت هروی روایت شده که چون آن امام مظلوم در حین
رفاقت بنزد مأمون لعین با طوس رسید داخل قبهٔ شد که قبر هرون ملعون در آنجا بود و در پیش قبر آن
ملعون خطی کشید و فرمود که این تربت من است و من در اینجا مدفون خواهم گردید و حق تعالی این مکان را
محل ورود شیعیان و دوستان من خواهد گردانید بخدا قسم که هر که از ایشان مرا در این مکان
زیارت کند یا بر من سلام کند البته حق تعالی آمرزش و رحمت خود را بشفاعت ما اهل بیت برای او واجب
گرداند پس آنحضرت روی مبارک بجانب قبله گردانیدند و چند رکعت نماز بجا آوردند و دعای بسیار خواندند
و چون فارغ شد بسجده رفت و سجده را طول داد و پانصد تسبیح در سجده گفت و سر از سجده برداشت

وبیرون آمد حدیث هفتم شیخ ابن بابویه علیه الرحمة روایت کرده است بطریق معتبر از عبدالسلام بن صالح الهروی
که او گفت که شنیدم از حضرت امام رضا ع که آنحضرت میفرمودند که بدرستیکه زود باشد که من کشته
شوم بزهر جفا در حالتی که مظلوم باشم و قبر من در جنب هرون ملعون باشد و بگرداند حق تعالی تربت مرا
محل آمد و رفت شیعیان من و اهل محبت من پس کسیکه زیارت کند مرا در غربت من واجب میشود از برای
که من زیارت کنم او را در روز قیامت و قسم بخداوندی که گرامی داشت حضرت محمد مصطفی صلعم را بنبوت
و برگزید آنحضرت را بر جمیع خلایق نماز نکند از واحدی از شیعیان در نزد قبر من دو رکعت مگر اینکه مستحق
میشود مغفرت و آمرزش را از حق تعالی در روزیکه ملاقات کند خداوند عالمیان را و قسم بآن خدایکه گرامی
داشت ما را بعد از حضرت محمد مصطفی صلعم بامامت و خلافت و مخصوص گردانید ما را بوصایت که بدرستیکه
زوار قبر من هرآینه گرامی ترین مهمانان و آیندگان بر حق تعالی باشند در روز قیامت و نیست مؤمنیکه
زیارت من کند و بروی او قطره آب برسد مگر اینکه حرام میگرداند حق تعالی جسد او را بر آتش دوزخ و قطره
آب مطلق است ظاهرش آب چشم است اما احتمال عرق باعتبار حیا و ادب و تحمل مشقت و تعب نیز دارد
و ممکن است که مراد آن باشد که در راه یکقطره باران بر روی او خورد و بسبب این مشقت سهل که در راه
آنحضرت کشد مستوجب این ثواب عظیم شود چنانچه از مضمون حدیث بیست و ششم مفهوم میشود و هر سه محتمل است
والله اعلم حدیث هشتم شیخ کلینی و شیخ طوسی و غیر هم بسند معتبر روایت کرده اند از محمد بن سلیمان که او گفت که
عرض کردم بخدمت حضرت امام محمد تقی ع از مردیکه توفیق حج بیت الله الحرام یافت و حجة الاسلام خود را
بعنوان حج تمتع که موافق مذهب شیعه است بجا آورد و حق تعالی یاری و همراهی او کرد در افعال و اعمال عمره
و حج پس بعد از آن آمد بمدینه طیبه و بسلام حضرت پیغمبر صلعم خود را سرافراز نمود و بعد از آن بخدمت سرآ

سعادت

سعادت سرا آمد در حالتی که عارف بود بحق شما و میدانست که بدرستیکه تو حجت خدایی بر خلایق و در علم و معرفت
خدا ید الجنان و دری که هر که بدین و راه حق تعالی آید باید که از آن در داخل شود و بتو سلام کرد بعد از آن بخدمت
حضرت امام حسین ع رفت و سلام بدان حضرت نمود و بعد از آن ببغداد رفت و بحضرت امام موسی کاظم ع
سلام کرد و بعد از آن برگشت و بشهر خود رفت پس چون سال دیگر وقت موسم حج شد حق تعالی روزی او کرد
قدری که باز بآن حج تواند کرد پس از برای این مرد که حج واجبی و حجة الاسلام را کرده است کدام یک از این دو تا
افضل است که برگردد و باز حج بجا آورد و یا بیرون رود و بجانب خراسان بسوی پدر بزرگوارت علی بن موسی الرضا ع
و بآنحضرت سلام کند آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه فرمودند که رفتن بخراسان و سلام دادن بحضرت
امام رضا ع افضل است و لیکن سلام بر آنحضرت باید که بوده باشد در ماه مبارک رجب اما سزاوار نیست که شیعیان
امروز چنین کنند که بدرستی که برای ما و شما موجب دشنام و فضیحت از پادشاه عصر خواهد شد پس باید که شیعیان
حضرت امیرالمؤمنین ع بتامّل تمام نظر درین حدیث نموده باخلاص تمام لیلاً و نهاراً سراً و جهاراً بدعاگوئی سلاطین
صفویه انار الله برهانهم خصوصاً این پادشاه دین پرور مدّ الله ظلاله الی یوم المحشر قیام و اقدام نمایند چه شیعیان
باخلاص تو امان از شدّه تقیه بزیارت و سلام حضرات ائمه اطهار جرئت نموده و در نزد [illegible]
عظیم که موجب دشنام و فضیحت شیعیان و ائمه ایشان باشد بوده و ظاهرا که درین حدیث زیارت و سلام حضرت
امیرالمؤمنین ع را بوضوح گذاشته ذکر نموده چه هرگاه شیعه بسلام حضرت امام حسین و حضرت امام موسی کاظم ع
که باعث شنیعت اهل سنت است رود بسلام حضرت امیرالمؤمنین ع که سنیان نیز مضایقه ندارند و
خلیفه رابع میدانند البته رفته خصوصاً که از مدینه طیبه که بامام حسین ع آید اولا بکوفه و زیارت حضرت امیر مشرف
میشود و معنی امام ششم و قبله هفتم که در السنه مشهور است از مضمون این حدیث و احادیث دیگر معلوم میشود

چه قبله چیزی را گویند که بدان رو آورند و مردم بسوی او رو کنند چنانچه واقع شده که لکلّ واعظ قبلةٌ و لکلّ موعوظ
قبلة پس جهت موضع مبارک در روی زمین است که مؤمنان و شیعیان رو بدان آورند بعنوان وجوب
یا استحباب قبلهٔ اول حرم خدا و رسول خدا کعبهٔ معظّمه و مسجد الحرام است که کافهٔ مسلمین واجباً کان او مستحباً
بزیارت آن مأمورند قبلهٔ دویم مدینهٔ طیّبه است که بعد از حج آمدن بمدینهٔ طیبه و مشرّف شدن بزیارت حضرت
رسول الله صه و باقی ائمه علیهم السّلام مظنّهٔ وجوب دارد چون بلفظ جفا واقع شده چنانچه شیخ ابن بابویه ره
در کتاب جامع الاخبار از حضرت رسول الله صه روایت کرده که آنحضرت فرمودند که هر که بیاید بزیارت من
من شفیع او خواهم بود در روز قیامت و کسی که بجهت ادای حج بمکهٔ معظّمه آید و بمدینهٔ طیبه بزیارت من نیاید
پس بتحقیق که بمن جفا کرده خواهد بود و کسی که بمن جفا کند پس بتحقیق که من هم با و جفا خواهم کرد در روز قیامت
قبلهٔ سیوم نجف اشرف و کوفه است بجهت زیارت حضرت امیر المؤمنین و وجوب در آن و در بقیهٔ ائمه ع
بعد از حج ظاهر بعضی از احادیث و قول بعضی از مشایخ و علماست چنانچه شیخ ابن بابویه علیه الرحمة در کتاب
علل الشرایع گفته که باب علة آنچنانیکه بسبب آن واجبست زیارت حضرت رسول الله صه و حضرات ائمهٔ معصومین
علیهم السّلام بعد از حج و بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمّد الصادق ع که
آنحضرت فرمودند که هرگاه یکی از شما حج خانهٔ خدا کند پس باید که ختم کند حجّش را بزیارت ما بدرستیکه
ختم بزیارت ما از تمام کردن حج است و بعد از نقل احادیث دیگر ذکر کرده که مصنف این کتاب میگوید که
علتی که در زیارت حضرت پیغمبر صه وارد شده که بدرستیکه کسی که حج بیت الله الحرام بجا آورد و آنحضرت را
زیارت نکند پس بتحقیق که بآنحضرت جفا کرده است زیارت ائمه علیهم السّلام نیز جاری مجرای زیارت حضرت
رسول الله صه است بسبب حدیث آنچنانکه بتحقیق روایت شده از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلم

شیخ کلینی

شیخ کلینی و شیخ طوسی علیهما الرحمة بسند معتبر از یونس بن ابی وهب روایت کرده اند که او گفت که
من داخل مدینهٔ طیبه شدم پس بخدمت حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمّد الصادق علیه السّلام رسیدم
عرض کردم که فدای تو شوم بخدمت تو آمدم و حضرت امیر المؤمنین ع را زیارت نکردم آنحضرت فرمودند
که بسیار بد کردهٔ هرگاه نمی بودی تو از شیعیان راست و درست ما من و نگاه بسوی تو نمیکردم
آیا زیارت نمیکنی کسی را که حق تعالی با جمیع ملائکه او را زیارت میکنند و جمیع پیغمبران او را زیارت میکنند
عرض کردم که فدای تو شوم چنین نمیدانستم آنحضرت فرمودند که بدانکه حضرت امیر المؤمنین ع افضل است
در نزد حق تعالی از جمیع امامان کلّهم و از برای آنحضرت است ثواب اعمال ایشان و بر قدر اعمال ایشان تفضیل داده
میشوند قبلهٔ چهارم قبر منور حضرت امام حسین علیه السّلام است قبلهٔ پنجم مرقد منور کاظمین علیهما السّلام است قبلهٔ ششم
سرّ من رای بجهت زیارت عسکریین و صاحب الامر علیهم السّلام است قبلهٔ هفتم مشهد مقدس و مرقد
منور حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه التحیة و الثنا است و الله اعلم حدیث نهم شیخ کلینی و شیخ طوسی و
دیگران بطریق معتبره روایت کرده اند از علی بن مهزیار که او گفت که عرض کردم بخدمت حضرت امام محمّد تقی
علیه السّلام که فدای تو شوم زیارت حضرت امام رضا ع افضل است یا زیارت حضرت امام حسین ع
پس آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه فرمودند که زیارت پدر بزرگوارم حضرت امام رضا ع افضل است
و این بجهة آنست که بدرستیکه حضرت امام حسین ع را زیارت میکنند مردمان و پدرم را زیارت نمیکنند
مگر خاصان از شیعه ازین حدیث [illegible] بر بودن مرقد منور حضرت امام حسین ع در بلاد مخالف و حضرت
امام رضا ع در بلاد شیعه است چه هرگاه مرقد منور حضرت امام حسین ع در بلاد شیعیان میبود البته سنّیان
بزیارت آنحضرت نمی آمدند و هرگاه مرقد منور حضرت امام رضا ع در بلاد اهل سنّت میبود البته شیعیان نیز

بسلام و زیارت مصدع آنحضرت میشدند والله اعلم حدیث دهم شیخ کلینی از حمدان بن اسحق با ازادی
روایت کرده که او گفت که من شنیدم از حضرت امام محمد تقی ع که آنحضرت فرمودند که کسیکه زیارت
کند قبر پدرم را در طوس می آمرزد حق تعالی گناهان گذشته و گناهان آینده او را راوی گوید که پس رفتم بحج بعد
از زیارت حضرت امام رضا ع و برخوردم بایوب بن نوح پس گفت ایوب بن نوح از برای من که حضرت امام
محمد تقی ع فرمودند که کسیکه زیارت کند قبر پدرم را در طوس حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد
و در روز قیامت میگذارند از برای او منبری در برابر منبر محمد مصطفی و علی مرتضی و او در بالای آن منبر می نشیند
تا اینکه جمیع خلایق از حساب آنروز فارغ شوند پس بعد ازین دیدم ایوب بن نوح را که بزیارت آنحضرت آمده
مشغول زیارت بود چون مرا دید گفت که آمده ام از جهت طلب آن منبر حدیث یازدهم شیخ کلینی و شیخ طوسی
و دیگران روایت کرده اند باسناد صحیحه از حضرت امام موسی کاظم ع که آنحضرت فرمودند که کسیکه زیارت
کند قبر فرزندم علی را در طوس بجهت او باشد در نزد الله تعالی ثواب هفتاد حج مقبول راوی گوید که عرض
کردم که ثواب هفتاد حج آنحضرت فرمودند که بلی ثواب هفتاد هزار حج عرض کردم که ثواب هفتاد هزار حج آنحضرت
فرمودند که بسیار حج هست که مقبول نمیشود کسی که حضرت امام رضا ع را زیارت کند و یک شب را در
نزد آنحضرت بروز آورد ثواب او مثل ثواب کسی است که حق تعالی را در عرش زیارت کرده باشد عرض کردم
مثل کسی که حق تعالی را در عرش زیارت کرده باشد آنحضرت فرمودند که بلی چون روز قیامت شود بر عرش
خداوند رحمن باشند چهار نفر از اولین و چهار نفر از آخرین اما چهار نفر که از اولین اند نوح است و ابراهیم
و موسی و عیسی علی نبینا و علیهم السلام و اما چهار نفر از آخرین حضرت محمد مصطفی و علی مرتضی و حسن مجتبی و حسین
شهید بکربلا باشند بنابر روایت شیخ کلینی پس طعام و نعمتهای الهی کشیده شود و بنابر روایت دیگران

پس کشیده

پس کشیده و وسیع شود مجلس و بنشینند با ما کسی که زیارت کرده باشد قبر حضرات ائمه معصومین ع را بدان [illegible]
و آگاه باش که بدرستیکه بلند مرتبه ترین ایشان و نزدیکترین ایشان بخدا با بخشش زوار قبر فرزندم حضرت
امام رضا ع خواهد بود حدیث دوازدهم شیخ کلینی و دیگران روایت کرده اند از زید شحام که او گفت که عرض کردم
بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع که چه ثواب دارد کسی که حضرت رسول الله ص را زیارت کند آنحضرت
فرمودند که ثواب او مثل ثواب کسی است که حق تعالی را در فوق عرش زیارت کرده باشد راوی گوید که عرض
کردم که چه ثواب دارد کسیکه یکی از شما را زیارت کند آنحضرت فرمودند که ثواب او مثل ثواب کسی است که
حضرت رسول الله ص را زیارت کرده باشد حدیث سیزدهم شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر روایت
کرده اند از احمد بن محمد بن ابی نصر که او گفت که خواندم من در کتابی که نوشته بود آنرا حضرت امام رضا ع
بخط مبارک خود که برسان بشیعیان من که بدرستیکه زیارت من برابر است در نزد حق تعالی با هزار حج
و هزار عمره که جمیع اینها مقبول درگاه الهی باشد راوی گوید که عرض کردم بخدمت حضرت امام محمد تقی ع
که برابر است با هزار حج آنحضرت فرمودند که آری بخدا قسم برابر است با هزار هزار حج از برای کسیکه
زیارت کند آنحضرت را در حالی که عارف باشد بحق آنحضرت حدیث چهاردهم شیخ طوسی و
دیگران روایت کرده اند از ابراهیم بن اسحق نهاوندی که او گفت که حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا
فرمودند که کسی که زیارت من کند بر دوری خانه و قبر من یعنی از راه دور بزیارت من آید می آیم من در روز
قیامت در سه موضع بنزد او تا اینکه خلاص کنم او را از ترس و هولهای آن سه موضع وقتی که نامه اعمال
بندگان بدست راست نیکان و دست چپ بدکاران داده شود و در نزد پل صراط و در نزد میزان
اعمال حدیث پانزدهم شیخ طوسی و غیره روایت کرده اند از حضرت امام محمد تقی ع که آنحضرت فرمودند

که هر که زیارت کند پدر بزرگوارم را پس از برای او است بهشت عنبر سرشت حدیث شانزدهم شیخ طوسی ره و دیگران
روایت کرده اند باسناد معتبره از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع که آنحضرت که روایت کرد
پدرم از پدرش از جدش از حضرت امام حسین ع که بدرستیکه رسول خدا ص فرمودند بحضرت امیر المؤمنین ع که
بخدا قسم که ترا خواهند کشت در زمین عراق و مدفون خواهند کرد در آن زمین حضرت امیر المؤمنین ع عرض
کرد که یا رسول الله چه ثواب هست از برای کسی که زیارت کند قبرهای ما را و تعمیر و تجدید قبور ما کند و خدمت گذاری ما
کند پس آنحضرت ص فرمودند از برای من که ای ابو الحسن بدرستیکه حق جل و علا گردانیده است قبر ترا و قبر اولاد
ترا بقعه ها از بقاع بهشت و باغها از باغهای بهشت و بدرستیکه حق تعالی گردانیده دلهای نجباء از خلقش را و برگزیدگان
از عبادش را مایل بسوی شما و متحمل میشوند خواری و اذیت را در راه شما پس تعمیر میکنند قبرهای شما را و بسیار
می آیند بزیارت قبور شما از برای تقرب ایشان بدرگاه الهی و دوستی ایشان برسول خدا ص ایشان جماعت
یا علی مخصوصانند بشفاعت من و وارد خواهند شد بمن در سر حوض کوثر و ایشان روسفیدان و زایران منند
در بهشت یا علی کسی که تعمیر و تجدید کند قبور شما را و خدمت گذاری شما کند پس گویا که اعانت کرده است حضرت سلیمان
بن داود ع را بر بنای بیت المقدس و کسیکه زیارت کند قبور شما را برابری میکند ثواب آن با ثواب هفتاد حج بعد از
حجة الاسلام و بیرون میرود از گناهان تا اینکه برگردد از زیارت شما مثل روزیکه از مادر متولد شده باشد
پس بشارت باد بتو یا علی و بشارت ده دوستان و محبان خود را به بهشت عنبر سرشت و روشن کننده های
چشم با آنچه هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بخاطر هیچ بشری نگذشته باشد اما جمعی از بدان و زیانکاران
از مردمان سرزنش نمایند زوار قبور شما را بزیارت شما مثل سرزنشی که بزن فاحشه نمایند بزناکاری
او و ایشان اشرار امت منند و شفاعت من بایشان نخواهد رسید و در سر حوض کوثر بمن وارد نخواهند شد

حدیث هفدهم شیخ طوسی و شیخ بن بابویه روایت کرده اند باسناد معتبره از حسن بن علی الوشا که او گفت که
شنیدم از حضرت علی بن موسی الرضا ع که آنحضرت فرمودند که بدرستیکه از برای هر امامی عهدیست
در گردن دوستان و شیعیان ایشان و بدرستیکه تمام و وفا نمودن بعهد و نیکویی اداء آن زیارت قبور ایشان
است پس کسیکه زیارت کند ایشان را در حالتیکه راغب باشد بزیارت ایشان و تصدیق کننده باشد
بآن چیزی را که رغبت داشته اند ایشان بآن خواهند بود امامان او شفیعان او در روز قیامت حدیث هیجدهم
فقیه علیه الرحمة روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق ع که آنحضرت فرمودند که کسی که زیارت کند
امامی از امامان خود را و در نزد او چهار رکعت نماز بجا آورد مینویسد حق تعالی از برای او ثواب حج مقبول
و عمره مبروره بعضی عرض کردند بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع که چه ثواب دارد کسی که زیارت کند یکی
از شما را آنحضرت فرمودند که ثواب او مثل ثواب کسی است که زیارت کرده باشد حضرت رسول الله ص را
حدیث نوزدهم فقیه علیه الرحمة باسناد صحیحه روایت کرده است از جابر بن یزید الجعفی که او گفت که شنیدم
از وصی اوصیا و وارث علم انبیا ابا جعفر محمد بن علی بن الحسین علی بن ابیطالب علیهم السلام که آنحضرت
فرمودند که حدیث کرد بمن پدر بزرگوارم سید الساجدین علی بن الحسین علیهما السلام و او از پدر عالی
مقدارش سید الشهدا حسین بن علی و او از پدرش سید الاوصیا حضرت امیر المؤمنین ع که آنحضرت
فرمودند که فرمود رسول خدا احمد مصطفی ص که زود باشد که مدفون شود پاره از من در زمین خراسان زیارت
نکند او را کسی که مکروب باشد مگر اینکه فرج دهد حق تعالی کربت او را و زیارت نکند گناهکاری مگر اینکه بیامرزد
حق تعالی گناهان او را حدیث بیستم فقیه علیه الرحمة روایت کرده است باسناد خود از احمد بن محمد بن ابی نصر
بزنطی که او گفت که شنیدم از حضرت امام رضا ع که آنحضرت میفرمودند که زیارت نکند مرا احدی از

دوستان من که عارف باشد بحق من الا اینکه خواهیم بود من شفیع او در روز قیامت حدیث بیست و یکم فقیه علیه الرحمه
روایت کرده است بسند معتبر از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع که آنحضرت فرمودند که کشته
خواهد شد نوادهٔ من در زمین خراسان در شهری که او را طوس گویند کسی که زیارت کند او را در آن شهر و عارف
بحق او باشد میگیرم من او را بدست خود در روز قیامت و داخل بهشت عنبر سرشت میکنم هر چند که از اهل گناهان
کبیره باشد راوی گوید که عرض کردم که فدای تو شوم چه چیز است عارف بودن بحق او آنحضرت فرمودند که عرفان
حق او اینست که بداند که او امام مفترض الطاعة غریب شهید است کسیکه زیارت کند او را و عارف باشد بحق او
عطا میکند حق تعالی باو مزد و ثواب هفتاد شهید از جمعی که شهید شده باشند در پیش روی حضرت رسول الله صلعم
بحقیقت آنحضرت ع حدیث بیست و دویم وقف ابن بابویه و دیگران روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق ع
که آنحضرت روایت نمود از پدر بزرگوارش و از آباء اکرامش از رسول خدا صلعم که آنحضرت فرمودند که زود
باشد که مدفون شود پارهٔ از من در زمین خراسان زیارت نکند او را مرد مؤمن و زن مؤمنه مگر
اینکه واجب گرداند حق تعالی از برای او بهشت عنبر سرشت را و حرام گرداند جسد او را بر آتش دوزخ
حدیث بیست و سیوم وقف فقیه علیه الرحمه روایت کرده است باسناد صحیحه از حضرت امام رضا ع که آنحضرت فرمودند
که بدرستیکه در خراسان بقعه هست که بیاید بر آن بقعه زمانی که بگردد محل تردد و آمد و رفت ملائکه
پس دائما فوج فوج و گروهی از ملائکه از آسمان بآن بقعه نازل شوند و فوج و گروهی از ملائکه صعود نمایند تا اینکه
صور دمیده شود پس بعضی عرض کردند که یابن رسول الله آن کدام بقعه است آنحضرت فرمودند که آن بقعه در
زمین طوس است و آن بقعه بخدا قسم که باغی است از باغهای بهشت عنبر سرشت کسیکه زیارت کند مرا
در آن بقعه می باشد مثل کسیکه زیارت کرده باشد رسول خدا صلعم را و می نویسد حق تعالی از برای او بسبب آن

زیارت

زیارت ثواب هزار حج مبرور و هزار عمرهٔ مقبوله و خواهم بود من و پدران عالیمقدار من شفیعان او در
روز قیامت حدیث بیست و چهارم شیخ جلیل القدر شیخ ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه و غیره باسناد معتبره
روایت کرده اند از علی بن عبد الله قطر دب که او روایت میکند از حضرت امام موسی کاظم ع که آنحضرت در
روزی که پسران او همگی مجتمع بودند در نزد او گذر کرد بحضرت امام رضا ع و آنحضرت جوان نورسیده بود
حضرت امام موسی کاظم ع فرمودند که بدرستیکه این پسر من شهید خواهد شد در زمین غربت پس کسیکه
زیارت کند او را در حالتی که مسلم باشد از برای امر او و عارف باشد بحق او آن زایر در نزد حق تعالی امثل
شهدا بدر است که در راه خدا در پیش روی رسول خدا صلعم در معرکهٔ بدر درجه بلند مرتبه شهادت را
یافته باشند حدیث بیست و پنجم ایضا شیخ فقیه مذکور روایت کرده بسند معتبر مرفوعا از حضرت امام محمد باقر ع که
آنحضرت فرمودند که فرمود رسول خدا صلعم که کسیکه زیارت من کند یا زیارت یکی از ذریه من کند پس من او را
زیارت میکنم در روز قیامت و خلاص میکنم او را از ترسها و سختیهای آن روز حدیث بیست و ششم شیخ فقیه
مزبور بسند معتبر دیگر غیر حدیث منقول عاشر از حمدان روایت کرده است که او گفت که داخل شدم
بخدمت حضرت امام محمد تقی ع پس عرض کردم بخدمت آنحضرت که چه ثواب دارد کسیکه بزیارت پدر
بزرگوارت در شهر طوس مشرف شود آنحضرت فرمودند کسیکه زیارت کند قبر پدرم را در طوس می آمرزد
حق تعالی از برای او گناهان گذشته و آینده او را حمدان گوید که پس برخوردم بعد از این با یوب بن نوح بن
دراج و باو گفتم که ای ابو الحسن بدرستیکه شنیدم من از مولای خودم حضرت امام محمد تقی ع که آنحضرت
فرمودند که هر که زیارت کند قبر پدرم را در شهر طوس می آمرزد حق تعالی گناهان گذشته و گناهان آینده او را
ایوب بن نوح گفت که زیاد کنم از برای تو در این حدیث گفتم بلی پس گفت که من شنیدم از آنحضرت

[illegible]

وقف [illegible]

یعنی امام محمد تقی ع که کسیکه زیارت کند قبر پدر بزرگوارم را در شهر طوس می آمرزد حق تعالی گناهان گذشته
و گناهان آینده او را پس چون روز قیامت شود بگذارند از برای او منبری در برابر منبر حضرت رسول الله ص
و او در بالای آن منبر بنشیند تا جمیع خلایق فارغ شوند از حساب ایضا شیخ فقیه مذکور بسند معتبر دیگر روایت
کرده است از حمدان بن اسحق که او گفت که شنیدم از حضرت امام محمد تقی ع و یا گفت که نقل کرد از
برای من مردی از حضرت امام محمد تقی ع شک از علی بن ابراهیم راوی است حدیثی که ذکر آن مثل حدیث مذکور است
که ایوب بن نوح روایت کرده حدیث بیست و هشتم شیخ ابن بابویه علیه الرحمه روایت کرده است از حضرت
امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع که آنحضرت فرمودند که بدرستیکه هر که زیارت ما کند بعد از ممات ما
مثل آنست که زیارت کرده باشد ما را در زمان حیوة ما و کسیکه با دشمنان ما جهاد کند چنان است که
برفاقت ما با دشمنان ما جهاد کرده باشد و کسی که دوست دارد دوستان ما را پس گویا که ما را دوست داشته است
و کسی که خوشحال کند مومنی را پس بتحقیق که ما را خوشحال کرده است و کسی که یاری فقیر ما را نماید و مکافات او با جدّم
حضرت رسول الله ص است و آنحضرت فرمودند کسیکه زیارت کند امام مفترض الطاعه را بعد از وفات او
و در نزد مرقد منوّر او چهار رکعت نماز کند می نویسد حق تعالی از برای او ثواب حج و عمره مقبوله حدیث بیست و نهم
شیخ فقیه ابن بابویه علیه الرحمه روایت کرده است از یاسر خادم آنحضرت که او گفت که فرمود حضرت امام رضا ع
که بسته نشود بارها بسوی چیزی از قبرها مگر بسوی قبرهای ما آگاه باشید که بدرستیکه من کشته شده ام بزهر جفا و ظلما
و دفن کرده شده ام در موضع غربت پس کسیکه بار به بندد بسوی زیارت من مستجاب میشود دعای او
و آمرزیده میشود گناهان او حدیث سیم شیخ فقیه بسند معتبر روایت کرده است از شاه زاده واجب التعظیم
امام زاده عبد العظیم بن عبد الله الحسنی که او گفت که حضرت امام محمد تقی ع فرمودند که من ضامنم از برای کسی که

زیارت کند

زیارت کند پدر بزرگوارم را در شهر طوس در حالتی که عارف باشد بحق او بهشت عنبر سرشت را از جانب حق تعالی
حدیث سی و یکم شیخ ابن بابویه فقیه بسند صحیح روایت کرده است از آن امام زادهٔ واجب التعظیم شاهزاده عبد العظیم ع
که او گفت که من عرض کردم بخدمت حضرت امام محمد تقی ع که بدرستیکه من متحیر شده ام در میانه زیارت
حضرت امام حسین ع و زیارت حضرت امام رضا ع که آیا بکدام یک قیام نمایم و آنرا افضل شمارم آنحضرت ع
فرمودند که زیارت حضرت امام رضا ع را بجهت آنکه زوّار قبر حضرت امام حسین ع بسیار است و زوّار قبر پدرم ع در
شهر طوس کم و قلیل اند حدیث سی و دویم شیخ فقیه علیه الرحمه بسند معتبر روایت کرده است از علی بن اسباط
که او گفت که پرسیدم من از حضرت امام محمد تقی ع که چه میگویید از برای کسیکه زیارت کند پدر عالی مقدار شما را
آنحضرت فرمودند که از برای اوست بهشت عنبر سرشت قسم بخداوند عالمیان حدیث سی و سیوم شیخ فقیه ره
بسند معتبر روایت کرده است از علی بن اسباط که او گفت که پرسیدم از حضرت امام محمد تقی ع که چه ثواب
دارد کسیکه زیارت کند پدر بزرگوار شما را در خراسان آنحضرت فرمودند که بهشت عنبر سرشت قسم
بخداوند عالمیان بهشت عنبر سرشت قسم بخداوند عالمیان بهشت عنبر سرشت قسم بخداوند عالمیان سه
مرتبه فرمودند حدیث سی و چهارم شیخ فقیه ابن بابویه علیه الرحمه بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام
محمد باقر ع که آنحضرت فرمودند که بدرستیکه در میانهٔ دو کوه شهر طوس قبضه ایست که گرفته شده است
از بهشت عنبر سرشت کسیکه داخل شود بآن ایمن خواهد بود در روز قیامت از آتش دوزخ حدیث سی و پنجم
شیخ فقیه ابن بابویه بسند معتبر روایت کرده است از ابو الصلت هروی که او میگوید که من در خدمت حضرت
امام رضا ع بودم که جمعی از اهل قم بخدمت آنحضرت آمدند پس با آنحضرت سلام کردند و آنحضرت جواب سلام
بایشان داد و ایشان را بنزد خود طلبید و گفت که خیر و رحمت بر شما باد خوش آمدید بدرستیکه شما

شیعیان ما باید متقا و زوار باشد که بیاید بر شما روزی که زیارت کنید در ان روز تربت مراد از ان شهر
که طوس گویند اگاه باشید کسیکه زیارت کند مرا و او با غسل باشد بیرون میرود از گناهان مثل روزی که
از مادر متولد شده باشد حدیث سی و ششم شیخ فقیه بن بابویه علیه الرحمه بسند معتبر روایت کرده است از
امام زاده واجب التعظیم شاهزاده عبد العظیم ع که او گفت که شنیدم از حضرت امام علی نقی ع که انحضرت
میفرمودند که اهل قم و اهل آبه آمرزیده شده اند از برای زیارت کردن ایشان جدم حضرت امام رضا ع
را در شهر طوس آگاه باش کسی که زیارت کند انحضرت را پس بر خورد باو در راه انحضرت قطرهٔ از آسمان
حرام میگرداند حق تعالی جسد او بر آتش جهنم مراد آنست که هر گاه این قدر آزار در راه کشد که یکقطرهٔ باران
باو خورد ثوابش اینست هر گاه زیاده تر آزار کشد زیاده ثواب معلوم است حدیث سی و هفتم شیخ فقیه بن بابویه
بسند معتبر روایت کرده است از سلیمان بن حفص المروزی که او گفت که شنیدم از حضرت امام موسی
کاظم ع که انحضرت میفرمودند که بدرستیکه پسر من علی کشته خواهد شد بزهر جفا از روی ظلم و مدفون خواهد شد
در جانب هرون الرشید در شهر طوس کسیکه زیارت کند او را مثل کسی است که زیارت کرده باشد
حضرت رسول الله صلعم را حدیث سی و هشتم شیخ بن بابویه علیه الرحمه روایت کرده است از حضرت امام بحق
ناطق جعفر بن محمد الصادق ع که انحضرت فرمودند که کشته خواهد شد فرزندی ازین و بدست مبارک
اشاره فرمودند بمولای ما حضرت امام موسی کاظم ع در شهر طوس زیارت نمی کند او را مگر شیعهٔ خالص
خالص مثل طلای بیغش که در اصل معدن نقش طلا گشته باشد حدیث سی و نهم شیخ فقیه علیه الرحمه باسناد معتبر
روایت کرده است از حضرت امام رضا ع که انحضرت فرمودند که من کشته خواهم شد و زهر داده خواهم
شد و مدفون خواهم شد در زمین غربت اسلام و اخبار شد این بمن در عهدی که عهد کرد مرا آبا پدر بزرگوارم

از پدر عالیمقدارش

از پدر عالیمقدارش از پدران عالیشانش از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب از حضرت رسول خدا احمد
مصطفی صلعم آگاه باشید کسی که زیارت کند مرا در غربت من پس من و پدران من شفیعان او خواهیم بود در روز
قیامت و کسی را که بوده باشیم ما شفیعان او نجات می یابد هر چند که بوده باشد بر او مثل گناه و وزر و وبال
جن و انس حدیث چهلم شیخ فقیه بن بابویه علیه الرحمه روایت کرده است بسند صحیح معتبر از حضرت امام علی
نقی ع که انحضرت میفرمودند که هر کسی را که بوده باشد از برای او بدرگاه حق تعالی حاجتی پس زیارت کند قبر
جدم حضرت امام رضا ع را در شهر طوس و حال آنکه او با غسل باشد و دو رکعت نماز در بالای سر مبارک
انحضرت بجا آورد و در قنوت آن نماز از حق تعالی حاجت خود را سؤال کند پس بدرستیکه البته مستجاب
میشود مادام که نبوده باشد سؤال او در امر گناهی یا قطع رحمی و بدرستیکه موضع قبر انحضرت بقعهٔ ایست از
بقعهای بهشت عنبر سرشت زیارت نمیکند انحضرت را مؤمنی مگر اینکه آزاد میکند حق تعالی او را از آتش دوزخ
و داخل میکند او را به بهشت عنبر سرشت این غلام داعی معروض میدارد که هر گاه کسی مطلب و حاجت خود را بزبان
عربی ترکیب نتواند نمود بفارسی نیز جایز است بجهت آنکه تجویز قنوت بزبان فارسی واقع شده والله اعلم
حدیث چهل و یکم حدیث دعبل بن علی الخزاعی رحمه الله است شیخ فقیه بن بابویه علیه الرحمه روایت کرده است
بسند صحیح معتبر از عبد السلام بن صالح الهروی که او گفت که داخل شد دعبل بن علی الخزاعی رحمه الله
بخدمت امام اصفیا پیشوای اتقیا سرور اهل سخا صاحب جود و عطا حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا
در شهر مرو پس عرض کرد که یا بن رسول الله بدرستیکه من قصیده در شان شما گفته ام و قسم
خورده ام که انرا بدیگری پیش از شما پس انحضرت ع فرمودند که خوب است بیار بخوان پس دعبل شروع
بخواندن قصیده اش نمود مَدَارِسُ آیَاتٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنْزِلُ وَحْیٍ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ تا اینکه

رسید باین شعرش: اری فیئهم فی غیرهم متقسما * وایدیهم من فیئهم صفرات * حضرت امام رضا علیه السلام گریه
در فرمود که راست گفتی ای خزاعی پس چون رسید باین شعرش: لقد خفت فی الدنیا وایام سعیها * وانی
لارجو الامن بعد وفاتی * حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که ایمن گرداند حق تعالی تورا در روز فزع اکبر
پس چون ختم کرد قصیده اش را باین شعرش: وقبر ببغداد لنفس زکیة * تضمنها الرحمن فی الغرفات *
حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که آیا پس ملحق نکنم از برای تو درین موضع دو بیت که با آن حد بیت قصیدهٔ تو تمم
و تمام شود دعبل عرض کرد که بلی لعز باید ای پسر رسول خدا صلی الله علیه پس حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا فرمودند که
وقبر بطوس یا لها من مصیبة * توقد فی الاحشاء بالحرقات * الی الحشر حتی یبعث الله قائما * یفرج عنا الهم والکربات
پس دعبل عرض کرد که ای پسر رسول خدا صلی الله علیه این قبر الحنایکه در طوس فرمودید قبر کیست آنحضرت صلوات الله علیه
فرمودند که آن قبر من است و نمی گذرد روزها و شبها تا اینکه بگردد طوس محل آمد و رفت شیعیان من و
زایران من بدان و آگاه باش کسیکه زیارت کند مرا در غریبی من در طوس آنکس با من خواهد بود در روز محشر
در روز قیامت در حالتیکه گناهان او بالتمام آمرزیده شده باشد بعد از آنکه دعبل از خواندن قصیده اش فارغ شد
حضرت امام رضا علیه السلام از مجلس گرامی خود برخواستند و فرمودند که دعبل باشد و نرود پس آنحضرت داخل خانهٔ منوره
خود شد بعد از ساعتی خادمی بیرون آمد بسوی دعبل و صد اشرفی رضوی بجهت دعبل آورد و گفت مولای
میفرمایند که این را بگیر و نفقهٔ خود کن دعبل گفت بخدا قسم که من بجهت این نیامده بودم و این قصیده را نیز
بجهت چیزی نگفته ام بخادم گفت که همیان اشرفی را برگردان و از آنحضرت سؤال کن که جامهٔ از جامهای
مبارک خود را بمن عطا فرماید بجهت تبرک و تیمن بدان مشرف شوم پس آنحضرت صلوات الله علیه جبهٔ
خزی با آن همیان اشرفی بجهت او فرستاد و بآن خادم فرمود که بگو بدعبل که بگیر و قبول کن این همیان

حضرت امام رضا علیه السلام و شعرهای مبارک ... اذا وتروا مدوا الی واتریهم * اکفا عن الاوتار منقبضات
چون دعبل ... رسید باین شعر ...

اشرفی

اشرفی را از ما بدرستیکه زود باشد که تو محتاج شوی بسوی آن و برمگردان آنرا پس دعبل حسب
الفرمودهٔ آنحضرت همیان اشرفی و جبه را گرفت و برگشت و آمد با قافلهٔ عظیم از مرو روانه شد پس
چون رسیدند بمیان کوهها جمعی از دزدان و حرامیان بر سر ایشان ریخته جمیع قافله را گرفتند و
دستهای همه را بر پشت محکم بستند و دعبل هم از جملهٔ دست بسته گان بود پس دزدان مال جمیع
قافله را صاحب و مالک شدند و شروع بتقسیم آن مال فیما بین خود نمودند پس مردی از دزدان بجهت
مثال این شعر دعبل را که دران قصیده در شان حضرات ائمهٔ اطهار گفته بود خواند اری فیئهم فی غیرهم متقسما
وایدیهم من فیئهم صفرات پس شنید دعبل که شعر او را یکی از دزدان میخواند پس دعبل گفت بایشان که
این شعر کیست آمد و دزد گفت که این شعر از مردیست که از قبیلهٔ خزاعه است نام او دعبل بن علی است پس
گفت دعبل که آمر و منم و منم دعبل که میگوید گوینده این قصیده الحنا که از جملهٔ آن قصیده این بیت است
پس آمد دزد فریاد زد و رفت بنزد یک بزرگ و سرکردهٔ دزدان و آن سرکرده در سر تپه مشغول نماز بود
و از جملهٔ شیعیان بود پس او را اخبار و اعلام نمود پس آن بزرگ ایشان خود برخواسته بنزد دعبل آمد و گفت
باو که تو ئی دعبل دعبل گفت بلی او گفت قصیده که در شان حضرات ائمهٔ اطهار گفته بخوان پس چون دعبل
قصیده را خواند فرمود که دست او را گشودند و دستهای جمیع اهل قافله را گشودند و آنچه از ایشان گرفته
بودند بالتمام بایشان دادند از برای اعزاز و اکرام دعبل پس دعبل از آنجا صحیحا سالما روانه شد و آمد
تا اینکه رسید بشهر قم اهل قم جمعیت نموده بنزد دعبل آمدند و التماس نمودند که آن قصیده را بجهت ایشان بخواند
پس دعبل بایشان گفت که بمسجد جامع حاضر شوند پس چون جمعیت عظیم در مسجد نمودند دعبل بالای منبر
رفت و قصیده را برایشان خواند پس صلهٔ آوردند اهل قم بجهت دعبل از مال و خلعتها بچیز بسیار پس رسید

با اهل قم خبر جبهٔ حضرت امام رضا ع که بدعبل عطا کرده است پس آمدند اهل قم بنزد دعبل و التماس کردند از او که
جبه را بفروشد بایشان بهزار اشرفی دعبل راضی بفروختن نشد پس التماس کردند که پارچه ازان جبه
را بایشان بهزار اشرفی بفروشد باز دعبل راضی نشد و از قم روانه شد چون از دهات قم
گذشت جمعی از جوانان عرب باو رسیدند و جبهٔ مبارک آنحضرت را از دست او گرفتند و بردند و دعبل بشهر
قم مراجعت کرد و التماس کرد که جبهٔ مبارکه را باو باز دهند جوانان عرب از پس دادن جبه ابا و امتناع نمودند
و سر از گریبان طغیان و عصیان مشایخ و بزرگان در رد جبهٔ مبارکه امام زمان و امید گاه شیعیان
برآوردند پس بزرگان و مشایخ عظام بدعبل گفتند که دیگر جبهٔ مبارکه بدست تو نمی آید راضی بگرفتن قیمت
آن شو ده هزار اشرفی بگیر دعبل ابا و امتناع از گرفتن قیمت نموده راضی بآن نشد پس چون دعبل نا امید
از باز گشت جبهٔ مبارکه شد و یقینش شد که دیگر بدست او نخواهد آمد التماس نمود که چیزی ازان جبهٔ مبارکه
را باو دهند ایشان باین راضی شده بعضی ازان جبهٔ مبارکه را بدعبل دادند و هزار اشرفی نیز بجهت
باقی جبهٔ مبارکه که برداشته بودند تسلیم دعبل نمودند پس برگشت دعبل بسوی وطن خود چون بخانه اش
رسید دید که دزدان بخانهٔ او رفته و آنچه داشته همه را برده اند و در خانه او هیچ چیز نمانده است
پس دعبل هر یک اشرفی از صد اشرفی که حضرت باو داده بود بصد اشرفی بشیعیان فروخت
و بجهت تیمن و تبرک شیعیان برغبت تمام هر اشرفی آنحضرت را بصد اشرفی خریدند صد اشرفی
آنحضرت بجهت دعبل ده هزار اشرفی شد پس بخاطرش رسید که آنحضرت فرموده بودند که بگیر و
قبول کن همیان اشرفی ها را بدرستیکه زود باشد که محتاج شوی تو بسوی آن و دعبل کنیزی داشت
که او را بسیار دوست میداشت آن کنیز درد چشم بهمرسانید درد چشم عظیمی اطبا و کحالان را

جمع نمود

جمع نمود پس ایشان نگاه کردند بچشمهای آن کنیز گفتند بدعبل که چشم راست این دیگر یقینا علاج
بر نیست بتحقیق که آن ضایع و بر طرف شده اما چشم چپش را معالجه میکنیم و جد و جهد مینمائیم شاید که خوب
شود پس دعبل غمگین شد ازین جهت بغم عظیم و جزع نمود برای آن کنیز جزع بزرگ و بسیار پس رسید
بخاطرش پارچهٔ جبهٔ مبارکه آنحضرت پس آنرا آورده بهر دو چشم کنیز مالید و عصابه از و جدا کرده از
اول شب بچشمهای او بست چون صبح شد هر دو چشم آن کنیز صحیح تر و نیکوتر از اول شده بود به
برکت حضرت امام رضا ع پسرش علی بن دعبل روایت نموده که چون وقت وفات دعبل شد
رنگش متغیر شد و زبانش بند افتاد و رویش سیاه شد من از مشاهده این حال نزدیک بآن شد
که از مذهب حقی که او داشت برگردم و رجوع نمایم بعد از سه شب او را در خواب دیدم که جامهٔ سفید پاکیزه
نیکو پوشیده و کلاه سفیدی بر سر گذاشته پس گفتم باو که ای پدر من حق تعالی با تو چه کرد و معامله
تو چون شد گفت ای پسر که من آنچیزی که دیدی از سیاهی روی من و بسته شدن زبان من
بود آن بسبب شرابی که خورده بودم در دار دنیا پس من بآن نحو روسیاه و بسته زبان بودم
تا اینکه رسیدم بخدمت حضرت رسول الله صلعم و آنحضرت جامههای سفید پوشیده و قلنسوه سفید
بر سر مبارک گذاشته پس آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که تو دعبلی عرض کردم که بلی یا
رسول الله آنحضرت فرمودند که از اشعاری که در شان اولاد من گفته بجهت من بخوان من این دو
بیت را خواندم • لا اضحک الله سن الدهر ان ضحکت • و آل احمد مظلومون قد قهروا • مشردون
نفوا عن عقر دارهم • کانهم قد جنوا ما لیس یغتفر • آنحضرت ص تحسین نموده فرمودند که خوب گفته
و شفاعت مرا نمودند و جامههای مبارک خود را بمن خلعت دادند و اینست جامههای آنحضرت

دا اشاره نمود بجامهایی که پوشیده بود و روایت شده از ابو نصر محمد بن الحسن الکرخی الکاتب که او گفت که دیدم که
بر قبر دعبل بن علی الخزاعی نوشته بود: اَعَدَّ لِلّهِ یَوْمَ یَلْقاهُ دِعْبِلُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا هُوَ یَقُولُها مُخْلِصاً عَساهُ بِها یَرْحَمُه
فِی الْقِیمَةِ اللّهُ: اَللّهُ مَوْلاهُ وَالرَّسُولُ وَمِنْ بَعْدِهِما فَالْوَصِیُّ مَوْلاهُ: بعرض میرساند این غلام داعی که این همه شرف
و رتبه دعبل بجهت آن بود که مداح حضرات بوده و در شان حضرات قصیده و اشعار میگفته خاص و عام
آن زمان با وجود شدت تقیه و سلاطین جور رعایت تمام باو مینموده اند انقدر که در زمان آن عصر رعایت
مداح حضرات را معمول میداشته اند زراستان این عصر عشر عشیر آنرا بعلمای اعلام و حاملان و راویان احادیث
خیر الانام و ائمه علیهم السلام معمول نمی دارند با وجود آنکه بیقین میدانند که قوام دین مبین باین طبقه علیه است
و بنص احادیث صحیحه مداد قلم ایشان افضل از خون شهیدانست و علمای امت حضرت پیغمبر صلعم بمنزله پیغمبران
سابق اند بزرگان در مقام تربیت و اعزاز ایشان بر نمی آیند و سفله جهله در استخفاف این فرقه دقیقه فوت
و فرو گذاشت نمی نمایند و فرق فیما بین عالم واقعی و جاهل مدعی بلکه فیما بین فاضل و گدا اصلا ننموده بنظر خفت آمیز
بایشان نظر مینمایند و از منطوق حدیث صحیح حضرت سید الساجدین امام زین العابدین ع اندیشه ننموده
متذکر و متنبه نمیشوند شیخ کلینی علیه الرحمه و دیگران از آنحضرت روایت نموده اند که آنحضرت فرمودند که
بدرستیکه حق تعالی وحی کرد بسوی دانیال علی نبینا و علیه السلام که بدرستیکه بدترین و دشمن داشته ترین بندگان
من در نزد من جاهلیست که حق اهل علم را سبک شمارد و مستخف باشد در حق ایشان و تارک اقتدا نمودن
بایشان باشد و پیروی ایشان نکند و بدرستیکه محبوب ترین و دوست داشته ترین بندگان من
در نزد من بنده پاکیزه ایست که طلب کننده باشد ثواب بزرگ را و ملازم باشد علما را یعنی نخواهد که از ایشان
جدا شود و متابعت ایشان نماید و قول راست گفتاران و درست کرداران را قبول نماید یا قاین بقول

ایشان

ایشان شود چنانچه ملاحظه و مشاهده میشود اکثر ناس این زمان از مضمون بلاغت مشحون آیه وافی هدایه
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ دست برداشته بلکه فرمایش حق تعالی
را عکس و نقیض دانسته قدر و مرتبه جهله را بیش از اهل علم رعایت نموده ترجیح جاهل بر عالم میدهند و مخالفت خدا
و ائمه هدی مینمایند ما هذا اِلّا خُسْرانٌ مُبِینٌ نعوذ بالله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و بهمین
سبب روز بروز علمای اعلام این فرقه ناجیه قلیل و کم گشته هر که برفتن از دار فانی بدار باقی رخنه در
مملکت دین افکنده دیگری بجای او احدی اقامه و سد آن رخنه دین مبین ننموده و بقیة السیف و جمعی معدودی
نیز که باقی مانده اند با جهله و مدعیان علم و کمال در نظرها مساوی و با فسقه صالح نما در نزد مردم این زمان یکسان
بلکه پست مرتبه تر از ایشان اند لهذا همیشه از اوضاع دار فانی دلتنگ و مغموم و مشتاق دار باقی و مرافقت
علما و صالحین در خدمت حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین اند اَللّهُمَّ اَلْحِقْنا بِالصّالِحِینَ الْاَخْیارِ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ الطّاهِرِینَ عَلَیْهِمْ صَلَواتُ اللّهِ وَالنّاسِ اَجْمَعِینَ
امید که حق تعالی همه را دیده حق بین کرامت فرماید بحق محمد و آله این چند کلمه داعی از قبیل شقشقه حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام بود رجوع بمقصود نمود اعتصام چهار ده خبر از وقایع غریبه و استجابت دعوات که در نزد
قبر منور آنحضرت و قبه متبرکه و حوالی آن واقع شده و بصحت تمام رسیده و علما نقل نموده اند در روایت شده خبر اول
شیخ فقیه ابن بابویه علیه الرحمه روایت کرده از محمد بن عمر نوقانی که او گفت که من در پشت بام خانه خود در شب
تاری خوابیده بودم ناگاه از خواب بیدار شدم و افتاد نظرم بجانب آنجائیکه در آن جانب است مرقد شهادت
حضرت علی بن موسی الرضا ع در سناباد پس دیدم نوری که بتحقیق بلند شده بنوعی که آن مشهد منور پر و مملو
از آن نور شده و روشن گردیده گویا که روز راست و من در آن وقت شک داشتم در حضرت امام رضا ع

واقعهٔ روضهٔ رضویه

وحقیقت آنحضرت معلوم من نبود پس مادرم که مخالف مذاهب حق اثنی عشری بود بمن گفت که چه چیز شده است
ترا من گفتم باو که دیدم نور ساطعی که پر در روشن گشته ازان مشهدی که در سناباد است مادرم بمن گفت که آن
هیچ چیز نیست شیطان چنین چیزی بنظر تو در می آورد و این از عمل شیطان است پس چون شب دیگر شد و آن
شبی بود تاریک تر و ظلمتش اشد از شب اول پس دیدم مثل آن نوری که شب گذشته دیده بودم و آن مشهد
منور پر و روشن ازان نور شده پس مادرم را اعلام کردم و آوردم او را بجائی که بودم من در آن مکان تا اینکه
دید مادرم هم آنچه را که من دیده بودم از نور و پر و روشن شدن مشهد منور ازان نور پس بسیار بزرگ و عظیم
شمرد من این را و شروع کردم بحمد و ثنای الهی اما اینکه بآن سبب ایمان کاملی مثل ایمانی که حالا دارم بهم نرسید
پس بر خواستم و اراده مشهد منور آنحضرت کردم پس چون رسیدم دیدم که در آستان ملک پاسبان
بسته و مقفل است گفتم خداوندا هر گاه امامت حضرت امام ع حق است پس بگشا از برای من این در را پس
دست بران در زدم گشوده شد پس در دل خود گفتم که شاید قفل و بند آن چنانچه باید و شاید بسته نبوده
پس خود را در رسانیدم بنحوی که معلوم و محقق من شد که بدرستیکه گشودن آن ممکن و مقدور نیست مگر بکلید پس
قصد کردم و گفتم که خداوندا هر گاه امامت حضرت امام رضا ع حق است پس این در مبارک بی کلید گشوده شود
پس چون دست بدر مبارک زدم گشوده شد پس داخل شدم و زیارت آنحضرت کردم و نماز کردم و بینا شدم
در امر آنحضرت یعنی ایمان و اعتقاد کامل در امامت آنحضرت بحجت من بهم رسید پس ازان وقت تا حال
هر جمعه بزیارت آنحضرت میروم از نوقان و نماز میکنم در نزد او و این را ورد خود نموده ام تا این وقت خبر دویم
شیخ فقیه علیه الرحمه روایت کرده است از ابو طالب حسین بن عبد الله بن بنان الطائی که او گفت که
شنیدم از ابا منصور بن عبد الرزاق میگفت بیوردی حاکم طوس که آیا تو فرزند داری حاکم گفت نه ابو منصور گفت باو

که چرا قصد

که چرا قصد نمیکنی روضهٔ منورهٔ حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا را و دعا کنی و از حق تعالی در نزد آنحضرت سؤال کنی
که فرزندی بتو کرامت فرماید و بدرستیکه من از حق تعالی حوائج عظام دران مکان شریف طلب نمودم همه آنها مستجاب
و قضای آن حوائج بفضل و کرم الهی شد پس آنحاکم میگوید که قصد زیارت آنحضرت نمودم و در آن مکان شریف
در خدمت آنحضرت دعا نموده از حق تعالی سؤال کردم که بمن فرزندی کرامت فرماید پس حق تعالی بمن پسری
کرامت فرمود پس آمدم بنزد ابو منصور بن عبد الرزاق و او را خبر دادم باینکه حق تعالی دعای مرا دران روضهٔ
منوره مستجاب کرده بمن پسری بخشید و عطا کرد بمن و گرامی داشت مرا بآن خبر سیوم شیخ فقیه بن بابویه ره
روایت کرده است که چون من در ماه مبارک رجب المرجب سنه سیصد و پنجاه و دو هجری رخصت خواستم از
امیر کبیر سعید رکن الدوله که بزیارت حضرت امام رضا ع روم بمن رخصت داد و چون برگشتم از نزد
او مرا طلب نموده برگردانید و گفت بمن آن مشهد مبارک است و بتحقیق که من خود بزیارت آنحضرت ع مشرف
شده ام و از حق تعالی در آنمکان شریف حوائج و مطالبی که در خاطرم بود خواسته ام به برکت آنحضرت
مستجاب گشته و حق تعالی قضاء آن حوائج من فرموده پس چون بآن مکان شریف رسی تقصیر مکن
در دعا از برای من و از جانب من زیارت آنحضرت بکن پس بدرستیکه دعا در انجا مستجاب است پس
من ضامن شدم و تعهد نمودم از برای او که از جانب او آنحضرت را زیارت کنم و او را در انجا دعا کنم
چون بتشرف زیارت مشرف شدم وفا بعهد خود نمودم پس چون از مشهد مقدس برگشتم و بنزد او
رفتم بمن گفت که آیا مرا دعا کردی و از جانب من زیارت کردی گفتم بلی گفت که بتحقیق که خوب کردی
بدرستیکه صحیح و محقق شده از برای من که بتحقیق دعا دران مشهد مقدس مستجاب است خبر چهارم شیخ بن بابویه ره
روایت کرده است از ابو نصر احمد بن الحسین و میگوید که من ناصبی تر از کسی را ندیدم و او بمرتبه ناصبی بود

که رسید بجا که او در وقت صلوات اللهم صل علی محمد تنها میگوید و از گفتن صلوات بآل آنحضرت امتناع مینماید تا صبحی
چنین میگوید که من شنیدم از ابابکر حمامی کوفه در کوچه حرب بود و او از اصحاب حدیث که او میگفت بعضی از
مردمان بمن امانتی سپردند پس من آن امانت را دفن کردم و فراموش کردم آن موضع را پس متحیر شدم
پس مدتی براین گذشت صاحب مال آمد و امانت خود را از من طلب نمود و من مکان دفن او را فراموش
کرده نمیدانستم صاحب مال بر من تهمت زد و گمان خیانت بمن برد پس من از خانه ام بیرون آمدم
مغموم و متحیر دیدم که جمعی از مردم بزیارت حضرت امام رضا ع میروند من هم با ایشان روانه گشته تا اینکه
بمشهد مقدس رسیدم و آنحضرت را زیارت کردم و دعا نمودم و از حق تعالی سوال کردم اینکه آن مکان را
ظاهر کند از برای من موضع آن امانت را پس در انجا در خواب دیدم که شخصی آمد بنزد من و گفت که
تو آن امانت را در موضع چنین و چنین دفن کرده پس برگشتم و رفتم بنزد صاحب مال رسیدم و او را
بموضعی که در خواب دیده بودم نشان دادم و من خود مصدق انچه در خواب دیده بودم نبودم پس آن
صاحب مال قصد آن مکان که نشان در خواب داده شده بود نمود و انجا را کند امانتش سر بمهر
صاحبش بیرون آمد پس آن مرد بعد از این بمردمان نقل این حدیث مینمود و ایشان را ترغیب بزیارت
مشهد مقدس ع س که الصلوة والسلام میفرمود و خبر پنجم شیخ فقیه بن بابویه بسند از مشایخ عظام و
روات کرام روایت کرده است که مردی از اهل مصر که اسم او حمزه بود میگوید که من از شهر مصر بقصد زیارت
حضرت امام رضا ع بیرون آمدم و اراده شهر طوس کردم و بدرستیکه چون داخل مشهد مقدس شدم
نزدیک غروب آفتاب بود پس بروضه منوره آنحضرت آمدم و بزیارت آنحضرت مشرف شدم و نماز
کردم و دران روز زائری غیر از من نبود پس چون نماز شام کردم خادم آن آستان ملایک پاسبان اراده

نمود که مرا بیرون کند و در منور را به بندد پس من باو التماس کردم که در را بر من به بندد و مرا دران حرم محترم بگذارد
که بدعا و نماز اشتغال نمایم و باو گفتم که من از شهر بسیار دور آمده ام مرا بیرون مکن و بدرستیکه من در بیرون
کاری و شغلی و حاجتی ندارم پس آن خادم مرا دران مکان مکرم گذاشت و در را بست و من به تنهایی در
انجا نماز میکردم تا اینکه خسته شدم پس نشستم و سر بر زانوی خود گذاشتم که ساعتی استراحت کنم پس
چون سر برداشتم دیدم در دیوار برابر روی من رقعه که بر آن این دو بیت نوشته اند من سره
ان یری قبرا بروبته • یفرج الله عمن زاره کربه • فلیات هذا القبر
ان الله اسکنه • سلالة من نبی الله منتجبه • پس برخاستم و شروع بنماز کردم تا وقت
سحر چون سحر شد نشستم مثل نشستن اول و سر برا بر دو زانوی خود گذاشتم پس چون سر برداشتم
ندیدم دران دیوار چیزی و انچیزیکه من دیدم نوشته شده بود در حالتیکه تر بود بنحوی که گویا همان ساعت
نوشته بودند پس چون صبح شد در گشوده شد من از ان مکان شریف بیرون رفتم خبر ششم
شیخ فقیه بن بابویه ره بسند از روایت کرده که مردی از صلحا حضرت رسول خدا احمد مصطفی ص را در خواب دید
و بخدمت آنحضرت عرض کرد که یا رسول الله کدام یک از اولادترا زیارت کنم آنحضرت ص فرمودند که بدرستیکه
از اولاد من بعضی بنزد من آمدند بزهر جفا شهید شده و بعضی بنزد من آمدند بتیغ ستم کشته شده پس
عرض کردم که کدام یک از انها را زیارت کنم یا رسول الله با دوری و تفرقه اماکن و مشاهدات ایشان آنحضرت
فرمودند کسی را زیارت کن که او بتو نزدیکتر است یعنی مشهد منور او بشهر و خانه تو نزدیکتر است و او مدفون
شده است در زمین غربت پس عرض کردم که یا رسول الله یعنی رضا را پس آنحضرت فرمود که بگو صلی
الله علیه بگو صلی الله علیه بگو صلی الله علیه سه مرتبه خبر هفتم شیخ بن بابویه علیه الرحمه

روایت کرده است از ابو عمرو محمد بن عبد الله الملکی که حاکم نوقان بود او گفت که آمدند بنزد من دو مرد که
از شهر ری برسالت پادشاهی که در ری بود به نزد امیر نصر بن احمد بخارا میرفتند یکی از اهل ری بود
و یکی از اهل قم و بود آن مرد قمی بر مذهب ناصبی که در قدیم در قم بوده و آن مرد رازی شیعه بود پس چون بنیشابور
رسیدند مرد رازی بقمی گفت که اول بزیارت حضرت امام رضا ع برویم بعد از ان متوجه بجانب بخارا شویم
قمی گفت که پادشاه ما ما را برسالت بخدمت پادشاه بخارا فرستاده است این جا نیست از برای ما که مشغول
شویم بغیر خدمتی که بما رجوع شده تا اینکه از تبلیغ رسالت و تقدیم الخدمت فارغ شویم پس هر دو قصد شهر بخارا
نمودند و تبلیغ رسالت کردند و برگشتند تا اینکه برابر شهر طوس رسیدند پس رازی بقمی گفت که آیا زیارت
نمیکنی حضرت امام رضا ع را قمی گفت که من از شهر ری بیرون آمدم در حالتی که سنی بودم برنمیگردم بان
در حالتی که رافضی باشم پس رازی متاع و اسباب و دواب خود را بقمی سپرد و خود بالاغی سوار شد و بقصد زیارت
آنحضرت روی بمشهد مقدس نمود و چون بمشهد مقدس رسید بخدام کرام آن آستان ملایک پاسبان
التماس نمود که مرا امشب درین مکان شریف گذارید و کلیدهای حرم محترم را بمن بسپارید پس ایشان
التماس او را قبول نمودند و چنانچه او خواسته بود چنان کردند آن مرد رازی میگوید که من داخل حرم محترم شدم
و در را بستم و حضرت امام رضا ع را زیارت کردم پس آمدم و در نزد سر مبارک آنحضرت ایستادم و آنقدر
نماز که حق تعالی خواسته بود کردم پس شروع بقرائت قرآن کردم از اول قرآن مجید پس شنیدم صدای
قرائت قرآن همانجا را که من قرائت میکنم پس من قرائت خود را قطع کردم و برخواستم کل حرم و روضهٔ
منوره را گردیدم و جست و جوی اطراف و نواحی آن نمودم هیچکس را ندیدم پس باز بآن مکان برگشتم
و شروع بقرائت قرآن از اول قرآن مجید نمودم و آن صدای قرائت را می شنیدم که قرائت قرآن

میکند

میکند مثل آنچه من قرائت میکنم و منقطع نمیشود پس من اندک ساکت شدم و خوب گوش انداختم دانستم که
آن صدا از ان قبر منور می آید پس میخواندم و می شنیدم مثل آنچه میخواندم تا اینکه بآخر سورهٔ مریم رسیدم
پس خواندم یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِینَ اِلَی الرَّحْمٰنِ وَفْدًا پس شنیدم آن صدا را از قبر منور که
باین نحو قرائت فرمودند که یَوْمَ یُحْشَرُ الْمُتَّقُونَ اِلَی الرَّحْمٰنِ وَفْدًا وَیُسَاقُ الْمُجْرِمُونَ
اِلٰی جَهَنَّمَ وِرْدًا تا اینکه ختم قرآن کردم و او نیز ختم نمود پس چون صبح شد بنوقان برگشتم و قراء
که در انجا بودند از ین قرائت پرسیدم گفتند که این در لفظ و معنی مستقیم است لیکن نمیدانیم که
احدی باین نحو قرائت نموده باشد پس بنیشابور آمدم و در انجا نیز از قرای انجا پرسیدم کسی ندانست
تا اینکه آمدم بشهر ری رسیدم پس از بعضی قرا ازین قرائت پرسیدم گفتم که کی باین نحو قرائت نموده
که یوم یحشر المتقون الی الرحمن وفدا و یساق المجرمون الی جهنم وردا پس ایشان گفتند که از کجا
آورده تو این را گفتم مرا احتیاج بمعرفت و دانستن آن افتاده در امری که حادث شده از برای من
پس گفتند که این قرائت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله است بروایت اهل البیت علیهم السلم
پس از من سوال نمودند از سبب سوال این قرائت پس من حکایت خود را نقل کردم و این قرائت
در نزد من بصحت تمام پیوست خبر هشتم شیخ فقیه ابن بابویه علیه الرحمه مسندا روایت کرده که مردی
از اهل بلخ با غلامش بمشهد مقدس آمد آن آقا با غلام هر دو بزیارت آن امام همام مشرف گشته
پس آقا در بالای سر مبارک آنحضرت مشغول نماز شده و غلام در پایین پای مبارک آنحضرت بنماز
اشتغال نمود پس چون هر دو از نماز فارغ شدند بسجده رفتند و طول در سجده دادند پس آقا
قبل از غلام سر از سجده برداشت و غلام را طلب کرد پس غلام سر از سجده برداشت و گفت لبیک ای

آقای من پس گفت آقا بآن غلام که آزادی را میخواهی گفت بلی پس آقا گفت ترا برای رضای الهی آزاد
کردم و فلانه کنیزم را نیز که در بلخ است بجهت رضای الهی آزاد کردم و او را بتو تزویج کردم باینقدر و
اینقدر صداق و از برای او این صداق را از جانب تو ضامن شدم و فلان ملکم را نیز وقف کردم بر
هر دوی شما و بر اولاد شما و اولاد اولاد شما تا نسل ما تناسلوا البته ها و تا این امام همام ع راوی گوید که
پس آن غلام بگریه در آمد و قسم بخدا و بهمین معصوم ع یاد نمود که بدرستیکه من سوال نکردم درین بجهت
مگر همین حاجت را بعینها و باین سرعت و زودی مستجاب شد خبر نهم شیخ فقیه علیه الرحمه روایت کرده
است از ابو نصر مؤدب یا مؤذن نیشابوری که او گفت که بمن آزار سختی رسید و بآن سبب زبان
من سنگین شد که دیگر قادر بر حرف زدن نبودم پس بخاطرم رسید که بزیارت حضرت امام رضا ع
بروم و از حق تعالی در نزد آنحضرت سوال کنم و آنحضرت را شفیع خود گردانم که مرا ازین آزار عافیت کرامت
فرماید و زبانم گشوده شود پس با الاغ خود سوار شدم و قصد مشهد مقدس نمودم چون بزیارت آنحضرت
مشرف شدم در بالای سر مبارک آنحضرت ایستادم و دو رکعت نماز کردم و بسجده رفتم من در دعا
و تضرع و زاری بودم و طلب شفاعت از صاحب این قبر مینمودم که حق تعالی مرا ازین علت عافیت کرامت
فرماید و زبانم گشوده شود که خواب در سجده مرا در ربود در خواب دیدم که قبر منور آنحضرت شکافته شد
و از آن قبر مردی میان سال گندم گون بیرون آمد و بنزدیک من آمد و فرمود که یا ابا النصر بگو لا
اله الا الله پس من ایما و اشاره بسوی او نمودم که چگونه گویم و حال آنکه زبان من منعقد
و بسته شده است پس او فریاد زد بر من و فرمود که انکار میکنی قدرت حق تعالی را بگو لا اله الا
الله و میگوید که پس زبان من گشوده شد گفتم لا اله الا الله پس بیدار شدم و برگشتم بسوی منزلم پیاده

ومیگفتم

ومیگفتم لا اله الا الله زبانم گشوده شد و دیگر بعد از آن بند و بسته نشد خبر دهم شیخ فقیه علیه الرحمه از ابا النصر
مؤدب روایت کرده است که او گفت که سیل بسیاری از بالای سناباد در روزی یکشنبی آمد و آن
وادی که سیل می آمد بلندتر از مشهد مقدس و روضه منوره بود پس آمد سیل تا اینکه بآن مکان شریف
نزدیک شد ما ترسیدیم از ضرر آن سیل بآن آستان ملایک پاسبان پس چون نزدیک آن مکان عالی بنیان
رسید پس بقدرت الله تعالی بلند شد و برگشت و سر بقبا گذشت که بلندتر از آن وادی سیل بود
و یکقطره از آن داخل آن آستان ملایک پاسبان نشد خبر یازدهم شیخ فقیه علیه الرحمه روایت کرده است
از ابو نصر محمد بن احمد التبان نیشابوری که او میگوید که من در خدمت امیر ابو نصر بن علی صاحب الجیش بودم
و او با من نیکویی و احسان می نمود و اصحاب او از راه محبت و کرامت او بمن حسد میبردند تا اینکه در وقتی
امیر بمن کیسه داد که در آن سه هزار درهم بود و سر آن بمهر امیر و بمن فرمود که این را تسلیم خزانه دار او نمایم پس
از نزد امیر بیرون آمدم و نشستم در مکانی که دربانان می نشینند و آن کیسه را نزد خود گذاشتم و با مردم
شروع نمودم بحرف و سخن در کاری که مرا بود و مرا غافل کرده آن کیسه زر امیر را دزدیدند و بود از برای امیر غلامی
که او را خلیع تاش میگفتند و او در نزد من در آنجا حاضر بود پس چون نظر کردم و کیسه را ندیدم از ایشان
احوال پرسیدم همگی انکار کردند و گفتند که خبر نداریم و تو باینجا چیزی نیاوردی و دست خالی آمدی و من بعد از آن
صدای ایشان از من پس ترسیدم نباید که من این را بعرض امیر رسانم بجهت آنکه مبادا مرا متهم سازند متحیر
و متفکر شدم که آیا کیسه را کی برداشته باشد و پدرم هرگاه امری واقع میشد که باعث حزن و اندوه
او بود پناه بدرگاه عرش اشتباه حضرت امام رضا ع میبرد و آنحضرت را زیارت میکرد و در نزد آنحضرت
از حق تعالی سوال میکرد و ببرکت آنحضرت حق تعالی کفایت امر او مینمود و فرج از آن حزن و غم باو عطا میفرمود من نیز

چاره بجز اینکه پناه بآنحضرت آورم نیافتم پس صبح بخدمت امیر رفتم و عرض کردم که بمن رخصت ده که بشهر
طوس روم که مرا در آنجا کاری است امیر گفت که چه کار داری در آنجا عرض کردم که غلامی طوسی داشتم که گریخته است
و من کیسهٔ زر نیشابور را گم کرده ام و گمان بآن غلام دارم پس گفت بمن که نگاه کن فاسد نکنی در نزد ما
حالت را بخیانت گفتم اعوذ بالله پناه میبرم بحق تعالی از اینکه خیانت کنم پس گفت که کی ضامن میشود از برای ما که
زر را هرگاه تو دیر کنی عرض کردم که هرگاه من تا چهل روز نیایم خانه و ملک من در پیش شما است صاحب شوید و
بنویسید بسوی ابا الحسن خزاعی بطوس که جمیع اسباب مایوف مرا ضبط کند پس بمن رخصت داد پس من بیرون
آمدم و منزل بمنزل چاروا کرایه میکردم تا اینکه بمشهد مقدس رسیدیم و بزیارت آن پناه غریبان و امیدگاه
شیعیان مشرف شدم و در بالای سر مبارک آنحضرت از حق تعالی سؤال کردم که مرا مطلع گرداند بر جا
و مکان آن کیسه پس در همانجا مرا خواب ربود در خواب حضرت رسول الله صلعم را در خواب دیدم که بمن فرمودند
که برخیز که حق تعالی حاجت تو را روا کرد پس برخاستم و تجدید وضو کردم و آنقدر که حق تعالی خواسته بود نماز گزاردم
و دعا کردم باز مرا خواب ربود پس حضرت رسول الله صلعم را در خواب دیدم آنحضرت فرمودند بمن که کیسه را
خطلخ تاش غلام دزدیده و در زیر موضع آتش در خانهٔ اش دفن نموده و کیسه در آنجا است سر بمهر امیر پس بر
گشتم بنزد امیر و خود را باو رسانیدم قبل از وعده به سه روز پس چون بخدمت امیر داخل شدم عرض کردم
که حاجتم روا شد امیر گفت الحمد لله پس بیرون آمدم و جامهٔ خود را تغییر دادم و بسوی امیر برگشتم پس امیر گفت
که کجا است کیسه عرض کردم که کیسه در نزد خطلخ تاش است گفت از کجا دانستی گفتم که حضرت پیغمبر صلعم در
نزد قبر مبارک حضرت امام رضا ع در خواب بمن خبر داد چون این سخن را شنید بدنش لرزید و فرمود
خطلخ تاش را حاضر کردند پس باو گفت که کجا است کیسه آنجائیکه از پیش او برداشته او انکار کرد و

از عزیزترین غلامان

از عزیزترین غلامان او در نزد او پس امر کرد که او را بزنند تا اقرار کند پس من عرض کردم که ای امیر [illegible]
امر بزدن او مکن پس بدرستیکه رسول خدا صلعم بتحقیق که خبر داده است مرا بجا و مکان او کیسه که بآنجا گذاشته
است پس امیر گفت کجا است آن عرض کردم که حضرت رسول الله صلعم فرمودند که آن کیسه در خانهٔ او
در زیر موضع آتش مدفون است سر بمهر امیر پس مرد ثقه را بخانهٔ او فرستاد و فرمود که برود آنجا را
بکن و به پایین چون آنمرد بخانهٔ او آمد و آنجا را کند کیسه سر بمهر امیر ظاهر شد آورده در پیش روی امیر
گذاشتند پس چون امیر نظر بآن کیسه کرد دستش را بمهر خودش ملاحظه نمود گفت ای ابا نصر من قدر
و رتبهٔ تو را پیش از این نمیدانستم پس زیاد خواهم کرد در نیکویی تو و اکرام تو و تقدیم تو و اگر بگوئی تو
بر من که اراده زیارت مشهد مقدس دارم من تو را بر چاروا ای از چاروا های خودم سوار و روانه مینمودم
ابو نصر راوی گوید که پس من دیگر ترسیدم ازین اتراک که مبادا حسد کنند بر من بر آنچه جاری شد در میان من
و ایشان و مرا ببلایی اندازند پس از امیر رخصت گرفتم و بنیشابور آمدم و در دکان نشستم و از دنیا
به بیع و شرای برکات قناعت کردم تا این وقت [illegible] یاری حق تعالی خبر دوازدهم شیخ فقیه ابن بابویه
علیه الرحمه روایت کرده است از حاکم رازی که او گفت که فرستاد مرا ابو جعفر عتبی برسالت بنزد ابا منصور
بن عبد الرزاق پس چون روز پنجشنبه شد من از او رخصت خواستم که بزیارت حضرت امام رضا ع روم
پس او گفت بمن که بشنو از من آنچه را که حدیث میکنم تو را بآن در باب مشهد مقدس بودم من در ایام جوانی
متعصب بر اهل مشهد و متعرض زوار میشدم و ایشان را برهنه میکردم و راه و راحلهٔ ایشان را
میگرفتم تا اینکه روزی بشکار رفتم فهد را باهوی سر دادم پس سر از عقب آن آهو گذاشت تا اینکه آن آهو
پناه بحصار مشهد مقدس آورد پس آهو ایستاد و آن حیوان درنده نیز در مقابل او ایستاد و به نزدیک او

او نرفت ما جدّ و جهد بسیار کردیم تا آن سبع که نزدیک آن آهو رود نرفت و چون آن آهو از سایهٔ دیوار
مرحمت آن امام مفارقت نمود و آن سگ درنده بعقب او بشتافت پس چون آهو خود را بسایهٔ دیوار رحمت
آنحضرت میکشید آن سبع می‌ایستاد پس آن آهو بحجره که در آن حصار بود داخل شد پس من داخل شدم
و با بو نصر مقری گفتیم که کجا رفت این آهو که الحال باینجا آمد او گفت که من ندیدم پس من رفتم بآن حجره که آهو
داخل شده بود و دیدم پشکل آهو را و اثر بولش را اما آهو را ندیدیم غایب از نظر شد پس نذر کردم با خدای
الهی که دیگر بعد ازین آزار زوار نکنم و متعرض ایشان نشوم و نیکی که توانم بایشان بکنم و هر وقت که بمن
مشکلی و امری که مرا بیم اندازد رو دهد پناه بآن روضهٔ منوره می برم و آنحضرت را زیارت میکنم و از حق تعالی
حاجت خود را میطلبم مستجاب میشود و حاجتم را حق تعالی روا میگرداند و از حق تعالی سؤال کردم که بمن پسری
کرامت فرماید عنایت نمود و آن پسر رسیده شد و کشته شد پس باز رفتم بسوی مکان خود از روضهٔ
منوره و از حق تعالی سؤال کردم که بمن پسر دیگر مرحمت کند حق تعالی پسر دیگر بمن شفقت کرد هیچ حاجت
در امکان از حق تعالی نخواسته ام مگر اینکه آن حاجت روا شده است پس اینست آنچه از برای من ظاهر شده است
از برکت این مشهد مقدس و روضهٔ منوره که بر ساکن او باد سلام و صلوات تا روز محشر خبر سیزدهم
شیخ فقیه ابن بابویه روایت کرده است که امیر حمویه صاحب لشکر خراسان روزی در میدان نیشابور
مردی را دید یکی از غلامانش گفت که این مرد را به بر بخانه تا من بیایم پس چون امیر حمویه بخانه برگشت و نشست
و هر که با او بود از امرا و سرکردگان نشستند و طعام کشیدند چون از طعام خوردن نشستند امیر با غلام
گفت که آن مرد کجاست غلام عرض کرد که در در خانه ایستاده است پس فرمود که او را بیار چون آمد فرمود که آب
آوردند تا دست شست و نشست و طعام خورد بعد از آن امیر باو گفت که الاغ داری گفت نه فرمود باو الاغ

دهند او را

دهند فرمود که خرجی داری گفت نه فرمود باو هزار درهم دهند باو خرجی و خرجین و سفره داد و اسبابی که پیش
کرده اند همه را عطا کرد بعد از آن امیر حمویه متوجه بجانب امیران و سرداران شد و گفت میدانید که
این کیست گفتند خیر نمیدانیم گفت بدانید که بدرستیکه من در ایام جوانی بزیارت حضرت امام رضا ع
رفته بودم و بر من جامهای کهنه بود و این مرد را در روضهٔ آنحضرت دیدم و من دعا و سؤال میکردم از حق تعالی
در نزد قبر آنحضرت که پادشاهی خراسان را بمن دهد و این مرد از حق تعالی میخواست که باو دهد آنچه را که من
کردم باو دهند پس چون حق تعالی دعای مرا مستجاب کرد به برکت آنحضرت من نیز دوست داشتم که
مطالبی که این مرد از حق تعالی در آن مکان شریف سؤال نموده بود در دست من جاری و قضای حوایج او
شود و لیکن در میان من و او قصاصی نیز در کار است عرض کردند که آن قصاص چیست امیر گفت که این
مرد چون مرا با آن جامهای کهنه دید و حاجت مرا شنید من در نظر او صغیر و حقیر نمودم در آن وقت با
پاشنه لگدی بر من زد و گفت مثل تو یی با این حال طمع پادشاهی خراسان و سرکردگی لشکر دارد پس
سرداران و امیران عرض کردند که ای امیر کبیر این تقصیر را بر او عفو کن امیر او را حلال کرد و امیر حمویه
مکرر بزیارت آنحضرت می آمد و با سادات و علما نیکویی و محبت مینمود و تزویج نمود دخترش را بزید بن
محمد بن زید العلوی بعد از آنکه محمد پدرش کشته شده بود و او را بقصر خود آورد و انعام و اکرام بسیار
باو نمود و جمیع اینها بسبب آن بود که میدانست که دولت او به برکت حضرت امام رضا ع است و چون
ابو الحسن محمد بن احمد بن زید العلوی در نیشابور خروج کرد و بیست هزار کس با او بیعت کرده بودند
خلیفه نیشابور او را گرفته و مقید نموده بخارا فرستاد پس حمویه داخل شد و فرمود که بند از گردن او
برداشتند و بامیر خراسان نوشت که اینها اولاد رسول خدا صلعم و گرسنه اند پس واجبست که کفایت

حال ایشان کنند تا اینکه بجهت طلب معاش در مقام خروج بر نیایند پس از برای او درسی در هر شهر قرار داد
دنیا فراز تمام او را به نیشابور برگردانید و بهمین سبب قاعده جاری شده در بخارا که از برای حمامیان مشرف
و اهل نسب رسم در سوی قرار میدهند و جمیع اینها به برکت این آستان ملایک پاسبان است و [illegible]
شیخ ثقه ابن بابویه الرحمه روایت کرده است از ابو علی عامر بن عبد الله البیوردی حاکم داود مصاحب [illegible]
بوده او میگوید که من روزی بزیارت حضرت امام رضا علیه السلام بطوس رفتم دیدم مردی را که بتحقیق داخل قبه منوره آنحضرت
شد و نزد سر مبارک آنحضرت ایستاد و گریه میکرد و بزبان ترکی دعا میکرد و میگفت که ای خداوند هرگاه
پسر من زنده است پس او را بمن رسان و جمع کن میان من و میان او و هرگاه مرده است پس مرا خبر ده [illegible]
و مطلع گردان راوی گوید که چون من بلغت ترکی عالم بودم پس با او گفتم که ای مرد چه واقع شده است [illegible]
گفت که من پسری داشتم و با من همراه بود در جنگ اسحق آباد پس من او را گم کردم و دیگر خبر او را ندارم
و او والده دارد که مدام برای او گریه میکند پس باینجا آمده و درینجا از حق تعالی سؤال میکنم بجهت آنکه شنیده ام
که هر کسیکه دعا درین مکان متبرک مستجاب است راوی گوید که مرا باحوال رحم آمد دست او را گرفتم و همراه
خود از روضه منوره بیرون آوردم باراده آنکه او را ببرم و ضیافت کنم چون با او همراه از مسجد بیرون آن
آمدیم جوانی بلند قد و خطی بر خورد چون این مرد ترک را نظرش با او افتاد بجانب او جست و با او معانقه
کرد و گریه در آمد و هر دو یکدیگر را شناختند و این همان پسر او بود که دعا میکرد در روضه منوره که خدا
ایشانرا بهم رساند و یا خبر او را باو رساند پس از آن جوان پرسیدم که کیفیت حال تو چیست و باینجا
چون آمدی آن جوان گفت که من بعد از جنگ اسحق آباد بولایت طبرستان افتادم و تربیت کرد مرا
در آنجا مردی دیلمی پس چون بزرگ شدم بطلب پدر و مادر خود بیرون آمدم و خبر ایشان بر من مخفی بود.

ابوالقاسم

[illegible] وقف روضه رضویه [illegible]

[illegible] تحقیق شدم که ایشان ازین راه بیجا آمده و من با ایشان همراه بودم پس [illegible] گفت
که بتحقیق بر من ظاهر و محقق شد این کار من و استجابت دعای من درین روضه منوره آنچیز که یقین
اعتقاد من بآن درست و صحیح شد و بتحقیق آنقسم میخواهم که دیگر از مشهد مقدس و ازین مکان مشرف
مفارقت نکنم مادامیکه زنده ام باب چهارم در آداب و قواعد و شرایط و مقدمات زیارات حضرات ائمه [illegible]
[illegible] مقصد اول در مسائلی که علم بآنها محتاج الیه خدام و زوار است و درین مختصر چهل یک مسئله [illegible]
[illegible] اول آنکه سنت است بنای قبور ائمه علیهم السلام و تجدید قبور و مکان مشرف و خدمت گزاری
[illegible] در ضمن حدیث شانزدهم که حضرت سید المرسلین ص بحضرت امیر المؤمنین [illegible]
فرموده اند که یا علی کسیکه تعمیر و تجدید کند قبور شما را و خدمتگاری شما پس گویا که اعانت کرده است
حضرت سلیمان بن داود را در بنای بیت المقدس دوم آنکه حکم روضه منوره مشهد حکم مسجد است در بابی
[illegible] هر کسیکه سبقت گرفته باشد بسوی منزلی از آن پس او اولی است بآن مکان مادامیکه در آن
در آنجا باقی باشد و هرگاه دو نفر با هم بمکانی آیند که هیچیک مقدم بر دیگری نباشد و جمع هر دو ممکن نباشد
قرعه اندازند سیوم آنکه فرقی نیست مابین کسیکه بمکانی بعادت منزل خود نموده و غیر او و هرچند که هر کدام از
روضه منوره شده باشد چون امکان را خالی باید دید [illegible] سبقت [illegible]
چهارم آنکه باید که بوده باشند حافظان و خادمان روضات منورات از اهل خیر و صلاح و صاحب دین
[illegible] خشم و غضب و [illegible] و صاحب محبت و مهربان بر زائران
[illegible] راه نمایند [illegible] و آنکه باید که [illegible] شده باشند
بر احوال خدام و حافظان پس هرگاه از ایشان تقصیری واقع شود او را آگاه کنند که دیگر چنین نکنند

[illegible]

حال ایشان کنند تا اینکه بجهت طلب معاش در مقام خروج برنیایند پس از برای او رسمی در هر شهر قرار داد
و باغ را از تمام او را به نیشابور برگردانیدند و بهمین سبب قاعده جاری شده در بخارا که از برای صاحبان شرف
و اهل نسب رسم و رسومی قرار میدهند و جمیع اینها به برکت این آستان ملایک پاسبان است خبر چهاردهم
شیخ فقیه بن علیه الرحمه روایت کرده است از ابو علی عامر بن عبد الله البیوردی حاکم و او از اصحاب حدیث
بوده او میگوید که من روزی بزیارت حضرت امام رضا ع بطوس رفتم دیدم مردی را که بتحقیق داخل قبه منوره آنحضرت
شد و در نزد سر مبارک آنحضرت ایستاد و گریه میکرد و بزبان ترکی دعا میکرد و میگفت که ای خداوند من هرگاه
پسر من زنده است پس او را بمن رسان و جمع کن میانه من و میان او و هرگاه مرده است پس مرا بفوت او عالم
و مطلع گردان راوی گوید که چون من بلغت ترکی عالم بودم پس باو گفتم که ای مرد چه واقع شده است بتو
گفت که من پسری داشتم و با من همراه بود در جنگ اسحقاباد پس من او را گم کردم و دیگر خبر او را ندارم
و او والده دارد که مدام برای او گریه میکند پس باینجا آمده و در اینجا از حق تعالی سؤال میکنم بجهت آنکه شنیده ام
که بدرستیکه دعا درین مکان متبرک مستجابست راوی گوید که مرا باحوال رحم آمد دست او را گرفتم و همراه
خود از روضه منوره بیرون آوردم باراده آنکه او را ببرم و ضیافت کنم چون با او همراه از مسجد بیرون
آمدیم جوانی بلند قد نو خطی برخورد چون این مرد ترک را نظرش با او افتاد بجانب او جست و با او معانقه
کرد و بگریه در آمد و هر دو یکدیگر را شناختند و این همان پسر او بود که دعا میکرد در روضه منوره که خدا
ایشان را بهم رساند و یا خبر او را باو رساند پس از آن جوان پرسیدم که کیفیت حال تو چیست و باینجا
چون آمدی آن جوان گفت که من بعد از جنگ اسحقاباد بولایت طبرستان افتادم و تربیت کرد مرا
در آنجا مرد دیلمی پس چون بزرگ شدم بطلب پدر و مادر خود بیرون آمدم و خبر ایشان بر من مخفی بود

وقف روضه رضویه

و من با جمعی رفیق شدم که ایشان ازین راه تا باینجا آمدند و من با ایشان همراه بودم پس آن مرد ترک گفت
که بتحقیق بر من ظاهر و محقق شد ازین کار من و استجابت دعای من درین روضه منوره آنچیزی که یقین و
اعتقاد من بآن درست و صحیح شد و بتحقیق که قسم میخورم که دیگر از مشهد مقدس و ازین مکان مشرف
مفارقت نکنم مادامیکه زنده ام باب چهارم در آداب و قواعد و شرایط و مقدمات زیارات حضرات
و در آن دو مقصد است مقصد اول در مسائلی که علم بآنها محتاج الیه خدام و زوار است درین مختصر چهل یک مسئله
بیان میشود اول آنکه سنت است بنای قبور ائمه علیهم السلام و تجدید قبور و اماکن متبرکه و خدمت گذاری
ایشان چنانکه گذشت در ضمن حدیث شانزدهم که حضرت سید المرسلین صلعم بحضرت امیر المؤمنین ع
فرمودند که یا علی کسیکه تعمیر و تجدید کند قبور شما را و خدمتکاری شما پس مانند کسی است که اعانت کرده است
حضرت سلیمان بن داود ع را در بنای بیت المقدس دویم آنکه حکم روضه منوره شرعا حکم مسجد و رباط
دارد پس کسیکه سبقت گرفته باشد بسوی منزلی از آن پس او اولاست بآن مکان مادامی که رحل و
در آنجا باقی باشد و هرگاه دو نفر باهم بمکانی آیند که هیچ یک مقدم بر دیگری نباشد و جمع هر دو ممکن نباشد
قرعه اندازند سیوم آنکه فرقی نیست مابین کسیکه بمکانی عادت و منزل خود نموده و غیر او هر چند که هرگز داخل
روضه منوره نشده باشد چون آن مکان را خالی یابد و بدان سبقت نماید او اولی از او خواهد بود
چهارم آنکه باید که بوده باشند حافظان و خادمان آن روضات منورات از اهل خیر و صلاح و صاحب دین
و مروت و حلم و صبر و فرو برندگان خشم و غضب و صبر از درشتی و غضب محبت و مهربان بر زائران
قیام کننده بحوائج محتاجان راه نماینده بگم شده غریبان و واردان پنجم آنکه باید که متولی و ناظر مطلع باشند
بر احوال خدام و حافظان پس هرگاه از ایشان تقصیری واقع شود اولا آگاه کند که دیگر چنین مکن

پس هر گاه ترک نکند و اصرار نماید منع و زجر نماید و هر گاه تقصیرش مثل جرای باشد منع کند و از بردن هر گاه بغیر از آن
متنبه نشود ششم آنکه موقوفات خاصه را بالشرط واقف بمصارف مقرره صرف نماید و هر گاه چیزی از مصارف
مقرره زیاد آید بمحافظت تمام نگاه داری نماید یا عینا نگاه داری و یا اینکه املاکی که انتفاع آن بسرکار رسد
ابتیاع نماید و هر گاه از اینها همه زیاد آید اقرب آنست که صرف آن بروضهٔ منورهٔ معصوم دیگر یا بمسجد جایز است
هفتم آنکه اختیار موقوفات عامه با حاکم شریعت بهر نحو که مصلحت بداند صرف نماید هشتم آنکه جایز است انتفاع زوار
بآلات و اسباب سرکار حضرات پس چون خواهند که مراجعت نمایند باز بسرکار حضرت بسپارند نهم آنکه
جایز است نقل فروش آنحضرت بمکان دیگر بجهت زوار هر چند که خارج از حصار روضهٔ آنحضرت باشد دهم آنکه
جایز است صرف موقوفات و نذورات آنحضرت بر زائران او چه وقف و نذر باشان بجهت زوار است
بشرط احتیاج اما هر گاه زوار مستغنی باشند در جواز صرف موقوفات بمصالح ایشان نظر است یازدهم آنکه
سنت است غسل بجهت زیارت پیش از آنکه داخل آستان ملایک پاسبان شود و با غسل مشغول زیارت
شود و هر گاه حدثی بعد از غسل و قبل از زیارت از و صادر شود غسل زیارت را اعاده نماید در حدیثی
بحضرت امام رضا ع فضیلت غسل ذکر شد دوازدهم آنکه بهترین جامهای خود را که پاک و پاکیزه و نو باشد
بپوشد سیزدهم آنکه پای برهنه تکبیر و تهلیل و تسبیح و تمجید گویان بخضوع و خشوع تمام بسکینه و وقار متوجه
زیارت شود و گامها نزدیک بهم بردارد که کثرت اقدام موجب کثرت ثواب است چهاردهم آنکه در در روضهٔ
منوره بایستد دعا بخواند و طلب اذن نماید بدعای منقول پس اگر در خود رقت قلب و خشوع تام که اثر اذن
است باید داخل شود و الا افضل آنست که برگردد و طلب کند زمان رقت قلب را از برای آنکه مقصود
اعظم و غرض اهم خشوع و حضور قلب است از برای ملاقات رحمت نازله از رب پانزدهم آنکه وقت دخول

مقدم دارد و پای راست را وقت بیرون آمدن بر پای چپ شانزدهم آنکه نزدیک بضریح منور بایستد در حالتی که
چسبانیده باشد خود را بآن یا چسبانیده باشد شهید اول علیه الرحمه در کتاب دروس گفته که توهم اینکه
دور ایستادن ادب است محض وهم است بتحقیق که تکیه نمودن بضریح منور و بوسیدن آن نص صریح منصوص است
هفدهم آنکه رو برروی آنحضرت در هر مزوری پشت بقبله در وقت زیارت بایستد و بعد از فراغ از زیارت
جانب راست رو را بر قبر منور یا ضریح مبارک گذارد و دعا کند و تضرع و زاری نماید پس جانب چپ رو را
گذارد و دعا کند و از حق تعالی سؤال کند بحق بزرگیش و حق صاحب آن قبر اینکه بگرداند آنحضرت را
شفیع او و مبالغه کند در دعا و الحاح هیجدهم آنکه بعد از زیارت از عقب آنحضرت بالای سر آید و در
آنجا رو بقبله دعا کند و از ادعیه آنچه تواند یا بهر زبان که داند دعا کند که محل استجابت است نوزدهم آنکه
زیارت کند بزیارت ماثوره و هر گاه ممکنش نباشد حضور و سلام بر آنحضرت کافی است بیستم آنکه بعد از
زیارت دو رکعت نماز زیارت بجا آورد گذشت در حدیث چهلم از حضرت امام علی نقی ع که آنحضرت
فرمودند که چون احدی زیارت حضرت امام رضا ع با غسل نماید و بعد از زیارت دو رکعت نماز بجا آورد
و در قنوت نماز حاجت خود را از حق تعالی سؤال کند البته مستجاب میشود شهید اول علیه الرحمه گفته
که هر گاه زائر حضرت پیغمبر باشد نماز زیارت را در روضهٔ منورهٔ آنحضرت که ما بین قبر و منبر است
و هر گاه زائر یکی از ائمهٔ ما علیهم السلام باشد پس در نزد سر مبارک آنحضرت بجا آورد و هر گاه نماز
زیارت را در مسجدی که در آن مکان است بجا آورد جایز است و روایت شده است رخصت در
دو رکعت نماز زیارت رو بقبر منور و هر گاه پشت بقبر نموده نماز زیارت کند جایز اما نیکو نیست
مگر آنکه دور از قبر باشد و در زیارت حضرت امام حسین ع از دور وارد شده که اول نماز

زیارت کند و بعد از آن زیارت نماید بیست و یکم آنکه بعد از نماز زیارت ادعیهٔ منقوله بخواند و هر گاه ممکنش نشود هر دعا
که مقدورش شود بخواند و سوال کند از حق تعالی در امور دین و دنیائی خود هر چه خواهد از حق تعالی بخواهد که بدرستیکه نزدیک
است دعا درین اماکن باجابت بیست و دوم آنکه تلاوت قرآن نماید بقدری که تواند در نزد ضریح منور و هدیه کند
ثواب آنرا بصاحب آن قبر بتعظیم بجهت صاحب قبر است و انتفاع آن بزائر راجع میشود و فکر و تامل نماید در معانی قرآن
بیست و سیوم آنکه سعی کند در احضار قلب در جمیع حالات هر قدر که ممکنش شود و بیست و چهارم آنکه توبه کند از گناهان و استغفار
و طلب آمرزش نماید و دل از گناهان برکند بیست و پنجم آنکه تصدق نماید بر خادمان و حافظان آنحضرت و اکرام ایشان
کند و دعا بایشان نماید که درین اکرام و اعزاز صاحب قبر است بیست و ششم آنکه سزاوار آنست که هر گاه زوار بسیار
باشند جمعی که نزد ضریح منور سبقت گرفته اند تخفیف در زیارت داده برگردند تا جمعی دیگر که بعد از ایشان آمده
اند نیز نزد ضریح آمده به نزدیکی ضریح و شرف زیارت فایز شوند و همچنین در بالای سر بجهت نماز زیارت طول
دادن با وجود کثرت و انتظار زائرین نکرده بلکه ملاحظهٔ حرمت است بیست و هفتم آنکه بوسیدن ضریح منور چنانچه
شهید اول علیه الرحمه ذکر کرده است سنت است در نزد علمای امامیه بر آن رفته اند اما بوسیدن آستانه هر چند
که نص صریح و حدیثی که معتمد و مستند باشد نرسیده اما علمای امامیه بر آن رفته اند و هر گاه سجده کند زائر و قصد کند بان آن
سجده شکر حق تعالی برای اینکه توفیق باو عطا کرده که باین مکان شریف رسیده است اولی خواهد بود بیست و هشتم آنکه چون از زیارت
و نماز و دعا فارغ شود تعجیل کند در بیرون آمدن و بر رو بیرون آید و بعبث و بیکار در آنجا نماند که تعجیل باعث
ازدیاد شوق و تعظیم حرمت معصوم است بیست و نهم آنکه روایت شده که در وقت بیرون آمدن عقب عقب راه آید
تا اینکه از ضریح غایب و پوشیده شود و آنچه بآداب نزدیک و مناسب است باید معمول داشت خصوصاً بجهان که منبع ادب اند
سیم آنکه چون برگردد از زیارت بسوی منزلش سنت است از برای او که عود کند بزیارت مادامی که مقیم است

دراماکن

دران اماکن شریفه و هر گاه ممکن شود هر روز چند مرتبه بشرف زیارت مشرف شود سی و یکم آنکه چون خواهد که
بیرون آید و روانه شود وداع کند آنحضرت را بوداعیکه ماثور است و سوال کند از حق تعالی که مرزوق و میسر گرداند
باو عود بآن مکان و شرف زیارت را سی و دوم آنکه باید که حال زایر در رغبت بطاعات و خیرات و اجتناب از
محرمات و مکروهات بعد از زیارت بهتر از قبل از زیارت بوده باشد بجهت آنکه گناهانش ریخته و وقت
قلبش رانایر شده هر گاه زیارتش قبول گشته باشد سی و سیم آنکه تصدق کند بر محتاجان و بیچارگان که در آنجا باشند
بدرستیکه ثواب تصدق در آنجا مضاعف است خصوصاً بر سادات و ذریهٔ آنحضرت سی و چهارم آنکه هر گاه تقیه
مانع بوسیدن ضریح منور و عتبهٔ علیه باشد در صورت تقیه ترکش اولی است سی و پنجم آنکه هر گاه زنان بزیارت
آیند پس باید که از مردان جدا باشند و اولی بجهت زنان آن است که شب بزیارت مشرف شوند سی و ششم آنکه
سنت از برای زنان آنست که چون بزیارت آیند زینت ننمایند و ترک زینت و لباس فاخر نمایند
سی و هفتم آنکه باید زنان پوشیده و پنهان بزیارت آیند که چشم نامحرم بر ایشان و چشم ایشان بر نامحرم
نیفتد هر گاه ممکن و مقدور نشود و در میان مردان بزیارت آیند جایز است با کراهت اما باید که نهایت اهتمام
در پوشیدن خود و گرفتن چادر نمایند که موجب بیحرمتی نشود سی و هشتم آنکه هر گاه غسل زیارت ممکن نشود وضو
گرفته زیارت کند و باز همان ثواب را خواهد داشت سی و نهم آنکه باید که نگه دارد خود را در اماکن متبرکه
از کردن ظلم و گناهان و چنان تصور کند که در خدمت آنحضرت است و آنحضرت ناظر و بیناست بر افعال و اقوال
او چهلم آنکه سوال در روضهٔ منوره و حرم محترم از غیر حق تعالی و آنحضرت ناخوش و مخالف ادب است مثل آنکه
که در خدمت پادشاه عظیم الشان کریمی احدی از وسوال نموده از مثل خود محتاجی سوال نماید بلکه باید که در اوقات
شریفه و ایام متبرکه خصوصاً در خدمت و حضور ائمه اطهار از غیر حق تعالی مسئلت ننمود و چنانچه شیخ فقیه ره

روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین ع دید سائلی را که در روز عرفه سؤال میکرد از مردمان پس فرمود
با وکه وای بر تو در چنین روزی از غیر حق تعالی سؤال میکنی بدرستیکه امید وار است از برای طفلان که در شکم
مادران اند درین روز که سعادتمند شوند یعنی چون رحمت الهی درین روز شامل احوال جمیع ناس است حتی
جمعیکه در شکم مادر و زبان سؤال از درگاه قاضی الحاجات ندارند امید رحمت بجهت ایشان هست و جمعی که
زبان سؤال داشته در وقتی که دریای رحمت و بخشش پادشاه پادشاهان و غنی کننده محتاجان گشوده باشد چرا
از غیر او سؤال نمایند منع چنین جماعت بر خدام کرام جایز و هر گاه بکثرت سؤال مانع حضور قلب زوار شوند البته لازم
و ضرورت است **چهل و یکم** آنکه زیارت نماید هر امامی را در وقتی که مأمور و مرغب فیه است و احادیث در زیارت آنوقت
واقع شده شهید اول علیه الرحمه در کتاب دروس فرموده که زیارت حضرت امام رضا ع در ماه مبارک رجب المرجب
از افضل اعمال است و از حدیث هشتم که مذکور شد فضیلت زیارت آنحضرت در ماه مبارک رجب معلوم میشود

مقصد چهارم در آداب و مقدمات زیارت شیخ فقیه جعفر بن محمد بن قولویه روایت کرده است که چون خواهی که
بزیارت حضرت امام رضا ع روانه شوی پس غسل کن در وقت بیرون آمدن از خانه ات و در وقت غسل کردن
این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَاَجْرِ
عَلٰى لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
لِي طَهُورًا وَشِفَاءً و چون خواهی که از خانه ات بیرون آیی بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَاِلَى اللهِ
وَاِلَى ابْنِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسْبِيَ اللهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ
اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَاِلَيْكَ قَصَدْتُ وَمَا عِنْدَكَ اَرَدْتُ پس چون بیرون
آمدی در در خانه ات بایست و بگو اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ

وقف روضه رضویه

اَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَا خَوَّلْتَنِي وَبِكَ وَثِقْتُ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا مَنْ لَا
يُخَيِّبُ مَنْ اَرَادَهُ وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي
بِحِفْظِكَ فَاِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَ خواندن هر یک ازین دو دعا در مشهد مقدس و اماکن
مشرفه دیگر در وقتی که از منزل شخص اراده رفتن بروضه و زیارت نماید مناسب است منقول است در کتب مزار
که چون برسی بجایی که قبه منوره آنحضرت دیده میشود چون نظرت بقبه منوره افتد بگو اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
يَا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَعْدِنَ الرِّسَالَةِ وَخُزَّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ
وَاُصُولَ الْكَرَمِ وَقَادَةَ الْاُمَمِ وَسُلْطَانَ الْعِبَادِ وَدَعَائِمَ الْاَخْيَارِ
وَعَنَاصِرَ الْاَبْرَارِ وَمُنَاصَحَةَ الْعِبَادِ وَاَرْكَانَ الْبِلَادِ وَاَبْوَابَ الْاِيمَانِ
وَاُمَنَاءَ الرَّحْمٰنِ وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ
رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و چون داخل حصار ای
شهر شوی بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لِقَصْدِ اَوْلِيَائِهِ وَزِيَارَةِ حُجَجِهِ وَ
اَوْرَدَنِي حَرَمَهُمْ وَلَمْ يَبْخَسْنِي حَظِّي مِنْ زِيَارَةِ قُبُورِهِمْ وَالنُّزُولِ بِعَقْوَةِ
مَغِيبِهِمْ وَسَاحَةِ تُرْبَتِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَسِمْنِي بِحِرْمَانِ مَا اَمَّلْتُهُ
وَلَا صَرَفَ عَنِّي مَا رَجَوْتُهُ وَلَا قَطَعَ رَجَائِي فِيمَا تَوَقَّعْتُهُ بَلْ اَلْبَسَنِي
عَافِيَتَهُ وَاَفَادَنِي نِعْمَتَهُ وَآتَانِي كَرَامَتَهُ پس چون داخل شدی و صواب است غسل زیارت
کن از حدیثی که شیخ طوسی از امام جعفر صادق ع روایت کرده تقدم وضو بر غسل مظنون میشود و در وقت غسل این دعا
که شیخ جعفر بن محمد و شیخ محمد بن الحسن روایت کرده اند بخوان اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ

قلبی واشرح لی صدری واجر علی لسانی مدحتك ومحبتك والثناء
علیك فانه لا حول ولا قوة الا بك وقد علمت ان قوة دینی التسلیم
لامرك والاتباع لسنة نبیك والشهادة علی جمیع خلقك اللهم
اجعله لی طهورا وشفاء ونورا انك علی كل شیء قدیر وبعد از فارغ شدن از غسل
این دعا را که شیخ طوسی از امام جعفر صادق ع روایت کرده است که آنحضرت بعد از فراغ از غسل زیارت میخوانده اند
بخوان اللهم اجعله لی نورا وطهورا وحرزا وكافیا من كل داء وسقم ومن
كل آفة وعاهة وطهر به قلبی وجوارحی وعظامی ولحمی ودمی وشعری
وبشری ومخی وعصبی وما اقلت الارض منی واجعله لی شاهدا
یوم القیمة یوم حاجتی وفقری وفاقتی یا ارحم الراحمین پس پاکیزه ترین
جامهای خود را بپوش و بوی خوش بمال و با سکینه و وقار پای برهنه بجانب روضۀ منوره بقصد زیارت
آنحضرت روانه شو تکبیر و تهلیل و تسبیح و تحمید گویان و گامها را نزدیک بهم بردارد در کتاب مزار
چنین است که چون بدر آستانه رسی بگو الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر
الحمد لله علی هدایته لدینه والتوفیق لما دعا الیه من سبیله
اللهم انك اكرم مقصود واكرم مأتی وقد اتیتك متقربا الیك
بابن بنت نبیك صلواتك علیه وعلی آبائه الطاهرین وابنائه
الطیبین اللهم صل علی محمد وآل محمد ولا تخیب سعیی ولا
تقطع رجائی واجعلنی عندك وجیها فی الدنیا والآخرة ومن

المقربین پس پای راست را مقدم داشته داخل آستانه مبارکه شو و بگو بسم الله وبالله وفی
سبیل الله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم اغفر لی و
لوالدی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات و چون بدر روضۀ منوره رسی بعد از احترام و تعظیم
بایست و طلب اذن کن و بگو یا مولای وابن مولای انا عبدك وابن عبدك
الذلیل بین یدیك المعترف بحقك جاءك مستجیرا بذمتك قاصدا
لحرمك متوجها الی مقامك متوسلا الی الله تعالی بك ءادخل یا
الله ءادخل یا رسول الله ءادخل یا نبی الله ءادخل یا حجة الله ءادخل
یا امیر المؤمنین ءادخل یا فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین ءادخل
یا مولای ابا محمد الحسن ءادخل یا مولای ابا عبد الله الحسین ءادخل
یا مولای علی بن الحسین ءادخل یا مولای ابا جعفر محمد بن علی ءادخل
یا مولای ابا عبد الله جعفر بن محمد ءادخل یا مولای ابا الحسن موسی
بن جعفر ءادخل یا مولای ابا الحسن علی بن موسی الرضا یا ولی الله
یا حجة الله علی خلقه علیك سلام الله ورحمته وبركاته ءادخل
یا ایها الملائكة المقیمون الحافون المحدقون فی هذا المشهد الشریف
صلوات الله علیكم ورحمة الله وبركاته و باین دعا نیز طلب اذن میتوان نمود
الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد
جاءت رسل ربنا بالحق وقلت وقولك الحق یا ایها الذین آمنوا لا

تدخلوا بيوت النبي الا ان يؤذن لكم فها انا استاذنك يا الهي اولا و
استاذن رسولك ثانيا واستاذن امير المؤمنين وفاطمة الزهراء
والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد
وموسى بن جعفر واستاذن الملائكة الموكلين بمشهدك صلوات
الله وسلامه عليكم ورحمة الله وبركاته پس هرگاه در خود خضوع و رقت قلب یابی
عتبه مبارکه را ببوس و روی خود را بآن بمال و پای راست مقدم دار و داخل شو و بخوان این دعا را که شیخ طوسی
و ابن بابویه و جعفر بن محمد بن قولویه روایت کرده اند بسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله
صلى الله عليه وآله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و
اشهد ان محمدا عبده ورسوله وان عليا ولي الله پس با نهایت رعایت ادب
برو تا نزد ضریح منور رو بروی آنحضرت و پشت بقبله بایست و زیارت کن آنحضرت را بطریقی که ذکر میشود

باب پنجم در زیارات مخصوصه حضرت امام رضا ع و زیارت وداع آنحضرت زیارات مخصوصه بوقت معین
از اوقات سال بجهت آنحضرت مذکور نشده از زیارات مطلقه آنحضرت که نقل شده پنج زیارت و یک وداع در
این مختصر بعون الله مذکور میشود زیارت اول شیخ طوسی و شیخ فقیه ابن بابویه و شیخ جعفر بن محمد بن قولویه از
بعضی حضرات ائمه اطهار روایت کرده بعد از رعایت آداب بقعه رو بروی آنحضرت و پشت بقبله
بایست و زیارت آنحضرت کن و بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وانه سيد الاولين والاخرين
وانه سيد الانبياء والمرسلين اللهم صل على محمد عبدك ورسولك

ونبيك وسيد خلقك اجمعين صلوة لا يطيق على احصائها غيرك اللهم صل
على امير المؤمنين علي بن ابي طالب عبدك ورسولك الذي انتجبته ه
لعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته
برسالاتك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن
على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على
فاطمة بنت نبيك وزوجة وليك وام السبطين الحسن والحسين سيدي
شباب اهل الجنة الطهرة الطاهرة المطهرة التقية النقية الرضية الزكية
سيدة نساء اهل الجنة اجمعين صلوة لا يقوى على احصائها غيرك
اللهم صل على الحسن والحسين سبطي نبيك وسيدي شباب
اهل الجنة القائمين في خلقك والدالين على من بعثته برسالاتك
وديانى الدين بعدلك وفصلى قضائك بين خلقك اللهم صل على علي بن
الحسين عبدك القائم في خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك و
ديان الدين بعدلك سيد العابدين اللهم صل على محمد بن علي عبدك
وخليفتك في ارضك باقر علم النبيين اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق
عبدك وولي دينك وحجتك على خلقك اجمعين اللهم صل على موسى
بن جعفر عبدك الصالح ولسانك الناطق في خلقك بحكمتك والحجة
على بريتك اللهم صل على علي بن موسى الرضا المرتضى عبدك وولي دينك

القائم بعدلك الداعي الى دينك ودين ابائه الصادقين صلوة لا يقوى
على احصائها غيرك اللهم صل على محمد بن علي التقي النقي الرضي صلوة
لا يحصيها غيرك اللهم صل على علي بن محمد عبدك وحجتك على عبادك
صلوة لا يقوى على احصائها غيرك اللهم صل على الحسن بن علي العامل
بامرك القائم بحقك وحجتك المؤدي عن نبيك وشاهدك على خلقك
المخصوص بكرامتك الداعي الى طاعتك وطاعة رسولك صلواتك
عليه واله اللهم صل على حجتك ووليك القائم في خلقك صلوة
نامية باقية تامة تعجل بها فرجه وتنصره بها وتجعلنا معه في الدنيا
والاخرة اللهم اني اتقرب اليك بحبهم واوالي وليهم واعادي عدوهم
فارزقني بهم خير الدنيا والاخرة واصرف عني بهم شر الدنيا والاخرة
واكفني اهوال يوم القيمة بنشين در پیش سر آنحضرت ظاهر آنست که در برابر
مقابل سر مبارک باید نشست نه در بالای سر مبارک بجهت آنکه مذکور شد که در وقت زیارت رو
برو و پشت بقبله باید بود و هرگاه نشستن ممکن نباشد در برابر روی مبارک بایست و بگو السلم
عليك يا ولي الله السلم عليك يا حجة الله السلم عليك يا نور الله
في ظلمات الارض السلم عليك يا عمود الدين السلم عليك يا
وارث ادم صفوة الله السلم عليك يا وارث نوح نبي الله السلم
عليك يا وارث ابراهيم خليل الله السلم عليك يا وارث موسى كليم

كتابخانه آستان قدس
موزه خطی

وقف روضه رضويه

الله السلم عليك يا وارث عيسى روح الله السلم عليك يا وارث محمد حبيب
الله السلم عليك يا وارث امير المؤمنين السلم عليك يا وارث الحسن
والحسين سيدي شباب اهل الجنة السلم عليك يا وارث علي بن
الحسين زين العابدين السلم عليك يا وارث محمد بن علي باقر علم
الاولين والاخرين السلم عليك يا وارث جعفر بن محمد الصادق
البار الامين السلم عليك يا وارث موسى بن جعفر العالم الحفي السلم
عليك ايها الوصي البار التقي اشهد انك قد اقمت الصلوة واتيت
الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت الله مخلصا حتى اتيك
اليقين السلم عليك يا ابا الحسن ورحمة الله وبركاته انه حميد مجيد
لعن الله امة قتلتك لعن الله امة ظلمتك لعن الله امة اسست اساس الظلم
والجور والبدعة عليكم اهل البيت پس بيفت بر قبر و جانب راست خود را بقبر منور یا ضریح
مبارک بچسبان و بگو اللهم اليك صمدت من ارضي وقطعت البلاد رجاء
رحمتك فلا تخيبني ولا تردني بغير قضاء حوائجي وارحم تقلبي على قبر ابن اخي
رسولك صلواتك عليه واله بابي انت وامي اتيتك زائرا وافدا عائذا
مما جنيت على نفسي واحتطبت على ظهري فكن لي شفيعا الى الله يوم فقري
وفاقتي فلك عند الله مقام محمود وانت عند الله وجيه پس جانب چپ رو را
بر قبر بچسبان و دست را بردار و دست چپ را بر قبر یا ضریح منور بگذار و بگو اللهم اني اتقرب

الیک بحبهم واتوسل الیک بولایتهم اتولی اخرهم کما تولیت اولهم وابرء الی
الله من کل ولیجة دونهم اللهم العن الذین بدلوا دینک وغیروا نعمتک
واتهموا نبیک وجحدوا ایاتک وسخروا بامامک وحملوا الناس علی اکتاف
آل محمد اللهم انی اتقرب الیک باللعنة علیهم والبراءة منهم فی الدنیا والاخرة
یا رحمن یا رحیم پس بپایین پای مبارک آنحضرت بایست و بگو صلی الله علیک یا ابا الحسن صلی
الله علی روحک وبدنک صبرت وانت الصادق المصدق لعن الله من قتلک
بالایدی والالسن و بگو اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وال محمد واخر تابع
له علی ذلک اللهم العن العصابة التی جاهدت الحسین ع وشایعت
وبایعت وتابعت علی قتله اللهم العنهم جمیعا لعنا وبیلا پس هر قدر توانی لعن
کن بر قاتلان و ظالمان ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین پس از عقب مبارک قبر منور بجانب سر مبارک
قبر منور بجانب سر مبارک بیا و دو رکعت نماز زیارت بگذار و در رکعت اول بعد از حمد سوره یس و در رکعت
دوم بعد از حمد سوره الرحمن بخوان و چون فارغ شوی سجده کن و در دعا و تضرع از برای خود و والدین و برادران
مومن و بایست در آنجا بدعا کردن هر قدر که خواهی و لیکن که باید بوده باشد نماز تو در نزد قبر پس هر قدر که بقبر نزدیک
تر است بهتر است و بعد از نماز تسبیح فاطمه زهرا ع بجا آر و در کتاب ابن علی الحسین زواری چنین مرویست
که اگر سوره یس والرحمن میسر نشود در رکعت اول پنجاه بار قل هو الله احد و در دوم هر سوره که خواهی بخوان
اگر در هر یک از دو رکعت یک قل هو الله یا بسه قل هو الله اکتفا کنی جایز است خصوصا با وجود کثرت زوار
بهجا و انتظار زائرین البته که باید اکتفا بیک قل هو الله یا بسه قل هو الله نماید و ادعیه را در جای ایستاده

بخواند که حاجت بر آورده شود پس سجده شکر کن و بگو اللهم انی صلیت ورکعت وسجدت
لک وحدک لا شریک لک لان الصلوة والرکوع والسجود لا یکون الا
لک لانک انت الله لا اله الا انت صل علی محمد وال محمد وابلغهم عنی
افضل التحیة والسلام واردد علی منهم التحیة والسلام اللهم هاتان
الرکعتان هدیتی منی الی مولای ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات
علیه اللهم صل علی محمد وال محمد وتقبلهما منی واجرنی علی ذلک بافضل
املی فیک وفی رسولک وفی ولد رسولک یا ولی المومنین پس هر حاجت که داری
بخواه و بگو شکرا شکرا صد مرتبه پس سر از سجده بردار و از ادعیه بالای سر که در باب هفتم نقل خواهد شد
آنچه میسر شود بخوان و تلاوت قرآن مجید بکن و بعد از فراغ از اعمال و آداب چون خواهی که بیرون روی
از روضه منوره سجده شکر کن و بگو اللهم الیک توجهت وبک اعتصمت وعلیک توکلت
اللهم انت ثقتی ورجائی فاکفنی ما اهمنی وما لا یهمنی وانت اعلم به
منی عز جارک وجل ثناؤک ولا اله غیرک صل علی محمد وال محمد وقرب فرجهم
پس گونه راست خود را بر زمین بگذار و بگو ارحم ذلی بین یدیک وتضرعی الیک ووحشتی
من الناس وانسی بک یا کریم یا کریم یا کریم پس گونه چپ را بر زمین گذار و بگو لا اله الا
انت ربی حقا حقا سجدت لک یا رب تعبدا ورقا اللهم ان عملی ضعیف
فضاعفه لی یا کریم یا کریم یا کریم و باز عود کن بسجده و بگو شکرا شکرا صد مرتبه و
جهد کن در دعا و تضرع و زاری که بدرستیکه جای سوال است و استغفار و طلب آمرزش که بدرستیکه

مکان آمرزش است و هر حاجت که داری بخواه که بتحقیق که مقام اجابت دعای اعیان است و هرگاه در سجده شکر
این دعا بخوانند مناسب است خصوصا بعد از زیارت حضرت امام حسین ع السجده برو و بگو اللهم انی اشهدک
واشهد ملائکتک وانبیائک ورسلک وجمیع خلقک انک الله
ربی والاسلام دینی ومحمدا نبیی وعلیا والحسن والحسین وعلی بن
الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی و
محمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والخلف الباقی علیهم افضل
السلام ائمتی بهم اتولی ومن اعدائهم اتبرء اللهم انی انشدک دم المظلوم
اللهم انی انشدک دم المظلوم اللهم انی انشدک دم المظلوم سه بار بگو
اللهم انی انشدک بایوائک علی نفسک لاولیائک لتظفرنهم بعدوک و
عدوهم ان تصلی علی محمد وعلی المستحفظین من آل محمد اللهم انی اسئلک
الیسر بعد العسر اللهم انی اسئلک الیسر بعد العسر اللهم انی اسئلک
الیسر بعد العسر سه مرتبه پس گونه راست خود را بر زمین بگذار و بگو یا کهفی حین تعیینی المذاهب
وتضیق علی الارض بما رحبت یا باری خلقی رحمة بی وقد کان عن
خلقی غنیا صل علی محمد وآل محمد وعلی المستحفظین من آل محمد پس جانب چپ
رو را بر زمین گذار و بگو یا مذل کل جبار ویا معز کل ذلیل صل علی محمد وآل محمد
وفرج عنی یا حنان یا منان یا کاشف الکرب العظام یا حنان یا منان
یا کاشف الکرب العظام یا حنان یا منان یا کاشف الکرب العظام سه بار

پس پیشانی را بر زمین گذار و صد بار بگو شکرا شکرا و هر حاجت که داری بخواه و دعای سجده شکر با طریق
نیز نقل شده که سجده شکر کن و بگو اللهم الیک اعتمدت والیک قصدت
ولفضلک رجوت وقبر امام الذی اوجبت علی طاعته زرت و
به الیک توسلت فبحقهم الذی اوجبت علی نفسک اغفر لی و (وللمؤمنین)
لوالدی یا کریم پس جانب راست رو را بر زمین گذار و بگو اللهم قد علمت حوائجی
فصل علی محمد وآل محمد واقضها پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و بگو اللهم قد
احصیت ذنوبی فبحق محمد وآل محمد صل علی محمد وآل محمد واغفرها
وتصدق علی بما انت اهله پس پیشانی را بر زمین گذار و صد بار بگو شکرا شکرا و هر حاجت
خواهی و هر مطلبی که داری بخواه و باین نحو نیز منقول است که سجده شکر کن و بگو اذ حرم من
اساء واقترف واستکان واعترف پس جانب راست رو را بر زمین گذار و بگو ان
کنت بئس العبد فانت نعم الرب پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و بگو عظم
الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک یا کریم پس پیشانی را بر زمین گذار
و صد بار بگو شکرا شکرا و هرگاه خواهی که زیارت حضرت امام حسین ع در همان مکان شریف نمایی
دو رکعت نماز زیارت بگذار چون در زیارت حضرت امام حسین ع در دو روایت شده که اول
نماز زیارت باید کرد و بعد از آن زیارت نمود پس [illegible] بجانب قبر منور آنحضرت کن هرگاه در عقب
حضرت امام رضا ع زیارت آنحضرت کنی رو بجانب هر دو مرقد منور خواهد بود و این بهتر و باید بعد [illegible] زیارت
پس بایست و قصد زیارت آنحضرت کن و باین زیارت نامه که بروایت جمعی از حضرت امام جعفر صادق ع

منقول است زیارت کن آنحضرت را السّلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السّلام
علیک یا وارث نوح نبیّ الله السّلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله
السّلام علیک یا وارث موسی کلیم الله السّلام علیک یا وارث
عیسی روح الله السّلام علیک یا وارث محمّد سیّد رسل الله السّلام
علیک یا وارث علیّ امیر المؤمنین وخیرة الوصیّین السّلام علیک
یا وارث الحسن الرّضیّ الطّاهر الرّاضی المرضیّ السّلام علیک ایّها
الصّدّیق الاکبر السّلام علیک ایّها الوصیّ البرّ التّقیّ السّلام علیک
وعلی الارواح الّتی حلّت بفنائک وأناخت برحلک السّلام علیک و
علی الملائکة الحافّین بک اشهد انّک قد اقمت الصّلوة وآتیت الزّکوة
وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وجاهدت الملحدین وعبدت
الله مخلصا حتّی اتیک الیقین السّلام علیک ورحمة الله وبرکاته
السّلام علی الحسین واخیه وجدّه وابیه وامّه وبنیه وشیعته و
موالیه واصحابه وزائریه ولعنة الله علی قاتل الحسین بدانکه هر گاه
توفیق زیارت یابی در این اماکن متبرکه باید که ارواح مؤمنان را یاد و شاد نمود وسیّما ارواح علما
خویشان خصوصاً والدین که امر به نیکوئی و بر بایشان حیّا کان او میّتا در نهایت تاکید واقع شده
چنانچه در تهذیب باب هشتم تتمّه مذکور خواهد شد پس باید که سعی و اهتمام تمام در رضا و خوشنودی
ایشان نمود و ازانست هدیه نمودن ثواب اعمال صالحه خصوصاً تلاوت قرآن مجید و نیابت ایشان

حیّا کان او میّتا زیارت نمود و آداب آن مذکور خواهد شد در تتمّه کتاب انشاء الله تعالی و البتّه تقصیر
نکند در دعا کردن بجهت مؤمنان و برادران و دوستان و اقربا در این اماکن شریفه که نفع آن
بایشان بیشتر است چنانچه شیخ فقیه علیه الرّحمة روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق ع که
آنحضرت فرمودند که کسیکه دعا کند از برای برادرش غایبانه ندا کرده میشود از عرش که از برای تو است
صد هزار مثل آن دعا و چون دعا کند از جهت خودش خواهد بود از برای او یک دعا پس صد هزار دعای
مستجاب که حقّ تعالی ضامن آن است بهتر است از یک دعا که معلوم نیست آنکه مستجاب شده است
یا نه ابن فهد علیه الرّحمة روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق ع فرمودند که از جهت برادر مؤمنش
دعا کند ملکی در آسمان اوّل ندا کند که حقّ تعالی اعطا کرد بتو هفتصد هزار مثل آنچه از جهت برادر مؤمنت
طلبیدی پس آنحضرت فرمودند که هفتصد هزار دعای مستجاب بهتر است از یک دعای که معلوم نیست
که مستجاب شده باشد یا نشده شیخ فقیه روایت کرده که هر که دعا کند از برای چهل مرد
از برادرانش قبل از آنکه بجهت خودش دعا کند مستجاب میشود دعای او در حقّ ایشان و خودش
احادیث در فضیلت و ثواب دعای برادران مؤمن بسیار است اقتصار شد چون زیارات و ادعیه
و عبادات فارغ شوی و اراده بیرون آمدن از روضه منوّره نمائی باین نحو در نزد ضریح منوّر وداع
خواهی کم خدمتی و مفارقت از ملازمت حرم محترم کن و بگو قد قضیت یا مولای بعض
الارب من زیارتک ولو فعلت یا مولای ما یجب علیّ لجعلت عرصتک
دار اقامتی ولکنّی من ابناء الدّنیا الکدح فیها کما جرت عادة من مضی
فاسئل الله البارّ الرّحیم ان یصلّی علی محمّد وآله وان لا یجعله آخر

العهد من زيارتكم وجميع المؤمنين انه ارحم الراحمين وهو على كل
شيء قدير . پس با آداب تمام از روضهٔ منوره بنحوی که پشت بآنحضرت نکرد از بیرون آید
و عتبهٔ مبارکه را ببوس و روانه شو زیارت دوم شیخ فقیه جعفر بن محمد بن قولویه روایت کرده از
آنحضرت مضمراً که فرمودند که چون بروضهٔ منور حضرت امام رضا مشرف شوی بگو و در مصباح
کفعمی نیز نقل شده پس بعد از رعایت آداب سابقه روبروی آنحضرت بایست و بگو اللهم
صل على علي بن موسى الرضا المرتضى الامام التقي النقي وحجتك على من فوق
الارض ومن تحت الثرى الصديق الشهيد صلوة كثيرة نامية زاكية
متواصلة متواترة مترادفة كافضل ما صليت على احد من اوليائك
پس بعد از رعایت آداب سابقه دو رکعت نماز زیارت کن و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بجا آر و از
ادعیهٔ سجده وادعیهٔ بالای سر آنچه میسر شود بخوان و آنچه مقدور شود از آنچه مذکور شد بعمل آر زیارت
سوم منقول از کتب مزار مروی از حضرت امام محمد تقی ع بعد از رعایت آداب سابقه روبروی آنحضرت بایست
و بگو السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا حجة الله السلام عليك
يا نور الله في ظلمات الارض السلام عليك يا عمود الدين السلام عليك
يا وارث ادم صفوة الله السلام عليك يا وارث ابرهيم خليل الله السلام
عليك يا وارث موسى كليم الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله
السلام عليك يا وارث محمد رسول الله صلعم السلام عليك يا وارث امير
المؤمنين علي بن ابي طالب ع السلام عليك يا وارث فاطمة الزهراء سيدة

نساء العالمين السلام عليك يا وارث الحسن والحسين سيدي شباب
اهل الجنة السلام عليك يا وارث علي بن الحسين سيد العابدين
السلام عليك يا وارث محمد بن علي باقر علم الاولين والاخرين السلام
عليك يا وارث جعفر بن محمد الصادق البر التقي السلام عليك يا وارث
موسى بن جعفر العالم الحفي السلام عليك ايها الصديق الشهيد
السلام عليك ايها الوصي البر التقي اشهد انك قد اقمت الصلوة و
اتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت الله
مخلصا حتى اتيك اليقين السلام عليك من امام غصيب وامام نجيب
وبعيد قريب ومسموم غريب السلام عليك ايها العالم النبيه والقد
الوجيه النازح عن تربة جده وابيه السلام على من امر اولاده
وعياله بالنياحة عليه قبل وصول القتل اليه السلام على
دياركم الموحشات كما استوحشت منكم منى وعرفات السلام على
سادات العبيد وعدة الوعيد والبئر المعطلة والقصر المشيد السلام
على غوث اللهفان ومن صارت به ارض خراسان خراسان السلام
على قليل الزائرين وقرة عين فاطمة سيدة نساء العالمين السلام
على البهجة الرضوية والاخلاق الرضية والغصون المتفرعة عن
الشجرة الاحمدية السلام على من انتهى اليه رياسة السلف

الاعظم وعلم كل شيء لتمام الامر المحكم السلام على من اسماؤهم وسيلة
السائلين وهياكلهم امان المخلوقين وحججهم ابطال شبه الملحدين
السلام على من كسرت له وسادة والده امير المؤمنين حتى خصم اهل
الكتب وثبت قواعد الدين السلام على علم الاعلام ومن كسر قلوب
شيعته بغربته الى يوم القيام السلام على السراج الوهاج والبحر
العجاج الذي صارت تربته مهبط الاملاك والمعراج السلام على
امراء الاسلام وملوك الاديان وطاهري الولادة ومن اطلعهم الله
على علم الغيب والشهادة وجعلهم اهل السادة السلام على كهوف
الكائنات وظلها ومن ابتهجت معالم طوس حيث حل بربعها شعر
يا قبر طوس سقاك الله رحمته • ماذا ضمنت من الخيرات يا طوس طابت
بقاعك في الدنيا وطاب بها • شخص ثوى بسناباد مرموس شخص عزيز
على الاسلام مصرعه • في رحمة الله مغمور ومغموس يا قبره انت قبر قد
تضمنه • حلم وعلم وتطهير وتقديس فخر ابانك مغبوط بجثته • وبا
الملائكة الاطهار محروس • وافي كل عصر لنا منكم امام هدى • فربعه
اهل منكم ومانوس • امست نجوم سماء الدين افلة • وضل اسد الشرى
قد ضمها الخيس • غابت ثمانية منكم واربعة • ترجى مطالعها ما
حنت بعيس • حتى متى يظهر الحق المنير بكم • فالحق في غيركم داج ومطموس

السلام على مفتخر الابرار ومآبي المزار وشرط دخول الجنة والنار السلام
على من لم يقطع الله عنهم صلواته في آناء الساعات وبهم سكنت السواكن
وتحركت المتحركات السلام على من جعل الله امامتهم مميزة بين
الفريقين كما تعبد بولايتهم اهل الخافقين السلام على من احيى
الله به دارس حكم النبيين وتعبدهم بولايته لتمام كلمة الله
رب العالمين السلام على شهور الحول وعدد الساعات وحروف
لا اله الا الله في الرقوم المسطرات السلام على اقبال الدنيا وسعودها
ومن سئلوا عن كلمة التوحيد فقالوا نحن والله من شروطها السلام
على من يعلل وجود كل مخلوق بلولاهم ومن خطبت لهم الخطباء بسبعة
ابائهم ما هم هم افضل من يشرب صوب الغمام السلام على من على مجدهم
وثناؤهم ومن انشد في فخرهم وعلائهم بوجوب الصلوة عليهم وطهارة
ثيابهم السلام على قمر الاقمار المتكلم مع اهل كل لغة بلسانهم
القائل لشيعته ما كان الله ليولي اماما على امة حتى يعرفه بلغاتهم و
واديانهم السلام على فرحة القلوب وفرج المكروب وشريف الا
الاشراف ومفخر عبد مناف يا ليتني من الطائفين بعرصته وحضرته
مستشهد البهجة موانسته اطوف ببابكم في كل حين كان [illegible]
جعل الطواف السلام على الامام الرؤف الذي هيج احزان يوم الطفوف

بالله اقسم وبآبائك الاطهار وبابنائك المنتجبين الابرار لولا بعد
الشقة حيث شطت بكم الدار لقضيت بعض واجبكم بتكرار المزار
والسلام عليكم يا حماة الدين واولاد النبيين وسادة المخلوقين
ورحمة الله وبركاته پس نماز زيارت وآنچه بعد از زيارت اوّل مذكور شد بجا آرد زيارت پنجم
منقول از كتب مزار بعد از رعايت آداب سابقه رو بروی آنحضرت بايستد و بگو
بسم الله الرحمن الرحيم اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل على
محمد وآل محمد اللهم صل على ملائكتك المقربين اللهم صل
على الانبياء والمرسلين اللهم صل على الائمة المعصومين
اللهم صل على مولانا ومقتدينا امام الهدى والعروة الوثقى
وحجتك على اهل الدنيا الذي قال في حقه سيد الورى و
سند البرايا ستدفن بضعة مني بارض خراسان ما زارها مكروب
الا نفس الله كربه ولا مذنب الا غفر الله ذنبه اللهم بشفاعته
المقبولة ودرجته الرفيعة ان تنفس بها كربي وتغفر بها ذنبي و
تسمعه كلامي وتبلغه سلامي السلام عليك يا حجة الله السلام
عليك يا نور الله السلام عليك يا عيبة علم الله السلام عليك
يا معدن حكمة الله السلام عليك يا حامل كتاب الله السلام

عليك يا حافظ سر الله انت الذي قال فيك قاتل الكفرة وقامع الفجرة
علي امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين صلوات الله وسلامه
عليه سيقتل رجل من ولدي بارض خراسان بالسم ظلما
اسمه اسمي واسم ابيه اسم بن عمران موسى عليه السلام الا فمن
زاره في غربته غفر الله له ذنوبه ما تقدم منها وما تأخر ولو كانت
مثل عدد النجوم وقطر الامطار وورق الاشجار مولاي مولاي
ها انا ذا واقف بين يديك وذنوبي مثل عدد النجوم وقطر
الامطار وورق الاشجار وليس لي وسيلة الى محوها الا رضاك
مولاي ما احسب في صحيفتي عملا ارجى عندي من زيارتك
كيف وقد قال في حقها باقر علم الاولين والآخرين صلوات الله عليه
يخرج رجل من ولدي اسمه اسم امير المؤمنين فيدفن بارض خراسان
من زاره عارفا بحقه اعطاه الله اجر من انفق من قبل الفتح وقاتل
فاتيتك زائرا لك عارفا بحقك عالما بانك امام مفترض الطاعة
غريب شهيد راجيا بما قاله الصادق عليه الصلوة والسلام
يقتل حفدتي بارض خراسان في مدينة يقال لها طوس من زاره عارفا
بحقه اخذته بيدي يوم القيمة وادخلته الجنة وان كان من اهل
الكبائر قيل له ما عرفان حقه قال العلم بانه امام مفترض الطاعة

شهيد من زاره عارفا بحقه اعطاه الله اجر سبعين شهيدا ممن استشهد
بين يدى رسول الله صلى الله عليه واله يابن رسول الله ابتغى
بزيارتك من الله تعالى غفران ذنوبى وذنوب والدى والمؤمنين
والمؤمنات واسئلك الاتيان الموعود فى المواطن الثلث عند تطاير
الكتب وعند الصراط وعند الميزان وقلت وقولك حق ان شر ما
خلق الله فى زمانى يقتلنى بالسم ثم يدفننى فى دار مضيعة وبلاد
غربة الا فمن زارنى فى غربتى كتب الله عز وجل له اجر مائة الف حاج
ومعتمر ومائة الف مجاهد وحشر فى زمرتنا وجعل فى الدرجات
من الجنة رفيقنا الحمد لله الذى وفقنى لزيارتك فى البقعة التى
قلت فى حقها هى والله روضة من رياض الجنة من زارنى فى تلك
البقعة كان كمن زار رسول الله وكتب الله له ثواب الف حجة مبرورة
والف عمرة مقبولة وكنت انا واباى شفعاءه يوم القيمة فكن
شفيعى باباك الطاهرين واولادك المنتجبين مولاى انت الذى
لا يزورك الا الخواص من الشيعة فبحقك وبحق شيعتك ان تشفعنى
ونسئل الله ان يحشرنى مع شيعتك فى مستقر من الرحمة معكم اهل
البيت معكم معكم لا مع غيركم برئت الى الله من اعدائكم وتقربت بالله
اليكم انى مؤمن باياكم منتظر لامركم مصدق برجعتكم مترقب

لدولتكم عارف بعظم شانكم عالم بضلالة من خالفكم موال لكم و
لاولياكم مبغض لاعدائكم عائذ لائذ بقبوركم اللهم صل على محمد
وال محمد النبى والوصى والبتول والسبطين والسجاد والباقر و
الصادق والكاظم والرضا والتقى والنقى والعسكرى والمهدى
صاحب الزمان صلواتك عليهم اجمعين اللهم هؤلاء سادتنا وقادتنا
وهداتنا ورعاتنا اللهم وفقنا لطاعتهم وارزقنا شفاعتهم و
احشرنا فى زمرتهم واجعلنا من خيار مواليهم برحمتك يا ارحم الراحمين
بس دو ركعت نماز زيارت كن وانچه بعد از زيارت اول مذكور شد آنچه مقدور شود بعمل آر
وآداب مذكوره را در هر باب رعايت كن زيارت پنجم منقول از كتب مزار بعد از رعايت آداب سابقه
رو بروى آنحضرت بايست وبگو السلام عليك يابن رسول الله السلام عليك يا
ولى الله السلام عليك يا نور الله السلام عليك يا هادى الخلائق الى
الخالق السلام عليك يا حجة الخالق على الخلائق السلام عليك يا وارث
جميع الانبياء والمرسلين السلام عليك يا حافظ الشرع المبين السلام
عليك يابن الائمة المعصومين ويا ابا الائمة الطاهرين السلام عليك
يا ثامن الائمة والاوصياء الاطهار السلام عليك يا ثامن الاولياء
والامناء الرحمن الابرار السلام عليك ايها السيد الشهيد السلام
عليك ايها السيد الغريب السلام عليك ايها السيد المظلوم السلام

عليك ايها السيد الصفي صلى الله عليك يا مولاى ومولى الثقلين
وعلى جدك وآبائك واولادك المعصومين انى اشهدك بانى امنت بالله
تعالى وبوحدانيته وبعدله وحكمته ونبوة نبينا محمد صلى الله عليه
واله وبامامة الائمة عليهم الصلوة والسلام وانت منهم وثانيهم
وبالمعاد وبجميع ما جاء به النبى ص واخبرتم به فاشهد بهذا عند ربك فان
لك عند الله مقاما محمودا واشهد انك قد نصحت لله ولرسوله وأديت
ما وجب عليك فجزاك الله خير الجزاء ولعن الله الظالمين لكم من
الاولين والاخرين يا مولاى وابن مولاى لكل احد وسيلة وانت
وسيلتى الى الله تعالى فى الدارين اتيتك ملتجأ الى حضرتك زائرا لك
عارفا بحقك وشانك يا واجب العصمة يا مفترض الطاعة مواليا
لاوليائك معاديا لاعدائك فاشفع لى ولوالدى ولاخوانى و
للمؤمنين والمؤمنات عند ربك وانظر الى بنظر الرحمة وادركنى بلطفك
واجعل التقوى بكرمك وهمتك رفيقى ومعاونى حتى يوفقنى الله
فى امورى ويقضى حوائجى ويكفى مهماتى ويحفظنى عن الافات و
الامراض والبليات والوباء والقحط والطاعون وشر الظالمين و
جور الجائرين بيمن نظرك وهمتك يا مولاى ومولى الجن والانس
يا منبع الكرم والاحسان صلى الله عليك وعلى جدك رسول الله

وآبائك واولادك المعصومين پس دو رکعت نماز زیارت کن و از آنچه بعد از زیارت اول
مذکور شد از تسبیح فاطمه زهرا ع و ادعیه بالای سر و سجده و غیرها و آداب آنچه میسر شود بعمل بیار وداع
حضرت امام رضا ع منقول از تهذیب شیخ طوسی و من لا یحضره الفقیه و عیون شیخ فقیه ابن بابویه ره
چون خواهی که از مشهد منور آنحضرت بیرون آیی پس غسل زیارت کن و باداب سابقه زیارت آنحضرت
بجوی که مذکور شد با ادعیه و آداب بعمل آر بعد از فراغ که اراده بیرون آمدن از قبه منوره نمایی بانظر لیق
وداع کن و بگو السلام عليك يا مولاى وابن مولاى ورحمة الله وبركاته
انت لنا جنة من العذاب وهذا اوان انصرافى عنك غير راغب عنك
ولا مستبدل بك ولا مؤثر عليك غيرك ولا زاهد فى قربك وقد جدت
بنفسى للحدثان وتركت الاهل والاولاد والاوطان فكن لى شفيعا
يوم حاجتى وفقرى وفاقتى يوم لا يغنى عنى حميم ولا قريب يوم لا
يغنى عنى والد ولا ولد اسال الله الذى قدر رحلتى اليك ان
ينفس بك كربى واسال الله الذى قدر على فراق هذا المكان ان
لا يجعله اخر العهد من رجوعى اليك واسال من ابكى عينى عليك
ان يجعله ذخرا واسال الله الذى ارانى مكانك وهدانى للتسليم
عليك وزيارتى اياك ان يوردنى حوضكم ويرزقنى مرافقتكم
فى الجنان السلام عليك يا صفوة الله السلام على امير المؤمنين
ووصى رسول رب العالمين وقائد الغر المحجلين السلام على فاطمة

سيدة نساء العالمين السلام على الحسن والحسين سيدي شباب
اهل الجنة السلام على الائمة الهادين المهديين زين العابدين
علي والباقر محمد والصادق جعفر والكاظم موسى والرضا علي والتقي
محمد والنقي علي والزكي العسكري الحسن والحجة القائم المنتظر
المهدي صاحب الزمان صلوات الله عليه وعليهم اجمعين و
رحمة الله وبركاته السلام على ملائكة الله المحدقين بقبرك السلام
على ملائكة الله المقيمين في هذا المكان المسبحين المقدسين الذين
بامره يعملون السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين اللهم لا تجعله اخر
العهد من زيارتي اياه فان جعلته فاحشرني معه ومع ابائه الطاهرين
وان ابقيتني فارزقني زيارته ابدا ما ابقيتني انك على كل شيء قدير
وبگو استودعك الله يا مولاي يا ابا الحسن واسترعيه اياك و
اقرا عليك السلام امنا بالله وبالرسول وبك وبما جئت به ودعوت
اليه ودللت عليه اللهم فاكتبنا مع الشاهدين اللهم ارزقني
حبهم ومودتهم ابدا ما ابقيتني السلام على ملائكة الله وزوار قبر
ابن نبي الله السلام عليكم مني ابدا ما بقيت ودائما اذا فنيت السلام
علينا وعلى عباد الله الصالحين پس با آداب مذکوره نالان وگریان از مفارقت
حضرت آنحضرت از روضهٔ منوره بیرون بیا و چون عتبهٔ مبارکه را ببوسیدی و از قبهٔ منوره

بیرون آمدی روی از آن بر مگردان تا اینکه از نظرت غایب شود پس روانه شو بیت خود باب ششم
در زیارات جامعه که هر یک از حضرات ائمهٔ معصومین علیهم السلام را بآن زیارت میتوان نمود
دوازده زیارت جامعه بعد و ائمهٔ اثنی عشر صلوات الله علیهم الی یوم المحشر که حاوی عشر آن جامعه
شهر رجب و تا ذو عشر جامعه بعید از قبور منوره اربعه عشر است و دو زیارت وداع جامعه که
مجموع بعدد چهارده معصوم علیهم السلام الی یوم المعلوم است درین مختصر اختصار شد زیارت
جامعه اول شیخ طوسی و فقیه علیهما الرحمه بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت نموده اند که
از آنحضرت پرسیدند در اتیان بقبر مبارک حضرت امام موسی کاظم ع پس آنحضرت فرمودند که نماز کنید در
که در حوالی آنحضرت و مخیر هستید که در هر یک از اماکن مشرفه باین نحو زیارت نمائی پس بعد از رعایت
آداب بقعه رو بروی آنحضرت بایست و بگو السلام على اولياء الله واصفيائه
السلام على امناء الله واحبائه السلام على انصار الله وخلفائه
السلام على محال معرفة الله السلام على مساكن ذكر الله السلام
على معادن حكمة الله السلام على عباد الله المكرمين الذين لا
يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون السلام على مظاهري امر الله
ونهيه المستقرين في مرضات الله السلام على الممحصين في طاعة
الله السلام على الادلاء على الله السلام على الذين من والاهم فقد
والى الله ومن عاداهم فقد عادى الله ومن عرفهم فقد عرف الله و
من جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم بالله ومن تخلى

زيارت جامعه اول

منهم فقد تخلّى من الله واشهد الله انّي سلم لمن سالمكم وحرب لمن
مؤمن بما آمنتم به كافر بما كفرتم به محقّق لما حقّقتم مبطل لما ابطلتم
مؤمن بسرّكم وعلانيتكم مفوّض في ذلك كلّه اليكم لعن الله عدوّ آل
محمّد من الجنّ والانس وابرء الى الله منهم وضاعف عليهم العذاب
الاليم وصلّى الله على محمّد واله پس صلوات بفرست بر محمّد وآل محمد یک بار پس
تبرّا کن از دشمنان ایشان پس بگو اللّهمّ صلّ على محمّد حبيبك ونبيّك وعلى
امير المؤمنين عليّ وليّك وعلى فاطمة والحسن والحسين وعليّ ومحمّد
وجعفر وموسى وعليّ بن موسى الرضا ومحمّد وعليّ والحسن وصاحب
الزمان عليهم السلام وبلّغهم منّي التحيّة والسلم اللّهمّ العن
اعداء آل محمّد وضاعف عليهم العذاب والنكال وابرء الى الله تعالى
منهم پس نماز زیارت کن وتسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بجا آر واز ادعیه بالای سر وسجده
وآداب آنچه بعد از زیارت اول حضرت امام رضا علیه السلام مذکور شد هر قدر که مقدور شود بعمل آر ودعا وطلب
آمرزش بجهت مؤمنان وخویشان ووالدین حیاکان او میتاکن واز هر مطلب که خواهی بخواه زیارت جامعه شیخ فقیه
ابن بابویه وشیخ طوسی در کتاب تهذیب از حضرت امام علی نقی علیه السلام روایت کرده اند بعد از رعایت آداب
سابقه چون داخل روضه منوره شدی بایست وسی مرتبه بگو الله اکبر پس چند قدم پیشتر برو وسی بار دیگر
الله اکبر بگو پس بقبر نزدیک شو وچهل بار دیگر بگو الله اکبر که مجموع صد تکبیر تمام شود پس رو بروی آنحضرت
وپشت بقبله بایست وبگو السّلام عليكم يا اهل بيت النبوّة ومعدن الرسالة

لمن حاربكم

ومختلف الملائكة ومهبط الوحي ومعدن الرحمة وخزّان العلم ومنتهى
الحلم واصول الكرم وقادة الامم واولياء النعم وعناصر الابرار ودعائم
الاخيار وساسة العباد واركان البلاد وابواب الايمان وامناء الرحمن
وسلالة النبيّين وصفوة المرسلين وعترة خيرة ربّ العالمين ورحمة الله
وبركاته السلام على ائمّة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى و
ذوي النهى واولي الحجى وكهف الورى وورثة الانبياء والمثل الاعلى
والدعوة الحسنى وحجج الله على اهل الدنيا والآخرة والاولى ورحمة الله
وبركاته السلم على محالّ معرفة الله ومساكن بركة الله ومعادن
حكمة الله وحفظة سرّ الله وحملة كتاب الله واوصياء نبيّ الله وذرّيّة
رسول الله صلّى الله عليه واله ورحمة الله وبركاته السلام على
الدعاة الى الله والادلّاء على مرضات الله والمستقرّين في امر الله والتامّين
في محبّة الله والمخلصين في توحيد الله والمظهرين لامر الله ونهيه
وعباده المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون
ورحمة الله وبركاته السلام على الائمّة الدعاة والقادة الهداة و
السادة الولاة والذادة الحماة واهل الذكر واولي الامر وبقيّة
الله وخيرته وحزبه وعيبة علمه وحجّته وصراطه ونوره وبرهانه ورحمة
الله وبركاته اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شريك له كما شهد الله لنفسه

وأركان المؤمنين

وشهدت له ملائكته واولوا العلم من خلقه لا اله الا هو العزيز الحكيم و
اشهد ان محمدا عبده المنتجب ورسوله المرتضى ارسله بالهدى ودين
الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون واشهد انكم الائمة الراشدون
المهديون المعصومون المكرمون المقربون المتقون الصادقون المصطفون المطيعون
لله القوامون بامره العاملون بارادته الفائزون بكرامته اصطفاكم
بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته واعزكم بهداه
وخصكم ببرهانه وانتجبكم بنوره وايدكم بروحه ورضيكم خلفاء في
ارضه وحججا على بريته وانصارا لدينه وحفظة لسره وخزنة لعلمه
ومستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه واركانا لتوحيده وشهداء على
خلقه واعلاما لعباده ومنارا في بلاده وادلاء على صراطه عصمكم
الله من الزلل وآمنكم من الفتن وطهركم من الدنس واذهب عنكم
الرجس وطهركم تطهيرا فعظمتم جلاله واكبرتم شانه ومجدتم كرمه
وادمتم ذكره ووكدتم ميثاقه واحكمتم عقد طاعته ونصحتم له
في السر والعلانية ودعوتم الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة
وبذلتم انفسكم في مرضاته وصبرتم على ما اصابكم في جنبه و
اقمتم الصلوة وآتيتم الزكوة وامرتم بالمعروف ونهيتم عن المنكر
وجاهدتم في الله حق جهاده حتى اعلنتم دعوته وبينتم فرائضه و

اقمتم حدوده

اقمتم حدوده ونشرتم شرايع احكامه وسننتم سنته وصرتم في ذلك
منه الى الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم من رسله من مضى فالراغب
عنكم مارق واللازم لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم
ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه ومثواه ومنتهاه وميراث النبوة عندكم
واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم وفصل الخطاب عندكم وآيات الله
لديكم وعزائمه فيكم ونوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من والاكم
فقد والى الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب الله
ومن ابغضكم فقد ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم السبيل
الاعظم والصراط الاقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة
الموصولة والآية المخزونة والامانة المحفوظة والباب المبتلى به الناس
من اتاكم نجى ومن لم ياتكم هلك الى الله تدعون وعليه تدلون وبه
تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون والى سبيله ترشدون وبقوله
تحكمون سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم وخاب من
جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم وامن من لجا اليكم وسلم
من صدقكم وهدي من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة ماويه ومن خالفكم
فالنار مثواه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك ومن رد عليكم فهو في
اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم

فيما بقي وان ارواحكم ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها
من بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم بعرشه محدقين حتى منّ علينا
بكم فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم
وما خصنا به من ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا
وكفارة لذنوبنا فكنا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا اياكم فبلغ
الله بكم اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين
حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا يطمع في
ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا صديق ولا
شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا
فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك شهيد
الا عرفهم جلالة امركم وعظم خطركم وكبر شانكم وتمام نوركم وصدق
مقاعدكم وثبات مقامكم وشرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه
وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بابي انتم وامي ونفسي واهلي و
مالي واسرتي اشهد الله واشهدكم اني مؤمن بكم وبما امنتم به كافر
بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشانكم وبضلالة من خالفكم موال لكم
ولاوليائكم مبغض لاعدائكم ومعاد لهم سلم لمن سالمكم وحرب لمن
حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر

بفضلكم

بفضلكم محتمل لعلمكم محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بايابكم مصدق
برجعتكم منتظر لامركم مرتقب لدولتكم اخذ بقولكم عامل بامركم مستجير
بكم زائر لكم عائذ لائذ بقبوركم مستشفع الى الله عز وجل بكم ومتقرب بكم
اليه ومقدمكم امام طلبتي وحوائجي وارادتي في كل احوالي واموري
مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم واولكم واخركم ومفوض
في ذلك كله اليكم ومسلم فيه معكم وقلبي لكم مسلم ورايي لكم تبع و
نصرتي لكم معدة حتى يحيي الله دينه بكم ويردكم في ايامه ويظهركم 1264
لعدله ويمكنكم في ارضه فمعكم معكم لا مع غيركم امنت بكم وتوليت
اخركم بما توليت به اولكم وبرئت الى الله عز وجل من اعدائكم ومن
الجبت والطاغوت والشياطين وحزبهم الظالمين لكم الجاحدين
لحقكم والمارقين من ولايتكم والغاصبين لارثكم الشاكين فيكم المنحرفين
عنكم ومن كل وليجة دونكم وكل مطاع سواكم ومن الائمة الذين يدعون
الى النار فثبتني الله ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبتكم ودينكم و
وفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار مواليكم التابعين
لما دعوتم اليه وجعلني ممن يقتص اثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي
بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكر في رجعتكم ويملك في دولتكم ويشرف
في عافيتكم ويمكن في ايامكم وتقر عينه غدا برؤيتكم بابي انتم

وامي ونفسي واهلي ومالي من اراد الله بدا بكم ومن وحده قبل عنكم
ومن قصده توجه بكم موالي لا احصي ثناءكم ولا ابلغ من المدح كنهكم
ومن الوصف قدركم وانتم نور الاخيار وهداة الابرار وحجج الجبار
بكم فتح الله وبكم يختم وبكم ينزل الغيث وبكم يمسك السماء ان تقع
على الارض الا باذنه وبكم ينفس الهم وبكم يكشف الضر وعندكم ما
نزلت به رسله وهبطت به ملائكته والى جدكم بعث الروح
الامين واگر زیارت از برای حضرت امیر المؤمنین ع باشد بگو والى جدكم والى اخيك بعث
اتاكم الله ما لم يؤت احدا من العالمين طاطا كل شريف لشرفكم وبخع كل متكبر
لطاعتكم وخضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء لكم واشرقت الارض
بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم فيكم يسلك الى الرضوان وعلى من جحد
ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي ذكركم
في الذاكرين واسماؤكم في الاسماء واجسادكم في الاجساد وارواحكم
في الارواح وانفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور
فما احلى اسماءكم واكرم انفسكم واعظم شانكم واجل خطركم واوفى عهدكم
واصدق وعدكم كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم التقوى وفعلكم
الخير وعادتكم الاحسان وسجيتكم الكرم وشانكم الحق والصدق و
الرفق وقولكم حكم وحتم ورايكم علم وحلم وحزم ان ذكر الخير كنتم اوله

واصله

واصله وفرعه ومعدنه وماويه ومنتهاه بابي انتم وامي ونفسي كيف اصف
حسن ثنائكم واحصي جميل بلائكم وبكم اخرجنا الله من الذل وفرج عنا غمرات
الكروب وانقذنا من شفا جرف الهلكات ومن النار بابي انتم وامي و
نفسي بموالاتكم علمنا الله معالم ديننا واصلح ما كان فسد من دنيانا
وبموالاتكم تمت الكلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتكم تقبل
الطاعة المفترضة ولكم المودة الواجبة والدرجات الرفيعة والمكان
المحمود والمقام المعلوم عند الله عز وجل والجاه العظيم والشان الكبير
والشفاعة المقبولة ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت
الوهاب سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا يا ولي الله ان بيني وبين
الله عز وجل ذنوبا لا ياتي عليها الا رضاكم فبحق من ائتمنكم على سره و
استرعاكم امر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته لما استوهبتم ذنوبي و
كنتم شفعائي فاني لكم مطيع من اطاعكم فقد اطاع الله ومن عصاكم فقد
عصى الله ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله اللهم
اني لو وجدت شفعاء اقرب اليك من محمد واهل بيته الاخيار
الائمة الابرار لجعلتهم شفعائي فبحقهم الذي اوجبت لهم عليك اليك
اسئلك ان تدخلني في جملة العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة المرحومين

بشفاعتهم انك ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين پس نماز
زيارت كن وتسبيح فاطمه زهراء را بجا آر از ادعيه بالاى سر وسجده وآداب آنچه بعد از زيارت اول
حضرت امام رضا مذكور شد هر قدر كه مقدور شود بجا آر ودعا وطلب آمرزش بجهت مؤمنان و
مؤمنات و والدين حيا كان او ميتا بكن وهر مطلب كه خواهى بخواه زيارت جامعه منقول از مصباح الزائر
ابن طاوس مروى از ائمه هدى عليهم السلام بعد از رعايت آداب سابقه چون داخل روضه منوره شدى
روبروى آنحضرت وپشت بقبله بايست وبگو السلام عليكم ائمة المؤمنين وسادة
المتقين وكبراء الصديقين وامراء الصالحين وقادة المحسنين و
اعلام المهتدين وانوار العارفين وورثة الانبياء وصفوة الاوصياء
وشموس الاتقياء وبدور الخلفاء وعباد الرحمن وشركاء القرآن ومناهج
الايمان ومعادن الحقائق وشفعاء الخلائق ورحمة الله وبركاته
اشهد انكم ابواب الله ومفاتيح رحمته ومقاليد مغفرته وسحائب
رضوانه ومصابيح جنانه وحملة فرقانه وخزنة علمه وحفظة سره
ومهبط وحيه وامانات النبوة وودائع الرسالة انتم امناء الله واحباؤه
وعباده واصفياؤه وانصار توحيده واركان تمجيده ودعاته الى كتبه
وحرسة خلائقه وحفظة شرائعه لا يسبقكم ثناء الملائكة في
الاخلاص والخشوع ولا يضادكم ذو ابتهال وخضوع انى ولكم القلوب
التي تولى الله رياضتها بالخوف والرجاء وجعلها اوعية للشكر

والثناء وآمنها من عوارض الغفلة وصفاها من شواغل الفترة بل يتقرب اهل
السماء بحبكم وبالبراءة من اعدائكم وتواتر البكاء على مصابكم والاستغفار
لشيعتكم ومحبيكم فانا اشهد الله خالقي واشهد ملائكته وانبياءه و
اشهدكم يا موالي اني مؤمن بولايتكم معتقد بامامتكم مقر بخلافتكم عارف
بمنزلتكم موقن بعصمتكم خاضع لولايتكم متقرب الى الله تعالى بحبكم وبالبراءة
من اعدائكم عالم بان الله قد طهركم من الفواحش ما ظهر منها وما بطن ومن
كل ريبة ونجاسة ودنية وخساسة ومنحكم راية الحق التي من
تقدمها ضل ومن تاخر عنها ذل وفرض طاعتكم على كل اسود وابيض و
اشهد انكم قد وفيتم بعهد الله وذمته وبكل ما اشترطه عليكم في كتابه
ودعوتم الى سبيله وانفذتم طاقتكم في مرضاته وحملتم الخلائق
على منهاج النبوة ومسالك الرسالة وسرتم فيه بسيرة الانبياء ومذاهب
الاوصياء فلم يطع لكم امر ولم تصغ اليكم اذن فصلوات الله عليكم
وعلى ارواحكم واجسادكم پس سر بر قبر بگذار وبگو بابى انت وامى يا حجة الله
لقد ارضعت بثدي الايمان وفطمت بنور الاسلام وغذيت ببرد
اليقين والبست حلل العصمة واصطفيت وورثت علم الكتاب و
لقنت فصل الخطاب واوضح بمكانك معارف التنزيل وغوامض التاويل
وسلمت اليك راية الحق وكلفت هداية الخلق ونبذ اليك عهد

الامامة والزمت حفظ الشريعة واشهد يا مولاي انك وفيت بشرائط الوصية
وقضيت ما لزمك من فرض الطاعة ونهضت باعباء الامامة واحتذيت
مثال النبوة بالصبر والاجتهاد والنصيحة للعباد وكظم الغيظ والعفو عن
الناس وعزمت على العدل في البرية والنصفة في القضية ووكدت
الحجج على الامة بالدلائل الصادقة والشواهد الناطقة ودعوت الى الله
بالحكمة البالغة والموعظة الحسنة فمنعت من تقويم الزيغ وسد الثلم
واصلاح الفاسد وكسر المعاند واحياء السنن واماتة البدع حتى فارقت
الدنيا وانت شهيد ولقيت رسول الله وانت حميد صلوات الله عليك
تترادف وتزيد برحاب بابي قربا وبكو يا سادتي يا آل رسول الله اني بكم اتقرب
الى الله جل وعلا وبالخلاف على الذين غدروا بكم ونكثوا بيعتكم وجحدوا
ولايتكم وانكروا امامتكم وخلعوا ربقة طاعتكم وهجروا اسباب مودتكم
وتقربوا الى فراعنتهم بالبراءة منكم والاعراض عنكم ومنعوكم من اقامة
الحدود واستيصال الجحود وشعب الصدع ولم الشعث وسد الخلل و
وتثقيف الاود وامضاء الاحكام وتهذيب الاسلام وقمع الاثام وارهجوا
عليكم نقع الحروب والفتن وانحوا عليكم سيوف الاحقاد وهتكوا منكم
الستور وابتاعوا بخمسكم الخمور وصرفوا صدقات المساكين الى المضحكين
والساخرين وذلك بما طرقت لهم الفسقة الغواة والحسدة البغاة

اهل النكث والغدر والخلاف والمكر والقلوب المنتنة من قذر الشرك
والاجساد الشاحبة من درن الكفر الذين اضبوا على النفاق واكبوا على
علائق الشقاق فلما مضى المصطفى صلوات الله عليه اختطفوا الغرة وانتهزوا
الفرصة وانتهكوا الحرمة وغادروه على فراش الوفاة واسرعوا لنقض البيعة
ومخالفة المواثيق المؤكدة وخيانة الامانة المعروضة على الجبال الراسية
وابت ان تحملها وحملها الانسان الظلوم الجهول ذو الشقاق والعزة
بالاثام الموبقة والانفة عن الانقياد لحميد العاقبة فحشر سفلة الاعراب
وبقايا الاحزاب الى دار النبوة والرسالة ومهبط الوحي والملائكة و
مستقر سلطان الولاية ومعدن الوصية والخلافة والامامة حتى
نقضوا عهد المصطفى في اخيه علم الهدى والمبين طريق النجاة من طرق
الردى وجرحوا كبد خير الورى في ظلم ابنته واضطهاد حبيبته و
اهتضام عزيزته وبضعة لحمه وفلذة كبده وخذلوا بعلها وصغروا
قدرها واستحلوا محارمه وقطعوا رحمه وانكروا اخوته وهجروا مودته
ونقضوا بيعته ونقصوا طاعته وجحدوا ولايته واطمعوا العبيد في
خلافته وقادوه الى بيعتهم مصلتة سيوفها مقذعة اسنتها وهو ساخط
القلب هائج الغضب شديد الصبر كاظم الغيظ يدعونه الى بيعتهم التي
عم شؤمها الاسلام وزرعت في قلوب اهلها الاثام وعقت سلمانها

المؤلمة ع ل

مقذعة غ ل

وطردت مقدادها ونفت جندبها وفتقت بطن عمارها وحرقت القرآن وبدلت
الاحكام وغيرت المقام واباحت الخمس للطلقاء وسلطت اولاد اللعناء على
الفروج وخلطت الحلال بالحرام واستخفت بالايمان والاسلام وهدمت
الكعبة واغارت على دار الهجرة يوم الحرة وابرزت بنات المهاجرين
والانصار للنكال والسورة والبستهن ثوب العار والفضيحة ورخصت
لاهل الشبهة في قتل اهل بيت الصفوة وابادة نسله واستيصال سلالته
وسبي حرمته وقتل انصاره وكسر منبره وقلب مفخره واخفاء دينه وقطع
ذكره يا موالي فلو عاينكم المصطفى وسهام الامة مغرقة في اكبادكم و
رماحهم مشرعة في نحوركم وسيوفها مولغة في دمائكم يشفي منكم ابناء
العواهر غليل الفسق من ورعكم وغيظ الكفر من ايمانكم وانتم بين صريع في
المحراب قد فلق السيف هامته وشهيد فوق الجنازة قد شبكت بالسهام
اكفانه وقتيل بالعراء قد رفع فوق القناة راسه ومكبل في السجن قد
رضت بالحديد اعضاؤه ومسموم قد قطعت بجرع السم امعاؤه و
شملكم عباديد تفنيهم العبيد وابناء العبيد فهل المحن يا سادتي الا
التي لزمتكم والمصائب الا التي عمتكم والفجائع الا التي خصتكم والقوارع
الا التي طرقتكم صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم ورحمة الله
وبركاته بر ضريح را بوس وبگو بابي انتم وامي يا آل المصطفى انا لا نملك الا

ان نطوف

ان نطوف حول مشاهدكم ونعزي فيها ارواحكم على هذه المصائب العظيمة
الحالة بفنائكم والرزايا الجليلة النازلة بساحتكم التي اثبتت في قلوب
شيعتكم القروح واورثت اكبادهم الجروح وزرعت في صدورهم
الغصص فنحن نشهد الله انا قد شاركنا اولياءكم وانصاركم المتقدمين
في اراقة دماء الناكثين والقاسطين وقتلة ابي عبد الله سيد شباب
اهل الجنة عليه السلم يوم كربلا بالنيات والقلوب والتاسف
على فوت تلك المواقف التي حضروا فيها لنصرتكم والله وليّنا يبلغكم
منا السلام والسلام عليكم يا سادتي وموالي ورحمة الله وبركاته
پس برو بعقب سر قبر و بايست بروشى كه رو بقبله باشى و قبر در برابر باشد وبگو اللهم يا ذا القدرة
التي صدر عنها العالم مكونا مبروا عليها مفطورا تحت ظل العظمة
فنطقت شواهد صنعك فيه بانك انت الله لا اله الا انت مكونه
وباريه وفاطره ابتدعته لا من شيء ولا على شيء ولا في شيء ولا
لوحشة دخلت عليك اذ لا غيرك ولا حاجة بدت لك في تكوينه
ولا لاستعانة منك على ما تخلق بعده بل انشاته ليكون دليلا
عليك بانك باين من الصنع فلا يطيق المنصف لعقله انكارك و
الموسوم بصحة المعرفة جحودك اسئلك باشرف الاخلاص في توحيدك
وحرمة التعلق بكتابك واهل بيت نبيك ان تصلي على آدم بديع

فطرتك وبكر حجتك ولسان قدرتك والخليفة في بسطتك وعلى محمد
الخالص من صفوتك والفاحص عن معرفتك والغائص المأمون على مكنون
سريرتك بما اوليته من نعمتك بمعونتك وعلى من بينهما من النبيين
والمكرمين والاوصياء والصديقين وان تهبني لامامي هذا پس روی
خود را بر قبر منور ویا بر ضریح مبارک بگذار و دعای پانزدهم را که در ادعیه بالای سر نقل شده بخوان که
در مصباح الزائر ابن طاوس چنین مذکور است پس نماز زیارت کن و تسبیح فاطمه زهرا ع بجا آر
و ادعیه بالای سر و سجده و آداب آنچه بعد از زیارت اول حضرت امام رضا ع مذکور شد هر قدر که
مقدور شود بخوان و دعا و طلب آمرزش بجهت مؤمنان و خویشان و ابوین حیاکان ادنیا بکن و هر
مطلب که خواهی بخواه زیارت جامعه چهارم منقول از مصباح الزائر ابن طاوس مروی از حضرت امام محمد باقر ع
که آنحضرت فرمودند که بخواند این زیارت نامه را احدی از شیعیان ما در نزد قبر حضرت امیر المؤمنین ع
یا یکی از ائمه هدی علیهم السلام مگر اینکه گذاشته شود در حقه از نور و مهر کنند آنرا بمهرهای حضرت
محمد مصطفی ص تا اینکه تسلیم کنند آنرا بحضرت صاحب الزمان علیه السلام پس ملاقات کند
حضرت صاحب الامر والزمان علیه السلام بصاحب این زیارت به بشارت و تحیت و کرامت پس
بعد از رعایت آداب لقبه رو بروی آنحضرت و پشت بقبله بایست و بگو السلام علیک
يا امين الله في ارضه وحجته على عباده السلام عليك يا مولاي
يا امير المؤمنين اشهد انك جاهدت في الله حق جهاده وعملت
بكتابه واتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله

الى جواره وقبضك اليه باختياره والزم اعدائك الحجة مع ما لك من الحجج
البالغة على جميع خلقه اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية
بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة اوليائك محبوبة
في ارضك وسمائك صابرة على نزول بلائك مشتاقة الى فرحة
لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن اوليائك مفارقة
لاخلاق اعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك پس طرف روی خود را
بر قبر بمال و بگذار و بگو اللهم ان قلوب المخبتين اليك والهة وسبل الراغبين
اليك شارعة واعلام القاصدين اليك واضحة وافئدة العارفين
منك فازعة واصوات الداعين اليك صاعدة وابواب الاجابة لهم
مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك مقبولة
وعبرة من بكى من خوفك مرحومة والاغاثة لمن استغاث بك موجودة
والاعانة لمن استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلل من
استقالك مقالة واعمال العاملين لديك محفوظة وارزاقك الى الخلائق
من لدنك نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة وذنوب المستغفرين
مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة
وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدة ومناهل الظماء مترعة
اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع بيني وبين اوليائي

ساكرة لفواضل نعمائك
ذاكرة لسوابغ آلائك

لديك

بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وتسعة من ذرية الحسين انك
ولي نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي پس نماز زيارت بكذارد
وتسبيح فاطمه زهرا عليها السلام بجا آورد واز ادعيه بالاى سر وسجده وآداب انچه بعد از زيارت اول حضرت
امام رضا ع مذكور شد هر قدر كه مقدور شود بخواند ودعا طلب آمرزش بجهت مؤمنان وخويشان
والدين حيا كان اوميتا بكند وهر مطلب كه خواهى بخواه زيارت جامعه بخبسم منقول از مصباح الزائر ابن طاوس
مروى از حضرت امام رضا عليه السلام بعد از رعايت آداب بقعه روبروى آنحضرت وپشت بقبله بايست
وبگو السلام على القائمين مقام الانبياء الوارثين علوم الاصفياء السلم
على خلفاء الله وخلفاء رسول الله السلام عليكم يا من هم زمام الدين
ونظام المسلمين وصلاح الدنيا وعدة المؤمنين السلام عليكم يا اصل
الاسلام النامي وفرعه السامي السلم عليكم يا من بهم تمام الصلوة
والزكوة والصيام والحج والجهاد وتوفر الفيء والصدقات وامضاء
الحدود والمسميات والاحكام المبينات السلام عليكم يا من بهم تمنع
الثغور والاطراف وتجري امور الخلق بامامتهم على القصد والانصاف
السلام عليكم ايها المحللون حلال الله والمحرمون حرام الله والمقيمون
حدود الله والذابون عن دين الله والداعون الى سبيل الله بالحكمة
والموعظة الحسنة والحجة البالغة السلام عليكم يا من فضلهم
كالشمس المضيئة الطالعة المجللة بنورها العالم وهي في الافق بحيث

لا تنالها الايدي والابصار السلم عليكم ايها البدور المنيرة والسرج الزاهرة
والانوار الساطعة والنجوم الهادية في غياهب الدجى وطرق
البلد والقفر ولجج البحار السلام عليكم يا من حبهم كالماء العذب على
الظماء والغذاء المريء النافع على الطوى الدالون على الهدى والمنجون
من الردى والنار على اليفاع لمن اهتدى واصطلى السلام على الادلاء
في المهالك المفارق لهم هالك واللازم لهم لاحق السلام على من
علومهم كالسحاب الهاطل والغيث الماطر والسماء الظليلة والارض
البسيطة والعين الغزيرة والغدير والروضة السلام عليكم يا من
هم كالامين الرفيق والوالد الشفيق والام البرة بالولد الصغير السلم
عليكم يا فرج العباد في الداهية وحجتهم الواضحة الشافية السلم
عليكم يا امناء الله في خلقه وحجته على عباده وخلفائه في ارضه
السلام عليكم ايها الدعاة الى الله الذابون عن حرم الله السلام
على المطهرين من الذنوب المبرئين من العيوب السلام على المخصوصين
بالعلم الموسوم والحلم المعلوم والفضل كله واهل الخير والبذل
السلم عليكم يا نظام الدين وعز المسلمين وغيظ المنافقين وبوار
الكافرين السلام على من لا يدانيهم في فضلهم احد ولا يوجد في
ولايتهم بدل السلام على السادة الميامين ومن عجزت عن ذكر

فضلهم البلغاء وقصرت عن ادراكهم الفصحاء وتحيرت في نعت
فضلهم الخطباء ولم تنته اليه الحكماء وتصاغرت عن قدرهم
العظماء السلام على من هم كالنجوم في يد المتناول السلام على العلماء
الذين لا يجهلون والدعاة الذين لا ينكلون السلام على معدن
القدس والطهارة والنسك والزهادة والعلم والعبادة السلام
على المخصوصين بدعوة الرسول ونسل المطهرة البتول السلم على من لا
يشبههم احد في نسب ولا يدانيهم في حسب البيت من قريش والذروة
من هاشم والعترة من الرسول والرضا من الله عز وجل شرف الاشراف و
الفرع من بني عبد مناف السلام على المصطفين بالامامة العلماء بالسياسة
المفترضين الطاعة السلام على من اختارهم الله تعالى للامامة وشرح
صدورهم لذلك واودع قلوبهم ينابيع الحكمة فلم يعيوا بجواب ولم
يقصروا عن صواب السلام عليكم ايها السادة المعصومون المؤيدون
الموفقون المسددون يا من امنوا العثار والزلل والخطاء والخطل
الشهداء على الخلق والامناء على الحق السلم عليكم وعلى ابائكم الاكرمين
الذين اتاهم الله فضله وهدى بهم سبله واوضح بهم من الدين منهجه
وافتح بهم مقفله ومرتجه ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو
الفضل العظيم ورحمة الله وبركاته پس برو بر ضريح منور را و نماز زيارت كن و تسبيح فاطمه

زهرا

زهرا عليها السلام بجا آر و از ادعيه بالاى سر و سجده و آداب آنچه بعد از زيارت اول حضرت امام رضا ع
مذكور شد هر قدر كه مقدور شود بخوان و بگو يا شامخا في بعده يا رؤوفا في رحمته يا مخرج
النبات يا محيى الاموات يا ظهر اللاجين يا جار المستجيرين يا اسمع
السامعين يا ابصر الناظرين يا صريخ المستصرخين يا عماد من لا عماد
له يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له يا
حرز الضعفاء يا كنز الفقراء يا عظيم الرجاء يا منقذ الغرقاء يا محيى
الموتى يا امان الخائفين يا اله العالمين يا صانع كل مصنوع يا جابر
كل كسير يا صاحب كل غريب يا مونس كل وحيد يا قريبا غير بعيد يا
شاهد كل غائب يا غالبا غير مغلوب يا حي حين لا حي يا محيي الموتى
لا اله الا انت بديع السموات والارض انت القائم على كل نفس بما
كسبت پس دعا و طلب آمرزش بجهت مؤمنان و خويشان و والدين حيا كان او ميتا بكن و هر مطلب كه
خواهى بخواه زيارت جامعه ششم منقول از كتب مزار و اين زيارتيست كه در مقام تجديد عهد و ميثاق
با هر يك از ائمه هدى عليهم السلام نقل شده و معروفست بزيارت مصافقه بعد از رعايت آداب
سابقه رو بروى آن حضرت و پشت بقبله بايست و بگو جئتك يا مولاى زائرا لك
ومسلما عليك ولائذا بك وقاصدا اليك اجدد ما اخذه الله عز
وجل لكم في رقبتي من العهد والبيعة والميثاق بالولاية لكم و
البراءة من اعدائكم والاقرار بالفرض من طاعتكم پس دست راست خود را بر

زيارت جامعه

کذا ربگو هذه یدی مصافقة لك علی البیعة الواجبة علینا فاقبل منی
ذلك یا امامی فقد زرتك وانا معترف بحقك مع ما الزم الله سبحانه
وتعالی من نصرتك وهذه یدی مصافقة علی ما امر الله عز وجل به
من موالاتکم والاقرار بالفرض من طاعتکم والبراءة من اعدائکم والسلام
علیکم ورحمة الله وبرکاته السلام علیکم ما بقیت وبقی اللیل والنهار
لا جعله الله اخر العهد من زیارتکم واتیان مشاهدکم صلوات الله
وسلامه علیکم پس ضریح را ببوس و بگو یا سیدی ومولای وامامی والمفترض
علی طاعته اشهد انك بقیت علی الوفاء بالوعد والدوام علی العهد و
قد سلف من جمیل وعدك لمن زار قبرك ما انت المرجو للوفاء به والمؤمل
لتمامه وقد قصدتك من بلدی وجعلتك عند الله معتمدی فحقق
ظنی ومخیلتی فیك صلی الله علیك وسلم تسلیما اللهم انی اتقرب
الیك بزیارتی ایاه وارجو منك النجاة لی به من النار وبآبائه وابنائه
صلوات الله علیهم رضینا بهم ائمة وسادة وقادة اللهم ادخلنی
فی کل خیر ادخلتهم فیه واخرجنی من کل سوء اخرجتهم منه واجعلنی
معهم فی الدنیا والاخرة یا ارحم الراحمین پس رو در القبر بچسبان و بگو اشهد
انك تسمع کلامی وتشهد مقامی یا مولای یا حجة الله یا امین الله
یا ولی الله ان بینی وبین الله ذنوبا قد اثقلت ظهری ومنعتنی من

الرقاد

الرقاد وذکرها یقلقل احشائی وقد هربت منها الی الله والیك فبحق
من ائتمنك علی سره واسترعاك امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته و
موالاتك بموالاته کن لی الی الله شفیعا ومن النار مجیرا وعلی الدهر
ظهیرا یا ولی الله یا حجة الله یا باب الله انا زائرك اللائذ بقبرك النازل
بفنائك المنیخ رحله فی جوارك اسئلك ان تشفع لی الی الله تعالی فی
قضاء حاجتی ونجح طلبتی للدنیا والاخرة فان لك عند الله الجاه العظیم
والشفاعة المقبولة فاجعلنی یا مولای من همك وادخلنی فی حزبك و
السلام علیك وعلی ابائك واولادك صلوات الله علیهم ورحمة
الله وبرکاته پس نماز زیارت کن وتسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بجا آر و از ادعیه
بالای سر و سجده و آداب آنچه بعد از زیارت اول حضرت امام رضا ع مذکور شد هر قدر که
مقدور شود بخوان و دعا وطلب آمرزش بجهت مؤمنان و خویشان و ابوین حیا کان او میتا
بکن و هر مطلب که خواهی بخواه زیارت جامعه هشتم منقول از مصباح الزائر مروی از حضرت امام علی نقی علیه السلم
بعد از رعایت آداب سابقه رو بروی آنحضرت و پشت بقبله بایست و صد مرتبه بگو الله اکبر
و بگو بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریك له کما شهد الله لنفسه وشهدت له ملائکته و
اولوا العلم من خلقه لا اله الا هو العزیز الحکیم واشهد ان محمدا
عبده المنتجب ورسوله المرتضی ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره

على الدين كله ولو كره المشركون اللهم اجعل افضل صلواتك واكملها
وانمى بركاتك واعمها وازكى تحياتك واتمها على سيدنا محمد عبدك
ورسولك ونبيك ونجيك ووليك ورضيك وصفيك وخيرتك
وخاصتك وخالصتك وامينك الشاهد لك والدال عليك والصادع
بامرك والناصح لك والمجاهد في سبيلك والذاب عن دينك والموضح
لبراهينك والمهدي الى طاعتك والمرشد الى مرضاتك والواعي
لوحيك والحافظ لعهدك والماضي على انفاذ امرك المؤيد بالنور المضيء و
المسدد بالامر المرضي المعصوم من كل خطاء وزلل المنزه عن كل دنس وخطل
والمبعوث بخير الاديان والملل مقوم الميل والعوج ومقيم البينات والحجج
المخصوص بظهور الفلج وايضاح المنهج المظهر من توحيدك ما استتر
والمحيي من عباداتك ما دثر والخاتم لما سبق والفاتح لما انغلق المجتبى
من خلائقك والمعتام لكشف حقائقك والموضحة به اشراط الهدى
والمجلو به غربيب العمى دافع جيشات الاباطيل ودامغ صولات الاضاليل غربيب
المختار من طينة الكرم وسلالة المجد الاقدم ومغرس الفخار المعرق و
فرع العلاء المثمر المورق المنتجب من شجرة الاصفياء ومشكوة الضياء
وذوابة العلياء وسرة البطحاء بعثته بالحق وبرهانك على جميع
الخلق خاتم انبيائك وحجتك البالغة في ارضك وسمائك

اللهم

اللهم صل عليه صلوة يغمر في جنب انتفاعها قدر الانتفاع به ويحوز
من بركة التعلق بسببها ما يفوق قدر المتعلقين بسببه وزده بعد
ذلك من الاكرام والاجلال ما يتقاصر عنه فسيح الآمال حتى يعلو
من كرمك اعلى محال المراتب ويرقى من نعمك اسنى منازل المواهب وخذ
له اللهم بحقه وواجبه من ظالميه وطالبي الصفوة من اقاربه اللهم
وصل على وليك وديان دينك والقائم بالقسط من بعد نبيك علي
بن ابيطالب امير المؤمنين وامام المتقين وسيد الوصيين ويعسوب
الدين وقائد الغر المحجلين قبلة العارفين وعلم المهتدين وعروتك
الوثقى وحبلك المتين وخليفة رسولك على الناس اجمعين ووصيه
في الدنيا والدين الصديق الاكبر في الانام والفاروق الاعظم بين الحلال
والحرام ناصر الاسلام ومكسر الاصنام معز الدين وحاميه وواقي
الرسول وكافيه المخصوص بمواخاته يوم الاخاء ومن هو منه بمنزلة هرون
من موسى خامس اصحاب الكساء وبعل سيدة النساء المؤثر بالقوت
بعد ضر الطوى والمشكور سعيه في هل اتى مصباح الهدى ومأوى
التقى ومحل الحجى وطود النهى الداعي الى المحجة العظمى والظاعن الى
الغاية القصوى والسامي الى المجد والعلى والعالم بالتأويل والذكرى
الذي اخدمته خواص ملائكتك بالطاس والمنديل حتى توضى وردت

عليه الشمس بعد دنو غروبها حتى ادى في اول الوقت لك فرضا واطعمته
من طعام اهل الجنة حين منح المقداد قرضا وباهيت به خواص ملائكتك
اذ شرى نفسه ابتغاء مرضاتك لترضى وجعلت ولايته احدى فرائضك
فالشقي من اقر ببعض وانكر بعضا عنصر الابرار ومعدن الفخار وقسيم
الجنة والنار صاحب الاعراف وابي الائمة الاشراف المظلوم المغتصب
والصابر المحتسب والموتور في نفسه وعترته والمقصود في رهطه واعزته
صلوة لا انقطاع لمزيدها ولا اتضاع لمشيدها اللهم البسه حلل
الانعام وتوجه تاج الاكرام وارفعه الى اعلى مرتبة ومقام حتى يلحق
بنبيك عليه وعلى اله السلم واحكم له اللهم على ظالميه انك
العدل فيما تقضيه اللهم وصل على الطاهرة البتول الزهراء ابنة
الرسول ام الائمة الهادين وسيدة نساء العالمين وارثة خير
الانبياء وقرينة خير الاوصياء القادمة عليك متالمة من
مصابها بابيها متظلمة مما حل بها من غاصبيها ساخطة على امة
لم ترع حقك في نصرها بدليل دفنها ليلا في حفرتها المغتصبة
حقها والمغصصة بريقها صلوة لا غاية لامدها ولا نهاية
لمددها ولا انقضاء لعددها اللهم فتكفل لها عن مكان دار من سكارم
الفناء في دار البقاء بانفس الاعواض وانلها ممن عاند لها

نهاية

نهاية الامال وغاية الاغراض حتى لا يبقى لها ولي ساخط لسخطها
الا وهو راض انك اعز من اجار المظلومين واعدل قاض اللهم الحقها
في الاكرام ببعلها وابيها وخذ لها الحق من ظالميها وصل على الائمة
الراشدين والقادة الهادين والسادة المعصومين الاتقياء الابرار
ماوى السكينة والوقار خزان العلم ومنتهى الحلم والفخار ساسة العباد
واركان البلاد وادلة الرشاد الالباء الامجاد العلماء بشرعك الزهاد
مصابيح الظلم وينابيع الحكم واولياء النعم وعصم الامم قرناء التنزيل و
اياته وامناء التاويل وولاته وتراجمة الوحي ودلالاته ائمة الهدى
ومنار الدجى واعلام التقى وكهوف الورى وحفظة الاسلام وحججك على
جميع الانام الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة وسبطي نبي
الرحمة وعلي بن الحسين السجاد زين العابدين ومحمد بن علي باقر علم
الدين وجعفر بن محمد الصادق الامين وموسى بن جعفر الكاظم الحليم
وعلي بن موسى الرضا الوفي ومحمد بن علي الجواد البر التقي وعلي بن محمد
المنتجب الزكي والحسن بن علي الهادي الرضي والحجة بن الحسن صاحب
العصر والزمن وصي الاوصياء وبقية الانبياء المستتر عن خلقك و
المؤمل لاظهار حقك المهدي المنتظر والقائم الذي به ينتصر اللهم
صل عليهم اجمعين صلوة باقية في العالمين تبلغهم بها افضل محل

المكرمين اللهم الحقهم في الاكرام بجدهم وابيهم وخذ لهم الحق من ظالميهم
اشهد يا موالي هرگاه در هيمقام بعد از موالي نام الحضرت را كه زيارت ميكند بگويد بهتر خواهد بود
انكم المطيعون لله قوامون بامره العاملون بارادته الفائزون بكرامته
اصطفيكم بعلمه واجتباكم لغيبه واختاركم لسره واعزكم بهداه وخصكم
ببراهينه وايدكم بروحه ورضيكم خلفاء في ارضه ودعاة الى حقه و
شهداء على خلقه وانصارا لدينه وحججا على بريته وتراجمة لوحيه
وخزنة لعلمه ومستودعا لحكمته عصمكم الله من الذنوب وبراكم من
العيوب وائتمنكم على الغيوب زرتكم يا موالي عارفا بحقكم مستبصرا بشانكم
مهتديا بهديكم مقتفيا لاثركم متبعا لسنتكم متمسكا بولايتكم معتصما
بحبلكم مطيعا لامركم مواليا لاوليائكم معاديا لاعدائكم عالما بان الحق
فيكم ومعكم متوسلا الى الله تعالى بكم مستشفعا اليه بجاهكم وحق عليه
الا يخيب سائله والراجي ما عنده لزواركم والمطيعين لكم فكما وفقتني
للايمان بنبيك والتصديق لدعوته ومننت علي بطاعته واتباع
ملته وهديتني الى معرفته ومعرفة الائمة من ذريته واكملت
بمعرفتهم الايمان وقبلت بولايتهم وطاعتهم الاعمال واستعبدت
بالصلوة عليهم عبادك وجعلتهم مفتاحا للدعاء وسببا للاجابة فصل
عليهم اجمعين واجعلني بهم عندك وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين

اللهم صل

اللهم اجعل ذنوبنا بهم مغفورة وعيوبنا مستورة وفرايضنا مشكورة و
نوافلنا مبرورة وقلوبنا بذكرك معمورة وانفسنا بطاعتك مسرورة و
جوارحنا على خدمتك مقهورة واسماءنا في خواصك مشهورة وارزاقنا
من لدنك مدرورة وحوائجنا لديك ميسورة برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم انجز لهم وعدك وطهر بسيف قائمهم ارضك واقم به حدودك
المعطلة واحكامك المهملة والمبدلة واحي به القلوب الميتة و
اجمع به الاهواء المتفرقة واجل به صدى الجور عن طريقتك حتى
يظهر الحق على يديه في احسن صورته ويهلك الباطل واهله بنور
دولته ولا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم عجل فرجهم
واظهر فلجهم واسلك بنا منهجهم وامتنا على ولايتهم واحشرنا في
زمرتهم وتحت لوائهم واوردنا حوضهم واسقنا بكاسهم ولا تفرق
بيننا وبينهم ولا تحرمنا شفاعتهم حتى نظفر بعفوك وغفرانك و
نصير الى رحمتك ورضوانك اله الحق رب العالمين يا قريب الرحمة
من المؤمنين ونحن اولياؤك حقا لا ريبا يا من اذا اوحشنا التعرض
لغضبه انسنا حسن الظن به فنحن واقفون بين رغبة ورهبة ارقبا ما
قد اقبلنا لعفوك ومغفرتك طلابا فاذللنا لقدرتك وعزتك رقابا
فصل على محمد وال محمد الطاهرين واجعل دعائنا بهم مستجابا وولائنا

لهم من النار حجاباً اللهم بصّرنا قصد السبيل لنعتمده ومورد الرشد لنرده
وبدّل خطايانا صواباً ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
رحمةً يا من تسمّى من جوده وكرمه وهّاباً وآتنا في الدنيا حسنةً و
في الآخرة حسنةً وقنا عذاب النار ان حقّت علينا الكتابا برحمتك يا
ارحم الراحمين پس نماز زيارت بكن و تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام بجا آر و از ادعيه سجده
و آداب آنچه بعد از زيارت اول حضرت امام رضا ع مذكور شد هر قدر كه مقدور شود بعمل بيار
پس بيا بالاى سر مبارك آنحضرت و خود را بر ضريح منوّر بچسبان و بگو يا وليّ الله
انّ بيني وبين الله عزّ وجلّ ذنوباً لا يأتي عليها الا رضاه فبحقّ من ائتمنك
على سرّه واسترعاك امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك
بموالاته تولّ صلاح حالي مع الله عزّ وجلّ واجعل حظّي من زيارتك
تخليطي بخالصي زوّارك الذين تسأل الله عزّ وجلّ في عتق رقابهم و
ترغب اليه في حسن ثوابهم وها انا اليوم بقبرك لائذ وبحسن
دفاعك عنّي عائذ فتلافني يا مولاي وادركني واسئل الله عزّ وجلّ
في امري فانّ لك عند الله عزّ وجلّ مقاماً كريماً صلّى الله عليك و
سلّم تسليماً پس ضريح منوّر را ببوس و روى خود را بر آن بمال پس پهلوى خود را بر ضريح منوّر بچسبان
و رو بقبله بايست و دستها را بدرگاه الهى بردار و بگو اللهم انّك فرضت على
طاعته واكرمتني بموالاته علمت انّ ذلك لجليل مرتبته عندك

ونفيس حظّه

ونفيس حظّه لديك ولقرب منزلته منك فلذلك لذت بقبره لواذ من يعلم
انّك لا تردّ له شفاعة اللهم فبتقديم علمك فيه وحسن رضاك عنه
ارض عنّي وعن والديّ ولا تجعل للنار عليّ سبيلاً ولا سلطاناً برحمتك
يا ارحم الراحمين پس عقب قبر مبارك بيا و رو بقبله و قبر مبارك بايست كه قبر آنحضرت در پيش
روى تو و شفيع تو باشد و دستها را بدرگاه الهى بردار و بگو اللهم لو وجدت شفعاء
اقرب اليك من محمد واهل بيته الاخيار تا آخر و اين دعا در باب آينده از جمله
ادعيه بالاى سر مبارك چهاردهم مذكور خواهد شد بعد از آن بخوان دعاى عهد را كه امر شده بخواندن
آن در زمان غيبت و آن در باب آينده از جمله ادعيه بالاى سر بيستم مذكور خواهد شد ان شاء الله تعالى
پس بگو اللهم اجعل نفسي مطمئنّة بقدرك راضية بقضائك مولعة
بذكرك ودعائك محبّة لصفوة اوليائك محبوبة في ارضك وسمائك
صابرة على نزول بلائك مشتاقة الى فرحة لقائك متزوّدة التقوى ليوم
جزائك مستنّة بسنن اوليائك مفارقة لاخلاق اعدائك مشغولة
عن الدنيا بحمدك وثنائك پس با دعيه و آداب كه بعد از زيارت اول حضرت امام رضا ع
مذكور شد بيرون بيا زيارت جامعه ششم منقول از مصباح الزائر بعد از رعايت آداب بقبر رو بروى
آنحضرت و پشت بقبله بايست و بگو اللهم انّي اسئلك يا رافع السموات المبنيّات
ويا ساطح الارضين المدحوّات ويا ممكّن الجبال الراسيات ويا مخرج
النبات يا من لا تتشابه عليه الاصوات ان تبلغ اللهم سلامي الى النور

المخترع من الانوار والمبتدع من شعاع عناصر الابرار ومالك الجنة والنار
محمد الرسول المختار سيد مضر ونزار وصاحب الفضائل والمناقب والفخار
ومن انتجبته واصطفيته عالم العلانية والاسرار سلالة ابراهيم
الخليل وعنصر الذبيح اسمعيل المخدوم بجبرئيل صاحب الايات في الآفاق
المحمول على البراق صلى الله عليه وآله وسلم السلام على الامام العادل
والصيب الهاطل صاحب المعجزات والفضائل والبراهين والدلائل
الحلاحل والبطل المنازل واليعسوب للدين ومن هو للاحكام فاصل
وللركوع مواصل وللمارقة من الدين قاتل الامام البطين الاصلع
والبطل الاورع والهمام المشفع الذي هو عن الشرك انزع صاحب احد
وحنين وابي شبر وشبير المهذب الانساب الذي لم يلحقه عمه
الجاهلية ولم يطعن في صميمه بشائبة مشاب حليف المحراب المكنى
بابي تراب المودع بارض النجف العالي النسب والشرف مولاي امير
المؤمنين علي بن ابي طالب عليه مني افضل السلام السلام على
الطاهرة الحميدة والبرة التقية الرشيدة النقية من الارجاس
المبراة من الادناس الزاكية المفضلة على نساء العالمين السعيدة
المظلومة بالاحفاد المفجوعة بالاولاد الحورية الزهراء المهذبة
من الخناء المشفعة يوم اللقاء ابنة نبيك وزوجة وليك وام شهيدك

وقف روضة رضوية

فاطمة الانفطام المربية الايتام العارفة بالشرايع والاحكام عليها
من وليها افضل السلم السلام على الامام المعصوم والسبط المظلوم
والمضطهد المسموم بدر النجوم والمودع بالبقيع ذي الشرف الرفيع السيد
الزكي والمهذب النقي ابي محمد الحسن بن علي عليهما السلام السلم
على الامام القتيل والسيد النبيل الذي هو للرسول نجل وسليل
والذي طهره الجليل والذي نطق بفضله التنزيل وناغاه جبرئيل
سيد كل قتيل الذي قتله اهل التحريف والتبديل الذين زخرفوا
دينهم بالاباطيل ولم يفرقوا بين التحريم والتحليل اشباه اهل الفيل
عليهم لعاين الله جيلا بعد جيل وقبيلا بعد قبيل قتيل الطغاة وجدل
الغواة الظلمة البغاة المستودع بارض كربلا الذي صلت وتولت
عليه ٢
دفنه ملائكة السماء الحسين بن علي عليهم السلام السلام على النور
الساطع والبرق اللامع والعالم البارع سليل النبوة وفطيم الوصية
خدن التأويل والزناد القادح والضياء اللائح والمتجر الرابح وبرج
البروج ذي الثفنات راهب العرب السجاد زين العابدين البكاء علي بن
الحسين عليهما السلم السلام على الامام الصادق المقال المتكرم
المفضال المجيب عن كل سؤال المخبر عن الله بالارزاق والاجال الذي
لا يعرف الكذب ولا الانتحال البعيد الشبيه والمثال الامام المعصوم

محمد بن علي باقر العلوم عليهما السلام السلام على الامام الصادق مبيّن
المشكلات ومظهر الحقائق المفحم بحجّته كلّ ناطق مخرس السنة اهل
الجدال مسكن الشقاق العليم عند اهل المغارب والمشارق جعفر بن محمد
الصادق عليهما السلام السلام على الامام التقيّ والمخلص الصفيّ والنور
الاحمدي والشهاب المضيّ عروة الله الوثقى التي من تمسّك بها نجى ومن
تخلّف عنها هوى النور الانور والضياء الازهر موسى بن جعفر عليهما
السلام السلام على الامام الرضيّ والشيخ العلويّ المحكم في امضاء حكمه
في النفوس المستودع بارض طوس علي بن موسى الرضا عليهما السلام
السلام على الباب الاقصد والطريق الارشد والعالم المؤيّد ينبوع
الحكم ومصباح الظلم سيد العرب والعجم الهادي الى الرشاد الموفق
بالتأييد والسداد محمد بن علي الجواد عليهما السلم السلام على الامام
منحة الجبار المختار من المهديّين الابرار المخبر عمّا غبر من الاخبار
الذي كان له القران دثارا وشعارا سيد الورى علي بن محمد المولود
بالعسكر الذي حذّر بمواعظه وانذر عليهما السلام السلام على الامام
المنزّه عن المآثم المطهّر من المظالم الحبر العالم الذي لم تاخذه في الله
لومة لائم العالم بالاحكام المغيّب ولده عن عيون الانام البدر التمام
التقي النقي الطاهر الزكي ابي محمد الحسن بن علي العسكري عليهما السلم

السلام

السلام على الامام العالم الغائب عن الابصار والحاضر في الامصار والغائب
عن العيون والحاضر في الافكار بقية الاخيار الوارث ذا الفقار الذي
يظهر في بيت الله الحرام ذي الاستار وينادي بشعار يا ثارات الحسين
انا الطالب بالاوتار انا قاصم كل جبار القائم المنتظر بن الحسن عليه وآله
افضل السلم اللهم عجّل فرجه وسهّل مخرجه واوسع منهجه واجعلنا
من انصاره واعوانه الذابّين عنه المجاهدين في سبيله والمستشهدين
بين يديه اللهم صل على محمد وآل محمد وتقبّل منا الاعمال وبلّغنا
برحمتك جميع الآمال وافسح لنا الآجال اللهم انا نسئلك الرضا والعفو
عما مضى والتوفيق لما تحب وترضى پس زیارت را بوس و بر گرد و در جائی که نفع و غبطه عظیم
برده باشی از زیارت آنحضرت پس نماز زیارت کن و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بجا آر و از ادعیه بالای سر
و سجده و آداب آنچه بعد از زیارت اول حضرت امام رضا ع مذکور شد هر قدر که مقدورت شود
بعمل بیار و دعا و طلب آمرزش بجهت مؤمنان و مؤمنات و والدین حیا کان او میتا بکن و هر مطلب و مقصودی
که داری بخواه زیارت جامعه منقول از کتاب بحار الانوار استادی و من به فی الاحادیث استنادی
شیخنا و شیخ المسلمین جامع احادیث ائمة المعصومین مولانا محمد باقر المجلسی تغمده الله برحمته الجلی
باسناد موثقه از کتب معتبره روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آنحضرت
فرمودند که هرگاه بشرف عتبه بوسی حضرت امام حسین ع مشرف شوی و بجهت تو در نزد
قبر منور هر یک از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین پس بعد از رعایت آداب سابقه

روبروی حضرت و پشت بقبله بایست و بگو السلام عليك من الله والسلم على محمد
امين الله على رسله وعزائم امره الخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك الذي انتجبته بعلمك و
جعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك
وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن
على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على امير
المؤمنين عبدك واخي رسولك الذي انتجبته بعلمك وجعلته هاديا
لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك وكتبك وديان
الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن على ذلك كله والسلم
عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على امتك وبنت رسولك الذي فاطمة
انتجبته بعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من
بعثته برسالاتك وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك
بين خلقك والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته
اللهم صل على الحسن بن علي عبدك وابن رسولك الذي انتجبته
بعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته
برسالاتك وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك
والمهيمن على ذلك كله والسلم عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل

على

على الحسين بن علي عبدك وبن رسولك الذي انتجبته بعلمك وجعلته
هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك وكتبك
وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن على ذلك
كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على علي بن الحسين
زين العابدين عبدك وبن رسولك الذي انتجبته بعلمك وجعلته
هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك وكتبك
وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن على ذلك
كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد بن
علي الباقر عبدك وابن رسولك الذي انتجبته بعلمك وجعلته
هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك
وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن
على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على
جعفر بن محمد الصادق عبدك وبن رسولك الذي انتجبته بعلمك
وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته ٥
برسالاتك وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين
خلقك والمهيمن على ذلك كله السلام عليه ورحمة الله وبركاته
اللهم صل على موسى بن جعفر الكاظم عبدك وابن رسولك الذي

انتجبته بعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته
برسالاتك وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك
والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل
على علي بن موسى الرضا عبدك وابن رسولك الذي انتجبته بعلمك
وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك
وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن
على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد
بن علي التقي عبدك وابن رسولك الذي انتجبته بعلمك وجعلته
هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك وكتبك
وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك والمهيمن على ذلك
كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على علي بن محمد
النقي عبدك وابن رسولك الذي انتجبته بعلمك وجعلته
هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك
وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك بين خلقك و
المهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم
صل على الحسن بن علي العسكري عبدك وابن رسولك الذي
انتجبته بعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل

على من بعثته

على من بعثته برسالاتك وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك
بين خلقك والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته
اللهم صل على محمد بن الحسن المهدي عبدك وابن رسولك الذي
انتجبته بعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من
بعثته برسالاتك وكتبك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك
بين خلقك والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته
پس بگو اشهد انكم كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى والحجة
البالغة على من يبقى ومن تحت الثرى واشهد ان ارواحكم وطينتكم
من طينة واحدة طابت وطهرت من نور الله ورحمته واشهد الله و بن ٣
اشهدكم اني لكم تبع بذات نفسي وشرايع ديني وخواتيم عملي اللهم
فاتمم لي ذلك برحمتك السلام عليك يا ابا عبد الله و هر گاه امام دیگر را زیارت
کنی ظاهر شی آنست که باید کنیت آنحضرت را بگوید مثلا در حضرت امام رضا ع بگو یا ابا الحسن
علي بن موسى الرضا اشهد انك قد بلغت عن الله ما امرت به وقمت
بحقه غير واهن ولا موهن فجزاك الله من صديق خيرا عن رعيتك
اشهد ان الجهاد معك جهاد وان الحق معك ولك وانت معدنه
وميراث النبوة عندك وعند اهل بيتك اشهد انك قد اقمت الصلوة
واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر ودعوت الى

سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وعبدت ربك حتى اتيك اليقين
بگو السلام على ملائكة الله المسومين السلم على ملائكة الله المنزلين
السلام على ملائكة الله المردفين السلام على ملائكة الله الذين هم في
هذا الحرم باذن الله مقيمون پس بگو اللهم العن الذين بدلا نعمتك وخالفا
كتابك وجحدا اياتك واتهما رسولك واحش قبورهما واجوافهما
نارا واعد لهما عذابا اليما واحشرهما واشياعهما واتباعهما يوم القيمة
على وجوههم عميا وبكما وصما ماويهم جهنم كلما خبت زدناهم سعيرا اللهم
لا تجعله اخر العهد من زيارة قبر ابن نبيك وابعثه مقاما محمودا
تنتصر به لدينك وتقتل به عدوك فانك وعدته وانت الرب الذي
لا تخلف الميعاد وهمچنين بگو در نزد قبر هريک از حضرات ائمه معصومين صلوات الله عليهم اجمعين
بگو السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا حجة الله السلم عليك
يا نور الله في ظلمات الارض السلم عليك يا امام المؤمنين ووارث
علم النبيين وسلالة الوصيين والشهيد يوم الدين اشهد انك
وآباءك الذين كانوا من قبلك وابناءك الذين من بعدك موالي
واوليائي وائمتي واشهد انكم اصفياء الله وخزنته وحجته البالغة
انتجبكم بعلمه انصارا لدينه وقواما بامره وخزانا لعلمه وحفظة
لسره وتراجمة لوحيه ومعدنا لكلماته واركانا لتوحيده وشهودا

على عباده

على عباده استودعكم خلقه واورثكم كتابه وخصكم بكرائم التنزيل و
اعطاكم التاويل وجعلكم تابوت حكمته ومنارا في بلاده وضرب لكم
مثلا من نوره واجرى فيكم من علمه وعصمكم من الزلل وطهركم من
الدنس واذهب عنكم الرجس فبكم تمت النعمة واجتمعت الفرقة
وائتلفت الكلمة ولزمت الطاعة المفترضة والمودة الواجبة فانتم
اولياؤه النجباء وعباده المكرمون اتيتك يا ابن رسول الله عارفا
بحقك مستبصرا بشانك معاديا لاعدائك مواليا لاوليائك
بابي انت وامي صلى الله عليك وسلم تسليما اتيتك وافدا زائرا
عائذا مستجيرا مما جنيت على نفسي واحتطبت على ظهري فكن لي
شفيعا فان لك عند الله مقاما محمودا وانت عند الله وجيها امنت
بالله وبما انزل عليكم واتولى اخركم بما توليت به اولكم وابرء
من كل وليجة دونكم وكفرت بالجبت والطاغوت واللات والعزى
پس نماز زيارت كن وتسبيح فاطمه زهرا عليها السلام بجا آر و از ادعيه بالای و سجده و آداب الخ
بعد از زيارت اول حضرت امام رضا مذكور شد هر قدر كه مقدور شود بعمل بيار و دعا و طلب آمرزش
بجهت مؤمنان و خويشان و والدين و صاحبان و ميتا بكن و هر مطلب كه خواهی بخواه زيارت
جامعهٔ دوم منقول از بحار الانوار نقل شد از نسخهٔ قديمه از مصنفات علمای ما رحمهم الله بعد از
رعايت آداب بقبر رو بروی آنحضرت و پشت بقبله بايست و بگو السلم عليكم يا آل

زيارت جامعهٔ دوم

معرفة الله السلام عليكم يا مساكن بركة الله السلام عليكم يا اوعية
تقديس الله السلام عليكم يا حفظة سر الله السلام عليكم يا من
انتجبهم الله لخلقه اعلاما ولدينه انصارا ولعلمه وسره خزانا
وورثكم كتابه وخصكم بكرائم التنزيل وضرب لكم من نوره واجرى
فيكم من روحه فصلى الله عليكم يا ساداتي وموالي السلام عليك
يا محمد المصطفى السلام عليك يا علي المرتضى السلام عليك يا فاطمة
الزهراء السلام عليكما ايها الشهيدان الحسن والحسين السلام عليك
يا علي بن الحسين السلام عليك يا محمد بن علي السلام عليك ايها
الصادق جعفر بن محمد السلام عليك يا موسى بن جعفر السلام
عليك يا علي بن موسى الرضا السلام عليك يا محمد بن علي السلام
عليك يا علي بن محمد السلام عليك يا حسن بن علي السلام عليك
يا حجة الله المنتظر السلام عليكم يا اهل بيت النبوة ومعدن الرسالة
ومختلف الملائكة السلام عليكم ايها الدعائم والاركان المخصوصون
بالامامة انا وليكم وزائركم المتقرب الى الله بحبكم والى وليكم
وابرأ الى الله بكم من عدوكم واستشفع الى الله عز وجل واسئله
ان يصلى على نبيه محمد صلى الله عليه واله وعليكم صلوة دائمة
كثيرة متصلة لا انقطاع لها ولا زوال واسئله بكم واقدمكم

امام حوائجي فكونوا لي شفعاء يا ساداتي في فكاك رقبتي من النار و
ان يقضي لي بكم حوائجي كلها للاخرة والدنيا وان يكفيني واهلي وولدي
والمؤمنين والمؤمنات شر كل ذي شر من الجن والانس من صغير او
كبير فقد رجوت ان لا انصرف من مشهدك يا مولاي صلوات الله
عليك الا بقضاء حوائجي وما فزعت اليك فيه ورجوته من حسن
معونته وبركته بزيارتك صلوات الله عليك وعلى الائمة
من ابائك والائمة من ولدك ورحمة الله وبركاته پس ضريح منور را
ببوس و روی خود را بآن بمال وبگو السلام عليكم يا آل محمد يا آل الله وانصار
وطلال الله وانواره لابذلن لكم مودتي ومهجتي ومواساتي و
مالي فانها مذخورة ونصرتي لكم معدة حتى يأذن الله لكم فان
امرتموني يا موالي اطعت وان نهيتموني يا سادتي كففت وان
استنصرتموني يا قادتي نصرت وان استغثتموني يا ساداتي اغثت
وان استنجدتموني يا هداتي نجدت وان استعبدتموني يا اوليائي
تعبدت فلكم يا ائمتي عبوديتي بعبد الله تعالى طوعا سرمدا وعليكم
سلامي وتحياتي سلاما مجددا وصلوات الله عليكم ورحمة الله
وبركاته پس نماز زيارت كن و تسبيح فاطمه زهرا عليها السلم بجا آر و از ادعيه بالای سر و سجده دار

آنچه بعد از زیارت اول حضرت امام رضا ع مذکور شد هر قدر که مقدور شود بعمل بیاورد و دعا و طلب آمرزش
بجهت مؤمنان و خویشان و برادران و ابوین حیا کان او میتا بکن و هر مطلب که خواهی بخواه و
دعای مختصر وداع و عذرخواهی که بعد از زیارت اول آنحضرت نقل شد در آخر این زیارت مذکور
است و بعد از هر زیارت مناسب است زیارت جامعهٔ یازدهم و این زیارت مخصوص ماه رجب است
در مصباح الزائر روایت شده از ابو القاسم بن روح قدس الله سره که از جمله حاجبان و
ایشان حضرت صاحب الزمان علیه السلام است که او گفت کسی که زیارت کند باین زیارت
یکی از حضرات ائمه معصومین علیه السلام را بر نگردد از زیارت آنحضرت مگر اینکه بتحقیق جمیع حاجات
او برآمده و دعاهای او در امور دین و دنیا مستجاب شده باشد پس بعد از رعایت آداب بعض
رو بروی آنحضرت بایست و بگو الحمد لله الذی اشهدنا مشهد اولیائه
فی رجب واوجب علینا من حقهم ما قد وجب وصلی الله علی محمد
المنتجب وعلی اوصیائه الحجب اللهم فکما اشهدتنا مشهدهم فانجز لنا
موعدهم واوردنا موردهم غیر محلئین عن ورد فی دار المقامة
والخلد والسلام علیکم انی قد قصدتکم واعتمدتکم بمسئلتی وحاجتی
وهی فکاک رقبتی من النار والمقر معکم فی دار القرار مع شیعتکم
الابرار والسلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار انا سائلکم وآملکم
فیما الیکم التفویض وعلیکم التعویض فبکم یجبر المهیض ویشفی المریض

وما تزداد الارحام وتغیض ان بسرکم مؤمن ولقولکم مسلم وعلی الله
بکم مقسم فی نجح الحوائج وقضائها وامضائها وانجاحها وابراحها
وبشؤونی لدیکم وصلاحها والسلام علیکم سلام مودع ولکم حوائجه
مودع یسئل الله الیکم المرجع وسعیه الیکم غیر منقطع وان یرجعنی
من حضرتکم خیر مرجع الی جناب ممرع وخفض عیش موسع ودعة
ومهل الی حین الاجل وخیر مصیر ومحل فی النعیم الازل والعیش
المقتبل ودوام الاکل وشرب الرحیق والسلسل وعل ونهل لا
سام منه ولا ملل ورحمة الله وبرکاته وتحیاته حتی العود الی
حضرتکم والفوز فی کرتکم والحشر فی زمرتکم والسلام علیکم
ورحمة الله وبرکاته وصلواته وتحیاته وهو حسبنا ونعم الوکیل
زیارت جامعهٔ دوازدهم مخصوص است بدوری از قبور منورهٔ حضرات علیه السلام سید بن طاوس
در مصباح الزائر از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام روایت کرده که آنحضرت
فرمودند کسی که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول الله ص و حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمهٔ زهرا
و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین و باقی حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین را
و حال آنکه آمد در شهر خود باشد پس در روز جمعه غسل زیارت کند و جامهٔ پاکیزه بپوشد
و بصحرا رود و چهار رکعت نماز کند و در آن نماز آنچه مقدورش شود از قرآن بخواند پس بعد از

تشهد و سلام برخیزد و رو بقبله بایستد و بگوید و در روایت دیگر واقع شده که بر بالای سر
خود رفته بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام
علیک ایها النبی المرسل و الوصی المرتضی و السیدة الکبری
و السیدة الزهراء و السبطان المنتجبان و الاولاد و الاعلام
و الامناء المنتجبون جئت انقطاعا الیکم و الی آبائکم و ولدکم
الخلف علی برکة الحق فقلبی لکم مسلم و نصرتی لکم معدة حتی
یحکم الله لدینه فمعکم معکم لا مع عدوکم انی لمن القائلین بفضلکم
مقر برجعتکم لا انکر لله قدرة و لا ازعم الا ما شاء الله سبحان
الله باسمائه جمیع خلقه و السلام علی ارواحکم و اجسادکم
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته **زیارت وداع جابر اول** پس چون خواهی

زیارت وداع اول

برگردی و آنحضرت را وداع کنی بعد از رعایت آداب بقعه و زیارت و ادعیه که مکرر اند کور شد
در وقت روانه شدن رو بروی آنحضرت بایست و وداع کن آنحضرت را بانچه شیخ طوسی
در تهذیب و شیخ بن بابویه در فقیه و عیون و سید بن طاوس در مصباح الزائر از حضرت
امام علی النقی علیه السلام روایت کرده اند السلام علیکم یا اهل بیت النبوة
و معدن الرسالة سلام مودع لا سئم و لا قال و لا مال سلام
الله و رحمته علیکم یا اهل بیت النبوة انه حمید مجید سلام

ولی لکم

ولی لکم غیر راغب عنکم و لا منحرف عنکم و لا مستبدل بکم و لا مؤثر
علیکم و لا زاهد فی قربکم و لا جعله الله آخر العهد من زیارة قبورکم
و اتیان مشاهدکم و السلام علیکم و حشرنی الله فی زمرتکم و اوردنی
حوضکم و جعلنی فی حزبکم و ارضاکم عنی و مکننی فی دولتکم و
احیانی فی رجعتکم و ملکنی فی ایامکم و شکر سعیی لکم و غفر ذنبی
بشفاعتکم و اقال عثرتی بمحبتکم و اعلی کعبی بموالاتکم و شرفنی بطاعتکم
و اعزنی بهدیکم و جعلنی ممن ینقلب مفلحا منجحا غانما سالما معافا
غنیا فائزا برضوان الله و فضله و کفایته بافضل ما ینقلب به احد
من زوارکم و موالیکم و محبیکم و شیعتکم و رزقنی الله العود ثم العود
ثم العود ابدا ما ابقانی ربی بنیة صادقة و ایمان و تقوی و
اخبات و رزق واسع حلال طیب اللهم لا تجعله آخر العهد من
زیارتهم و ذکرهم و الصلوة علیهم و اوجب لی المغفرة و الرحمة و الخیر
و البرکة و الفوز و النور و الایمان و حسن الاجابة کما اوجبت لا — و التقوی
لاولیائک العارفین بحقهم المؤمنین بطاعتهم الراغبین فی
فی زیارتهم المتقربین الیک و الیهم بابی انتم و امی و نفسی و اهلی
و مالی اجعلونی فی همکم و صیرونی فی حزبکم و ادخلونی فی شفاعتکم

واذكروني عند ربكم اللهم صل على محمد وال محمد وابلغ ارواحهم
واجسادهم عني تحية كثيرة سلاما والسلم عليكم ورحمة الله
وبركاته وصلى الله على محمد واله وسلم كثيرا وحسبنا الله ونعم
الوكيل پس بادب وآداب نالان وگریان از مفارقت خدمت آن امام زمان بعد از افتادن
و بوسیدن زمین روانه شو وعتبه مبارک را ببوس و تا قبهٔ منوره نمایان است رو از آن بگردان
چنانچه سابقا مذکور شد زیارت وداع جامعهٔ دویم منقول از کتاب بحار الانوار که نقل فرموده از نسخهٔ
قدیمه از مصنفات علمای ما رحمهم الله بعد از رعایت آداب سابقه رو بروی آن حضرت بایست و بگو
السلام عليكم سادة المؤمنين وائمة المتقين واعلام المهتدين
وورثة النبيين وسلالة المرسلين وقدوة الصالحين و
حجج الله على العالمين قد ان لكم مني الوداع وحان التحجيل له و
الاسراع لا من سئم لكم ولا ملل للمقام عندكم لكن لاسباب مانعة
وملمات عن الاقامة دافعة يتضح له الاعتذار ويتعذر معها اللبث
والقرار فاستودعكم الله واسئله بكم رضاه وداع عازم على العود
اليكم متاسف لتعذر المقام لديكم وكيف لا نتاسف على فراق
مشاهدكم الشريفة المعظمة وبقاع قبوركم المباركة المكرمة و
فيها يستجاب الدعاء ويصرف السوء والبلاء ويحي الشفاء و

يشفى الداء

يشفى الداء وبكم يؤمن العذاب وتهون الصعاب وينجح الطلاب
ويرجح الثواب وبكم تتم النعمة وتعم الرحمة وتندفع النقمة و
تنكشف الغمة وتقبل التوبة وتغفر الحوبة وتزكوا الاعمال و
تنال الامال ويتحقق الرجاء وتبلغ السراء وتندفع الضراء وتهدى
الاراء وترشد الاهواء وتحصل السيادة وتكمل السعادة وتقبل
الايمان ويدرك الامان وتدخل الجنان وعنكم يسئل الانس و
الجان فوا اسفا لمفارقة جنابكم وواشوقاه الى تقبيل اعتابكم والوذ لوح
باذيالكم لابوابكم وتعفير الخد على اريج ترابكم واللياذ بعرصاتكم
ومحال ابدانكم واشخاصكم المحفوفة بالملئكة الكرام والمتحوفة
من الله بالرحمة والسلم وددت ان كنت لها ساكنا وفي جوارها
قاطنا لا يزعجني عنها الرجس ولا يفوتني بها المقيل ليكثر بها المامي
واستلامي لها وسلامي فاسئل الله الذي هداني لمعرفتكم واكرمني
بمحبتكم وتعبدني بولايتكم وندبني الى زيارتكم العود ما ابقاني الى
حضرتكم والبشارة اذا توفاني بمرافقتكم والحشر في زمرتكم والدخول
في شفاعتكم فياليت شعري يا سادتي كيف حالي في رحلتي امغفورة
ذنوبي ومستورة عيوبي ومقضية حاجتي ومنجحة طلبتي فذلك الذي

املته وفي كرمكم توسمته فما اسعدني بكم واعظم فوزي بحبكم ام راحل
بوزري مثقل به ظهري محجوبا دعائي خائبا رجائي فيا شقوتاه ان
كانت هذه حالي ويا خيبة امالي يابى ذلك بركم واحسانكم وجميل
وعدكم لزائركم وضمانكم وتابى مكارم اخلاقكم وطهارة شيمكم و
اعراقكم وكرمكم على ربكم وعنايتكم بزائركم ومحبكم ان يرد سؤاله
او يخيب لديه اماله ويابى الله الا تصديق وعدكم وتحقيق الرجاء
بقصدكم اسعافا واكراما لقاصدكم واتحافا بالخيرات لزائركم و
كذلك الظن به وبكم والمرجو من فضله لشيعتكم واشهد الله واعهد
عليه واشهدكم اني على ما عاهدته عليه من الاقرار بولايتكم
والاعتقاد لفرض طاعتكم والاعتراف بفضلكم والقيام بنصركم و
التقرب الى الله بحبكم والطاعة له بالكون معكم وهذه يدي على
ما امر الله به الوفاء بعهدكم والبيعة الواجبة لكم لا ابغي بذلك
بدلا ولا اريد عنه تحويلا واشهد ان ذلك من الله امر عازم و
حتم على الامة لازم لا حجة لمن جهله ولا عذر لمن اهمله ادين الله
بذلك في السر والاعلان والذكر والنسيان وفي الممات والمحيى و
الاخرة والاولى وعلى بعد الدار وقرب المزار اللهم فصل على محمد

وال

وال محمد وثبتني على ذلك حتى القاك ووفقني لطاعتك ورضاك
وانفعني بما علمتني وزدني من الخير ما الهمتني ولا تزغ قلبي بعد
اذ هديتني فلك الحمد على ما اوليتني فاسئلك يا من لا تحصى النعم
ولا يوازى كرمه ان تصلي على محمد وال محمد ولا تجعله اخر العهد
مني لزيارة اوليائك والالمام بمشاهد حججك واصفيائك و
الهمني بها شكر الائك والالحاح بمسئلتك ودعائك واستجب
لي ما دعوتك واعطني بفضلك كل ما سألتك واغفر لي مغفرة
وازعة وارحمني بجودك رحمة واسعة تؤمنني بها من سخطك والنار
وتسكنني بفضلك بدار القرار مع الائمة الاطهار وشيعة ال
محمد الابرار واجعلني ممن يسرت حسابه واحسنت اليك مآبه
ومحوت سيئاته وضاعفت حسناته وحشرته في زمرة محمد وال
محمد الطاهرين صلواتك عليهم اجمعين واغفر لوالدي وللمؤمنين
برحمتك يا ارحم الراحمين باب هفتم در ادعيه كه خواندنش بعد از زيارت هريك از حضرات
ائمه معصومين صلوات الله عليهم اجمعين در جانب سر مبارك ايشان مناسب ومقبول است
بهتر آنست كه زائر در بالاى سر نزديك قبر منور بلكه متصل بآن يا بضريح مبارك رو بقبله ايستاده
ودستها برداشته بخواند ويا در عقب قبر مبارك رو بقبر منور وقبله ايستاده ودستها
بسوى آسمان بلند كرده بخواند وهر گاه ممكن نشود در هر جاى روضه منوره بهر نحو كه ممكن شود بخواند

در این مختصر بر کربت دعا اکتفا نمود بیستم دعای عهد صاحب الامر علیه السلام است که در زمان غیبت
امر خواندن آن در اکثر اوقات خصوصاً در اماکن مشرفه واقع شده وخواندن دعای عظیم الشان
یعنی دعای استقاله حضرت امام زین العابدین علیه السلام که بعد از زیارت جامعه انبیاء
سابقین علی نبینا وعلیهم السلام در مقصد دویم باب بیستم این مختصر مذکور خواهد شد بوقوع و بسیار
ضرور و مناسب است وبالله التوفیق دعای اول منقول از مصباح الزایر ابن طاوس علیه الرحمه یا الله

دعای اول

یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین ویا کاشف کرب المکروبین
ویا غیاث المستغیثین ویا صریخ المستصرخین یا من هو بالمنظر
الاعلی والافق المبین یا من هو الرحمن الرحیم علی العرش استوی یا
من یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور یا من لا تخفی علیه خافیة
یا من لا تتشابه علیه الاصوات یا من لا تغلطه الحاجات یا من لا
یبرمه الحاح الملحین علیه یا مدرک کل فوت یا جامع کل شمل یا بارئ
النفوس بعد الموت یا من هو کل یوم فی شان یا قاضی الحاجات یا
منفس الکربات یا معطی السؤلات یا ولی الرغبات یا کافی المهمات
یا من یکفی کل شیء ولا یکفی منه شیء فی الارض ولا فی السموات
اسئلک بحق محمد نبیک وعلی امیر المؤمنین وصیک وبحق فاطمة
الزهراء والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد
وعلی والحسن والحجة علیهم السلام فانی بهم اتوجه الیک فی مقامی

هذا وبهم اتوسل وبهم استشفع الیک وبحقهم اسئلک واقسم علیک
وبالشان الذی لهم عندک وبالقدر الذی لهم لدیک وبالذی
فضلتهم به علی العالمین واسئلک باسمک الذی جعلته عندهم
وبه خصصتهم دون العالمین وبه ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العالمین
حتی فاق فضلهم فضل العالمین جمیعا اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد
وان تکشف عنی همی وغمی وکربی وتکفینی المهم وتقضی عنی دینی وتجیرنی
من الفقر والمسئلة للمخلوقین وتکفینی مؤنة من اراد بی بسوء بلا مؤنة
علی فی ذلک وتکفینی هم ما اخاف همه وعسر ما اخاف عسره و
شر ما اخاف شره ومکر ما اخاف مکره وبغی ما اخاف بغیه وجور
ما اخاف جوره وسلطان ما اخاف سلطانه وکید ما اخاف
کیده وقدرة ما اخاف مقدرته بلا مؤنة علی وترد عنی کید
الکید ومکر الماکر اللهم ومن ارادنی فارده ومن کادنی فکده
واصرف عنی کیده ومکره وباسه وامنعه عنی کیف شئت و
انی شئت اللهم اشغله عنی بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره و
بفاقة لا تسدها وبسقم لا تعافیه وبذل لا تعزه وبمسکنة لا
تجبرها واضرب بالذل بین عینیه وادخل علیه الفقر فی منزله
والعلة فی بدنه حتی تشغله عنی بشغل لا فراغ له منه وانسه ذکری

وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه
وادخل عليه في جميع ذلك السقم حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا
عني وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفيه سواك فانك الكافي
لا كافي سواك والمفرج لا مفرج سواك والمغيث لا مغيث سواك
وجار لا جار سواك خاب من كان جاره سواك ومغيثه سواك ومفزعه
الى سواك ومهربه وملجاه الى سواك انت ثقتي ورجائي ومفزعي
ومهربي ومنجاي وملجائي بك استفتح وبمحمد وال محمد اتوجه
لديك واتوسل واستشفع اليك واسالك يا الله يا الله يا الله
لك الحمد ولك الشكر واليك المشتكى وانت المستعان فاسئلك
بحق محمد وال محمد ان تكشف همي وغمي وكربي في مقامي هذا كما
كشفت عن نبيك صلواتك عليه همه وغمه وكربه وكفيته
هم عدوه واصرفني بقضاء حاجتي وكفاية ما اهمني همه من امر
اخرتي ودنياي يا فلان بن فلان بگو نام مبارک آن امامی را که زیارت میکنی
با نام پدر بزرگوارش عليك مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل و
النهار ولا جعله الله اخر العهد من زيارتك ولا فرق الله بيني
وبينك اللهم احيني حيوة محمد وال محمد وامتني مماتهم وتوفني
على ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين

ابدا في الدنيا والاخرة اتيتك يا مولاي زائرا ومتوسلا الى الله ربي
وربك ومتوجها الى الله في قضاء حاجتي فاشفع لي فان لك عند
الله المقام المحمود والجاه العظيم والمنزلة الرفيعة وانا متنجز
قضاء حاجتي ونجاحها من عند الله بشفاعتك الى الله تعالى فلا
اخيبن ولا يكون منقلبي خاسرا خائبا بل يكون منقلبي منقلبا
منجحا مستجابا الى اتقلب على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله مفوضا
امري الى الله ملجا ظهري اليه متوكلا عليه حسبي الله ونعم الوكيل
حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس وراء الله وورائكم يا سادتي
منتهى ما شاء الله كان ولا حول ولا قوة الا بالله لا جعله الله اخر
العهد من زيارتك دعای دويم منقول از مصباح الزائر ابن طاوس عليه الرحمه كه مناجات
حضرت امير المؤمنين عليه السلام است و بعد از زيارات در روضات عاليات و اماكن متبركات
خواندن آن مناسبت اللهم اني اسئلك الامان يوم لا ينفع مال ولا بنون
الا من اتى الله بقلب سليم واسئلك الامان يوم يعض الظالم على
يديه ويقول يا ليتني اتخذت مع الرسول سبيلا واسئلك الامان
يوم يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي والاقدام واسئلك
الامان يوم لا يجزي والد عن ولده ولا مولود هو جاز عن والده
شيئا ان وعد الله حق واسئلك الامان يوم لا ينفع الظالمين

معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار واسئلك الامان يوم لا
تملك نفس لنفس شيئا والامر يومئذ لله واسئلك الامان يوم يفر
المرء من اخيه وامه وابيه وصاحبته وبنيه لكل امرئ منهم
يومئذ شان يغنيه واسئلك الامان يوم يود المجرم لو يفتدي
من عذاب يومئذ ببنيه وصاحبته واخيه وفصيلته التي
تؤويه ومن في الارض جميعا ثم ينجيه كلا انها لظى نزاعة للشوى
مولاي يا مولاي انت المولى وانا العبد وهل يرحم العبد الا
المولى مولاي يا مولاي انت المالك وانا المملوك وهل يرحم المملوك
الا المالك مولاي يا مولاي انت العزيز وانا الذليل وهل يرحم
الذليل الا العزيز مولاي يا مولاي انت الخالق وانا المخلوق وهل
يرحم المخلوق الا الخالق مولاي يا مولاي انت العظيم وانا الحقير و
هل يرحم الحقير الا العظيم مولاي يا مولاي انت القوي وانا الضعيف
وهل يرحم الضعيف الا القوي مولاي يا مولاي انت الغني وانا
الفقير وهل يرحم الفقير الا الغني مولاي يا مولاي انت المعطي و
انا السائل وهل يرحم السائل الا المعطي مولاي يا مولاي انت الحي
وانا الميت وهل يرحم الميت الا الحي مولاي يا مولاي انت الباقي
وانا الفاني وهل يرحم الفاني الا الباقي مولاي يا مولاي انت الدائم

وانا الزائل

وانا الزائل وهل يرحم الزائل الا الدائم مولاي يا مولاي انت الرازق
وانا المرزوق وهل يرحم المرزوق الا الرازق مولاي يا مولاي انت الجواد
وانا البخيل وهل يرحم البخيل الا الجواد مولاي يا مولاي انت المعافي
وانا المبتلى وهل يرحم المبتلى الا المعافي مولاي يا مولاي انت الكبير
وانا الصغير وهل يرحم الصغير الا الكبير مولاي يا مولاي انت
الهادي وانا الضال وهل يرحم الضال الا الهادي مولاي يا
هل مولاي انت الرحمن وانا المرحوم و[هل] يرحم المرحوم الا الرحمن مولاي يا
مولاي انت السلطان وانا الممتحن وهل يرحم الممتحن الا السلطان
مولاي يا مولاي انت الدليل وانا المتحير وهل يرحم المتحير
يرحم الا الدليل مولاي يا مولاي انت الغفور وانا المذنب وهل [يرحم]
المذنب الا الغفور مولاي يا مولاي انت الغالب وانا المغلوب
وهل يرحم المغلوب الا الغالب مولاي يا مولاي انت الرب و
انا المربوب وهل يرحم المربوب الا الرب مولاي يا مولاي انت المتكبر
وانا الخاشع وهل يرحم الخاشع الا المتكبر مولاي يا مولاي ارحمني
برحمتك وارض عني بجودك وكرمك وفضلك يا ذا الجود والاحسان
والطول والامتنان برحمتك يا ارحم الراحمين. دعای سیوم منقول
از مصباح الزائر ابن طاوس بعد از هر نماز زیارت خصوصا بعد از زیارت حضرت امیر المؤمنین ع

البته باید خواند اللهم لا بد من امرك ولا بد من قدرك ولا بد من قضائك ولا
حول ولا قوة الا بك اللهم كما قضيت علينا من قضائك او قدرت
علينا من قدر فاعطنا معه صبرا يقهره ويدمغه واجعله لنا صاعدا
في رضوانك ينمي في حسناتنا وسوددنا وشرفنا ومجدنا ونعمائنا و
كراماتنا في الدنيا والآخرة ولا تنقص من حسناتنا اللهم ما اعطيتنا
من عطاء او فضلتنا من فضيلة او اكرمتنا به من كرامة فاعطنا معه
شكرا يقهره ويدمغه واجعله لنا صاعدا في رضوانك وفي حسناتنا
وسوددنا وشرفنا ونعمائك وكراماتك في الدنيا والآخرة اللهم
لا تجعله لنا اشرا ولا بطرا ولا فتنة ولا مقتا ولا عذابا ولا خزيا في
الدنيا والآخرة اللهم انا نعوذ بك من عثرة اللسان وسوء المقام
وخفة الميزان اللهم صل على محمد وآل محمد ولقنا حسناتنا في
الممات ولا ترنا اعمالنا حسرات ولا تخزنا عند قضائك ولا
تفضحنا بسيئاتنا يوم نلقاك واجعل قلوبنا تذكرك ولا تنساك و
تخشاك كانها تراك حتى نلقاك وصل على محمد وآل محمد وبدل سيئاتنا
حسنات واجعل حسناتنا درجات واجعل درجاتنا غرفات واجعل
غرفاتنا عاليات اللهم واوسع لفقيرنا من سعة ما قضيت على نفسك
اللهم صل على محمد وآل محمد ومن علينا بالهدى ما ابقيتنا والكرامة

ما احیتن

ما احييتنا والرحمة اذا توفيتنا والحفظ فيما بقي من عمرنا والبركة فيما رزقتنا
والعون على ما حملتنا والثبات على ما طوقتنا ولا تؤاخذنا بظلمنا و
لا تقايسنا بجهلنا ولا تستدرجنا بخطايانا واجعل احسن ما نقول
ثابتا في قلوبنا واجعلنا عظماء عندك وفي انفسنا اذلة وانفعنا بما
علمتنا وزدنا علما نافعا اعوذ بك من قلب لا يخشع ومن عين لا تدمع
ومن صلوة لا تقبل اجرنا من سوء الفتن يا ولي الدنيا والآخرة دعای دعای چهارم
چهارم منقول از مصباح الزائر ابن طاوس معمول سید مرتضی علم الهدی علیهما الرحمة بعد از همه زیارت
خصوصا بعد از زیارت حضرت امام حسین ع و شهدا علیهم السلام البته باید خواند سبحان
ذي القدرة والجبروت سبحان ذي العزة والملكوت سبحان
المسبح له بكل لسان سبحان المعبود في كل اوان الاول والآخر والظاهر
والباطن وهو بكل شيء عليم ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين
لا اله الا هو فتعالى الله عما يشركون اللهم ثبتني على الاقرار بك واحشرني
عليه والحقني بالعصبة المعتقدين له الذين لم يعترضهم فيك الريب
ولم يخالطهم الشك الذين اطاعوا نبيك ووازروه وعاضدوه و
نصروه واتبعوا النور الذي انزل معه ولم يكن اتباعهم اياه طلب
الدنيا الفانية ولا ايثارا عن الآخرة الباقية ولا حب الرياسة و
الامرة ولا ايثار الثروة بل تاجروا باموالهم وانفسهم وربحوا حين خسر

الباخلون وفازوا حين خاب المبطلون وأقاموا حدوده ما أمرت به
من المودة في ذوي القربى التي جعلتها أجر رسول الله صلى الله عليه
وآله فيما أدّاه إلينا من الهداية إليك وأرشدنا إليه من التعبّد و
تمسّكوا بطاعتهم ولم يميلوا إلى غيرهم اللهم إني أشهدك أني معهم و
فيهم وبهم ولا أميل عنهم ولا أنحرف إلى غيرهم ولا أقول لمن خالفهم
هؤلاء أهدى من الذين آمنوا سبيلا اللهم صلّ على محمد وآل محمد و
عترته صلاة ترضيه وتحظيه وتبلغه أقصى رضاه وأمانيه و
على ابن عمه وأخيه المهتدي بهدايته المستبصر بمشكوته القائم
مقامه في أمته وعلى الأئمة من ذريته الحسن والحسين وعلي
بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن
موسى الرضا ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة بن
الحسن اللهم إن هذا مقام إن ربح فيه القائم بأهل ذلك فهو من
الفائزين وإن خسر فهو من الهالكين اللهم إني لا أعلم شيئا يقربني
من رضاك في هذا المقام إلا التوبة من معاصيك والاستغفار
من الذنوب والتوسل بهذا الإمام الصدّيق ابن رسول الله صلى
الله عليه وآله وأنا بحيث تنزل الرحمة وترفرف الملائكة وتأتيه
الأنبياء وتغشاه الأوصياء فإن جئت مع كرمك ومع هذه الوسيلة

اليك

دو فقره از ... (marginal note)

إليك أن تعذبني فقد ضلّ سعيي وخسر عملي فيا حسرة نفسي وإن
تغفر لي وترحمني فأنت أرحم الراحمين پس ضریح منور الحضرت را ببوس و بگو
أيها الإمام الكريم وابن الرسول الكريم أتيتك بزيارة العبد لمولاه الراجي
فضله وجدواه الآمل قضاء الحق الذي أظهره الله لك وكيف أقضي
حقك مع عجزي وصغر جدّي وجلالة أمرك وعظيم قدرك وهل هي
إلا المحافظة على ذكرك والصلوة عليك مع أبيك هر گاه غیر حضرت امام حسن
و امام حسین ع باشد بجای ابیک آبائک بگوید وجدك والمتابعة لك والبراءة
من أعدائك والمنحرفين عنك فلعن الله من خالفك في سره وجهره ومن
أجلب عليك بخيله ورجله ومن كثّر أعداءك بنفسه وماله ومن سرّه
ما ساءك ومن أرضاه ما أسخطك ومن جرّد سيفه لحربك ومن شهر
نفسه في معاداتك ومن قام في المحافل بذمك ومن خطب في المجالس
بلومك سرا أو جهرا اللهم جدّد عليهم اللعنة كما جدّدت الصلوة
عليه اللهم لا تدع لهم دعامة إلا قصمتها ولا كلمة مجتمعة إلا
فرقتها اللهم أرسل عليهم من الحق يدا حاصدة تصرع قائمهم وتهشم
سوقهم وتجدع معاطسهم اللهم صلّ على محمد وآل محمد وعترته
الطاهرين الذين بذكرهم تنجلي الظلام وينزل الغمام وعلى أشياعهم
ومواليهم وأنصارهم واحشرني معهم وتحت لوائهم أيها الإمام الكريم

اذكرني بحرمة جدك عند ربك ذكرا ينصرني على من يبغي علي ويعاندني
فيك ويعاديني من اجلك واشفع لي الى ربك في تمام النعمة لدي و
اسباغ العافية علي وسوق الرزق الي وتوسعه علي لاعود بالفضل
منه على مبتغيه فما اسئل مع الكفاف الا ما اكتسب به الثواب فانه لا
ثواب لمن لا مشاركك في ماله ولا حاجة لي فيما يكنز في الارض ولا
ينفق في نافلة ولا فرض اللهم اني اسئلك وابتغيه من لدنك حلالا
طيبا فاعني على ذلك واقدرني عليه ولا تبتليني بالحاجة فاتعرض
بالرزق للجهات التي يقبح امرها ويلزمني وزرها اللهم ومد لي في
العمر ما دامت الحيوة موصولة بطاعتك مشغولة بعبادتك فاذا صارت
الحيوة مرتعة للشيطان فاقبضني اليك قبل ان يسبق لي مقتك و
يستحكم علي سخطك اللهم صل على محمد وال محمد ويسر لي العود الى هذا
المشهد الذي عظمت حرمته في كل حول مع قبولك ذلك بركة شاملة
فكيف اذا قربت المدة وتلاحقت القدرة اللهم انه لا عذر لي في
التاخر عنه والاخلال بزيارته مع قرب المسافة الا العوائق الحائلة
بيني وبينه ولولا ذلك لتقطعت نفسي حسرة لانقطاعي عنه اسفا
على ما يفوتني منه اللهم يسر لي الاتمام واعني على تاديته وما اضمره
فيه واراه اهله ومستوجبه فانت بنعمتك الهادي اليه والمعين عليه

اللهم

وفي روضة رضوية

اللهم تقبل فرضي ونوافلي وزيارتي واجعلها زيارة مستمرة وعادة
مستقرة ولا تجعل ذلك منقطع التواتر يا كريم دعاء بحيم اللهم اني زرت
هذا الامام مقرا بامامته معتقدا لفرض طاعته فقصدت مشهده
بذنوبي وعيوبي وموبقات اثامي وكثرة سيئاتي وخطاياي وما
تعرفه مني مستجيرا بعفوك مستعيذا بحلمك راجيا رحمتك لاجيا الى
ركنك عائذا برافتك مستشفعا بوليك وابن اوليائك وصفيك وابن
اصفيائك واميتك وابن امنائك وخليفتك وابن خلفائك الذين
جعلتهم الوسيلة الى رحمتك ورضوانك والذريعة الى رافتك و
غفرانك اللهم واول حاجتي اليك ان تغفر لي ما سلف من ذنوبي على
كثرتها وان تعصمني فيما بقي من عمري وتطهر ديني مما يدنسه ويشينه
ويزري به وتحميه من الريب والشك والفساد والشرك وتثبتني على
طاعتك وطاعة رسولك وذريته النجباء السعداء صلواتك عليهم
ورحمتك وسلامك وبركاتك وتحييني على طاعتهم وتميتني اذا ما احييتني
امتني على طاعتهم وان لا تمحو من قلبي مودتهم ومحبتهم وبغض اعدائهم
ومرافقة اوليائهم وبرهم واسالك يا رب ان تقبل ذلك مني وتحبب
الى عبادتك والمواظبة عليها وتنشطني لها وتبغض الي معاصيك
وتمنعني عنها وتجنبني التقصير في صلواتي والاستهانة بها والتراخي

عنها وتوفقني لتاديتها والقيام بحقها كما فرضت وامرت بها على سنة
رسولك صلواتك عليه واله ورحمتك وبركاتك خضوعا وخشوعا وتشرح
صدري لايتاء الزكوة واعطاء الصدقات وبذل المعروف والاحسان
الى شيعة ال محمد عليهم السلام ومواساتهم ولا تتوفاني الا بعد ان ترزقني
حج بيتك الحرام وزيارة قبر نبيك عليه السلم وزيارة قبور الائمة
عليهم السلم واسئلك يا رب توبة نصوحا ترضاها ونية تحمدها وعملا
صالحا تقبله وان تغفر لي وترحمني اذا توفيتني وتهون على سكرات الموت
وتحشرني في زمرة محمد واله صلوات الله عليه وعليهم وتدخلني الجنة
برحمتك وتجعل دمعي غزيرا في طاعتك وعبرتي جارية فيما يقربني
منك وقلبي عطوفا على اوليائك وتصونني في هذه الدنيا من العاهات
والافات والامراض الشديدة والاسقام المزمنة وجميع انواع البلاء و
الحوادث وتصرف قلبي الى محبتك وتبعدني عن الحرام وتبغض الى
معاصيك وتحبب الى الحلال وتفتح لي ابوابه وتثبت نيتي وفعلي عليه
وتمد في عمري وتغلق ابواب المحن عني ولا تسلبني ما مننت به على
ولا تسترد شيئا مما احسنت به الى ولا تنزع عني النعم التي انعمت
بها على وتزيد فيما خولتني وتضاعفه اضعافا مضاعفة وترزقني
مالا كثيرا واسعا سائغا هنيئا ناميا وافيا وعزا باقيا كافيا وجاها

عرضا

عرضا منيعا ونعمة سابغة عامة وتغنيني بذلك عن المطالب المنكدة و
الموارد الصعبة وتخلصني منها معافا في ديني ونفسي وولدي وما
اعطيتني ومنحتني وتحفظ على مالي وجميع ما خولتني وتقبض عني ايدي
الجبابرة وتردني الى وطني عاجلا في عز وحياطة وامن ودعة ان
كانت الخيرة لي فيه وتبلغني نهاية املي في دنياي واخرتي وتجعل
عاقبة امري محمودة حسنة سليمة وتجعلني رحيب الصدر واسع الحال
حسن الخلق بعيدا من البخل والمنع والنفاق والكذب والبهت وقول
الزور وترسخ في قلبي محبة محمد وال محمد وشيعتهم وتحرسني يا رب
في نفسي واهلي ومالي وولدي واهل حزانتي واخواني واهل
مودتي وذريتي برحمتك وجودك اللهم هذه حاجاتي عندك وقد استكثرتها
للؤمي وشحي وهي عندك صغيرة حقيرة وعليك سهلة يسيرة فاسئلك
بجاه محمد وال محمد عليه وعليهم السلم عندك وبحقهم عليك وبما اوجبت
لهم وبسائر انبيائك ورسلك واصفيائك واوليائك المخلصين
من عبادك وباسمك الاعظم الاعظم لما قضيتها كلها واسعفتني بها ولم
تخيب املي ورجائي اللهم وشفع صاحب هذا القبر في يا سيدي يا
ولي الله يا امين الله اسئلك ان تشفع لي الى الله عز وجل في هذه
الحاجات كلها بحق ابائك الطاهرين وبحق اولادك المنتجبين فان لك

عند الله تقدست اسماؤه المنزلة الشريفة والمرتبة الجليلة والجاه العريض
والشفاعة المقبولة اللهم لو عرفت من هو اوجه عندك من هذا الامام
ومن آبائه وابنائه الطاهرين عليهم السلام والصلوة لجعلتهم شفعائي
وقدمتهم امام حاجاتي وطلباتي هذه فاسمع مني واستجب لي وافعل بي ما
انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم وما قصرت عنه مسئلتي وعجزت عنه
قوتي ولم تبلغه فطنتي من صالح ديني ودنياي وآخرتي فامنن به علي
واحفظني واحرسني وهب لي واغفر لي ومن ارادني بسوء او مكروه من
شيطان مريد او سلطان عنيد او مخالف في دين او منازع في دنيا او
حاسد على نعمة او ظالم او باغ فاقبض عني يده واصرف عني كيده واشغله
عني بنفسه واكفني شره وشر اتباعه وشياطينه واجرني من كل ما يضرني
ويجحف بي واعطني جميع الخير كله مما اعلم ومما لا اعلم اللهم صل على محمد
وآل محمد واغفر لي ولوالدي واخواني واخواتي واعمامي وعماتي واخوالي
وخالاتي واجدادي وجداتي واولادهم وذراريهم وازواجي وذرياتي
واقربائي واصدقائي وجيراني واخواني فيك من اهل الشرق والغرب
ولجميع اهل مودتي من المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات ولجميع من
علمني خيرا وتعلم مني علما اللهم اشركهم في صالح دعائي وزيارتي لمشهد
حجتك ووليك واشركني في صالح ادعيتهم برحمتك يا ارحم الراحمين

وبلغ وليك

دعای روضهٔ رضویه

وبلغ وليك منهم السلام والسلام عليك ورحمة الله وبركاته يا سيدي يا
مولاي يا فلان بن فلان صلى الله عليك وعلى روحك وبدنك انت
وسيلتي الى الله وذريعتي اليه ولي حق موالاتي وتأميلي فكن شفيعي الى
الله عز وجل في الوقوف على قضاء حاجتي هذه وصرفي عن موقفي هذا
بالنجح وبما سألته كله برحمته وقدرته اللهم ارزقني عقلا كاملا
ولبا راجحا وعزا باقيا وعزما ثاقبا وقلبا زكيا وعملا كثيرا وادبا بارعا
واجعل ذلك كله لي ولا تجعله علي برحمتك يا ارحم الراحمين **دعاء ثم**
اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك وحجبت دعائي عنك
وحالت بيني وبينك فاسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تقبل
علي بوجهك الكريم وتنشر علي رحمتك وتنزل علي بركاتك وان كانت
قد منعت ان ترفع لي اليك صوتا او تغفر لي ذنبا او تتجاوز عن خطيئة
مهلكة فها انا ذا مستجير بكرم وجهك وعز جلالك متوسل اليك متقرب
اليك باحب خلقك اليك واكرمهم عليك واولاهم بك واطوعهم لك
واعظمهم منزلة ومكانا عندك محمد وبعترته الطاهرين الائمة الهداة
المهديين الذين فرضت على خلقك طاعتهم وامرت بمودتهم وجعلتهم
ولاة الامر من بعد رسولك صلى الله عليه وآله يا مذل كل جبار عنيد
ويا معز المؤمنين بلغ مجهودي فهب لي نفسي الساعة رحمة منك تمن بها علي

يا ارحم الراحمين پس قبر مبارک را ببوس و دو طرف روی خود را بران بمال و بگو اللهم ان هذا
مشهد لا يرجو من فاتته فيه رحمتك ان ينالها في غيره و لا احد
اشقى من امرء قصده مؤملا فاب عنه خائبا اللهم اني اعوذ بك من سوء
الاياب وخيبة المنقلب والمناقشة عند الحساب وحاشاك يا رب ان
تقرن طاعة وليك بطاعتك وموالاته بموالاتك ومعصيته بمعصيتك
ثم تؤيس زائره والمتحمل من بعد البلاد الى قبره وعزتك يا رب لا ينعقد
على ذلك ضميري اذ كانت القلوب اليك بالجميل تشير دعای هفتم وبعد از زیارت دعای هفتم
حضرت امیر المؤمنین ع البته باید خواند يا من عفى عني وعما خلوت به من السيئات يا من
رحمني بان ستر ذلك علي ولم يفضحني به يا من سوى خلقي وله على ما
اعمل شاهد مني يا من ينطق لساني وتنطق له اركاني يا من قل حيائي
منه حتى خشيت ان يمقتني يا من لو علم الناس مني بعض علمه لعاجلوني يا من قد صح
ستر عورتي ولم يبد لخلقه سوئتي يا من امهلني عند خلوتي في معاصيه
بلذتي اعوذ بوجهك الكريم ان اكون ممن ينادي يا حسرتي على ما فرطت
في جنب الله واعوذ بوجهك الكريم ان اكون ممن ينادي ربنا غلبت علينا
شقوتنا وكنا قوما ضالين ربنا اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون و
اعوذ بوجهك الكريم ان اكون ممن ينادي فما لنا من شافعين ولا
صديق حميم فلو ان لنا كرة فنكون من المؤمنين واعوذ بوجهك الكريم

يا سيدي

يا سيدي ان اكون ممن ينادي يا مالك ليقض علينا ربك واعوذ بوجهك
الكريم يا سيدي ان اكون ممن يأتيه الموت من كل مكان وما هو بميت و
اعوذ بوجهك الكريم يا سيدي ان اكون ممن يغل في سلسلة ذرعها
سبعون ذراعا واعوذ بوجهك الكريم يا سيدي ان يكون طعامي من
الضريع واعوذ بوجهك الكريم يا سيدي ان يكون غدوي ورواحي الى
النار اللهم تجاوز عن سيآتي وابدل ذلك بالحسنات ولا تخفف بذلك
ميزاني ولا تسود به وجهي ولا تفضح به مقامي ولا تنكس به راسي يا
رب ولا تمقتني على طول ما ابقيتني وتجاوز عني فيمن تجاوزت عنه
في اصحاب الجنة وعد الصدق الذي كانوا يوعدون اللهم عرفني اجابة
ما سالتك واملته فيك وطلبته منك بحق مولاي وبقبره وبما
سعيت فيه من زيارته على معرفة مني بحقه ومنزلته منك ومحبته
ومودته على ما اوجبته علي في كتابك ولا تردني خائبا ولا خائفا
واقلبني مفلحا منجحا بحق محمد وعلي والائمة من ولدهما وبالشان و
الجاه والقدر الذي لهم عندك فان لهم عندك شانا من الشان و
قدرا من القدر يا ارحم الراحمين دعای ششم وبعد از زیارت حضرت امام موسی ع البته دعای ششم
باید خواند اللهم اني اسئلك بحرمة من عاذ بك منك ولجا الى عزك
واستظل بفيئك واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا

يا فكاك الاسارى يا من سمى نفسه من جوده وهابا ان تصلي على محمد
وال محمد ولا تردني من هذا المقام خائبا فان هذا مقام تغفر فيه الذنوب
العظام وترجى فيه الرحمة من الكريم العلام مقام لا يخيب فيه السائلون
ولا يحجبه بالرد الراغبون مقام من لاذ بمولاه رغبة وتبتل اليه رهبة
مقام الخائف من يوم يقوم فيه الناس لرب العالمين ولا تنفع فيه شفاعة
الشافعين الا من اذن له الرحمن من الفائزين ذلك يوم لا ينفع فيه مال وما كان
ولا بنون الا من اتى الله بقلب سليم وازلفت الجنة للمتقين وقيل هذا
ما كنتم توعدون لكل اواب حفيظ من خشي الرحمن بالغيب وجاء بقلب
منيب ادخلوها بسلام ذلك يوم الخلود اللهم فاجعلني من المخلصين
الفائزين واجعلني من ورثة جنة النعيم واغفر لي ولوالدي ولولدي
يوم الدين والحقنا بالصالحين واخلف على اهلي وولدي في الغابرين
واجمع بيننا جميعا في مستقر رحمتك يا ارحم الراحمين وسلمني من اهوال
ما بيني وبينك وبين لقائك حتى تبلغني الدرجة العالية التي فيها
موافقة احبائك الذين عليهم دللت وبالاقتداء بهم امرت و
اسقني من حوضهم مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظما بعده ولا احلا
عنه ابدا واحشرني في زمرتهم وتوفني على ملتهم واجعلني في حزبهم
وعرفني وجوههم في رضوانك والجنة فاني رضيت بهم ائمة وهداة

وولاة

وولاة فاجعلهم ائمتي وهداتي وولاتي في الدنيا والاخرة ولا تفرق
بيني وبينهم طرفة عين يا ارحم الراحمين دعای نهم وبعد از زيارت امام محمد تقی
ع بايد خواند اللهم انت الرب وانا المربوب وانت الخالق وانا المخلوق
وانت المالك وانا المملوك وانت المعطي وانا السائل وانت الرازق و
انا المرزوق وانت القادر وانا العاجز وانت القوي وانا الضعيف وانت
المغيث وانا المستغيث وانت الدائم وانا الزائل وانت الكبير وانا الحقير
وانت العظيم وانا الصغير وانت المولى وانا العبد وانت العزيز وانا
الذليل وانت الرفيع وانا الوضيع وانت المدبر وانا المدبر وانت الباقي
وانا الفاني وانت الديان وانا المدان وانت الباعث وانا المبعوث
وانت الغني وانا الفقير وانت الحي وانا الميت تجد من تعذبه
غيري ولا اجد من يرحمني غيرك اللهم صل على محمد وال محمد وارحم ذلي
بين يديك وتضرعي اليك ووحشتي من الناس وانسي بك يا كريم ثم
تصدق علي في هذه الساعة برحمة من عندك تهدي بها قلبي وتجمع بها
امري وتلم بها شعثي وتبيض بها وجهي وتكرم بها مقامي وتحط بها
عني وزري وتغفر بها ما مضى من ذنوبي وتعصمني فيما بقي من عمري و
تستعملني في ذلك كله بطاعتك وما يرضيك عني وتختم عملي باحسنه
وتجعل لي ثوابه الجنة وتسلك بي سبيل الصالحين وتعينني على

صالح ما اعنتني كما اعنت الصالحين على صالح ما اعطيتهم ولا تنزع مني
صالح ما اعطيتنيه ابدا ولا تردني في سوء استنقذتني منه ابدا ولا تشمت
بي عدوا ولا حاسدا ابدا ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا اقل
من ذلك ولا اكثر يا رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد وارني
الحق حقا فاتبعه والباطل باطلا فاجتنبه ولا تجعله علي متشابها
فاتبع هواي بغير هدى منك واجعل هواي تبعا لطاعتك وخذ رضا
نفسك من نفسي واهدني لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي
من تشاء الى صراط مستقيم دعای دهم يا ذا القدرة الجامعة والرحمة الواسعة
والمنن المتتابعة والالاء المتواترة والايادي الجليلة والمواهب الجزيلة
صل على محمد وال محمد الصادقين واعطني سؤلي واجمع شملي ولم شعثي
وزك عملي ولا تزل قدمي ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا
تخيب طمعي ولا تبد عورتي ولا تهتك ستري ولا توحشني ولا تؤيسني
وكن بي رؤفا رحيما واهدني وزكني وطهرني وصفني واصطفني و
اخلصني واستخلصني واصنعني واصطنعني وقربني اليك ولا تباعدني
عنك والطف بي ولا تخفني واكرمني ولا تهني وما اسئلك فلا تحرمني
وما لا اسئلك فاجمعه لي برحمتك يا ارحم الراحمين واسئلك بحرمة
وجهك الكريم وبحرمة نبيك محمد صلواتك عليه واله وبحرمة اهل

بيت رسولك

بيت رسولك امير المؤمنين علي والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر
وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والخلف الباقي صلواتك وبركاتك
عليهم ان تصلي عليهم اجمعين وتعجل فرج قائمهم بامرك وتنصره و
تنتصر به لدينك وتجعلني في جملة الناجين به والمخلصين في طاعته و
اسئلك بحقهم لما استجبت لي دعوتي وقضيت حاجتي واعطيتني
سؤلي وكفيتني ما اهمني من امر دنياي واخرتي يا ارحم الراحمين يا نور
يا برهان يا منير يا مبين يا رب اكفني شر الشرور وافات الدهور واسئلك
النجاة يوم ينفخ في الصور دعای یازدهم السلام عليك يا مولاي يا فلان بن
فلان ورحمة الله وبركاته اشهد انك تشهد مقامي وتسمع كلامي وانت
حي عند ربك مرزوق اسئل الله ربي وربك قضاء حوائجي في الدنيا
والاخرة اللهم اني اسئلك عيشا بلا بلاء ودينا بلا هواء ورزقا بلا عناء
وعملا بلا رياء وعفوا بلا عذاب وجنة بلا حساب ومغفرة بلا عقاب و
رؤية بلا حجاب اللهم زين ظاهرنا برحمتك وباطننا بمغفرتك و
قلوبنا بمحبتك اللهم لا تقتلنا بغضبك ولا تهلكنا بعذابك وعافنا
قبل ذلك وارحمنا بعد ذلك برحمتك يا ارحم الراحمين دعای دوازدهم
اللهم صل على محمد وال محمد ولا تدع لي في هذا المكان المكرم والمشهد
المعظم ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا كربا الا كشفته ولا غما

الا اذهبته ولا حزنا الا سلبته ولا دينا الا قضيته ولا عدوا الا كفيته
ولا مريضا الا شفيته وعافيته ولا عاريا الا كسوته ولا عيبا الا
سترته ولا رزقا الا بسطته ولا خوفا الا امنته ولا شملا الا جمعته
ولا غائبا الا حفظته وادنيته ولا دعوة الا اجبتها ولا مسئلة الا
اعطيتها ولا امانة الا اديتها ولا فتنة الا صرفتها ولا حاجة من
حوائج الدنيا والآخرة لك فيها رضى ولي فيها صلاح الا قضيتها
يا ارحم الراحمين دعای [illegible] و بعد از زیارت حضرت امام رضا ع البته باید خواند
اللهم اني اسئلك يا الله الدائم في ملكه القائم في عزه المطاع في
سلطانه المنفرد في كبريائه المتوحد في ديمومية بقائه العادل
في بريته العالم في قضيته الكريم في تاخير عقوبته الهي حاجاتي
مصروفة اليك وآمالي موقوفة لديك وكلما وفقتني من خير
فانت دليلي عليه وطريقي اليه يا قديرا لا تؤده المطالب يا مليا
يلجا اليه كل راغب ما زلت مصحوبا منك بالنعم جاريا على عادة
الاحسان والكرم اسئلك بالقدرة النافذة في جميع الاشياء و
قضائك المبرم الذي تحجبه بايسر الدعاء وبالنظرة التي نظرت بها
الى الجبال فتشامخت والى الارضين فتسطحت والى السموات فارتفعت
والى البحار فتفجرت يا من جل عن ادوات لحظات البشر ولطف عن

دقائق

دقائق خطرات الفكر لا نحمد يا سيدي الا بتوفيق منك يقتضي حمدا ولا
نشكر على اصغر منة الا استوجبت بها شكرا فمتى تحصى نعماؤك يا الهي
وتجازى آلاؤك يا مولاي وتكافأ صنائعك يا سيدي ومن نعمك
تحمد الحامدون ومن شكرك تشكر الشاكرون وانت المعتمد للذنوب
في عفوك والناشر على الخاطئين جناح سترك وانت الكاشف للضر
بيدك فكم من سيئة اخفاها حلمك حتى ذهبت وحسنة ضاعفها
فضلك حتى عظمت عليها مجازاتك جللت ان يخاف منك الا العدل
وان يرجى منك الا الاحسان والفضل فامنن علي بما اوجبه فضلك
ولا تخذلني بما يحكم به عدلك سيدي لو علمت الارض بذنوبي
لساخت بي او الجبال لهدتني او السموات لاختطفتني او البحار لاغرقتني
سيدي سيدي سيدي مولاي مولاي مولاي قد تكرر وقوفي
لضيافتك فلا تحرمني ما وعدت المتعرضين لمسألتك يا معروف
العارفين يا معبود العابدين يا مشكور الشاكرين يا جليس الذاكرين
يا محمود من حمده يا موجود من طلبه يا موصوف من وحده يا محبوب
من احبه يا غوث من اراده يا مقصود من اناب اليه يا من لا يعلم
الغيب الا هو يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يدبر الامر الا هو
يا من لا يغفر الذنوب الا هو يا من لا يخلق الخلق الا هو يا من لا

الغيث الا هو صل على محمد وال محمد واغفر لي يا خير الغافرين رب اني
استغفرك استغفار حياء واستغفرك استغفار رجاء واستغفرك
استغفار انابة واستغفرك استغفار رغبة واستغفرك استغفار
رهبة واستغفرك استغفار طاعة واستغفرك استغفار ايمان واستغفرك
استغفار اقرار واستغفرك استغفار اخلاص واستغفرك استغفار
تقوى واستغفرك استغفار توكل واستغفرك استغفار ذلة واستغفرك
استغفار عامل لك هارب منك اليك فصل على محمد وال محمد وتب
علي وعلى والدي بما تبت وتتوب على جميع خلقك يا ارحم الراحمين
يا من تسمى بالغفور الرحيم يا من تسمى بالغفور الرحيم يا من تسمى بالغفور
الرحيم صل على محمد وال محمد واقبل توبتي وزك عملي واشكر سعيي
وارحم ضراعتي ولا تحجب صوتي ولا تخيب مسئلتي يا غوث المستغيثين
وابلغ ائمتي سلامي ودعائي وشفعهم في جميع ما سألتك واوصل
هداياي اليهم كما ينبغي لهم وزدهم من ذلك ما ينبغي لك باضعاف
لا يحصيها غيرك ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله
على طيب المرسلين محمد واله الطاهرين دعاء اخر اللهم لو وجدت
شفعاء اقرب اليك من محمد واهل بيته الاخيار الاتقياء
الابرار عليه وعليهم السلام لا استشفعت بهم اليك وهذا اقرار

وقف روضه رضويه

ولي من اوليائك وسيد من اصفيائك ومن فرضت على الخلق طاعته
قد جعلته بين يدي اسئلك يا رب بحرمته عندك وبحقه عليك
لما نظرت الي نظرة رحيمة من نظراتك تلم بها شعثي وتصلح بها
حالي في الدنيا والاخرة فانك على كل شيء قدير اللهم ان ذنوبي
لما فاتت العدد وجازت الامد علمت ان شفاعة كل شافع دون
اوليائك تقصر عنها فوصلت المسير من بلدي قاصدا الى وليك
بالبشرى ومتعلقا منه بالعروة الوثقى وها انا يا مولاي قد استشفعت
به اليك واقسمت به عليك فارحم غربتي واقبل توبتي اللهم
اني لا اعول على صالحة سلفت مني ولا اثق بحسنة تقوم بالحجة
عني ولو اني قدمت حسنات جميع خلقك ثم خالفت طاعة
اوليائك لكانت تلك الحسنات مزعجة لي عن جوارك غير حائلة بيني و
بين نارك فلذلك علمت ان افضل طاعتك طاعة اوليائك اللهم
ارحم توجهي بمن توجهت به اليك فلقد علمت اني غير واحد اعظم مقدارا
منهم لمكانهم منك يا ارحم الراحمين اللهم انك بالانعام موصوف
ووليك بالشفاعة لمن اتاه معروف فاذا شفع في متفضلا كان وجهك
علي مقبلا واذا كان وجهك علي مقبلا اصبت من الجنة منزلا اللهم
فكما اتوسل به اليك ان تمن علي بالرضا والنعم اللهم ارضه عنا

ولا تسخطه علينا واهدنا به ولا تضلنا فيه واجعلنا فيه على السبيل
الذي تختاره واضف طاعتي الى خالص نيتي في تحيتي يا ارحم الراحمين
اللهم صل على خيار خلقك محمد واله كما انتجبتهم على العالمين و
اخترتهم على علم من الاولين اللهم وصل على حجتك وصفوتك من
بريتك التالي لنبيك المقيم بامرك علي بن ابيطالب وصل على فاطمة
الزهراء سيدة نساء العالمين وصل على الحسن والحسين شنفي عرشك
ودليلي خلقك عليك ودعاتهم اليك اللهم وصل على علي ومحمد و
جعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والخلف الصالح الباقي
مصابيح الظلام وحججك على جميع الانام خزنة العلم ان يعدم وحماة
الدين ان يتقدم صلوة يكون الجزاء عليها اتم رضوانك ونوامي بركاتك
واحسانك اللهم العن اعدائهم من الجن والانس اجمعين وضاعف
عليهم العذاب الاليم اللهم بجل هذا السيد من طاعتك وبمنزلته
عندك لا تمتني فجاءة ولا تحرمني توبة وارزقني الورع من محارمك
دينا ودنيا واشغلني بالاخرة عن طلب الاولى ووفقني لما تحب و
ترضى وجنبني اتباع الهوى والاعتراف بالاباطيل والمنى اللهم
اجعل السداد في قولي والصواب في فعلي والصدق والوفاء في
ضماني ووعدي والحفظ والايناس مقرونين بعهدي ووعدي و

البر والاحسان من شاني وخلقي واجعل السلامة لي شاملة والعافية
بي محيطة ملتفة ولطيف صنعك وعونك مصروفا الي وحسن توفيقك
ويسرك موفورا علي واحيني يا رب سعيدا وتوفني شهيدا وطهرني للموت
وما بعده اللهم واجعل الصحة والنور في سمعي وبصري والجدة والجلاء
والخير في طرفي والهدى والبصيرة في ديني ومذهبي والميزان ابدا نصب
عيني والذكر والموعظة شعاري ودثاري والفكرة والعبرة انسي و
عمادي ومكن اليقين في قلبي واجعله اوثق الاشياء في نفسي و
اغلبه على رايي وعزمي واجعل الارشاد في عملي والتسليم لامرك
مهادي وسندي والرضا بقضائك وقدرك اقصى عزمي ونهايتي
وابعد همي وغايتي حتى لا اتقي احدا من خلقك بديني ولا اطلب به
غير اخرتي ولا استدعي منه اطرائي ومدحي اجعل خير العواقب عاقبتي
وخير المصائر مصيري وانعم العيش عيشي وافضل الهدى هداي و
اوفر الحظوظ حظي واجزل الاقسام قسمي ونصيبي وكن لي يا رب من كل
سوء وليا والى كل خير دليلا وقائدا ومن كل باغ وحسود ظهيرا و
مانعا اللهم بك اعتمادي وعصمتي وثقتي وتوفيقي وحولي وقوتي
ولك محياي ومماتي وفي قبضتك سكوني وحركتي وان بعروتك
استمساكي ووصلتي وعليك في الامور كلها اعتمادي وتوكلي و

من عذاب جهنم ومس سقر نجاتي وخلاصي وفي دار امنك وكرامتك
مثواي ومنقلبي وعلى ايدي سادتي ومواليّ الى المصطفى فوزي وفرجي
اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين و
المسلمات واغفر لي ولوالديّ وما ولدا واهل بيتي وجيراني ولكل
من قلدني يدا من المؤمنين والمؤمنات انك ذو فضل عظيم دعای سیزدهم
يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا لا يأتي عليها الا رضاك
فبحق من ائتمنك على سره واسترعاك امر خلقه وقرن طاعته بطاعتك
وموالاتك بموالاته تولّ صلاح حالي مع الله عز وجل واجعل حظي
من زيارتك تخليطي بخالصي زوارك الذين تسأل الله عز وجل في
عتق رقابهم وترغب اليه في حسن ثوابهم فها انا اليوم بقبرك لائذ
وبحسن دفاعك عني عائذ فتلافني يا مولاي وادركني واسأل الله عز و
جل في امري فان لك عند الله مقاما محمودا كريما صلى الله عليك وسلم
تسليما پس ضريح را ببوس و متوجه قبله شو و دستها بر داشته بگو اللهم انك [illegible]
فرضت علي طاعته واكرمتني بموالاته علمت ان ذلك لجليل مرتبته
عندك ونفيس حظه لديك ولقرب منزلته منك فلذلك لذت بقبره
لواذ من يعلم انك لا ترد له شفاعة فبقديم علمك فيه وحسن رضاك
عنه ارض عني وعن والديّ ولا تجعل للنار علي سبيلا ولا سلطانا

برحمتك يا ارحم الراحمين دعای چهاردهم اللهم اني اسئلك من النعمة
تمامها ومن العصمة دوامها ومن الرحمة شمولها ومن العافية حصولها
ومن العيش ارغده ومن العمر اسعده ومن الاحسان اتمه ومن الانعام
اعمه ومن الفضل اعذبه ومن اللطف انفعه اللهم كن لنا ولا تكن
علينا اللهم اختم بالسعادة آجالنا وحقق بالزيادة آمالنا واقرن
بعافيتك غدونا وآصالنا واجعل الى رحمتك مصيرنا ومآلنا
وتقبل بفضلك اعمالنا واجبر بلطفك احوالنا وصب سجال عفوك
على ذنوبنا ومنّ علينا باصلاح عيوبنا واجعل التقوى زادنا وفي
دينك اجتهادنا وعليك توكلنا واعتمادنا وثبتنا على نهج الاستقامة
واعذنا من موجبات الندامة وخفف علينا ثقل الاوزار وارزقنا
عيشة الابرار واصرف عنا شر الاشرار وكيد الفجار واعتق رقابنا
ورقاب آبائنا وامهاتنا من النار برحمتك يا عزيز يا غفار يا جليل
يا جبار اكفنا بحلالك عن حرامك واغننا بفضلك عمن سواك
انك على كل شيء قدير وبالاجابة جدير وصلى الله على محمد وآله اجمعين
دعای پانزدهم منقول از کتاب مزار و بعد از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام البته باید خواند
السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن نبي الله السلام
عليك يا ابن امير المؤمنين السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء السلام

عليك يا مولاي انا عبدكم وابن عبدكم المفترض على طاعتكم المقر بالرق
لكم صلوات الله وسلامه عليكم سيدي ومولاي انا زائركم وآملكم
ووافدكم ولكل زائر وآمل ووافد جائزة فاجعل جائزتي فكاك رقبتي
من النار وغفران ذنوبي وستر عيوبي ووفاء ديني واصلاح شأني
وكشف همي وغمي وكربي وحزني وعلتي وتوسيع رزقي وان يرزقني
المجاورة عندكم وعند اجدادكم وان يحشرني في زمرتكم وتحت لوائكم
وان لا يحرمني حوضكم وموردكم وان لا يردني من بين زواركم خائبا
لسوء عملي وعظم جرمي وقبح فعلي السلام عليك يا مولاي وابن مولاي
ما زاركم مكروب الا فرج الله عنه كربته واني يا مولاي يا امامي زرتك
عارفا بحقك مقرا بامامتك معترفا بامامتك واني مغموم مهموم
محزون معلول مكروب قد ضاقت علي الارض برحبها وخابت آمالي
وانقطع رجائي من كل احد الا من الله ومنكم وانسدت الطرق علي و
ليس لي ملجأ ولا منجا الا الى الله واليكم فقد قصدتكم من بلدي و
جعلتكم عند الله معتمدي فحاشا من كرمكم واحسانكم ان تردوني خائبا
ذليلا عليلا بعد ما جئت لفضلكم واحسانكم تاميلا والسلام
عليك ورحمة الله وبركاته وتحياته وصلواته وعلى الملائكة
الحافين حول حرمك الشريف المستغفرين لزوارك ورحمة الله وبركاته

دقيق روضه رضويه

دعاي نوزدهم

دعاي نوزدهم منقول از كتب مزار اللهم اني اسئلك يا ذا الجود الابدي والبقاء
السرمدي المنعوت بصفات الجلال في ازل الازال وابد الاباد يا من لا
تحويه الاقطار ولا يمر عليه الليل والنهار يا حاضرا ليس بموجود يا
غائبا ليس بمفقود يا من ليس بذكر ولا انثى ولا قول ولا معنى ويا من
عبرت عليه العقول بغير معرفة المعنى يا من لم يسبق كونه اولا على كونه
اخرا ولا كونه باطنا على كونه ظاهرا وجعل العقول في بيداء كبريائه
والهة حيرى يا من ليس بقريب فيناجى ولا بعيد فينادى يا الله يا اعدل
الاعدلين يا من تقدس عن افعال المخلوقين ويا باعث الانبياء المعصومين
اصلا وفرعا وخلقا وخلقا لينقاد الى اتباعهم عقول المامورين يا مستخلف
الائمة الطاهرين كما جرت سنته في الامم الماضين يا من علمه لا يحتاج
الى مقال وقصده لا يحتاج الى سؤال يا فاعلا بغير مباشرة وعالما [illegible]
معاشرة يا من تقدس عن قبل وبعد لانه لا قبل له ولا بعد يا من ليسبق
فعله على المعقولات لانه فاعل بغير مثال ولا ادوات يا فردا لم تؤنسه
المخلوقات يا واجدا لم توحشه العدمات يا مفنيا للموجود لا للسأم
وموجدا للمعدوم لاظهار الجواد والكرم ولا ينتظر حضور الازمنة
المستقبلات يا من جل وجوده الازلي عن حلول الارضين والسموات
وعزت عزته عن السكون والحركات يا من تحاذيه الاجرام ولا يتردد

في النقض والابرام صل على محمد الذي عقدت به الغمام ظللا وجعلته رحمة
وتوسلا خير البرية شابا وكهلا اطهر المطهرين شيمة واجود المستمطرين
احسانا واعظم الخلق جرثومة الذي اوضحت به الدلالات واقمت به
الرسالات وصل على المعصومين من عترته والطيبين من اسرته و
شرف لديك منازلهم وعظم عندك مراتبهم واجعل في الرفيق الاعلى
مجالسهم وارفع الى درجة رسولك درجاتهم وتمم بلقائهم سروره و
كما انجزت بامامتهم وعده فاقرر برؤيتهم عينه وعجل لنا فرجهم و
افعل بنا ما انت اهله يا ارحم الراحمين الهي كم من بلاء صرفته عني
وكم من نعمة اقررت بها عيني الهي انت الذي اجبتني في الاضطرار و
لبيت دعوتي عند العثار فما وجدتك بخيلا حين طلبتك ولا منقبضا
حين اردتك بل وجدتك لدعائي سامعا ولصوتي راحما فلا عدمت كريم
العنايات ولا خلوت من نعمك السابغات اللهم اني اقر بمحمد واوصيائه
ائمة وحججا وادلاء وسرجا فادعني يوم حشري بامامتهم فانك قلت
يوم ندعوا كل اناس بامامهم فهؤلاء ائمتي فاجعلني معهم في الدنيا والآخرة
اللهم صل على محمد وال محمد اولي الامر الذين امرت بطاعتهم واولوا
الارحام الذين امرت بصلتهم واهل الذكر الذين امرت بمسالتهم و
ذوي القربى الذين امرت بمودتهم والموالي الذين امرت بموالاتهم

ومعرفة حقهم واهل البيت الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا
اللهم اني اشهد بحقايق الايمان وصدق اليقين انهم خلفاؤك في ارضك
وحججك على عبادك والوسائل اليك وابواب رحمتك فصل عليهم
اجمعين واجعل حظي من دعائك اجابته ولا تجعل حظي منه تلاوته
اللهم اجعل مقامي هذا مقام اجابة واستعطاف ولا تجعله مقام
اهانة واستخفاف فقد عرفناك يا رب معطيا قبل السؤال فكيف
لا نرجوك عند الضراعة والابتهال لا سيما وقد وعدتنا بالاجابة
حين امرتنا بالدعاء وضمنت لنا بلوغ الرجاء وانت اوفى الضامنين
وارحم الراحمين واسئلك باسمك الذي استقر له كل شيء قراره و
عزك الذي خضع له كل شيء الا اذنت لصوتي ان يعرج اليك ولدعائي
ان يدخل عليك وان تغض بصرك عن خطيئتي كما امرت المؤمنين
لانك اولى به من المأمورين الهي ان اخلقت وجهي كثرة ذنوبي و
اسقطت منزلتي كثرة عيوبي ومنعتني منك احسانا وزادتني عليك
هوانا فاني اتوسل اليك باكرم خلقك عليك محمد وال محمد الا ان
عفوت عني يا مولاي واويلاه عصيت من هو اشفق علي من الامهات
والآباء واويلاه كلما تبت عرضت لي خطيئة اخرى واويلاه وموقفي
ذليلا في الملا واويلاه ان قال ربي خذوه فيا له من ماخوذ لا يقبل

فيه الفداء ولا تنفعه الرشى واويلاه تركتني خطيئتي كالطير ليس له
وكر ولا ماوى واويلاه يبلى جسمي وخطيئتي جديدة ليس تبلى
اللهم ان ذنوبي لما فاتت العدد وجازت الامد علمت ان شفاعة كل
شافع تقصر عنها حالة اعراضك لانك اذا اردت تعذيب المعذبين
اخليت ذكرهم من قلوب الشافعين ولا حول ولا قوة الا بك ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم فاسئلك بحق وجهك الكريم واوجه محمد
واهل بيته المشرفات لديك ومقامهم العظيم واسئلك بحق اسمائك و
صفاتك ووحدانيتك التي ضلت عنها الآراء وتاهت فيها العقول ان
كان ذلك في معلومك مني الا عفوت عني وحولت شقاوتي الى السعادة
فانك تمحو ما تشاء وتثبت وعندك ام الكتاب الهي عصيتك في بعض
الاوقات وامنت بك في كل الاوقات فكيف يغلب بعض عمري مذنبا
كل عمري مؤمنا الهي وعزتك لو كان لي صبرا على عذابك وجلدا على
احتمال عقابك لما سالتك العفو عني ولصبرت على انتقامك مني سخطا
على نفسي كيف عصيتك ومقتا لها كيف اقبلت عليها وادبرت معرضة
عنك الهي كيف ايس من رحمتك وانت ارحم الراحمين وكيف ارجع بالخيبة
عنك وانت اكرم الاكرمين ابيت الا اعفاء ولسائلك الا اعطاء
الهي امرت بالعفو وانت اولى من فعله وندبت الى الصفح وانت اولى

بالعفو

من عجله ومنك بدؤه وعوده وانت الذي يصلح الفاسدين ويرد
الشاردين فكيف تعرض عن المقبلين اليك ولهم شهود منك عليك سبحانك
وحنانيك يا رب العالمين اللهم انك قلت واما السائل فلا تنهر
وانا السائل لك والخائف منك فلا تنهرني ربي فما اولاك بحسن النظر
لي وبعتقي اذا ملكت رقي وبالعفو عني اذا قدرت على الانتقام مني رب
من ذا الذي يستعاذ به غيرك او يتضرع اليه سواك او يخضع له الا انت
يا ذا الحول الشديد الذي لا يطاق والقوة العظيمة التي لا يقوم لها شيء
رب ارحم هذه النفس الجزوع وهذا البدن الهلوع الذي لا يستطيع صوت
رعدك فكيف يستطيع صوت غضبك ولا يقوى على حر شمسك فكيف
يصبر على حر نارك فوعزتك لا الحن عليك ولا اقرعن الباب ابدا الدهر و
ان طردتني من بين يديك ولادعونك وان حرمتني اذ كان بدئي منك
وعودي اليك اللهم صل على محمد واله واجعل الموت خير غائب ينتظره
روحي والقبر خير بيت اسكنته جسدي واسئلك ان تلقني حجتي و — تلقنني خ ل
ان تريني ما تقر به عيني واسئلك ان تجعل ملك الموت الذي ترسله
الي شفيقا علي متعطفا على ضعفي اذا ارسل الي رب واذا لم يكن لي ذاكر
من اهل الدنيا فكن انت الذاكر لي والمونس لوحشتي والصافح عن
جرمي والمنور لقبري يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك يا قريب

صفاتك الى الكرم فانك امرت الموسر ان لا يبخل على المعسر وانت اقدر الموسرين
واكرم الاكرمين فلا تمنعني بجلال الملكوت تداركني يا مولاي فلما امرت
فانك كرهت للمضيف ان يمنع ضيفه القرى مع قدرته عليه وان لم
يهتك الضيف بمنعه والمضيف ينقصه البذل وانا ضيفك ومالي
غنى عن قراك ومتى منعتني بت طاويا في حماك ووصلت الى الهلاك
يا من لا ينقصه الاحسان ولا يزيده الحرمان يا مطلوبا في كل مكان
الهي ليس تشبه مسئلتي مسئلة السائلين لان السائل اذا منع امتنع و
رجع وانا اسالك والح عليك لثقتي بكرمك وجودك وحيائك
عن رد سائل مستعط لمعروفك يلتمس صدقتك وينيخ بفنائك و
يطرق بابك وعزتك وجلالك لو طبقت ذنوبي بين الارض والسماء
وخرقت النجوم وبلغت اسفل الثرى وجاوزت الارضين السابعة
السفلى واوفت على الرمل والحصى ما ردني الياس عن توقع غفرانك
ولا صرفني القنوط عن انتظار رضوانك رب ما احسن بلاءك عندي
وفعالك بي رب ناديتك مطيعا مستصرخا فاغثني وسالتك عائلا
فاغنني ونايت عنك فكنت قريبا مني فكيف لا اشكرك يا الهي وقد
اطلقت لساني بذكرك رحمة لي منك واضات بصري حجة منك علي
ودللت عقلي على توبيخ نفسي وقد اشرفت على الهلكة فتداركتني من

ثم لا بد

من ان يعذبك يا مولاي فكيف يستغني العبد عن ربه وكيف يستغني
المذنب عمن يملك عقوبته سيدي لم ازدد بمعصيتي الا فقرا و
لم تزدد عني الا غنى ولم تزدد ذنوبي الا كثرة ولم يزدد عفوك الا
سعة فارحم تضرعي اليك وانتصابي بين يديك يا ارحم الراحمين
اللهم ان هذه قبور اوليائك الذين فرضت طاعتهم وجعلت في
اعناق عبادك بيعتهم وخلفائك الذين بهم تاخذ وتعطي وبهم تثيب
وتعاقب وقد قصدتهم طمعا بما اعددته لاوليائك فاجعلني معهم
فاني لا افرق بين احد منهم الهي اتحرق بالنار وجهي وكان لك مصليا
الهي اتحرق بالنار عيني وكانت من خوفك باكية الهي اتحرق بالنار قلبي
وكان لك محبا الهي اتحرق بالنار جسمي وكان لك خاضعا الهي اتحرق
بالنار لساني وكان للقران تاليا ولك ذاكرا الهي اتحرق بالنار
اركاني وكنت لك راكعا وساجدا الهي رجائي منك احسان و
ظني بك غفران فاقلني عثرتي فقد كان الذي كان الهي بقيت بين
خوف ورجاء فخوفك يميتني ورجاؤك يحييني والذنوب صفاتي
والعفو من صفاتك يا من له رفق بمن يعاديه فكيف بمن يتولاه
ويستعطفه يا من كلما نودي اجاب انت الذي قلت من الذي دعاني
فلم البه ومن الذي سالني فلم اعطه ومن الذي قام ببابي فلم اجبه

انت الذي قلت انا الجواد ومني الجود وانا الكريم ومني الكرم ومن كرمي على
العاصين ان اكلاهم في مضاجعهم كانهم لم يعصوني واتولى حفظهم
كان لم يذنبوا رب اني اسئلك بالمراحم والمكارم التي انكرت بها على
الآيسين من روحك فقلت انه لا ييئس من روح الله الا القوم الكافرون
الا ما رضيت عني الهي لا تغضب علي فلست اقوم بغضبك ولا تتبرا مني
فاني ملازم لخدمتك فلست انف من خجل المطرودين ولا انقبض من
رد السائلين لعلمي بنقض ما ابرمته من الشقاء اذا الح السائل عليك
باكرم الاسماء يا من مهابة عدله لا تويس المسرفين وعموم فضله لا
يطمع العابدين يا خير من تذللت له الوجوه وخضعت له الرقاب يا
من ليس لخزائنه قفل ولا بواب يا من حيث ما دعي اجاب يا ملك
الملوك يا رب الارباب ما في عبادك اقسى قلبا مني ولا مولى اعظم
منك لي ادعوك دعاء ملح لا يمل الدعاء ولا يقطع الرجاء دعاء
ملح تواترت عليه همومه واخضع لك خضوع من قهرته غمومه فو
حيوة وجهك الكريم وعزك القديم وجودك العميم لولا ما اومل من
غفرانك الذي شمل كل شيء لالقيت بيدي ولو استطعت الهرب
لهربت لكن لا يعزب عنك في نار ولا جنة فهربت منك اليك فلا
تبطل طمعي ولا تخفر ذمتي ولا تخيب وسيلتي يا ارحم الراحمين سبحانك

ذي العز

ذي العز الشامخ والجلال الباذخ والمجد الكامل والعطاء الفاضل و
الفضل السابغ لا حول ولا قوة الا بالله التجاء الى الله وتوكلا عليه
لا حول ولا قوة الا بالله استعانة بالله ورد الامر اليه لا حول ولا قوة
الا بالله تمسكا بالله واعتصاما بحبله واعز الخلق عليه ما شاء الله
تضرعا الى الله واستكانة له ما شاء الله توجها الى الله واقرارا به
وتوكلا عليه ما شاء الله تلطفا لله واعتمادا عليه ما شاء الله
وسيلة الى الله والحاحا عليه انت الله ربنا الذي اياه نعبد وكنت
قبل الايام والازمان وكونت كل شيء فاحسنت كونه فانت الله
الذي لا تضمك الجهات ولا يحويك المكان فانت الله لا اله الا
انت حي قيوم ملك قدوس دائم متعال غير موصوف ولا محدود
تعظمت حميدا وتجبرت حليما وتكبرت رحيما وتعاليت عزيزا
وتعززت كريما وتقدست مجيدا وتمجدت مليكا وتباركت قديرا
وتوحدت ربا قادرا عالما جليلا حميدا عليا كبيرا وتفردت
بخلق الخلق كله فما من بارئ مصور متقن غيرك وتفضلت قيوما
قادرا محمودا عاليا قاهرا محسنا معبودا مذكورا مبديا معيدا محييا
مميتا باعثا وارثا وتطولت عفوا غفورا وهابا توابا رحيما رؤفا
ودودا قريبا مجيبا سميعا بصيرا حليما حكيما حنانا منانا اسئلك

تفويضا الى الله لا حول ولا قوة الا بالله ع

باسمك الذي شق به البحر وابرم الامر وقدر الرزق واسبل الستر وانزل
القطر واعشب البر واسجر البحر ونور البدر وخص بالذكر محمد
الطهر وعلي البدر وولاة الامر حكام ليلة القدر يا لا اله الا انت
بحق لا اله الا انت يا لا اله الا انت برحمة لا اله الا انت يا لا اله الا
انت بعظمة لا اله الا انت يا لا اله الا انت بجلال لا اله الا انت
يا لا اله الا انت بكمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت ببهاء لا اله
الا انت يا لا اله الا انت بقدرة لا اله الا انت يا لا اله الا انت
بقدس لا اله الا انت يا لا اله الا انت بسبحان لا اله الا انت يا
لا اله الا انت بملكوت لا اله الا انت يا لا اله الا انت بجبروت
لا اله الا انت يا لا اله الا انت بفضل لا اله الا انت يا لا اله الا
بعدل لا اله الا انت يا لا اله الا انت بكرم لا اله الا انت يا
لا اله الا انت بقوة لا اله الا انت يا لا اله الا انت بصدق
لا اله الا انت اسئلك بجميع الاقسام كلها ان تصلي على محمد وال
محمد وان تفعل بي فعل عزيز تضرع اليه ذليل فرحمه وفعل غني
خشع له فقير فنفعه وفعل جبار استسلم اليه خائف فامنه
رب امني من طردك وابعادك واجعلني من اكرم عبادك واسئلك
باسمائك التي اذا سميت بها على طوارق العسر عادت يسرا واذا

ونفذ

وضعت على الجبال صارت هباء منثورا واذا رفعت الى ابواب السماء
تفتحت بها المغالق واذا اهبطت الى ظلمات الارض اتسعت بها
المضايق واذا ضربت بها الموتى انتشرت من اللحود واذا نوديت
بها المعدومات خرجت الى الوجود واذا ذكرت على القلوب وجلت
خشوعا واذا قرعت بها الاسماع فاضت العيون دموعا وبمحمد رسولك
المؤيد بالمعجزات المنعوت بمحكم الايات وبامير المؤمنين علي ابن
ابيطالب الذي اخترته لمواخاته ووصيته واصطفيته لخلافته
ومصاهرته وبحق ذريتهما الاطهار حماة الدين وعروته
بحق مولينا وخليفتنا صاحب الزمان المؤيد بالرعب وملائكته
ومن يجتمع على طاعته جميع الممالك من اهل مملكته ويتالف له
الاهواء المتفرقة من رعيته وتتخلص به حقوق اوليائك وتنتقم
من شرار اعدائك وتملاء الارض عدلا وقسطا وتوسع العباد بظهوره
فضلا واحسانا وتعيد الحق بمكانه عزيزا حميدا وترجع الدين على
يديه غضا جديدا ان تصلي على محمد وال محمد فقد استشفعت بهم
اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي اليك وان توزعني شكر
نعمتك في التوفيق لمعرفتهم والهداية الى طاعتهم وتزيدني قوة
في التمسك بعصمتهم والاقتداء بسنتهم والكون في زمرتهم انك حميد

مجيد سبحان الله الدائم فكاك الغارم رازق البهائم ليس في ديموميته
ابتداء ولا زوال ولا في ابديته انتهاء ولا استقبال اللهم ان هذا
مشهد لا يرجوا من فاته فيه رحمتك ان ينالها في غيره ولا احد
اشقى من امرء قصده مؤملا فآب عنه خائبا اللهم اني اعوذ بك من سوء
الاياب وخيبة المنقلب والمناقشة عند الحساب وحاشاك يا رب
ان تقرن طاعة اوليائك بطاعتك ومعصيتهم بمعصيتك وموالاتهم
بموالاتك ثم تؤيس زائرهم والمتحمل الى قبورهم من بعد البلاد لا وعزتك
لا ينعقد على ذلك ضميري اذ كانت القلوب اليك بالجميل تشير لا
وقد امرت عبادك بصلة السائلين واجازة الوافدين والاحسان
الى المسيئين واسئلك بما خصصت محمدا وآله من العنايات واكرمتهم
باحسن الصفات حتى برزوا على الاقران فجعلتهم ائمة الزمان وشرط
الايمان حيث سبقوا الخلائق الى توحيدك فخلقت نورهم من نورك
وحميت اجسادهم من ارجاس الكافرين لتمام قدرك في رؤساء
المخلوقين الا ما كتبت لي الرحمة التي كتبتها على نفسك واجتبيتني
لنفسك وخلصتني من تبعات خلقك وقلت لدعائي قد اتيتك يا
عبدي ما سألتني واردتك حيث اردتني بفضلك وكرمك يا ارحم
الراحمين وعزتك يا مولاي لتفعلن وعزتك يا مولاي لتفعلن

وعزتك يا مولاي لتفعلن سبحانك طوت الابصار في صنعك مديدتها
وثنت الالباب عن كنهك اعنتها فانت المدرك غير المدرك والمحيط
غير المحاط يا امان الخائف وكهف اللاهف وجنة العائذ وغوث اللائذ
سبحانك ما اسمعك اذا نوديت وانصتك اذا نوجيت وارحمك اذا
استرحمت الهي ما طابت الدنيا الا بخدمتك وما طاب القبر الا بمؤانستك
وما طابت الجنة الا بمخاطبتك ومجاورتك فاجعلني من افضل
عبادك واهل طاعتك اللهم صل على محمد وآل محمد واكرم
اوليائك بانجاز وعدك وبلغهم ما يأملون من نصرك واكفف
عنهم بأس من نصب الخلاف عليك وتمرد بمنعك على ركوب مخالفتك
وحققت لنا تقدير حكمتك في المخلوقين لقولك الصادق اليقين و
كان حقا علينا نصر المؤمنين يا من اسكن بروق انواره في قلوب
الائمة الهادين واجال رعود المهابة في صدور خلصائه المعصومين
وامطر سحائب الوعيد في عقول امنائه المخبتين حيث وصفهم
بعباده الصالحين اسئلك يا مولاي بمحمد صلى الله عليه وآله
واوصيائه الطيبين ان تعتق رقبتي وتفسح في اجلي وتبلغني فيه
املي وكما اكملت خلقي لعبادتك وعقلي بمعرفتك فارض عني فاني
اعلم اني لا اصلح للجنة وانت تعلم اني لا اصبر على النار انا الذي

احللت العقوبة بنفسي واوبقتها بالمعاصي جهدي وعرضتها للمهالك
بكل قوتي ولست بذي قوة فانتصر ولا ذي عذر فاعتذر فارحم
انكساري وتضرعي اليك يا مولاي يا من لا يستحيي من مسئلته ولا
يرجى العفو الا من قبله اشكو اليك ما لا يخفى عليك واسئلك ما
لا يعظم عليك واسألك بكل قسم يوجب الزلفة لديك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تعطي محمدا افضل ما سألك لهم كل سائل و
اجزل ما رغب اليك فيه كل راغب حتى تفضلهم على جميع خلقك و
زدهم بعد ذلك ما انت اهله من كرمك وطولك اسئلك يا مولاي
سؤال المستمسكين بحرمك المفتقرين الى نظرك يا مولاي ان العرب
اذا استجير باطناب بيوتها اجارت وانت سيد العرب والعجم وقد
استجرت بركن من اركان توحيدك وبيت من بيوت نبيك وتربة
من ترب خلفائك الذين اظهروا سلطانك واقاموا احكامك يا مغيث
اغثني فلهذه الشدة رجوتك يا مولاي اسألك باسمائك التي كتبتها
على قلوب صفيائك محمد واله امنائك فعرفوا ما عرفتهم وفهموا
ما فهمتهم وعقلوا ما اوجبت اليهم من خصائصك وعزائمك و
ضربت امثالهم وازنت برهانهم وقرنت باسمك اسمائهم الا
خلصتني من كل سوء انا فيه يا مخلص الشجر من بين رمل وطين وماء

ويا مخلص اللبن من بين فرث ودم ويا مخلص النار من بين الحديد والحجر
ويا مخلص الولد من بين مشيمة ورحم ويا مخلص الروح من بين الاحشاء
والامعاء خلصنا من اهوال يوم القيمة الهي اذا لم تفعل بي ما اريد
على ما تريد سيدي كيف افرح وقد عصيتك وكيف احزن وقد عرفتك
وكيف ادعوك وانا عاص وكيف لا ادعوك وانت كريم اين مغرق فرعون
لموسى اين ناصر محمد يوم بدر اين ناصر علي يوم الاحزاب اين اجدك يا
مولاي بل اين لا اجدك وانت اقرب الي من حبل الوريد انزل عليك
اذا نزلت وارحل اليك اذا رحلت فصل على محمد واله وارحم صوتي
من بين المصوتين ولا تجبهني بالرد يا ارحم الراحمين رب قد اجبتك
فاجبني وسألتك فاعطني وارض عني فقد ارضيتني بحق امنائك و
امينك واصفيائك وصفيك محمد المحمود ذي المقام المشهود والحوض
المورود وبحق الرسالة التي اداها والعبادة التي اجتهد فيها والمحنة
التي صبر عليها والمعرفة التي دعا اليها والديانة التي حض عليها
وبحق اقواله الحكيمة وافعاله الكريمة ومقاماته المشهودة وساعاته
المعدودة ان تصلي عليه وعلى عترته المخلوقين من لحمته السادة
المتقين من تبعته والقائمين مقامه في بلاغ رسالته والمخصوص
من قرابته بابنائه وعترته علي واولاده المطهرين بطهارته

وان تمسح ما بي بيمينك الشافية وان تنظر الي بعينك الراحمة وان تروحني
العفو والعافية رب لا تخيب رجائي فانه منوط بك ولا تصغر كفا ممدودة
اليك ولا تذل نفسا عزيزة بمعرفتك ولا تسلب عقلا مستضيئا بنور
هدايتك ولا تقذ عينا فتحتها بنعمتك ولا تخرس لسانا عودته
الثناء عليك وكما كنت اولى بالفضل فكن اولى بالاحسان الناصية
بيدك والوجه عان لك والخير متوقع منك والمصير على كل حال اليك
اللهم صل على الامي محمد والهاشمي احمد والنبي العاقب والرسول
العربي المكي المدني السراج المضيء السيد المكي الحمي البهي الوضيء
الرضي السخي التقي صاحب الوقار والسكينة المدفون في المدينة
العبد المؤيد والرسول المسدد والمصطفى الامجد ابي القاسم محمد
اللهم وصل على السيد المطهر والامام المظفر والشجاع الغضنفر
ابي شبير وشبر الانزع البطين والاشرف المكين العلم المبين والناصر
المعين ولي الدين المرضي المخلص الصفي المدفون بالغري ليث بني
غالب ابي الحسن علي بن ابي طالب اللهم وصل على السيدة الجليلة
الكريمة النبيلة ذات الاحزان الطويلة والمدة القليلة المدفونة
سرا المغصوبة جهرا المجهولة قدرا المخفية قبرا الانسية الحوراء
فاطمة الزهراء اللهم وصل على السيد المجتبى الامام المرتجى سبط

المصطفى

المصطفى وولد المرتضى الشفيع بن الشفيع المقتول بالسم النقيع المدفون
بارض البقيع العالم بالفرائض والسنن صاحب الجود والمنن ابي محمد
الحسن اللهم وصل على السيد الزاهد الامام العابد الراكع الساجد
قتيل الكافر الجاحد صاحب المحنة والبلاء المدفون بارض كربلاء
مولى الثقلين ابي عبد الله الحسين اللهم وصل على ابي الائمة
وسراج الامة وكاشف الغمة ومحيي السنة وولي النعمة وسني الهمة و
رفيع الرتبة وصاحب الندبة المدفون في ارض طيبة زين العابدين
علي بن الحسين اللهم وصل على قمر الاقمار ونور الانوار وسيد
الابرار وقائد الاخيار الامام الوجيه المدفون عند جده وابيه
الحبر الملي عند العدو والولي ابي جعفر الباقر محمد بن علي اللهم وصل
على الصادق الصديق العالم الوثيق الحليم الشفيق الهادي الى الطريق
ساقي شيعته من الرحيق ومبلغ اعدائه الى الحريق صاحب الشرف البديع
والفضل الجميع الذي شرفت بجسده الطاهر ارض البقيع الامام
الممجد ابي عبد الله جعفر بن محمد اللهم وصل على السيد الكريم
والامام الحليم الصابر الكاظم سمي الكليم قائد الجيش المدفون
بمقابر قريش صاحب المحل الانور والشرف الازهر ابي ابراهيم موسى
بن جعفر اللهم وصل على الامام المعصوم والغريب المظلوم والشهيد

كتابخانه آستان قدس

المسموم والقتيل المرحوم والعليم المكتوم والبدر بين النجوم شمس
الشموس وانس النفوس المدفون في ارض طوس الرضي المرتضى السيد
المجتبى والامام المرتجى ابي الحسن علي بن موسى الرضا اللهم وصل
على الامام العامل والشجاع الكامل المذكور في الهداية والرشاد
الجواد الاجواد الاخذين شيعته بالاعضاد عند قيام الاشهاد
المدفون بارض بغداد الامام الهاشمي والنور الاحمدي الملقب
بالتقي المكنى بابي جعفر محمد بن علي الجواد اللهم وصل على الامامين
العالمين الاعلمين النقيين السيدين الفاضلين الحبرين وارثي
المشعرين واهلي الحرمين كهفي التقى وذخيري الورى طودي النهى
المدفونين بسر من رای كافي المحن ابي الحسن علي بن محمد وابي محمد
الحسن بن علي اللهم وصل على الدعوة النبوية والاصول الحيدرية
والشهب الفاطمية والصلوة الحسنية والشجاعة الحسينية و
العبادة السجادية والماثر الباقرية والاثار الجعفرية والعلوم
الكاظمية والحجج الرضوية والشروح الجوادية بالسيرة الهادية
والهيبة العسكرية القائم بالحق والداعي الى الصدق كلمة الله
امان الله حجة الله القائم بقسط الله الذاب عن حرم الله التاصر
لدين الله الحجة بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر

ابن محمد

بن محمد بن علي بن الحسين ابن اخي الحسن ابن علي بن ابيطالب اخي ٥
رسول الله محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم صلوات الله عليهم
اجمعين اللهم بحقهم اتوسل اليك ان تصلي عليهم وان ترحم غربتي
في الدنيا وصرعتي عند الموت ووحشتي في القبر وذل مقامي اذا
عرضت عليك اللهم لك الحمد مثل ما حمدت به نفسك وحمدك
به الحامدون ومجدك به المجدون وكبرك به المكبرون وعظمك
به المعظمون حتى يكون لك مني وحدي في كل طرفة عين واصلا من
حمدك مثل حمد الحامدين وتوحيد اصناف المخلصين وتقديس احبائك
العارفين وثناء جميع المهللين ومثل ما انت به عارف ومحجوب من
جميع خلقك من الحيوان وارغب اليك في بركة ما انطقتني به من
حمدك فما ايسر ما كلفتني من حقك واعظم ما وعدتني على شكرك
ابتداتني بالنعم فضلا وطولا وامرتني بالشكر حقا وعدلا ووعدتني
اضعافا ومزيدا واعطيتني من رافتك واسعا كثيرا وسالتني منه
يسيرا صغيرا واصطفيت محمدا صلعم باعظم الشان واوجبت به و
بعترته الامان فبحقهم عليك اسالك ان تغفر لي ما لا يسعه
الا مغفرتك ولا يلحقه الا عفوك فليس لامرك مدفع ولا عن
قضائك ممتنع فبك اصول على الاعداء ومنك ارجو ولاية الاحباء

فما اكثر ما اوليت من عوائد افضالك واعطيت من الوان ارفادك
لا اله الا انت تردّيت المجد بالعزّ وتعظّمت العزّ بالكبرياء وتزيّنت
الكبرياء بالنور وتغشّيت النور بالبهاء وتجلّلت البهاء بالمهابة
لك المنّ الباذخ والسلطان الشامخ والجود الواسع اذ خلقتني
سميعا بصيرا صحيحا سويّا سالما معافا لم تشغلني في نقصان من بدني
ولم تمنع كرامتك ايّاي وفضل منائحك عليّ اذ وسّعت عليّ الدنيا
وجعلت لي سمعا يعقل آياتك وبصرا يرى قدرتك وفؤادا يعرف
عظمتك وانا بفضلك حامد لك ونفسي شاكرة بحقّك شاهدة
بانّك حيّ قبل كلّ حيّ وحيّ بعد كلّ ميّت وحيّ ترث الاحياء لم تقطع
خيرك عنّي في كلّ وقت ولم تنزل بي عقوبات النقم ولم تغيّر عليّ
دقايق العصم فلو لم افكّر من احسانك الّا في عفوك عنّي والاستجا[بة]
لدعائي حتى رفعت راسي بتوحيدك وتمجيدك والّا في تقدير حظّي
حين صوّرتني فاحسنت صورتي في تقدير رزقي ففي ذلك
ما يشغل شكري على جهدي فكيف اذا فكّرت في النعم العظام
التي اتقلّب فيها ولا ابلغ شكر شيء منها فلك الحمد على ما [حفظه]
علمك واحاطت به قدرتك ووسعته رحمتك فصلّ على محمّد
وآله وتمّم احسانك فيما بقي كما احسنت فيما مضى فانّي

اتوسّل

اتوسّل اليك بتوحيدك وتمجيدك وتهليلك وتكبيرك وتعظيمك و
نورك ورأفتك ورحمتك وعلوّك ووقارك و[جلالك صح] وجمالك ومنّك وكمالك و
سلطانك وقدرتك ونبيّك محمّد وعترته الطاهرين ان لا تحرمني
فوائدك ومواهبك فانّه لا تعتريك لكثرة ما يسّرت من العطايا عوائق
البخل ولا ينقص جودك التقصير في شكر نعمتك ولا تؤثّر في جودك العظيم
نحلك الفائضة الجليلة ولا تخاف ضيم املاق فوسيلتي اليك يا الله
التوحيد وذريعتي انّي لم اشرك بك شيئا فاغفر لي ما بينهما انّك على
كلّ شيء قدير الهي ما في جسمي شعرة نابتة الّا وتحتها نعمة ثابتة الهي انت
الجواد اللطيف وانا الفقير الضعيف الهي انّ الكريم منّا ليعفو عمّن ظلمه
فكيف لا تعفو عمّن لم يظلمك وانّما ظلم نفسه وانت اولى الاكرمين
بالعفو اللهمّ انّي استلهمك حسن شكرك واستوهبك بسط لساني في
الارشاد لمادحك وارغب اليك في تسديدي بما يكتسب مزيدك
واعوذ بك ممّا يستدعي حلول غيرك فاعنّي على الدنيا بالقناعة وعلى
الدين بالعصمة والزهادة واغنني بالافتقار اليك ولا تفقرني
بالاستغناء عنك انّما امرك اذا اردت شيئا ان تقول له كن فيكون
فقل برحمتك لطاعتك ان تدخل في كلّ عضو من اعضائي ثمّ لا تفارقني
حتى القاك وقل برحمتك لمعصيتك اخرجي من الدنيا وتزهّدني فيها

[illegible]

ولا تزوها عني وترغبني فيها يا الله يا رحمن يا رحيم يا من ليس لاحد
منه بد ولا لاحد عنه غنى يا رازق المقلين ويا راحم المساكين يا
ذا القوة المتين يا اله المؤمنين يا ارحم الراحمين صل على محمد وآله وافعل
بي ما انت اهله يا اول الاولين واخر الاخرين اللهم وفقني لرفض
البدع والراي المخترع ووفقني للتي هي ازكى الحمد لله الذي يصف ولا
يوصف ويعلم ولا يعلم انت صاحبي في كل شديدة دخلت علي ولا
انكر فضلك لانك مفرج كل بلوى ولكل عظيمة تدعى ولكل شديدة
ترجى واليك يا مولاي المشتكى انت المرتجى فما اكبر همي ان لم تفرج
وازل لساني ان لم تبسطه واخف ميزاني ان لم تثقله فصل على محمد
وآله وارحمني الهي ما توهمت بنفسك الا وكانت نعم عفوك تقرع مسامعي
ان قد غفرت لي فصدق يا مولاي ظني وكذب خوفي وحقق رجائي
يا رجاء المؤمنين يا غياث المتوكلين يا محب التوابين تب علي يا الله
يا رحمن يا رحيم يا رب يا ملك يا محيط يا قدير يا عليم يا حكيم يا تواب
يا واسع يا بديع يا سميع يا كافي يا رؤف يا شاكر يا اله يا واحد يا غفور
يا حليم يا قابض يا باسط يا حي يا قيوم يا علي يا عالي يا عظيم يا ولي
يا غني يا حميد يا قائم يا وهاب يا سريع الحساب يا خبير يا رقيب
يا حسيب يا شهيد يا غفور يا مغيث يا وكيل يا فاطر يا قاهر يا قادر

يا لطيف

يا لطيف يا حكيم يا محيي يا مميت يا نعم المولى يا نعم النصير يا حفيظ يا قريب
يا مجيب يا قوي يا مجيد يا ودود يا مستعان يا غالب يا قاهر يا كبير يا
متعالي يا منان يا خالق يا صادق يا وارث يا غافر يا كريم يا باعث يا
حق يا مبين يا نور يا هادي يا فاتح يا شكور يا غافر الذنب يا قابل التوب
يا شديد العقاب يا ذا الطول يا رازق يا ذا القوة المتين يا بر يا مليك
يا مقتدر يا باقي يا ذا الجلال والاكرام يا اول يا اخر يا ظاهر يا باطن
يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق
يا بارئ يا مصور يا ذا المعارج يا مبدئ يا معيد يا اعلى يا اكرم يا احد
يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد صل على محمد
وآل محمد وعجل فرجهم وافعل بنا ما انت اهله يا الله يا ارحم
الراحمين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على سيد
المرسلين محمد المصطفى وعلى اخيه علي المرتضى وعلى ذريتهما ٥
الطاهرين امين يا رب العالمين دعاى بيستم دعاى عهد حضرت صاحب الزمان
عليه التحية والثناست كه در زمان غيبت آنحضرت امر بخواندن آن در اكثر اوقات واقع شده
ودر اماكن متبركه وروضات منوره البته بايد خواند منقول از مصباح الزائر ابن طاوس عليه الرحمه
كه او روايت كرده از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع كه آنحضرت فرمودند
بدرستيكه كسى كه دعا كند حق تعالى را چهل صباح باين دعاى عهد ميگرداند حق تعالى او را از انصار

و یاوران قائم آل محمد حضرت صاحب الزمان ع پس هرگاه اگر فوت شود قبل از خروج حضرت
صاحب الزمان علیه صلوات الله الملک المنان حق تعالی در وقت ظهور حضرت صاحب ع او را
زنده گرداند و از قبر بیرون آورد و بخدمت حضرت صاحب علیه السلام رساند و بعدد هر کلمه
این دعا هزار حسنه باو عطا کند و هزار سیئه از نامهٔ اعمال او محو فرماید اللّهمّ ربّ
النور العظیم والکرسیّ الرفیع وربّ البحر المسجور ومنزل التوریة
والانجیل والزبور وربّ الظلّ والحرور ومنزل القرآن العظیم و
ربّ الملائکة المقرّبین والانبیاء والمرسلین اللّهمّ انّی اسئلک
بوجهک الکریم وبنور وجهک المنیر وملکک القدیم یا حیّ یا قیّوم
اسئلک باسمک الذی اشرقت به السموات والارضون وباسمک
الذی یصلح به الاوّلون والآخرون یا حیّ قبل کلّ حیّ ویا حیّ بعد
کلّ حیّ حین لا حیّ یا محیی الموتی ومميت الاحیاء یا حیّ لا اله الّا
انت اللّهمّ بلّغ مولانا الامام الهادی المهدیّ القائم بامرک
صلوات الله علیه وعلی آبائه الطاهرین عن المؤمنین والمؤمنات
فی مشارق الارض ومغاربها وسهلها وجبلها وبرّها وبحرها
وعنّی وعن والدیّ من الصلوة زنة عرش الله ومداد کلماته
وما احاط به علمه واحصاه کتابه اللّهمّ انّی اجدّد له فی صبیحة
یومی هذا وما عشت من ایّامی عهدا وعقدا وبیعة له فی عنقی

لا احول عنها ولا ازول ابدا اللّهمّ اجعلنی من انصاره واعوانه والذابّین
عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین لاوامره و
المحامین عنه والسابقین الی ارادته والمستشهدین بین یدیه اللّهمّ
ان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتما مقضیّا
فاخرجنی من قبری مؤتزرا کفنی شاهرا سیفی مجرّدا قناتی ملبّیا
دعوة الداعی فی الحاضر والبادی اللّهمّ ارنی طلعته الرشیدة
والغرّة الحمیدة واکحل ناظری بنظرة منّی الیه وعجّل فرجه وسهّل
مخرجه واوسع منهجه واسلک بی محجّته وانفذ امره واشدد
ازره واعمر اللّهمّ به بلادک واحی به عبادک فانّک قلت وقولک
الحقّ ظهر الفساد فی البرّ والبحر بما کسبت ایدی الناس فاظهر
اللّهمّ لنا ولیّک وابن بنت نبیّک المسمّی باسم رسولک حتّی لا
یظفر بشیء من الباطل الّا مزّقه ویحقّ الحقّ ویحقّقه واجعله اللّهمّ
مفزعا لمظلوم عبادک وناصرا لمن لا یجد ناصرا غیرک ومجدّدا لما
عطّل من احکام کتابک ومشیّدا لما ورد من اعلام دینک وسنن
نبیّک صلّی الله علیه وآله واجعله اللّهمّ ممّن حصّنته من بأس
المعتدین اللّهمّ وسرّ نبیّک محمّدا صلّی الله علیه وآله برؤیته
ومن تبعه علی دعوته وارحم استکانتنا بعده اللّهمّ واکشف

هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم یرونه
بعیدا ونریه قریبا برحمتک یا ارحم الراحمین پس دست راست خود را بر زانوی
خود بزن سه مرتبه وبگو العجل العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان سه مرتبه

باب ششم در زیارات جامعه اولاد حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و انبیاء
سابقین علی نبینا وعلیهم السلام الی یوم الدین وثواب زیارت حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر
علیهم السلام در قم و زیارت شاهزاده واجب التعظیم امام زاده عبد العظیم الحسنی ع در ری
وثواب زیارت قبور مؤمنین وآداب آن ودرین سه مقصد است **مقصد اول** در زیارات
جامعه که هر یک از اولاد کرام ذوی العز والاحترام حضرات ائمه انام علیهم السلام الی یوم القیام را
مثل عباس بن حضرت امیر المؤمنین و ع اصغر شهید در کربلای پر بلا که فیما بین العوام
مشهور بعلی اکبر است وقاسم بن حضرت امام موسی کاظم علیهما السلام وجمعی از امام زادها
که در نیکوکاری واطاعت حق تعالی مثل ومانند ایشان بوده اند میتوان نمود وثواب زیارت
حضرت فاطمه بنت حضرت امام موسی کاظم علیهما السلام در قم و زیارت شاهزاده واجب
التعظیم امام زاده عبد العظیم ع در ری در زیارت اولاد ائمه انام علیهم السلام سه زیارت جامعه درین
مختصر ایراد شد **زیارت جامعه اول** اولاد ائمه انام علیهم السلام الی یوم القیام منقول از
از مصباح الزائر ابن طاوس بعد از رعایت آداب سابقه در نزد قبر یا ضریح مبارک آنحضرت
در برابر او پشت بقبله بایست وبگو السلام علیک ایها السید الزکی الطاهر
الولی الداعی الحفی اشهد انک قلت حقا ونطقت صدقا ودعوت

الی مولای ومولاک علانیة وسرا فاز متبعک ونجا مصدقک وخاب و
خسر مکذبک والمتخلف عنک اشهد لی بهذه الشهادة عندک لاکون من
الفائزین بمعرفتک وطاعتک وتصدیقک واتباعک والسلام علیک
یا سیدی وابن سیدی انت باب الله المؤتی منه والماخوذ عنه اتیتک
زائرا وحاجاتی لک مستودعا وها انا ذا مستودعک دینی وامانتی
وخواتیم عملی وجوامع املی الی منتهی اجلی والسلام علیک ورحمة الله
وبرکاته پس دو رکعت نماز زیارت کن وتسبیح حضرت فاطمه ع بجا آر وار تلاوت
قرآن مجید وادعیه وآداب که بعد از زیارت اول حضرت امام رضا ع مذکور شد آنچه ممکن
شود بعمل بیار وبعد از فراغ از اعمال وداع کن چنانچه گذشت **زیارت جامعه دویم** اولاد
ائمه انام علیهم السلام الی یوم القیام منقول از مصباح الزائر ابن طاوس بعد از رعایت آداب
سابقه در نزد قبر یا ضریح آنحضرت در برابر او پشت بقبله بایست وبگو السلام علی
جدک المصطفی السلام علی ابیک المرتضی الرضا السلام علی السیدین
الحسن والحسین السلام علی خدیجة سیدة نساء العالمین السلام
علی فاطمة ام الائمة الطاهرین السلام علی النفوس الفاخرة وبحور
العلوم الزاخرة شفعائی فی الآخرة واولیائی عند عود الروح الی
العظام النخرة ائمة الخلق وولاة الحق السلام علیک ایها الشخص
الشریف الطاهر الکریم اشهد ان لا اله الا الله وان محمدا عبده

ومصطفاه وان عليا وليه ومجتباه وان الامامة من ولده الى يوم
الدين نعلم ذلك علم اليقين ونحن لذلك معتقدون وفي نصرهم
مجتهدون پس دو رکعت نماز زیارت کن وتسبیح حضرت فاطمه زهرا ع بجا آر واز تلاوت
قرآن مجید وادعیه وآداب که مذکور شد آنچه میسر ومقدور شود بعمل آر وبعد از فراغ وداع کن
چنانچه گذشت زیارت جامعه سیوم اولاد ائمه انام علیهم السلام الى يوم القيام منقول از مزار
شیخ مفید علیه الرحمه بعد از رعایت آداب بقعه در نزد قبر یا ضریح مبارک آنحضرت در برابر
او وپشت بقبله بایست وبگو السلام عليك يا مولاي وابن مولاي السلام
عليك يا سيدي وابن سيدي السلام عليك يا صفوة الله وابن
صفيه السلام عليك يا خزان العلم والحلم اشهد انك قلت حقا
واشهد انك جدت بنفسك وطلبت ما عند الله جل ذكره اتيتك
بابي وامي متقربا الى الله بزيارتك راغبا اليك في الشفاعة بعظيم
منزلتك جئتك استشفع بك الى الهي ليقضي حوائجي فكن لي شفيعا يوم
فقري وفاقتي وانتم اهل بيت النبوة لا يبتلي من تولاكم ولا يخيب
من اتاكم ولا يخسر من يهويكم ولا يسعد من عاداكم پس رو بر قبر
مبارک بگذار وبگو اللهم اني تعرضت بزيارتي قبر ابن اخي رسولك صلى
الله عليه واله ليجيرني من النار وعذاب الحريق في يوم تشغل فيه
الانفس بما قدمت فان ترحمني فلا خوف ولا حزن فان تعاقبني فلك

القدرة

القدرة اللهم صل على محمد واله واقض حاجاتي وتقبل دعواتي واغفر لي
وارحمني وتجاوز عن سيئاتي وسيئات والدي وصلى الله على محمد
واله الطاهرين پس روی چپ بر قبر مبارک بگذار وبگو اللهم اني اسئلك
بحق محمد المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة والحسن والحسين وعلي
بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي
بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة بن
الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليهم اجمعين فان لهم عندك
شانا عظيما ومنزلة رفيعة ان تصلي على محمد واله واعف عني و
اغفر لي وارزقني خير الدنيا والاخرة وعافني واصلح لي امر
دنياي واخرتي ولا تشمت بي عدوي وقنا عذاب الفقر وعذاب
القبر وعذاب النار وصلى الله على محمد واله اجمعين پس از نماز زیارت
وتسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وتلاوت قرآن مجید وادعیه وآداب ووداع که مکرر
مذکور شد آنچه ممکن ومقدور شود بعمل بیار ثواب زیارت حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر
علیهما السلام در شهر قم شیخ فقیه ابن بابویه در عیون وشیخ جعفر بن قولویه باسناد معتبر
روایت کرده اند از امام المشارق والمغارب مظهر العجایب والغرایب ابی الحسن علی بن موسی
الرضا علیه التحیة والثنا که پرسید از آنحضرت سعد بن سعد از زیارت حضرت فاطمه بنت
موسی بن جعفر علیهم السلام در قم آنحضرت فرمودند که هر که زیارت کند او را پس از برای اوست

بهشت عنبرسرشت ایضاً شیخ فقیه جعفر بن محمد بن قولویه بسند معتبر روایت کرده است از امام
زکی نقی حضرت امام محمد تقی علیه السلام که آنحضرت فرمودند که هر که زیارت کند عمهٔ
بزرگوارم را در قم پس از برای اوست بهشت عنبرسرشت ثواب زیارت شاهزاده واجب التعظیم
امام زاده عبد العظیم ع در ری شیخ فقیه جعفر بن محمد بن قولویه علیه الرحمه روایت کرده است بسند
صحیح از بعض اهل ری که او گفت که من رسیدم بخدمت حضرت امام علی نقی ع پس آنحضرت صلوات
الله علیه فرمودند که کجا بودی عرض کردم که بزیارت حضرت امام حسین ع رفته بودم و آنحضرت را
زیارت کردم آنحضرت فرمودند بدرستیکه هرگاه زیارت میکردی قبر عبد العظیم را که در نزد
شما است بودی تو مثل کسیکه زیارت کرده باشد حضرت امام حسین علیه السلام را مقصد دویم
در زیارت جامعهٔ پیغمبران و انبیاء سابقین علی نبینا و علیهم السلام الی یوم الدین که هر یک ازین
را بآن زیارت میتوان نمود منقول از مصباح الزائر ابن طاوس علیه الرحمه بعد از رعایت آداب
سابقه در نزد در مبارک روضهٔ منورهٔ ایشان بایست و طلب اذن کن و بگو
اَللّٰهُمَّ قَدْ وَقَفْتُ عَلیٰ بابٍ مِنْ اَبْوابِ بُیُوتِ اَنْبِیائِکَ عَلیٰ نَبِیِّنا
وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ وَقَدْ مَنَعْتَ النّاسَ الدُّخُولَ اِلّا بِاِذْنِ نَبِیِّکَ وَ
قُلْتَ یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ اِلّا اَنْ یُؤْذَنَ
لَکُمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ اَنْبِیائِکَ فِی غَیْبَتِهِمْ کَما اَعْتَقِدُ فِی
حَضْرَتِهِمْ وَاَعْلَمُ اَنَّ رُسُلَکَ وَخُلَفائَکَ اَحْیاءٌ عِنْدَکَ یُرْزَقُونَ
یَرَوْنَ مَکانِی فِی وَقْتِی هٰذا وَزَمانِی وَیَرُدُّونَ عَلیٰ سَلامِی وَاَنَّکَ

حجبت

حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِی کَلامَهُمْ وَفَتَحْتَ بابَ ذِهْنِی بِلَذِیذِ مُناجاتِهِمْ فَاِنِّی
اَسْتَاْذِنُکَ یا رَبِّ اَوَّلاً وَاَسْتَاْذِنُ رَسُولَکَ ثانِیاً صَلَواتُکَ عَلَیْهِ
وَاَسْتَاْذِنُ خَلِیفَتَکَ الْمَفْرُوضَ عَلَیَّ طاعَتُهُ فِی الدُّخُولِ فِی ساعَتِی
هٰذِهِ اِلیٰ بَیْتِهِ وَاَسْتَاْذِنُ مَلائِکَتَکَ الْمُوَکَّلِینَ بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبارَکَةِ
الْمُطِیعَةِ لِلّٰهِ السّامِعَةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الْمَلائِکَةُ الْمُوَکَّلُونَ
بِهٰذَا الْمَوْضِعِ الْمُبارَکِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاِذْنِ رَسُولِهِ
وَاِذْنِ خُلَفائِهِ وَاِذْنِکُمْ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ اَدْخُلُ هٰذَا
الْبَیْتَ مُتَقَرِّباً اِلَی اللّٰهِ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِینَ فَکُونُوا
مَلائِکَةَ اللّٰهِ اَعْوانِی وَکُونُوا اَنْصارِی حَتّیٰ اَدْخُلَ هٰذَا الْبَیْتَ وَ
اَدْعُوَ اللّٰهَ بِفُنُونِ الدَّعَواتِ وَاَعْتَرِفَ لِلّٰهِ بِالْعُبُودِیَّةِ وَلِلرَّسُولِ
بِالطّاعَةِ پس پای راست را مقدم گذار و داخل شو و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِی
سَبِیلِ اللّٰهِ وَعَلیٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَبِّ
اَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ
لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصِیراً پس صد مرتبه بگو اللّٰهُ اَکْبَرُ پس بیا نزدیک بر
با ضریح منور آن پیغمبر و در برابر روی او پشت بقبله بایست و بگو اَلسَّلامُ عَلیٰ اَوْلِیاءِ
اللّٰهِ وَاَصْفِیائِهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ اُمَناءِ اللّٰهِ وَاَحِبّائِهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ
اَنْصارِ اللّٰهِ وَخُلَفائِهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ

معادن حكمة الله السلام على مساكن ذكر الله السلام على عباد الله المكرمين
الذين لا يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون السلام على مظاهري
امر الله ونهيه السلام على الادلاء على الله السلام على المستقرين
في مرضات الله السلام على المخلصين في طاعة الله السلام على الذين
من والاهم فقد والى الله ومن عاداهم فقد عادى الله ومن عرفهم
فقد عرف الله ومن جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد
اعتصم بالله ومن تخلى منهم فقد تخلى من الله اشهد الله اني
حرب لمن حاربكم سلم لمن سالمكم مؤمن بما آمنتم به كافر بما
كفرتم به محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن بسركم وعلانيتكم
مفوض في ذلك كله اليكم لعن الله عدوكم من الجن والانس و
ضاعف عليهم العذاب الاليم پس سر بر قبر گذار و بگو السلام عليك يا نبي
رب العالمين السلام عليك يا ولي الصالحين السلام عليك
يا سيد المتقين السلام عليك يا كنز الصديقين السلام عليك
يا امان الخائفين السلام عليك يا علم المهتدين السلام عليك
ورحمة الله وبركاته وصلواته وتحياته اشهد انكم ابواب الله
ومفاتيح رحمته ومقاليد مغفرته وسحائب رضوانه ومصابيح
جنانه وحملة فرقانه وخزنة علمه وتبيانه وحفظة سره وبرهانه

ومنفذ

ومنفذي اوامره ونواهيه وامانات نبوته وودايع رسالته اشهد
انكم امناء الله واصفياؤه وانصار توحيده واركان تمجيده واشهد
يا نبي الله انك دعوت الى طاعة الله ووفيت بعهده وجاهدت في
سبيله وبلغت رسالته وان الله قد طهرك من سائر الفواحش
ما ظهر منها وما بطن اتيتك زائرا عارفا بحقك راجيا من الله
حسن الثواب بزيارتك واشهد انك نبي الله الداعي الى مرضاته
وان الله منجز لك ما وعدك پس دو ركعت نماز زيارت كن و تسبيح فاطمه زهرا عليها السلام
بجا آر و از تلاوت قرآن مجيد و ادعيه بالای سر آنچه مقدورت شود بعمل آر و سجده و آداب
مذكوره را مرعی دار و دعا و طلب آمرزش بجهت مؤمنان و دوستان خصوصاً ابوين و خويشان
و برادران بكن و هر مطلب كه داری و خواهی از درگاه حق تعالی بخواه و هرگاه قبر مبارك ايشان
در مسجدی باشد دو ركعت نماز تحيت مسجد اولاً قبل از نماز زيارت بگذار و بعد از فراغ
از اعمال مذكوره دعای حضرت امام زين العابدين عليه السلام را كه ناميده شده است بدعای
استقاله بخوان يا من برحمته يستغيث المذنبون ويا من الى ذكر
احسانه يفزع المضطرون ويا من لخيفته ينتحب الخاطئون ويا
انس كل مستوحش غريب ويا فرج كل محزون كئيب ويا عون كل
مخذول فريد ويا عضد كل محتاج طريد انت الذي وسعت كل شيء
رحمة وعلما وجعلت لكل مخلوق في نعمك سهما وانت الذي عفوه

انسانی عقابه وانت الذی تسعی رحمته امام غضبه وانت الذی
عطاؤه اکثر من منعه وانت الذی اتسع الخلائق کلهم فی وسعه
وانت الذی لا یرغب فی جزاء من اعطاه وانت الذی لا یفرط فی عقاب
من عصاه وانا یا الهی عبدک الذی امرته بالدعاء فقال لبیک و
سعدیک ها انا ذا یا رب مطروح بین یدیک وانا الذی اوقرت
الخطایا ظهره انا الذی افنت الذنوب عمره انا الذی بجهله عصاک
ولم تکن اهلا لذاک هل انت یا الهی راحم من دعاک فابلغ فی الدعاء
ام انت غافر لمن بکا الیک فاسرع فی البکاء ام انت متجاوز عمن عفر
وجهه لک تذللا ام انت مغن من شکا الیک فقره توکلا الهی لا
تخیب من لا یجد معطیا غیرک ولا تخذل من لا یستغنی عنک باحد
دونک الهی صل علی محمد وال محمد ولا تعرض عنی وقد اقبلت علیک
ولا تحرمنی وقد رغبت الیک ولا تجبهنی بالرد وقد انتصبت بین
یدیک انت الذی وصفت نفسک بالرحمة فصل علی محمد واله وارحمنی
وانت الذی سمیت نفسک بالعفو فاعف عنی فقد تری یا الهی فیض
دمعی من خیفتک ووجیب قلبی من خشیتک وانتقاض جوارحی من
هیبتک سید بن طاوس علیه الرحمة این دعا را در مصباح الزائر تا اینجا نقل نموده اما در صحیفه
کامله این دعا تتمه نیز دارد هرگاه خواهی از صحیفه کامله تا آخر آنچه در آنجا مذکور شد بخوان پس وداع

آن پیغم

آن پیغمبر حق تعالی بکن و بآدابی که مکرر مذکور شد روانه شو **مقصد سیوم** در ثواب و آداب زیارت قبور
مؤمنان علیهم الرحمة والغفران خصوصاً قبر علما و صلحا و ابوین شیخ فقیه جعفر بن محمد بن قولویه
بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که آنحضرت فرمودند که
هرگاه کسی قادر نباشد بر زیارت ما پس زیارت کند صلحای شیعیان و دوستان ما را
مینویسد حق تعالی از برای او ثواب زیارت ما را و هرگاه کسی قادر نباشد بر صله بجهت ما
پس صله و عطیه کند بر صالحان و دوستاران ما مینویسد حق تعالی از برای او ثواب صله ما را
ایضا شیخ فقیه مذکور بسند صحیح روایت کرده است از حضرت امام رضا ع که آنحضرت
فرمودند که هرکه قادر نباشد بر صله ما پس صله نماید صلحای دوستان ما را نوشته میشود از برای
او ثواب صله ما و کسیکه قادر نباشد بر زیارت ما پس زیارت کند صلحای دوستان ما را
نوشته میشود از برای او ثواب زیارت ما **ایضا** روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق
ع که آنحضرت فرمودند که رسول خدا ص عصر هر پنجشنبه بقبرستان بقیع میرفتند و میفرمودند
السلام علیکم یا اهل الدیار السلام علیکم یا اهل الدیار سه مرتبه رحمکم
الله رحمکم الله سه مرتبه پس بجانب اصحاب ملتفت گشته فرمودند که اینها
بهتر از شمایند صحابه عرض کردند که چون یا رسول الله اینها ایمان آوردند ما نیز آوردیم و جهاد
در راه حق تعالی کردند ما نیز جهاد و قیام نمودیم آنحضرت ص فرمودند که اینها ایمان آوردند
و متلبس نگردانیدند ایمان خود را بظلم و رفتند با ایمان کامل و من بر ایشان شاهدم و شما ها که
باقی میمانید بعد از من که چه چیز در دین احداث کنید بعد از آنکه من از دار فانی رحلت کرده باشم

ایضاً بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع که آنحضرت
روایت میکند از پدر بزرگوارش از پدران عالیمقدارش که حضرت امیر المؤمنین ع با اصحاب کرام خود
داخل قبرستان شدند پس ندا کردند که ای اهل خاک تیره و ای اهل غربت و ای اهل خانهای تهی
و ای اهل خیر و شر اما خبرهای آنجاییکه در نزد ماست آنست که اموال شما قسمت شد و زنان
شما بشوهر رفتند و خانهای شما را دیگران نشستند پس اخباریکه در نزد شماست چیست
پس بجانب اصحاب ملتفت گشته فرمودند که بخدا قسم که هرگاه بایشان رخصت در کلام
میدادند هر آینه در جواب میگفتند که خبر در نزد ما آنست که بهترین توشها جهة این راه
دور و دراز سفر قیامت تقوی و پرهیزکاریست ایضاً بسند معتبر روایت کرده است از حضرت
امام موسی کاظم ع که از آنحضرت پرسیدند که بمؤمن معلوم میشود کسیکه زیارت میکند قبر او را
آنحضرت فرمودند که بلی میداند و با او انس میگیرد مادامیکه در نزد قبر اوست پس چون زائر برمیخیزد
و برمیگردد از نزد قبر او داخل میشود او را از برگشتن زائر وحشتی ایضاً روایت کرده است
از حضرت امام رضا ع که آنحضرت فرمودند که هر که زیارت کند قبر برادر مؤمن را و بگذارد دست
خود را بر قبر و سورهٔ مبارکهٔ انا انزلناه هفت مرتبه بخواند ایمن باشد در روز اکبر یا در روز فزع که
روز قیامت است ایضاً روایت کرده است بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما
السلام که آنحضرت فرمودند که هر که زیارت کند برادر مؤمن را و در نزد قبر رو بقبله دست
بر قبر او گذارد و هفت مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند حق تعالی او را ایمن گرداند از فزع اکبر
ایضاً روایت کرده است از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق که از آنحضرت ع

پرسیدند

پرسیدند که چگونه گذاریم دست خود را بر قبور مسلمانان پس آنحضرت اشاره بدست خود نمود
بر زمین گذاشتند و فرمودند که همچنین و حال آنکه او مقابل قبله باشد یحتمل که مراد آن باشد
که زائر مقابل قبلهٔ قبر باشد چون در زیارات مطلقا چنانچه گذشت باید رو بروی او بود و ممکن است
که سلام و زیارت را باید رو بروی قبر کند چنانچه داب زائر است و در وقت انا انزلناه خواندن
چون طلب رحمت و آمرزش است در عقب قبر رو بقبله نماید ایضاً روایت کرده است که در بعض
کتب احادیث محمد بن سنان از فضیل روایت کرده که فضیل از معصوم بواسطه یا بیواسطه
روایت مینماید مسطور است که کسی که بخواند در نزد قبر مؤمنی سورهٔ انا انزلنا را هفت مرتبه
میفرستد حق تعالی بسوی آن مؤمن ملکی که عبادت حق تعالی کند در نزد قبر آن میت مؤمن
و نوشته میشود برای آن میت مؤمن ثواب عبادت این ملک پس چون در روز قیامت
آن میت مؤمن از قبر مبعوث شود پس نمیگذرد بر ترس و هولی از اهوال روز قیامت
مگر اینکه برمیگرداند حق تعالی از او آن ترس و هول را بسبب آن ملکی که موکل است باو و او ملک
با اوست تا اینکه داخل کند او را به بهشت عنبر سرشت و بخوان سورهٔ انا انزلنا و سورهٔ حمد و معوذتین
و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه بار و انا انزلنا را هفت بار ایضاً روایت کرده است
از عبدالله بن سنان که او میگوید که من عرض کردم بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع که
چگونه سلام کنیم بر اهل قبور آنحضرت فرمودند که بگو السَّلامُ عَلٰی اَهلِ الدِّیارِ
مِنَ المُؤمِنینَ وَالمُسلِمینَ اَنتُم لَنا فَرَطٌ وَنَحنُ اِنشاءَ اللهُ بِکُم لاحِقونَ
بسند دیگر نیز همین مضمون را از آنحضرت روایت کرده است ایضاً بسند معتبر از حضرت

امام جعفر صادق روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند که چگونه سلام کنیم بر اهل قبور آنحضرت فرمودند
که بگویید السلام علی اهل الدیار من المؤمنین والمسلمین رحم الله المستقدمین
منکم والمتاخرین وانا ان شاء الله بکم لاحقون بسند دیگر همین مضمون را از آن
حضرت روایت کرده است ایضاً روایت کرده است از حضرت امام محمد باقر ع که آنحضرت
فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه وآله چون بر قبرستان میگذشت میفرمودند السلام
علیکم من دیار قوم مؤمنین وانا ان شاء الله بکم لاحقون ایضاً بسند معتبر
از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند که چگونه سلام
کنیم بر اهل قبور آنحضرت فرمودند که بگویید السلام علی اهل الدیار من المؤمنین والمؤمنات
والمسلمین والمسلمات انتم لنا فرط وانا لکم ان شاء الله لاحقون ایضاً بسند
معتبر دیگر روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین ع گذشتند بر قبرستان پس از جاده رفتند
و رو بجانب راست کرده خطاب باموات آنطرف فرموده گفتند السلام علیکم یا اهل القبور
من اهل القصور انتم لنا فرط ونحن لکم تبع وانا ان شاء الله بکم لاحقون
پس بجانب چپ خطاب نموده فرمودند السلام علیکم یا اهل القبور من اهل
القصور انتم لنا فرط ونحن لکم تبع وانا ان شاء الله بکم لاحقون ایضاً
بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمودند که
چون بقبرستان روید باین نحو سلام بر اهل قبور کنید السلام علی اهل القبور
السلام علی من کان فیها من المؤمنین والمسلمین وانتم لنا فرط ونحن

لکم تبع

لکم تبع وانا لکم لاحقون وانا لله وانا الیه راجعون یا اهل القبور
بعد سکنی القصور ویا اهل النعمة والسرور صرتم الی القبور یا اهل
القبور کیف وجدتم طعم الموت ویل لمن صار الی النار پس رقت
وطلب آمرزش بجهت ایشان نمایید و برگردید ایضاً روایت کرده است که چون حضرت صادق ع بقبرستان
میرفتند میفرمودند السلام علی اهل الجنة ایضاً بسند معتبر روایت کرده است از
ابو المقدام که او میگوید که من در خدمت سرور سعادت حضرت امام محمد باقر ع بقبرستان بقیع
رفتیم پس گذشتیم بقبر یکی از اهل کوفه که شیعه بود پس من عرض کردم بخدمت آنحضرت که
فدای تو شوم این قبر مردی از شیعیان شماست پس آنحضرت ع در نزد آن قبر ایستاده فرمودند
اللهم ارحم غربته وصل وحدته وآنس وحشته وآمن
روعته واسکن الیه من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة
من سواک والحقه بمن کان یتولاه ایضاً بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
روایت کرده است که آنحضرت ایستادند در نزد قبر و فرمودند اللهم صل وحدته
وآنس وحشته واسکن الیه من رحمتک ورأفتک ما به یستغنی
عن رحمة من سواک **تذنیب** بدانکه واجب ولازم است اطاعت و نیکویی با
ابوین در حال حیات و ممات ایشان در هیچ وقت که باید که ایشان را فراموش
ننموده دعا وطلب آمرزش بجهت ایشان نمود خصوصاً در روضات منورات و بنیات
ایشان نماز و حج و زیارات بعمل آورد و بر سر قبور ایشان مکرر باید رفت و آنچه

لازمهٔ محبت و نیکویی است در هر باب مرعی باید داشت خصوصاً بعد از وفات که ایشان اسیر خاک
و متوقع احسانند و نیکویی با ابوین عین اطاعت حق تعالی و موجب غفران و دخول جنان و
ترک نیکویی با ایشان خصوصاً بعد از وفات مستوجب حرمان و دخول درکات نیران است
چنانچه شیخ کلینی علیه الرحمه روایت کرده است بسند معتبر از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن
محمد الصادق ع که آنحضرت فرمودند بدرستیکه مردی آمد بخدمت حضرت رسول الله ص پس
عرض کرد که یا رسول الله مرا وصیتی فرمایید آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند که شرک بخدا
عالمیان میار هرچند که سوخته شوی در آتش و عذابهای شدید بتو کنند باید که دلت بر
ایمان باشد و پدر و مادرت را اطاعت کن و نیکویی با ایشان بکن در حال حیات ایشان
و در حال ممات ایشان و هرگاه پدر و مادرت بتو امر کنند بآنکه از اهل و مالت دست
برداشته بیرون رو پس چنان کن بدرستیکه اطاعت والدین از ایمان است ایضاً
بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمودند که در
روز قیامت آید چیزی مثل شتر بزرگ پس بر میخورد به پشت مؤمن و او را داخل میکند به بهشت
عنبر سرشت پس میگویند این که نیکویی و بر با پدر و مادر است ایضاً بسند معتبر از حضرت امام
جعفر صادق ع روایت کرده است که آنحضرت فرمودند که چه چیز مانع است شما را از اینکه
نیکویی کنید با پدر و مادر خود در حال حیات ایشان و در حال ممات ایشان نماز کنید
از جانب ایشان تصدق کنید از جانب ایشان حج بیت الله کنید از جانب ایشان
و از برای ایشان پس از برای شماست مثل ثواب آن عمل و زیاد میکند حق تعالی از برای شما بسبب نیکویی

وصله که با پدر

وصله که با پدر و مادر خود کرده اید خیر بسیار ایضاً بسند معتبر روایت کرده است از معمر بن خلاد که
او گفت که عرض کردم بخدمت حضرت امام رضا ع که دعا کنم از برای پدر و مادرم هرگاه ایشان را
حق را ندانند و عارف بآن نباشند آنحضرت فرمودند که دعا کن از برای ایشان و تصدق
کن از جانب ایشان و هرگاه ایشان در حیات باشند و حق را ندانند مدارا کن با ایشان
بدرستیکه رسول خدا ص فرمودند که بدرستیکه حق تعالی فرستاد مرا بشریعتی که مشتمل است
بر رحمت و نیکویی با ابوین نه بعقوق والدین ایضاً بسند معتبر از جابر روایت کرده است که او گفت
که آمد مردی بخدمت حضرت رسول الله ص پس عرض کرد که من مرد جوان دلیری هستم و جهاد را دوست
میدارم و والده دارم که او ناخوش دارد که من به جهاد روم حضرت رسول الله ص فرمودند بازگرد که
برگرد و نزد والده ات برو قسم بآنخداوندی که مبعوث نمود مرا بحق که انس یک شبه والده ات
بتو بهتر است از یکساله جهاد در راه حق تعالی ایضاً بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده است که آنحضرت فرمودند که بدرستیکه بنده که نیکوکار باشد با پدر و مادر
در حال حیات پس ابوین او فوت شوند پس او نیز ایشان را فراموش کرده ادای قروض ایشان
ننماید و دعا و طلب آمرزش از برای ایشان نکند حق تعالی مینویسد او را عاق والدین و بدرستیکه
بنده که عاق والدین باشد در حال حیات ایشان و نیکوکار با ایشان نباشد پس چون پدر
و مادرش فوت شوند قروض ایشان را ادا کند و دعا و طلب آمرزش از برای ایشان کند
حق تعالی مینویسد او را نیکوکار و بار بوالدین احادیث درین باب بسیار است اختصار
شد حدیث آخر کافی و ثانی در مدعاست پس باید که بعد از وفات زیاده از حال حیات

اهتمام تمام در نیکوئی و دعا و طلب آمرزش و در جمیع اثواب نموده بجهة آنکه هرگاه در حال حیات نیکوکار
بوده بسبب ترک در نیوقت عاق نشود و هرگاه در حال حیوة عاق بوده حال نیکوکار و بار شود
اما بشرط اسلام والسلام خاتمه در زیارات ائمه انام علیهم السلام بنیابت برادران و
مؤمنان زیارت و سلام حضرات ائمه معصومین علیهم السلام بر پنج قسمست اول آنکه
کسی از جانب بعضی از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین بعضی دیگر را زیارت کند
و سلام از جانب او باو رساند دویم آنکه شریک گرداند جمعی را در زیارت خود چنانچه معمول شده
که در نیت زیارت میگویند که عنی و عن والدی و عن اقربائی و هر که را خواهی و شریک و داخل گرداند
سیوم آنکه زیارت کند آنحضرت را بنیابت جمعی غیر واحد مخصوص هر قدر که باشند بلکه از جانب جمیع
مؤمنین و مؤمنات زنده و مرده آزاد و بنده یک زیارت میتوان نمود چهارم آنکه زیارت کند آنحضرت
را بنیابت شخصی مخصوص مثل پدر و مادر و غیر هما حیا کان او میتا پنجم آنکه اجرت و مزد گرفته
باشد که بنیابت احدی حیا کان او میتاً آنحضرت را زیارت کند در جمیع شقوق ثواب مضاعف
بعامل و اصل و بمعمول له نیز عاید میشود اما قسم اول معلوم و محقق است که از جانب بعضی از حضرات
زیارت و سلام بر بعضی دیگر نمودن مستحسن و نیکوست چنانچه در زمان حیات امر مینموده اند و شرط
بندگی و دوست داری ایشان و دین داریست چنانچه معلوم میشود از حدیث طواف بنیابت حضرات
شیخ کلینی علیه الرحمه بسند معتبر روایت کرده است از موسی بن القاسم که او میگوید که
من عرض کردم بخدمت حضرت امام محمد تقی ع که فدای تو شوم من میخواهم که از جانب تو و پدر
عالیمقدارت حضرت امام رضا ع را طواف کنم لیکن بعضی بمن میگویند که از جانب ائمه هدی و

اوصیای رسول خدا

وقف روضه رضویه

اوصیای رسول خدا طواف نمیتوان نمود آنحضرت فرمودند که طواف بکن از جانب ما هر قدر که ممکنت
شود پس بدرستی که این جایز است پس عرض کردم بخدمت آنحضرت بعد از سه سال که بدرستیکه من
از شما رخصت گرفتم در طواف از جانب شما و پدر عالیمقدار شما و شما بمن رخصت دادید
پس از جانب شما هر دو طواف کردم آنقدر که حق تعالی میخواست پس افتاد بدلم چیزی و کردم آنرا
آنحضرت فرمودند که آن چه بود عرض کردم که یک روز از جانب حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
طواف کردم آنحضرت فرمودند که صلی الله علی رسول الله صلی الله علیه و آله سه مرتبه روز دویم از
جانب حضرت امیر المؤمنین ع طواف کردم روز سیم از جانب حضرت امام حسن ع روز چهارم
از جانب حضرت امام حسین ع روز پنجم از جانب حضرت امام زین العابدین ع روز ششم از جانب حضرت
امام محمد باقر ع روز هفتم از جانب حضرت امام جعفر صادق ع روز هشتم از جانب پدرت حضرت
امام موسی کاظم ع روز نهم از جانب پدرت حضرت امام رضا ع روز دهم از جانب تو ای سید
و آقای من و اینها ائمه اند که من بندگی و پرستش میکنم حق تعالی را بدوستی و ولایت ایشان
آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه فرمودند که حالا بندگی میکنی حق تعالی را بدین آئینیکه قبول میکند حق تعالی
بندگان را بغیر آن من عرض کردم که گاه از جانب والده ات فاطمه زهرا ع طواف میکنم و گاه نمیکنم
آنحضرت فرمودند که از جانب آنحضرت بسیار طواف کن پس بدرستیکه از جانب حضرت
فاطمه زهرا صلوات الله علیها طواف کردن افضل است از برای تو از آنچه میکنی انشاء الله و ثواب
و آداب بقیه اقسام از ده حدیث که ذکر میشود معلوم است حدیث اول شیخ کلینی علیه الرحمه
روایت کرده است از معویه بن عمار که او میگوید که من عرض کردم بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع که

شریک میتوانم کرد پدر و مادرم را در حجی که بجهت خود بجا می آورم آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که
بلی عرض کردم که شریک میتوانم کرد برادران و خواهرانم را آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که بلی بدرستیکه
حق تعالی میگرداند از برای تو ثواب حج و از برای ایشان نیز ثواب حجی و از برای تو اضافه میشود بر ثواب
حجت اجر و مزد صله و مهربانیت با ایشان عرض کردم که طواف میتوانم کرد از جانب مردی و زنی که در
کوفه اند آنحضرت فرمودند که بلی و بگو در اول وقتی که شروع بطواف میکنی اللّهمّ تقبّل من فلان
بگو اسم آنکسی را که طواف میکنی از جانب او و هرگاه خواهی فارسی بگو خداوندا قبول کن این طواف
یا این زیارت یا این نماز یا آنچه را که میکنی از جانب فلان شخص حدیث دوم شیخ کلینی علیه الرحمه
روایت کرده است از اسحق بن عمار که او گفت که پرسیدم از حضرت امام موسی کاظم ع از مردی که
حج میکند پس میگرداند حج و عمره اش را یا بعضی از طوافش را از برای بعضی از اهلش و آن شخص در شهر
دیگر است و از و غایب است پس عرض کردم که از مزد و ثواب این مرد چیزی کم میشود آنحضرت فرمودند
که نه ثواب حج تمام از برای اوست و از برای آنکس نیز هست و اضافه میشود از برای او ثواب دیگر بسبب صله
و مهربانیکه کرده است عرض کردم که آن شخص مرده است آیا این ثواب بآن میت میرسد آنحضرت
صلوات الله علیه فرمودند که بلی حتی اینکه میشود که آن میت مغضوب علیه باشد و باین سبب حق تعالی
او را بیامرزد و یا اینکه بتنگی و فشار قبر گرفتار باشد و باین سبب وسعت و گشادگی باو مرحمت شود
عرض کردم که آیا آن میت در آن مکانی که است معلوم میشود که بدرستیکه عمل خیری باو رسید که
باعث آمرزش و توسعه او شد آنحضرت ع فرمودند که بلی عرض کردم که هر چند که آن میت ناصبی هم
باشد نفع باو میرسد آنحضرت ع فرمودند که بلی موجب تخفیف در عذاب او میشود حدیث سیوم

شیخ کلینی

شیخ کلینی علیه الرحمه بسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام موسی کاظم ع که آنحضرت
فرمودند که فرمود حضرت امام جعفر صادق ع که هرگاه شریک کنی هزار کس را در حجت از برای هر یک ثواب
حجی عطا میشود بدون اینکه از ثواب حج تو چیزی کم شود حدیث چهارم شیخ کلینی علیه الرحمه بسند معتبر
روایت کرده است از محمد بن اسمعیل که او میگوید که من عرض کردم بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع
که تا چند نفر را شریک میتوانم کرد در حجم آنحضرت فرمودند که هر قدر که خواهی حدیث پنجم شیخ کلینی علیه الرحمه
روایت کرده است از ابراهیم حضرمی که او گفت که من چون از زیارت بیت الله الحرام برگشتم و
وارد مدینه طیبه شدم در مسجد مدینه طیبه بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع رسیدم و آنحضرت ما بین
قبر و منبر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود پس عرض کردم که یا ابن رسول الله ص
بدرستیکه چون عزم باراده زیارت بیت الله الحرام بیرون می آیم مردمان بسیار هر یک بمن میگویند
که از جانب من هفت شوط طواف و دو رکعت نماز طواف بجا آر و من از عهده این بر نمی توانم آمد
و چون برگردم نمیدانم که بهر یک از ایشان چه جواب گویم آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که چون
بمکه معظمه بری و از مناسک خود فارغ شوی هفت شوط طواف بیت الله الحرام کن و دو رکعت نماز
طواف بجا آر و بعد از آن بگو اللّهمّ انّ هذا الطّواف وهاتین الرّکعتین
عن ابی وامّی وعن زوجتی وعن ولدی وعن حامّتی وعن جمیع
اهل بلدی حرّهم وعبدهم وابیضهم واسودهم پس نیت که خواهی بگو بمردی
که من از جانب تو طواف بیت الله الحرام و دو رکعت نماز طواف کردم راست است و چون بمدینه
مشرفه آیی و آنچه بر تو واجب و لازم است بجا آوری پس دو رکعت نماز بکن پس بیا نزد بالای سر مبارک

حضرت رسول الله صلعم بایست و بگو السَّلامُ عَلَیکَ یا نَبِیَّ اللهِ مِن اَبِی و اُمِّی و زَوجَتی
و وَلَدِی و جَمیعِ حامَّتِی و مِن جَمیعِ اَهلِ بَلَدی حُرِّهِم و عَبدِهِم و اَبیَضِهِم
و اَسوَدِهِم پس بنشین که خواهی بگویی بمردی که من رسانیدم بحضرت رسول الله صلعم سلام تو را اگر راست
حدیث ششم شیخ کلینی علیه الرحمه بسند معتبر روایت کرده است از عمر بن الیاس که او گفت که من با
پدرم بحج بیت الله الحرام رفتیم و من نو حج بودم پس گفتم که من دوست میدارم که ثواب حج خود را
بمادرم هدیه کنم و بدرستیکه او فوت شده پدرم گفت بمن که صبر کن تا اینکه بپرسم از برای تو
از حضرت امام جعفر صادق ع پس عرض کرد پدرم بخدمت آنحضرت و من میشنیدم که فدای تو شوم
بدرستیکه این پسر من نو حج است و مادرش فوت شده است و دوست میدارد اینکه بگرداند حج خود
را از برای مادرش پس آیا جایز است پس آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه فرمودند که ثواب
یک حج از برای او و ثواب یک حج از برای والده اش نوشته میشود و از برای او ثواب صله و نیکوئی با مادر
نیز نوشته میشود و حدیث هفتم شیخ کلینی علیه الرحمه روایت کرده است بسند معتبر که حارث بن مغیره
عرض کرد بخدمت امام جعفر صادق ع که پدر و مادرم فدای تو باد من دختری دارم که بکار و بار من حضرت
او میرسد پس میخواهم که حجم را بگردانم از برای او آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه فرمودند
که بدان بدرستیکه از برای اوست مزد و ثواب حج و میباشد از برای تو نیز مثل آن ثواب
و کم نمیشود از مزد و ثواب او چیزی حدیث هشتم شیخ کلینی علیه الرحمه روایت کرده است که
آنحضرت فرمودند بکسیکه حج میکرد از جانب اسمعیل پسر آنحضرت که از برای تو است
نه ثواب و از برای اوست یک ثواب و حدیث نهم مرویست از حضرت امام جعفر صادق ع که

فرمودند

فرمودند که کسیکه حج کند از جانب مردی حق تعالی عطا میکند بآن عامل ثواب ده حج و می آمرزد او را و پدر [illegible]
او را و مادر او را و پسر او را و دختر او را و برادر او را و خواهر او را و عموی او را و عمه او را و خالوی او را
و خاله او را حدیث دهم شیخ کلینی علیه الرحمه روایت کرده است که امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق
علیه السلام فرمودند که کسیکه صله و مهربانی کند با پدرش یا با خویش نسبی پس از جانب او طوافی بجا
آورد مزد کامل طواف با و عطا میشود و بکسی که از جانب او بجا آورده است مثل این مزد و ثواب
داده میشود و بسبب صله و مهربانی که کرده است اضافه ثواب یک طواف دیگر هم باین داده
میشود و کسیکه حج بجا آورد و آن حج را هدیه و صله بذی قرابت خود کند ثواب حج کامل باو عطا
میشود و بآنکس نیز مثل ثواب او داده میشود بدرستیکه حق جل و علا واسع است از برای این
و در تهذیب باب ششم ثواب نیکوئی و بر والدین قدری مذکور شد اختصار باحادیث
مذکوره در این مختصر نموده سید بن طاوس در کتاب مصباح الزائر ذکر کرده است که هرگاه خواهی
که یکی از ائمه هدی علیهم السلام را از جانب جمیع برادران مؤمن زیارت کنی پس زیارت کن
آنحضرت را ببعضی از زیارات مطلقه و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بگذار و بگو
اَللّٰهُمَّ اِنّی زُرتُ هٰذِهِ الزِّیارَةَ وَ صَلَّیتُ هاتَینِ الرَّکعَتَینِ وَ جَعَلتُ
ثَوابَهُما لِجَمیعِ اِخوانِی المُؤمِنینَ وَ المُؤمِناتِ وَ لِجَمیعِ مَن اَوصانی بِالزِّیارَةِ
وَ الدُّعاءِ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّل ذٰلِکَ مِنّی وَ مِنهُم بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ و
بعد از آنکه این عمل را بجا آورده باشی اگر بعض ایشان بگویی که من از جانب تو زیارت و سلام کردم
و نماز گذاردم راست گفته خواهی بود و چون خواهی که از جانب شخص مخصوصی زیارت کنی بعد از زیارت

زیارت بنیابت او بگو السلام علیک یا ولی الله من فلان بن فلان اتیتک
زائرا عنه فاشفع له عند ربک واجرنی على ذلک پس دو رکعت نماز زیارت
بنیابت او بگذار و بگو اللهم لک صلیت ولک رکعت ولک سجدت لا
لا ینبغی الصلوة والرکوع والسجود الا لک اللهم وقد جعلت ثواب
سلامی وزیارتی وصلواتی هاتین الرکعتین هدیة منی الى فلان بن
فلان فتقبل منی ومنه واجرنی علیه انک على کل شیء قدیر و چون از جانب ذلک
شخص نایب باشی در زیارت و خواهی که اختصاری در آن کنی کافیست ترا اینکه بعد از نیت زیارت
از جانب الشخص زیارت کنی آن امام را بیکی از زیارات مخصوصه باو و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت
بگذاری و بگویی اللهم ما اصابنی من تعب او نصب او سغب او لغوب فاجر
فلان بن فلان علیه واجرنی فی نیابتی عنه السلام علیک یا مولای
عن فلان بن فلان اتیتک زائرا عنه فاشفع له ولی عند ربک و
دعا کن آن شخص و سایر مؤمنان را و در وقت وداع نیز همان عمل را بعمل بیار و چون از جانب شخص نایب
باشی در زیارت امامی و در آن نیابت زیارت اجرت گرفته باشی و خواهی که زیارت مبسوط و تمام ادا نمایی پس چون عزم این عمل در بلد خود این دعا بخوان بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
نعوذ بک ان نبیع الدین بالدنیا او نستبدل الظلمة بالضیاء او نختار
الاعداء على الاولیاء اللهم فاجعلنا مع محمد وال محمد فی الدنیا و
الاخرة واجمع الدنیا والاخرة لنا برحمتک فقد علمت قلة صبرنا على الفقر

پس غسل کن و دو رکعت نماز سفر بگذار و بگو اللهم انی ارید زیارة ولی الله عن و وقت دو رکعت نماز
فلان بن فلان وانت تعلم یا رب ان الفقر والفاقة حملنی على ان
ازور عنه غیر بائع منه دینی ولا مؤثرا له على طاعتی لک ولولا انک
بفضل رحمتک اذنت ان ازور عنه لما زرت عن سوای ولصبرت
على الفقر والفاقة والمسکنة اللهم فتقبل ذلک منی وحقق ظنه
واجرنی فی زیارتی عنه ولا تخیب رجاءه فی وحقق امله فانه انما
وجهنی فی هذا الوجه طلبا لمرضاتک وتقربا الیک اللهم فاعط
سؤله وبلغنی ما توجهت له واستودعک الیوم نفسی ودینی وخواتیم
عملی وولدی ووالدی الشاهد منا والغائب وجمیع اهل خزانتی
وما ملکتنیه اللهم احفظنا واحفظ علینا واجعلنی وایاهم فی ودائعک
التی لا تضیع واصرف عنی وعن رفقائی فی طریقی کل محذور حتی تردنی
الى وطنی ظافرا بما اتوقعه فی هذا القصد من قبولک زیارتی عن
فلان بن فلان واعطائک ایاه مأموله و از ادعیه سفر آنچه میسر باشد بخوان
پس روانه شو بجانب مشهد مزور و چون بآنجا رسیدی غسل زیارت کن و در وقت غسل بگو اللهم
انی اغتسلت هذا الغسل عن فلان بن فلان فاجعله له نورا وطهورا
وحرزا وشفاء من کل داء وسقم ومن کل افة وعاهة ومن شر ما یخاف
ویحذر وطهر قلبه وجوارحه وعظامه ولحمه ودمه وشعره ولبشره

ومحنه وما اقلّت الارض منه واجعله له شاهداً يوم فقره اليه وحاجته
واجرني على ذلك وطهّرني من الذنوب پس جاءه پاکیزه بپوش وسنّت است که آنجا را از
کسی باشد که بنیابت او زیارت میکنی پس با سکینه ووقار تهلیل وتمجید کویان بجانب قبهٔ مزور
شتابان شو وچون بدر قبّه رسی بکو اللّهمّ هذا باب يشرع الى قبر فيه باب يمن
اللهمّ فكما فتحته على فلان ورزقته انفاذي اليه فلا تغلقنّ ابواب
توبتك عنه واعصمه من الذنوب اللّهمّ وانّ لك في كلّ يوم الى زوّار
هذا المكان لحظات تنيلهم فيها رحماتك فحقّق على نفسك وبحقّ
اوليائك عليك صلّ على محمّد وال محمّد واجعل فلان بن فلان كالشاهد
لهذا المكان في نيل بركاتك ورحمتك پس داخل قبّه شو وبکو الحمد لله الذي
جعلني من عمّار مساجده اللّهمّ صلّ على محمّد وال محمّد واختم عمل فلان
بن فلان باحسنه ولا تزغ قلبه بعد اذ هديته وهب له من لدنك
رحمة انّك انت الوهّاب وطلب کن از برای خود هر مطلب که خواهی پس متوجه قبله شو و تسبیح
فاطمه زهرا علیها السلام بجا آر وبکو اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شريك له واشهد
انّ محمّداً عبده ورسوله واشهد انّ عليّاً عبد الله واخو رسوله
اللّهمّ صلّ على محمّد وال محمّد پس برو تا بالای سر مزور ودر آنجا بکو اللّهمّ انّي
اشهدك واشهد ملائكتك انّي اسلّم على اهل بيت النبوّة عن فلان
بن فلان فانّه وجّهني الى هذا الموضع الشريف عن غير استكبار منه

لقصده

لقصده والتسليم عليه وتقليب وجهه على هذه التربة الّا انّ اشغالاً
صدّته وعوائق منعته فوجّهني لاسلّم عليه وعلى جميع الائمّة
المرضيّين اللّهمّ انت عالم انّ فلان بن فلان يشهد ان لا اله الّا
الله وحده لا شريك له وانّ محمّداً عبده ورسوله وانّ عليّاً امير
المؤمنين والائمّة من ولده ائمّته وسادته يتولّاهم ويتبرّأ من
اعدائهم اللّهمّ انّي اسلّم عن فلان بن فلان على وليّك فبلّغه عنه
السلام عليك يا وليّ الله انّي اسلّم عليك يا حجّة الله السلام عليك
يا نور الله في ظلمات الارض السلام عليك يا امام المؤمنين ووارث
علم النبيّين آدم ومن دونه من الانبياء والمرسلين والاوصياء
والمؤمنين پس سر بر قبر منور یا ضریح مبارک بکذار وبکو اتيتك بابي انت
وامّي زائراً لك وافداً اليك عن فلان بن فلان متوجّهاً بك الى
الله فاشفع له عند الله فقد قصدك هارباً من ذنوبه راجياً
الخلاص من عقوبة ربّه يا وليّ الله كن لفلان بن فلان شافعاً
واقض حاجته في دنياه وعقباه پس سر از قبر بردار ودو رکعت نماز زیارت
بکذار وبکو اللّهمّ انّي اسئلك بحقّ نبيّك المصطفى وعليّ المرتضى و
فاطمة الزهراء وبحقّ الحسن والحسين وعليّ بن الحسين ومحمّد بن
عليّ وجعفر بن محمّد وموسى بن جعفر وعليّ بن موسى ومحمّد بن عليّ

وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة بن الحسن الخلف الصالح سمي
نبيك احفظ فلان بن فلان من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه
وعن شماله واصرف الاسواء عنه واعطه امنيته وخاصة
الحاجة التي يريد قضاءها منك في زيارتي هذه قبر وليك
يا ارحم الراحمين ودر محل وداع الحضرت بنيابت الشخص عمل كنن وزيارت كنن اورا
بيكى از زيارات مخصوصه باو وبعد ازان بكو اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا
واشهد هذا الامام صلواتك عليه ان فلان بن فلان ائتمنني
وسالني ان ازور عنه قبر مولاه ومولاى وادعوا له عند قبره و
اشهدك اني اديت الامانة وبذلت المجهود وزرت عنه قبر
وليك ولم اشرك في زيارتي عنه احدا من خلقك فاقبل ذلك منه
واحشره في زمرة محمد وال محمد واورده حوضهم واجعله من حزبهم
ومكنه في دولتهم وافلح حجته وانجح طلبته اللهم صل على
محمد وال محمد وابلغ ارواحهم واجسادهم عن فلان بن فلان السلام
في هذه الساعة واجرني في زيارتي عنه يا ارحم الراحمين وبز بكو
اللهم ان فلان بن فلان اوفدني الى مولاه ومولاى لازور عنه
رجاء لجزيل الثواب وفرارا من سوء الحساب اللهم انه يتوجه
اليك باوليائك الدالين عليك في غفرانك ذنوبه وحط سيئاته

ويتوسل بهم عند مشهد امامه صلواتك عليه اللهم فتقبل منه و
اقبل شفاعة اوليائك صلواتك عليهم فيه اللهم جازه على حسن
نيته وصحيح عقيدته وصحة موالاته احسن ما جازيت احدا من
عبيدك المؤمنين وادم له ما خولته واستعمله صالحا فيما اتيته
ولا تجعلني اخر وافد له يوفده اللهم اعتق رقبته من النار واوسع
عليه من رزقك الحلال الطيب واجعله من رفقاء محمد وال محمد
وبارك له في ولده واهله وماله وما ملكت يمينه اللهم صل على
محمد وال محمد وحل بينه وبين معاصيه حتى لا يعصيك واعنه
على طاعتك وطاعة اوليائك حتى لا تفقده حيث امرته ولا تراه
حيث نهيته اللهم صل على محمد وال محمد واغفر له وارحمه واعف عنه
وعن جميع المؤمنين والمؤمنات اللهم صل على محمد واله واعذه من افواه
المطلع ومن فزع يوم القيمة وسوء المنقلب ومن ظلمة القبر ووحشته
ومن مواقف الخزي في الدنيا والاخرة اللهم صل على محمد وال محمد
واجعل جائزته في موقفي هذا غفرانك وتحفته عند امامي هذا
ان تقيل عثرته وتقبل معذرته وتتجاوز عن خطيئته وتجعل
التقوى زاده وما عندك خيرا له في معاده وتحشره في زمرة محمد
واله وتغفر له ولوالديه فانك خير مرغوب اليه واكرم مسئول اعتمد

العباد عليه اللهم ولكل موفد جائزة ولكل زائر كرامة فاجعل جائزتى
فى موقفى هذا غفرانك والجنة له ولى ولجميع المؤمنين والمؤمنات
اللهم وانا عبدك الخاطى المذنب المقر بذنبه فاسئلك يا الله
بحق محمد وال محمد ان لا تحرمنى بعد ذلك الاجر والثواب من فضل
عطائك وكرم تفضلك پس بلند كن دستها را بسوى آسمان رو بقبله و بگو
يا مولاى يا امامى عبدك فلان بن فلان اوفد فى زائر المشهد
يتقرب الى الله عز وجل بذلك والى رسوله واليك يرجو بذلك
فكاك رقبته من النار ومن العقوبة فاغفر له ولوالديه ولجميع
المؤمنين والمؤمنات يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله
لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلى العظيم اسئلك
ان تصلى على محمد وال محمد وان تستجيب لى فيه وفى والدى وفى
جميع اخوانى واخواتى وولدى واهلى بجودك وكرمك يا ارحم
الراحمين.

كتبه العبد الفقير المحتاج الى رحمة ربه الغنى مراد على ولد ملا حسنعلى
بغايرى

تمت الكتاب بعون الملك الوهاب فى سلخ شهر رمضان المبارك من شهور سنة ۱۲۰۳

اللهم وفقنا لما تحب وترضى بحق محمد المصطفى وعلى المرتضى وعلى بن موسى الرضا

بازبینی شد
۱۳۷۱ش

کتابخانه آستان قدس
موزه خطی

سال ۱۳۴۸

نسخه

[illegible]

تحفة الرضا

کتابخانه آستان قدس

[illegible]

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد

[illegible]

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد
سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد